

اشتغال معلولان در استان قم

به کوشش

مریم قاسمی، مسعود باقری



دفتر فرهنگ معلولین
دارالفلسفة للمعوقین
Handicap Cultural Center



دفتر فرهنگ معلولین
دارالثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

اشتغال معلولان در استان قم

به کوشش: مریم قاسمی، مسعود باقری

زیر نظر: محمد نوری

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ - فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ - همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , info@handicapcenter.com

فهرست

پیشگفتار.....	۵
فصل اول: وضعیت سنجی	۹
راهنمای وضعیت موجود.....	۱۱
راه‌های ایجاد اشتغال.....	۱۳
دستورالعمل آماده‌سازی شغلی جامعه هدف.....	۲۳
نتیجه اجرای برنامه.....	۳۳
فصل دوم: گفت‌وگو	۳۹
اشتغال‌زایی برای معلولان توسط اداره بهزیستی استان قم.....	۴۱
راه کار برای ایجاد اشتغال.....	۶۱
فصل سوم: پیشینه	۷۳
مرحوم احمد پوستچی بنیانگذار آموزش و پرورش معلولیتی قم.....	۷۵
کانون ناشنوایان قم.....	۷۸
فصل چهارم: مراکز و نهادهای دولتی	۸۹
سازمان ملی رفاه.....	۹۱
تاریخ تحولات اشتغال معلولین.....	۹۲
اداره کل بهزیستی.....	۱۰۳
بهزیستی در قم.....	۱۰۳
تأسیس و تاریخ تحولات اداری.....	۱۰۸
اشتغال و بهزیستی.....	۱۲۷
آموزش و پرورش.....	۱۲۹
ورزشی.....	۱۳۶

۱۴۵	فصل پنجم: مراکز مردمی ویژه معلولان
۱۴۷.....	مهارت‌آموزی و توانبخشی ذهنی و روانی.....
۱۶۱.....	مهارت‌آموزی جسمی و حرکتی.....
۱۷۱.....	آتیسیم.....
۱۷۳.....	ناشنوایی.....
۱۷۷.....	آموزشی و فرهنگی.....
۱۸۱.....	علمی و اطلاع‌رسانی.....
۱۸۷.....	مشاوره.....
۱۹۱.....	خدمات اجتماعی.....
۱۹۴.....	مذهبی.....

۱۹۷	فصل ششم: شخصیت‌های موفق
۱۹۹.....	هنر.....
۲۱۷.....	آموزش و پرورش و کامپیوتر.....
۲۲۶.....	امور مذهبی و اجتماعی.....
۲۴۸.....	ورزش.....
۲۹۶.....	پزشکی، توانبخشی و مشاوره.....
۲۹۹.....	امور علمی و فرهنگی.....
۳۱۹.....	فعالیت عمومی.....

۳۲۹	پیوست
۳۳۱.....	ظرفیت‌ها و توانمندی‌های قم.....
۳۳۱.....	شهر و استان قم.....
۳۳۳.....	دریاچه قم.....
۳۳۴.....	رودخانه قُمرود.....
۳۳۴.....	منطقه قُمرود.....
۳۳۵.....	قم شهر تاریخی و مذهبی.....
۳۸۵.....	نتیجه‌گیری.....

پیشگفتار

پس از اینکه سال ۱۳۹۶ توسط مقام معظم رهبری، سال اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال نامگذاری شد، دفتر فرهنگ معلولین، تحقیقات و پروژه‌های درباره اشتغال را جلو انداخت. به دلیل اهمیت اشتغال در «جامعه هدف» از سال ۱۳۹۱، کارهایی در این باره، در دفتر فرهنگ معلولین شروع شده بود. در سال ۱۳۹۵ تمام فعالیت‌های پژوهشی و علمی درباره اشتغال جمع‌آوری و قرار شد در هشت جلد منتشر گردد. این هشت عنوان عبارت‌اند از:

- ۱- جمع‌آوری آمارهای معلولین در زمینه شغل و اشتغال و انتشار آنها روی سامانه اینترنتی.
 - ۲- رونق بخشیدن به اشتغال پژوهی معلولین و انتشار کتاب، مقاله و انواع محصولات فرهنگی در این باره.
 - ۳- تدوین گستره و نظام مشاغل معلولان و مشاغل متناسب با آنان.
 - ۴- فرهنگ‌سازی و الگوپردازی و ارائه مستندات برای اثبات توانایی انجام بسیاری از مشاغل
 - ۵- مهارت‌افزایی و آموزش معلولان برای ارتقای دانش و تخصص آنها.
 - ۶- انتقال تجارب و دانش کشورهای مدرن در این زمینه.
 - ۷- بهره‌گیری و استفاده از ظرفیت‌های مردمی با توجه مردم.
 - ۸- ایجاد سامانه‌های خودگردان برای تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادها، تا به روش خودجوش، اشتغال‌زایی و درآمدزایی داشته باشند، مثل تأسیس بانک اطلاعات، تأسیس بازارچه‌ها و هنر سرا و هنرکده‌ها، راه‌اندازی حراجی‌ها.
- همه این پروژه‌ها زیربنایی است و انجام آنها راه را برای اجرای طرح‌های دیگر باز می‌کند. اما با اعلام سال تولید و اشتغال توسط مقام معظم رهبری،

مطالعات جدیدتری انجام یافت و موضوعات دیگر زیر هم بررسی شد و در دستور کار قرار گرفت:

- ۱- انتشار وضعیت اشتغال معلولان استان‌ها به تفکیک
- ۲- مجموعه مقالات منتشر شده
- ۳- مجموعه طرح‌ها
- ۴- مجموعه مصاحبه‌ها
- ۵- فرهنگنامه سمینارها و نشست‌ها
- ۶- فرهنگنامه تشکل‌ها و مراکز معلولیتی
- ۷- دیدگاه‌ها درباره اشتغال
- ۸- اسناد و مدارک

در مجموع شانزده دفتر اشتغال در دستور کار داریم تا کنون یک دفتر منتشر شده است. این دومین دفتر است. در صورت حمایت، تمامی ۱۶ جلد در سال ۹۶ منتشر خواهد شد. هر چند کار سنگین و بسیار پر مانع است ولی امید هست با همت و بلند نظری همکاران این طرح عملیاتی شود.

هدف این است تمام اطلاعات و اسناد و مدارک و منابع علمی مورد نیاز پژوهشگران و مدیران و تصمیم‌سازان در قالب این مجلدات منتشر گردد و مشکل فقدان منبع کاملاً زایل گردد. تا در سنوات بعد پژوهشگران و مدیران با جدیت اقدام به برنامه‌ریزی نمایند.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که اشتغال قبل از هر چیز نیاز به الگو و برنامه‌ریزی دارد. اما برای طرح الگو و تدوین برنامه بلند مدت و کوتاه مدت لازم است کشورهایی که در این زمینه موفق بوده‌اند مطالعه گردد؛ دوم موانع موجود در فرهنگ خودی هم بررسی شود؛ سوم فرهنگ ملی و دینی مردم ایران تجزیه و تحلیل شود و عناصر مؤثر در اشتغال استخراج گردد؛ بالاخره پس از سه مطالعه فوق خط‌مشی و برنامه جامع تدوین و در اختیار عموم قرار گیرد. بنابراین چهار فرایند مطالعاتی و پژوهشی خواهیم داشت.

کشور ژاپن پس از اینکه بمب اتم آمریکایی همه شهر هیروشیما را نابود کرد، به مدت ده سال هیروشیما را مثل اول با همان رونق و کارایی ساخت. آلمان، فرانسه

و دیگر کشورهای اروپایی پس از جنگ دوم جهانی به مدت هفت سال شهرهایی مثل فرانکفورت که کاملاً تخریب شده بود را ساختند و کار و اشتغال مردم را هم رونق بخشیدند. در مطالعه اول، به سراغ این کشورها می‌رویم و بررسی می‌کنیم چکار کردند و به چه روشی توانستند تولید و اشتغال را به خوبی چاره‌سازی و تدبیر نمایند.

در مطالعه دوم به سراغ وضعیت جامعه خودمان می‌رویم، آمار مرکز اشتغال‌زا می‌آوریم و موانع موجود را بررسی می‌کنیم. سومین مطالعه مربوط به آیین و دین مردم است و بررسی عناصری مثل تصوف که مانع اشتغال است. پس از تکمیل مطالعات سه گانه فوق به تدوین خط‌مشی نهایی می‌پردازیم.

اما دفتر حاضر که درباره وضعیت اشتغال معلولان در قم است و بدون همکاری بهزیستی استان قم به نتیجه نمی‌رسید. لازم است از خانم زیباییان و خانم خورشید تشکر کنیم. این بزرگواران به خوبی همکاری کرده و اطلاعات و تحلیل‌های سودمندی ارائه فرمودند. بر خلاف بعضی مدیران که موانع بسیار مطرح می‌کنند تا گفت‌وگو و عرضه اطلاعات نداشته باشند. همچنین خانم مریم قاسمی و آقای مسعود باقری در تدوین و آماده‌سازی این دفتر بسیار کوشیدند و لازم است از آنان تشکر شود.

در پایان لازم است از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی تشکر کنیم که زمینه اینگونه تحقیقات را فراهم آوردند. از پژوهشگران و نخبگان که با نقدها و نظریات خود به کیفیت طرح کمک کرده‌اند تشکر می‌نماییم.

فصل اول: وضعیت سنجی

همانطور که راننده یک خودرو بدون دیدن پشت سر از طریق آینه و توجه به اطرافش نمی‌تواند به سمت جلو پیش برود، در باب مسائل اجتماعی بدون مطالعه پیشینه و عقبه تاریخی یک مسئله و نیز بدون سنجیدن و مطالعه وضعیت موجود نمی‌توان طرحی برای پیشرفت ارائه کرد. برای مطالعه اشتغال در قم هم مجبور هستیم گذشته و وضع حال را مطالعه کنیم. از این رو از سازمان بهزیستی و اداره کل بهزیستی استان قم درخواست سوابق موضوعات مرتبط به اشتغال معلولان قم شد، ولی مثل دفعات سابق گفته شد، چیزی در بایگانی ندارند. از مدیریت محترم این بخش، پرسیده شد آیا تجارب گذشته در زمینه اشتغال را دارید و آماری در اختیار هست؟ پاسخ منفی بود. البته شاید اشکال، متوجه مدیریت محترم و حتی ریاست سازمان و ریاست اداره کل نباشد. زیرا این مشکل ریشه در وظایف سازمانی آنان دارد. یعنی چنین وظیفه‌ای برای این مدیریت‌ها لحاظ نشده است.

اما به خاطر فقدان پیشینه و نداشتن تجزیه و تحلیل از وضعیت حاضر، معمولاً برنامه‌ریزی‌ها برای آینده، جامع و کارآمد نیست. به هر حال این فصل درصدد است اطلاعاتی از گذشته و حال اشتغال معلولان استان قم عرضه کند. مطالب این فصل متکی بر دریافت‌هایی است که به صورت جزوه از بخش اشتغال اداره کل بهزیستی استان قم دریافت کردیم.

راهنمای وضعیت موجود

از اداره کل بهزیستی استان قم تقاضا و خواهش کردیم، مطالب، کتاب، مقاله و هر آنچه درباره اشتغال معلولان استان قم دارند در اختیار ما بگذارند تا بر اساس آنها به تجزیه و تحلیل این موضوع بپردازیم. دو جزوه، یکی حدود ۱۰ صفحه و دیگری حدود ۳۵ صفحه مرجمت کردند؛ همین جا لازم است از همکاری خوب مدیریت بخش اشتغال این اداره تشکر نماییم.

هدف ما این بود که بدانیم:

۱- بهزیستی استان در زمینه اشتغال معلولان در گذشته چه اقداماتی داشته و از شروع به کار در سال ۱۳۹۵ تا کنون چه اطلاعاتی دارد؟

آیا عدد و رقم‌ها نشان می‌دهد تعداد شاغلین و اشتغال‌زایی کمتر شده یا بیشتر؟

۲- چه تجاربی از گذشته به صورت مکتوب هست؟ در چه مواردی خوب عمل شده و اقدامات بهزیستی نتیجه بخش بوده است؟ در چه مواردی احتمالاً نتیجه نداده یا ضعیف بوده و چرا؟

۳- آمارها نشان می‌دهد در یک سال اخیر، نسبت به سنوات گذشته، اشتغال کمتر شده یا بیشتر؟ علل و عوامل آن چیست؟

۴- طرح‌ها برای آینده چیست و این طرح‌ها مبتنی بر چه آموزه‌ها یا تجاربی بنا شده است؟ چه ارتباطی به تعالیم دینی دارد؟

اما این جزوات اطلاعات زیاد درباره پرسش‌های فوق نمی‌داد. شاید در همه ادارات این مشکل هست که کارمندان به جمع‌آوری تجارب گذشته و آمارها نمی‌پردازند و تلاش نمی‌کنند از هر اقدام و هر اجرا، تجربه‌آموزی نمایند و همه این موارد را ثبت و ضبط نمود. و در اختیار مدیران بعدی قرار دهند. بالاخره هر چه تلاش کردیم که اطلاعات و تحلیل از گذشته و حتی از حال به دست آوریم، جز در مواردی که عرضه خواهیم کرد، در همه موارد موفق نشدیم.

از طرف دیگر اگر خود دفتر فرهنگ معلولین یا هر پژوهشگری بخواهد مستقلاً اقدام کند و به مناطق مختلف برود و کارگاه‌ها و شاغلین و غیر شاغلین را پیدا کند و

اطلاعات دریافت کند؛ اولاً بسیار مشکل و پرهزینه است، دوم و مهم‌تر اینکه بهزیستی چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد.

دلایلی که اجمالاً بیان شد گویای این است که ما به هر آنچه از بهزیستی استان دریافت کرده بودیم بسنده کردیم و بر اساس این اطلاعات تلاش کردیم استان قم را تجزیه و تحلیل نماییم. از این‌رو از اول تذکر بدهیم، کمبودها ریشه در فقدان یا نقصان‌های اطلاعاتی دارد.

نکته بسیار مهم دیگر مربوط به قلمرو و محدوده وظایف بهزیستی در اشتغال معلولان است. تلقی و ذهنیت معلولان این است که بهزیستی باید برای آنان اشتغال ایجاد کند و آنان را شغل‌دار نماید. اما تلقی خود بهزیستی چیز دیگری است و معتقد است فقط وظیفه‌اش اعطای تسهیلات است. یعنی همه امور اشتغال باید حل شود و فرد آماده رفتن به کاری گردد، و نیازی هست که با رفع آن کار داشتن این فرد قطعی است. بهزیستی این نیاز را آن هم در سطح محدود مرتفع می‌نماید. به قول خانم خورشید مدیر اشتغال بهزیستی استان قم، بهزیستی در زمینه اشتغال فقط تسهیلات می‌دهد و هیچ وظیفه دیگر ندارد.

وظایف دیگر بخشی آموزشی است که گفته می‌شود بر عهده سازمان آموزش و پرورش استثنایی است؛ بخشی اطلاع‌رسانی است که متصدی ندارد؛ بخشی از آن اجتماعی و مدیریتی است که باز متصدی ندارد. نتیجه که می‌توان گرفت این است که اشتغال معلولان متولی و متصدی ندارد. البته متصدی که همه امور آن را مدیریت کند.

راه‌های ایجاد اشتغال

بهبودی استان قم، جزوه‌ای به نام «راه‌های ایجاد اشتغال توانخواهان قابل بازتوان متقاضی» در فروردین ۱۳۹۵ منتشر کرده و بیست و نه روش برای کارآفرینی و شاغل شدن معلولان را نام برده و معرفی کرده است. به تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۹۶ خدمت خانم خورشید مسئول اشتغال رسیدیم و این جزوه دریافت شد.

لازم به یادآوری است که خانم خورشید می‌گفت: سازمان بهزیستی و ادارات آن در استان‌ها برای ایجاد اشتغال مأموریت ندارند؛ کار بهزیستی صرفاً تسهیل اشتغال و آماده‌سازی شرایط تحقق اشتغال است. به سخن دیگر خود معلولان باید تلاش کنند و شغلی را یاد بگیرند و پس از اینکه خواستند آن شغل را اجرا کنند، مثلاً به پول یا معرفی نیاز خواهند داشت. در اینجا وظیفه بهزیستی است که اولاً شرایط چنین فردی را بررسی کند اگر متوجه شد که توانایی انجام آن کار را دارد و می‌تواند وام‌های آن را پرداخت کند، او را به بانک برای دریافت تسهیلات معرفی کند.

بر اساس توضیحات خانم خورشید توقع معلولان یا تشکل‌های مردمی از سازمان برای اینکه به برنامه‌ریزی جامع برای اشتغال معلولان بپردازد یا در این باره مطالعه و تجربه اندوزی داشته باشد یا شرایط و وضعیت موجود را تجزیه و تحلیل کند، هیچ یک از اینها در قلمرو وظایف بهزیستی نیست.

اما پرسش دیگری پیش می‌آید که این‌گونه امور در حوزه وظایف چه سازمان، کدام وزارتخانه و چه کسی است؟ چون تا وقتی این‌گونه کارها سامان‌دهی نگردد، امور اشتغال معلولان هم درست نمی‌شود. اما متن جزوه‌ای که به معرفی راه‌های ایجاد اشتغال می‌پردازد این‌گونه است:

راه‌های ایجاد اشتغال^۱

۱- از طریق پرداخت تسهیلات وجوه اداره شده بانک رسالت

تسهیلاتی است که از منابع سپرده‌گذاری شده در بانک رسالت با کارمزد ۱٪ صرفاً به معلولین قابل بازتوان پرداخت می‌گردد. مقدار این تسهیلات از ۵۰ تا ۱۵۰ میلیون ریال متغیر بوده و به جهت اعتبار محدود به پرونده‌های اشتغال مطلوب که مورد تأیید کمیته اشتغال قرار می‌گیرد و متقاضی از توان مالی کمی برخوردار است تعلق می‌گیرد. پیشنهاد ارائه تسهیلات به توانخواه از این محل توسط مددکار در قسمت طرح لزوماً می‌بایست با ذکر دلیل قابل توجیه مطرح گردد. تأکید می‌گردد اعتبار این وجوه خیلی محدود است و حدود زیر ۵ درصد از کل پرونده‌های اشتغال را در بر می‌گیرد. ملاک کمیته اشتغال برای تصویب طرح کسب و کار پر بازده و توان اجرایی مناسب توانخواه می‌باشد.

۲- از طریق پرداخت تسهیلات از محل منابع داخلی بانک رسالت

شامل منابعی است که به ازای سپرده گذاری وجوه اداره شده در بانک رسالت با کارمزد ۲٪ صرفاً به معلولین قابل بازتوان پرداخت می‌گردد. چگونگی ارائه تسهیلات به توانخواهان قابل بازتوان از این محل اعتباری همانند بند یک قابل توضیح است.

۳- از طریق پرداخت تسهیلات کسب و کار خرد (قانون بودجه سال جاری)

میزان اعتبار برای ایجاد اشتغال مددجویان سازمان بهزیستی در قاتون بودجه پیش‌بینی می‌گردد و سپس بانک مرکزی ضمن ابلاغ اعتبار به بانک‌های عامل به تفکیک هر استان مبلغ اعتبار و شرایط اعطای تسهیلات به طرح‌های اشتغال‌زایی را جهت معرفی افراد به بهزیستی هر استان ابلاغ می‌نمایند.

شرایط اعطای تسهیلات از این محل اعتباری طبق تفاهم‌نامه بهزیستی کشور با بانک می‌باشد که در اکثر موارد این شامل موارد ذیل می‌گردد:

توجه مهم: با توجه به تغییر سالانه شرایط برای هر بانک ضروری است

مددکاران پیشنهادت خود را مطابق موارد ذیل در پرونده‌ها درج نمایند و پس از بررسی در جلسه شورای اشتغال در صورت احراز شرایط مددجو به تصویب خواهد رسید.

الف) سقف فردی تسهیلات قرض الحسنه خوداشتغالی تا حداکثر مبلغ ۱۵۰ میلیون ریال و با مدت بازپرداخت اقساط ۶۰ ماهه می‌باشد.

ب) متقاضیات دریافت تسهیلات از این محل اعتبار می‌بایست اصل مجوز شغلی خود را به مددکار ارائه نمایند و مددکار کپی برابر اصل را با مهر و امضای مجتمع در پرونده قرار دهد.

ج) اعطای تسهیلات خوداشتغالی جهت تراکتور یا خودروی کار شامل: خودرو ویژه حمل و نقل روستایی، انواع وانت، کامیون، مینی بوس و تاکسی با ارائه فاکتور معتبر از طریق نمایندگی‌های مجاز کارخانه‌های سازنده داخلی مجاز می‌باشد که در این صورت اعطای تسهیلات تا سقف ۸۰٪ قیمت و با رعایت حداکثر سقف ۱۵۰ میلیون ریال فوق‌الاضافه مجاز خواهد بود که کارسازی وجه تسهیلات بر اساس فاکتور صادره خودروساز از طریق واریز به حساب شرکت خودروساز داخلی بلامانع می‌باشد.

تذکر: با توجه به اینکه این تسهیلات جهت اشتغال‌زایی افراد فاقد شغل می‌باشد لذا اعطای تسهیلات بابت خرید خودروی سواری شخصی و فعالیت در آژانس با آموزشگاه رانندگی مجاز نمی‌باشد.

د) چنانچه تسهیلات بابت خرید ماشین آلات، تجهیزات، ابزار کار و... باشد، پرداخت تسهیلات در قبال ارائه فاکتور از طریق صدور چک بانکی در وجه فروشنده/سازنده انجام می‌گردد.

ه) فرد متقاضی تسهیلات و ضامنین وی نباید دارای چک برگشتی و یا اقساط معوق باشند.

۴- از طریق پرداخت مشاغل خانگی (قانون بودجه سال جاری)

افرادی که از محل اعتبار سال جاری جهت دریافت تسهیلات مشاغل خانگی معرفی می‌گردند.

لازم به توضیح است مددکاران می‌توانند آن دسته از توانخواهان قابل بازتوانی

که طی آماده‌سازی شغلی به مراکز حرفه آموزشی فنی و حرفه‌ای معرفی نموده‌اند پس از دریافت مدرک مرتبط با مشاغل خانگی (مانند: خیاطی، قالبیابی، رایانه و ...) که بتوانند در منزل برای خود شغل ایجاد نمایند به کمیته اشتغال جهت تصویب اعطای تسهیلات مشاغل خانگی ارجاع نمایند. سقف فردی تسهیلات قرض الحسنه مشاغل خانگی تا حداکثر مبلغ ۵۰ میلیون ریال و با مدت بازپرداخت ۳۶ ماهه می‌باشد.

نکته: پیرو نامه ۷۰۰/۹۴/۴۵۸۲۴ رئیس محترم دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی بهزیستی کشور، پرداخت تسهیلات (کسب و کار خرد و یا مشاغل خانگی) به سرپرست خانوار دارای فرزندان سه قلو و اعضای خانواده (معلولین و زنان سرپرست خانوار غیر قابل بازتوان) که فاقد شغل می‌باشند پس از طی مراحل آماده‌سازی شغلی برابر سیاست‌های ابلاغی شورای عالی اشتغال با هدف خروج فرد تحت حمایت از چرخه حمایت‌های مستمر برابر بند ب ماده ۳۹ قانون پنجم توسعه و تعهد تحت تکفل گرفتن فرد غیرقابل بازتوان بلامانع می‌باشد. با توجه به نکته فوق فرد متقاضی می‌بایست قیم توانخواه با ارائه مدارک مستند باشد.

۵.۵ از طریق پرداخت تسهیلات کارفرمایی

سقف فردی تسهیلات قرض الحسنه برای کارفرمایان جهت به کارگیری افراد بیکار به ازای هر نفر استخدام ۱۵۰ میلیون ریال تا حداکثر ۷۵۰ میلیون ریال و مدت بازپرداخت اقساط ۶۰ ماه می‌باشد.

کارفرمایان دریافت تسهیلات از این محل اعتبار می‌بایست اصل مجوز شغلی خود را به مددکار ارائه نمایند و مددکار کپی برابر اصل را با مهر و امضای مجتمع در پرونده قرار دهد.

۵.۶ از طریق پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی (مصوب شورای عالی اشتغال) (ابلاغیه اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

اعتباراتی است که با ابلاغ اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی استان قم به بهزیستی تخصیص داده می‌شود. با توجه به اینکه پرونده سازی تقاضا برای دریافت تسهیلات از این محل اعتباری با موارد مطروحه فوق تفاوت دارد. ضروری

است مددکاران پس از فراخوان واحد اشتغال و کارآفرینی جهت تشکیل پرونده به همراه ثبت اینترنتی در سامانه مشاغل خانگی اقدام نمایند.

۷- از طریق پرداخت تسهیلات صندوق توسعه ملی

از محل اعتبارات قانون بودجه سال جاری قابل پرداخت به آن دسته از توانخواهانی می باشد که به جهت ایجاد کسب و کار به تسهیلات بیشتری نیازمندند. این تسهیلات قرض الحسنه نمی باشد. مددکاران می توانند پس از فراخوان واحد اشتغال و کارآفرینی جهت تشکیل پرونده به همراه توجیه فنی و اقتصادی طرح مطابق فرمت تعیین شده اقدام نمایند.

۸- از طریق کمک های بلاعوض (اعتبارات توانمندسازی ۳۰۴۰۳ توانبخشی، ۳۰۴۴۷ اجتماعی)

شامل سرمایه کار بلاعوض به توانخواهان حوزه های توانبخشی و اجتماعی می باشد که لازم است مددکاران لیست افراد حائز شرایط را جهت تصویب مطابق فرم شماره (م- ۱) به شورای اشتغال بهزیستی اعلام نمایند.

۹- تعداد افراد اشتغال یافته از محل هدفمندی یارانه ها (بیمه پردازی ماده ۷) بدون دریافت تسهیلات وام بلاعوض (استعلام خود اشتغالی های سال جاری از تأمین اجتماعی)

۱۰- از طریق پرداخت مشوق بیمه سهم خویش فرما به صورت مستقل و بدون دریافت تسهیلات و بلاعوض

۱۱- از طریق پرداخت مشوق بیمه سهم کارفرما

۱۲- از طریق پرداخت مشوق یارانه ارتقا کارایی معلولان

۱۳- از طریق کاربایی

۱۴- از طریق اجرای الگوی همیار معلولان (استعلام از معاونت توانبخشی)

۱۵- از طریق اجرای طرح خودیار زنان (استعلام از معاونت امور اجتماعی)

۱۶- از طریق اجرای الگوی همیار زنان (استعلام از معاونت امور اجتماعی)

۱۷- از طریق اجرای الگوی همیار فرزندان ترخیصی (استعلام از معاونت امور اجتماعی)

۱۸- از طریق اجرای الگوی همیار آسیب دیدگان اجتماعی (استعلام از

- معاونت امور اجتماعی)
- ۱۹- از طریق اجرای طرح خودیار معلولان (استعلام از معاونت توانبخشی)
- ۲۰- از طریق اجرای طرح مراقبین خانگی (توانبخشی مبتنی بر خانواده) (استعلام از معاونت توانبخشی)
- ۲۱- از طریق اجرای الگوی استاد شاگردی CBR (استعلام از معاونت توانبخشی)
- ۲۲- از طریق کارگاه تولیدی حمایتی نوع دوم (استعلام از معاونت توانبخشی)
- ۲۳- افراد اشتغال یافته در تعاونی‌ها
- ۲۴- از طریق واگذاری مراکز به استناد ماده ۲۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (استعلام از مراکز غیر دولتی)
- ۲۵- از طریق هزینه کرد ۵٪ مشارکت‌های نقدی عام
- ۲۶- بر خورداری معلولان از سهمیه ۳٪ استخدامی دستگاه‌های دولتی (دارای حکم استخدامی باشند)
- ۲۷- از طریق واگذاری فضاهای خالی (ماده ۲۸)
- ۲۸- مددجویان اشتغال یافته در مراکز غیر دولتی ماده ۲۶ تحت نظارت سازمان
- ۲۹- افراد اشتغال یافته (غیر مددجو) در مراکز غیر دولتی تحت نظارت سازمان

ملاحظات و نکات

بسیست و نه شیوه‌ای که نام برده شد، از آخرین جزوه منتشر شده در بهزیستی استان قم اخذ شد و آخرین نظریات این اداره است. اینجا نظری می‌اندازیم به محتوای این شیوه‌ها.

۱- مهم‌ترین نکته‌ای که در مفاد این شیوه‌ها هست، طرز فکر و نوع نگرش بهزیستی به مشاغل معلولان است. برای آنان چند شغل محدود و قدیمی مثل معرق کاری، خیاطی و آرایشگری در نظر می‌گیرند و بر این اساس داوری و تجزیه و

تحلیل کرده و راه کار می دهند. اما از مشاغل مدرن و جدید که در کشورهای پیشرفته هست و اکثر معلولان گرایش به آنها دارند در قلمرو فکری و عملی بهزیستی نیست. این نکته را بعداً بیشتر توضیح می دهیم.

۲- اگر بخواهیم این بیست و نه روش را گرد کنیم و دسته بندی نماییم، می توان گفت: اینها به چند دسته زیر تقسیم می شوند:

- کمک های مالی از طریق بانک به روش قرض و وام یا به صورت بلاعوض این کمک های مالی به خود معلول یا به کارفرما پرداخت می شود.

روش های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ این گونه است.

کمک های مالی به هنگام اشتغال یا پس و یا پیش از آن پرداخت می شود.

روش هشتم پیش از اشتغال است

روش دوازدهم بعد از اشتغال و به منظور ارتقای کارایی است.

اما روش های ۱ تا ۷ پیش به هنگام اشتغال است. یعنی معلول کاملاً خودش را آماده شغل می کند، فقط کمبودی دارد که بهزیستی آن را رفع می کند.

- کمک به بیمه معلولین شاغل

شیوه های ۹ تا ۱۱ کمک به بیمه است.

- کمک مالی به عنوان کاریابی یا مشوق

موارد ۱۲ و ۱۳ از این قبیل است.

- کمک مالی به عنوان خودیاری یا همیاری

موارد ۱۴ تا ۲۰ این گونه است.

- حمایت مالی از کسانی که مشغول به کار شده اند یا هزینه وسایل موردنیاز در کارگاه موارد ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹ از این قبیل است.

- کاریابی ۳ درصد از معلولان در ادارات و مرکز

مورد ۲۶

- واگذاری مراکز و فضاهای خالی

مورد ۲۴ و ۲۷ این گونه است.

از هفت نوع حمایت مزبور فقط دو گروه آن غیر مالی است که شامل سه مورد

می گردد. بنابراین در مجموع سه گروه کلی تر خواهیم داشت:

۱- حمایت و پرداخت مالی

۲- حمایت از سه درصد معلولان برای مشغول به کار شدن در ادارات

۳- واگذاری مکان‌ها

خلاصه اینکه بیست و نه روش نهایتاً به سه روش مالی، واگذاری محل شغل و بالاخره سوم حمایت حقوقی از اشتغال سه درصد معلولین در مراکز و ادارات خلاصه می‌شود.

۳- در گذشته با خرید وسایل و ابزارآلات یک شغل و اندکی آموزش یک فرد می‌توانست مشغول به کار شود به همین دلیل در ضرب‌المثل قدیمی آمده به جای صدقه دادن به بیکار به او ابزار ماهیگیری بدهید.

اما در دوره جدید تکنولوژی و دانش و اطلاعات مهم‌تر از ابزار است. یعنی اگر به ماهیگیر شیوه‌های مدرن صید، جاهایی که ماهی بهتر و با کیفیت‌تر دارد و خلاصه اطلاعات و دانش به او داده شود در شغل او تأثیر خواهد گذاشت و درآمد او افزایش می‌یابد.

اما هیچ شیوه‌ای در این زمینه معرفی نشده است.

۴- حمایت از اشتغال ۳ درصد از معلولان در قانون جامع مصوب ۱۳۸۳ توسط مجلس شورای اسلامی آمده ولی در همین قانون، بندهای دیگر هست که به رغم اهمیت به عنوان روش نیامده است. ذیل ماده ۷، بند «و» چنین نوشته شده است: اختصاص حداقل شصت درصد از پست‌های سازمانی تلفنچی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولت و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم‌بینا و معلولان جسمی و حرکتی.

نیز در بند «ز» در همان ماده آمده است:

اختصاص حداقل شصت درصد از پست‌های سازمانی متصدی دفتر و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی - حرکتی.^۱
اینها دو نمونه از مواردی است که مصوب است و در قانون آمده و می‌توان به

عنوان اشتغال مطرح و پیشنهاد گردد.

۵. غیر از قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۸۳، در قانون دیگر مصوب ۱۳۸۷ یعنی «قانون الحاق به کنوانسیون حمایت از معلولین» ذیل ماده ۲۷، پیشنهادات مهمی مطرح شده است. مثلاً در بند ۱/ت به آموزش حرفه‌ها برای کاربایی معلولان اشاره شده است.^۱

۶. از بیست و نه روش اشتغال که در بهزیستی استان قم اجرا می‌شود، فقط ۳ مورد از آنها حمایت مالی نیست و ۲۷ مورد حمایت مالی است. به عبارت دیگر ۱۰/۳ درصد این روش‌ها حقوقی یا واگذاری زمین است.

۷- ۸۹/۷ روش‌های اشتغال در استان قم مالی و پرداخت تسهیلات مالی است. اما این تسهیلات تا سقف معینی است و کف آن چند هزار تومان و حداکثر آن ۱۵ میلیون تومان است. با توجه به اینکه بر اساس آمارهای اعلام شده یک اشتغال یکصد تا سیصد میلیون تومان هزینه دارد و متوسط آن دویست میلیون تومان است. بنابراین اگر حداکثر پرداخت مالی یعنی ۱۵ میلیون تومان را در نظر آوریم. در واقع ۷/۵ درصد هزینه اشتغال یک معلول توسط بهزیستی پرداخت می‌شود. توجه کنید ۲۶ روش برای حمایت مالی و تسهیلات مالی به منظور اشتغال معلولان پیشنهاد شده است سقف این حمایت‌ها ۱۵ میلیون تومان یا ۷/۵ درصد از مخارج یک اشتغال است.

یک معلول اگر بخواهد به اشتغال برسد نیاز به حدود دویست میلیون تومان دارد در حالی که بهزیستی ۱۵ میلیون تومان آن را تأمین می‌کند. پرسش این است که یک نفر معلول تتمه و بقیه این مبلغ را از چه طریق به دست آورد؟

البته تفاوت اساسی مشاغل مدرن با مشاغل قدیمی در این است که شغلی مثل تئاتر یا موسیقی یا چکیده نویسی آنقدر که به آموزش نیاز دارد، به تسهیلات مالی ندارد. لذا باید کاری کرد که این رشته‌ها را فراگیرند و اشتغال آنان را در جامعه فراهم آورد؟

رشته‌های مدرن یکی به آموزش و دوم به تبلیغ و توجیه مردم نیاز دارند. خلاصه اینکه سازمان بهزیستی و ادارات آن در استان‌های ایران خدمات بسیار برای معلولان داشته‌اند؛ همچنین در زمینه اشتغال تلاش‌های این سازمان ستودنی است و قابل تقدیر و تشکر است. اما اشکالاتی هست که موجب شده، اشتغال معلولان این کشور به سامان نرسد. لزوماً باید این اشکالات را شناخت و درصدد زدودن آنها برآمد. برخی از این اشکالات آورده شد.

اما آیا خود بهزیستی به بررسی و نقادی عملکرد خودش در زمینه اشتغال معلولان اقدام کرده است؟

آیا همایش و نشست‌های برپا شده و از کارشناسان دعوت شده تا به بررسی این موضوع بپردازند؟

آیا بهزیستی از گروه‌های دانشگاهی خواسته تا پایان نامه‌های دانشجویی به سمت تجزیه و تحلیل این موضوع جهت پیدا کند؟

پرسش‌ها متعلق به نخبگان جامعه است و لازم است بهزیستی سؤال‌کننده‌ها را متقاعد کند.

دستورالعمل آماده‌سازی شغلی جامعه هدف^۱

مقدمه

دستیابی به استقلال همه جانبه و خصوصاً استقلال اقتصادی که به موجب اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی، برنامه راهبردی سازمان، اسناد فرادستی و قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر توانمندسازی و خروج سالیانه ۱۰ درصد جامعه هدف از چرخه حمایت‌های مستمر در قالب بند (ب) ماده (۳۹) به عنوان تکلیف به عهده سازمان نهاده شده است، مرهون کسب شغل پایدار متناسب با شرایط موجود جامعه است. بر همین مبنا آماده‌سازی شغلی می‌تواند شرایط انتخاب آگاهانه افراد برای دستیابی به فرصت‌های شغلی متناسب با توانایی‌ها و علائقشان را فراهم نموده و گام مؤثری در جهت توانمند نمودن افراد جامعه و نهایتاً توسعه پایدار محسوب گردد. همچنین با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده، یکی از دلایل عدم موفقیت جامعه هدف در ایجاد "کسب و کار"، "کاریابی" و "حفظ و پایداری آن"، مربوط به آماده‌سازی شغلی بوده است. در این راستا سازمان تلاش می‌نماید تا برای افراد جامعه هدف مسیر آمادگی شغلی را ترسیم و افراد مذکور را پس از ورود به عرصه خدمات بهزیستی در مسیر مربوطه راهنمایی و هدایت نموده تا پس از طی آن برای نیل به استقلال اقتصادی به حوزه‌های مرتبط برای ایجاد شغل معرفی گردند. دستورالعمل حاضر بر اساس اهداف سازمان و با محوریت توانمندسازی افراد جامعه هدف برای نیل به استقلال همه جانبه به منظور بستر سازی و آماده‌سازی شغلی تهیه و ارائه می‌گردد.

هدف کلی

آماده‌سازی افراد جامعه هدف به منظور ورود به بازار کار

۱. این مطلب به صورت جزوه در دی‌ماه ۱۳۹۲ توسط سازمان بهزیستی کشور منتشر شده است.

اهداف جزئی

- * ارایه و تسهیل زمینه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
- * ارایه و تسهیل زمینه‌های آموزش‌های مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شناختی
- * ارایه و تسهیل زمینه‌های آموزش‌های تخصصی شغلی
- * ارایه و تسهیل زمینه آموزش‌های مدیریت کسب و کار (کار آفرینی)

ماده ۱: کلیات و تعاریف

۱-۱) جامعه هدف: عبارتند از تمام گروه‌های هدف سازمان در حوزه‌های اجتماعی، توانبخشی و پیشگیری که شرایط احراز شغل را داشته باشند.

۲-۱) **فرد واجد شرایط اشتغال:** هر فرد مشروط به دارا بودن ظرفیت کاری متناسب با شغل و حرفه مشخص می‌تواند واجد شرایط اشتغال باشد، این فرد متناسب با شرایط فردی، روانی و اجتماعی برای انجام حرفه یا فعالیت مشخص، دوره‌های آموزشی اعم از رسمی و غیر رسمی، فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های زندگی و... را طی نموده و ظرفیت کاری وی توسط تیم ارزیابی، راهنمایی و مشاوره شغلی و... مشخص می‌گردد.

۳-۱) **آماده‌سازی شغلی:** فرایندی است که طی آن افراد جامعه هدف متناسب با توانایی‌ها، علایق، ظرفیت‌ها و با در نظر داشتن منابع موجود، آموزش‌های مختلف اعم از رسمی و غیر رسمی را دریافت و جهت استفاده از فرصت‌های شغلی و یا راه‌اندازی طرح‌های کسب و کار آماده می‌شوند.

۴-۱) **آموزش رسمی:** شامل آموزش‌هایی است که فرد در دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌های مجاز فنی و حرفه‌ای، مراکز کار و دانش و یا سایر مراکز معتبر فرا گرفته و منجر به اخذ مدرک می‌گردد.

۵-۱) **آموزش غیر رسمی:** شامل آموزش‌های مهارت‌های زندگی، مهارت استاد شاگردی، کارورزی و یا سایر آموزش‌هایی است که ارتقاء عملکرد شغلی و سازگاری فرد را موجب می‌گردد.

۶-۱) **فرصت شغلی:** موقعیتی شغلی است که امکان به کارگماری فرد "آماده

به کار" در آن، بدون بیکار شدن فرد دیگری وجود دارد.

۷-۱) کار: آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری یا بدنی) است که به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیر نقدی) و با هدف تولید کالا یا ارائه خدمت صورت می‌پذیرد.

۸-۱) تیم ارزیابی: تشکیل شده از کمیته‌های تخصصی مشتمل بر کمیته‌های توانمندسازی، امور آسیب‌دیدگان، کمیته شبه خانواده در حوزه اجتماعی، تیم درمان در حوزه پیشگیری و در حوزه توانبخشی، ترکیب کارشناسانی که وظیفه پذیرش، ارزیابی، تصمیم‌گیری و معرفی فرد واجد شرایط را به حوزه اشتغال به عهده دارند.

تبصره: در صورت ضرورت، کارشناسان اشتغال، حسب مورد در تیم ارزیابی شرکت می‌نمایند.

۹-۱) کارآفرینی: فرایندی است که طی آن افراد حقیقی یا حقوقی با ابتکار و خلاقیت و با بهره‌گیری از ایده‌های نو و یا ترکیب آنها، طرح‌های متنوع و جدیدی را طراحی و به مرحله اجرا می‌گذارند تا ضمن ایجاد شغل برای خود زمینه‌های به کارگیری سایر افراد را نیز فراهم و از طرق آن کسب درآمد نمایند.

۱۰-۱) دوره آموزش کارآفرینی: دوره‌هایی است که با هدف آشنایی با اصول کارآفرینی، شناخت و بررسی طرح‌های کسب و کار، بازاریابی و کسب سود و ... توسط مراکز مجاز و معتبر برگزار شده و گواهینامه اعطاء می‌گردد.

۱۱-۱) کمیته تخصصی اشتغال و کارآفرینی: مرکب است از کارشناسان معاونت‌های تخصصی و حوزه اشتغال که پیرامون و برابر شرح وظایف مطابق با دستورالعمل و آیین‌نامه‌های اجرایی اشتغال و کارآفرینی برای کارجویان تصمیم‌گیری می‌نمایند. اعضای این کمیته در کشور با حکم رییس ستاد اشتغال و کارآفرینی و در استان‌ها با حکم مدیر کل استان‌ها انتخاب می‌شوند.

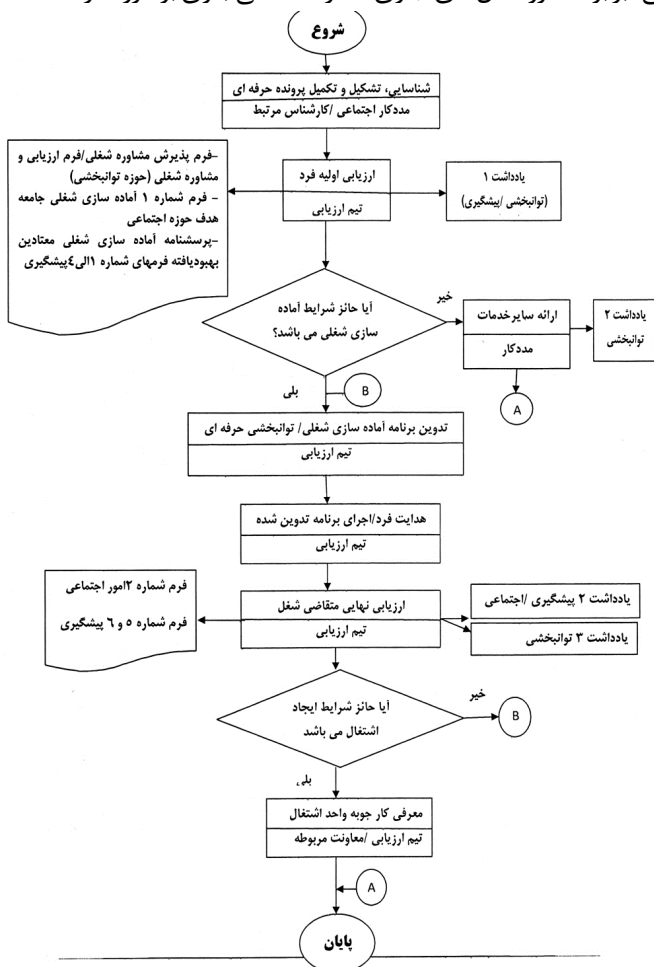
تبصره: کمیته متناظر شهرستانی با معرفی شهرستان و ابلاغ مدیرکل استان قابل تشکیل می‌باشد.

- ۱- شناسایی مراجع، تشکیل و تکمیل پرونده حرفه‌ای توسط مددکار اجتماعی و کارشناس مرتبط
 - ۲- ارزیابی اولیه فرد توسط تیم ارزیابی (شامل جسمی، روانی، اجتماعی، محیطی و مهارت‌ها) بر اساس چک لیست‌های مرتبط
 - ۳- تدوین برنامه شغلی یا توانبخشی حرفه‌ای
 - ۴- اجرای برنامه تدوین شده (ارائه آموزش‌ها - مشاوره و راهنمایی و غیره)
 - ۵- ارزیابی نهایی فرد توسط تیم ارزیابی
 - ۶- معرفی جهت اشتغال و کاریابی توسط تیم ارزیابی شهرستان
 - ۷- نظارت و پیگیری توسط کمیته تخصصی استان / شهرستان
- ماده ۳: منابع مورد استفاده جهت آماده‌سازی شغلی**
- ۱- ظرفیت سایر دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی اعم از (جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت، سازمان فنی و حرفه‌ای، صنایع دستی، شهرداری‌ها، اصناف، خیرین، NGO، ستاد مبارزه با مواد مخدر و ...)
 - ۲- اعتبارات و منابع مالی خارج از سازمان مرتبط با آماده‌سازی و توانمندسازی
 - ۳- استفاده از توان تخصصی مرکز توسعه پیشگیری، سطوح مختلف سازمان، شهرداری و NGOها و سایر دستگاه‌های مرتبط، به منظور آموزش مهارت‌های زندگی.
 - ۴- منابع وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌های وابسته (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و ...) به منظور آموزش مدیریت کسب و کار (کارآفرینی).
 - ۵- ظرفیت‌های مراکز مشاوره و کاریابی جهاد دانشگاهی، و ... به منظور آرایه خدمات مشاوره شغلی و ...
 - ۶- منابع مشارکت‌های مردمی سازمان
 - ۷- درآمدهای اختصاصی
 - ۸- اعتبارات سازمانی اعم از استانی و ابلاغی (۳۰۴۳۵- فصل ششم و ...)
 - ۹- سایر منابع
- تبصره:**

۱- هزینه‌های ایاب و ذهاب، تهیه وسایل آموزشی، اخذ جواز کسب و ... از محل

اعتبارات فوق قابل پرداخت می باشد.

- ۲- نظارت بر مراحل انجام کار به عهده معاونت های ذیربط و کمیته تخصصی بوده و ادامه فعالیت ها جهت ایجاد شغل و سایر اقدامات مرتبط برابر آئین نامه ها و دستورالعمل های حوزه اشتغال و کارآفرینی انجام خواهد شد.
- ۳- در صورت عدم همکاری افراد جامعه هدف در انجام فرایند آماده سازی شغلی، برابر دستورالعمل های جاری دفاتر تخصصی با وی برخورد گردد.



یادداشت ۱

الف (حوزه توانبخشی)

ارزیابی‌های مزبور بر اساس چک لیست تعیین صلاحیت حرفه‌ای توسط کارشناس ارزیاب حرفه‌ای ترجیحاً کار درمان انجام می‌گیرد. در صورت نیاز به ارزیابی‌های تخصصی‌تر کارشناس ارزیاب حرفه‌ای می‌تواند فرد را به مراکز تخصصی ذی صلاح ارجاع نماید.

ب (حوزه پیشگیری)

در صورتی که مرکز درمان اعتیاد فاقد مددکار اجتماعی باشد، می‌تواند از طریق ارتباط با کلینیک‌های مددکاری اجتماعی موجود در سطح استان، اقدام به شناسایی، ارزیابی و ارجاع افراد فوق نمایند. در صورتی که مرکز اقامتی میان مدت، دسترسی به مددکار اجتماعی ندارد، می‌تواند از مددیار دوره دیده استفاده نماید. کلیه مراکز درمان اعتیاد، می‌توانند از طریق سمن‌های فعال و موجود در این زمینه، در سطح استان و کشور در امر شناسایی، ارجاع و آموزش آماده‌سازی شغلی استفاده نمایند.

۱- زنان، نوجوانان، افراد مبتلا به هیپاتیت و ایدز (HIV/AIDS) و افرادی که شبکه حمایت اجتماعی (خانواده، افراد مؤثر در زندگی فرد، وضعیت اقتصادی و سرپناه و غیره) آنان دچار مشکلاتی گردیده است در اولویت می‌باشند.

۲- معرفی افراد بر اساس شرایط و اولویت‌های ذیل، صورت می‌پذیرد:

الف: مراکز اقامتی و پرهیز مدار:

* دارا بودن حداقل یک سال پاکي (مستند به آزمایشات شش ماه اخیر)

* شرکت در جلسات آموزش گروهی

* شرکت در جلسات آموزش خانواده

ب: درمان‌های جایگزین:

* دارا بودن حداقل یک سال پاکي (مستند به آزمایشات شش ماه اخیر)

* حضور مستمر و بدون غیبت در برنامه درمانی

- * انجام آزمایش‌های عدم اعتیاد به صورت دوره‌ای
- * نداشتن آزمایش مثبت در طول مدت درمان
- * شرکت در جلسات مشاوره فردی
- * شرکت در جلسات گروه درمانی
- * شرکت در جلسات آموزش خانواده
- * ویزیت منظم پزشک

انجام آزمایش عدم اعتیاد به صورت تناوبی و اتفاقی در هر دو مورد اقامتی و پرهیز مدار و درمان‌های جایگزین، صورت می‌پذیرد.

تبصره: کلیه مراکز درمان اعتیاد بعد از مرحله آماده‌سازی شغلی، فرد را به همراه مدارک معتبر (مهارت‌های زندگی، فنی و حرفه‌ای و...) به بهزیستی شهرستان مربوطه جهت بررسی در تیم ارزیابی شهرستان معرفی نموده که پیگیری موارد فوق تا حصول نتیجه مؤثر به عهده مددکار اجتماعی مرکز درمانی مربوطه می‌باشد.

یادداشت ۲

الف (حوزه توانبخشی)

پس از انجام ارزیابی‌های مورد نیاز کارشناس ارزیاب حرفه‌ای اهداف شغلی و نیازهای آموزشی فرد را بر اساس توانمندی‌ها، علائق و منابع موجود، با مشارکت فعالانه خود فرد تعیین می‌کند.

* در صورت نیاز به گذراندن یا تکمیل دوره‌های حرفه‌آموزی، هدایت فرد به یکی از مراکز فنی حرفه‌ای، استادکاران محلی و یا مراکز آموزش توانبخشی حرفه‌ای با در نظر گرفتن نتیجه ارزیابی‌ها.

* پیگیری مهارت‌آموزی فرد در مراکز توانبخشی حرفه‌ای سازمان بهزیستی و ایجاد انگیزه‌های کاری و مشاوره‌های شغلی پس از طی مراحل حرفه‌آموزی از وظایف ارزیاب حرفه‌ای می‌باشد.

* در صورتی که فرد به علت شدت معلولیت قادر به حضور و شرکت در برنامه‌های

اشتغال آزاد نباشد، به یکی از کارگاه‌های تولیدی حمایتی معرفی می‌شود.
* در صورت نیاز فرد به وسیله کمکی یا تطبیقی معرفی به واحد مربوطه در بهزیستی شهرستان جهت رفع نیاز.

* معرفی فرد به مراکز درمانی و توانبخشی، در صورت نیاز

ب (حوزه اجتماعی)

پس از بررسی‌های لازم توسط مددکار اجتماعی گزارش وضعیت کسب آمادگی شغلی کارجو برای ورود به بازار کار به تیم ارزیابی ارائه می‌گردد و در صورت تأیید توسط تیم مذکور، کارجو جهت انجام مراحل بعدی ضمن ارسال گزارش مددکاری مبنی بر دوره‌های رسمی و غیر رسمی گذرانده شده توسط کارجو و آمادگی برای ورود به بازار کار به دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی ارجاع می‌گردد.

ج (حوزه پیشگیری)

در صورت لغزش و یا عود مجدد بیمار بعد از گذراندن مراحل آماده‌سازی شغلی، مددکار اجتماعی با همکاری تیم درمان مرکز درمان اعتیاد مربوطه، می‌بایست فرد را مجدد به سیستم درمانی بازگردانده و مراحل مهارت‌آموزی (مهارت‌های زندگی و ...) را جهت ورود به حوزه اشتغال از سر گیرند.

* ضمناً کلیه موارد مطروحه در یادداشت ۱ شامل این افراد نیز می‌گردد.

یادداشت ۳:

(توانبخشی)

* چنانچه فرد دارای شرایط احراز شغل بود، همراه با لیستی از توانمندی‌ها، علائق شغلی، مسائل مربوط به نیازهای ارگونومیک و تطبیقی، روانی اجتماعی و همچنین گزینه‌های شغلی متناسب، به واحد اشتغال شهرستان معرفی می‌گردد.

پرسشنامه آماده‌سازی شغلی معتادین بهبود یافته

دستورالعمل مصاحبه‌گر

نکات قابل توجه برای تکمیل پرسشنامه:

۱- در تهیه این پرسشنامه تلاش شده است که پرسش‌های مورد نیاز برای مبحث آماده‌سازی شغلی با زبانی ساده طرح شود و از بیان سؤالات اضافی پرهیز شده است.

۲- در تکمیل پرسشنامه رعایت شرایط مصاحبه شامل شرایط محیطی، محل انجام مصاحبه، و شرایط روحی و روانی مصاحبه شونده لحاظ شود.

۳- مصاحبه‌گر باید شرایط لازم برای انجام مصاحبه را داشته و در زمینه اصول و فنون مصاحبه و پرسشگری و آشنایی با دستورالعمل آماده‌سازی شغلی آموزش دیده باشد.

۴- به فرد بهبود یافته اطمینان داده شود که اطلاعات اخذ شده به صورت محرمانه نزد مرکز خواهد ماند.

۵- هیچ پرسشی بدون پاسخ نماند، در صورت عدم تمایل فرد بهبود یافته به پاسخ برخی پرسش‌ها جلوی هر سؤال آن را مشخص نمایید.

۶- تکمیل پرسشنامه باید با مشارکت کامل بهبود یافته انجام شود.

۷- برای پیشگیری از تشخیص نادرست و سلیقه‌ای در مورد مهارت‌های زندگی، با فرض اینکه اکثریت معتادین در این زمینه دچار مشکل می‌باشند، افراد جویای کار را برای گذراندن دوره‌های مهارت‌های زندگی و اخذ گواهینامه مربوط راهنمایی نمایند. و در صورت نیاز به گذراندن دوره‌های بیشتر با تأکید بر مشکلات خاص، توسط کارشناس مدرس این دوره‌ها، تشخیص و برنامه‌ریزی شده و در قسمت اقدامات مورد نیاز ذکر شود.

۸- از آنجا که در برنامه‌ریزی شغلی برای افراد اطلاع از جزئیات طبی و درمانی مورد نیاز نیست لذا پرسش‌های اضافه و بررسی پرونده پزشکی بهبود یافتگان نه تنها باعث مقاومت در افراد می‌شود بلکه مصاحبه‌گر را از تمرکز بر آماده‌سازی شغلی دور می‌گرداند.

تبصره ۱: در صورت نیاز به پیگیری‌های درمانی برای فرد در قسمت اقدامات مددکاری، پیشنهاد ارجاع به مراکز بهداشتی و درمانی لحاظ شود. و مراجعه فرد و اقدام به درمان پیگیری شود.

ملاحظه

برنامه فوق مسیر شاغل شدن یک فرد دارای معلولیت از ابتدا تا انتها را نشان می‌دهد. نیز ارتباط معاونت‌های مختلف با اشتغال یک فرد را نشان داده است. اما این برنامه تا طرح و برنامه جامع فاصله دارد و نیاز به مطالعه بیشتر و بررسی موارد متعدد از گروه‌های متنوع هست.

نتیجه اجرای برنامه

اداره بهزیستی استان قم از شروع و تأسیس تاکنون، چند نفر را شاغل کرده، چند پست شغلی ایجاد کرده است؟ و سؤالات دیگر این چنینی. وقتی این پرسش‌ها را نزد خانم خورشید (مدیر اشتغال بهزیستی استان قم) مطرح کردیم، ایشان گفتند اطلاعات و آمارهای سنوات گذشته را نداریم. ولی اطلاعات سال ۱۳۹۵ را دادند که عیناً می‌آوریم. دو جدول عرضه می‌شود. یکی نشانگر مشاغل و نشان دهنده تعداد افرادی است که در هر شغل، اشتغال پیدا کرده‌اند.

آمار مشاغل: افراد معلول شامل زن و مرد که در سال ۱۳۹۵ وارد پروسه اشتغال‌زایی اداره بهزیستی استان قم شده‌اند. توانبخشی، پیشگیری و اجتماعی نام معاونت‌هایی است که این افراد را معرفی کرده و پیگیر اشتغال آنان بوده‌اند.

اجتماعی		پیشگیری		توانبخشی		رشته
				زن	مرد	
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	خیاطی
۰	۰	۲۰	۱۰	۵۴	۱۴	خیاطی
۰	۰	۲۰	۵	۵۸	۸	قالیبافی
۰	۰	۰	۰	۹	۱۰	دوردوزی دمپایی
۰	۰	۰	۱۲	۰	۰	مکانیکی
۰	۰	۰	۳۲	۰	۰	نقاشی ساختمان
۰	۰	۰	۳۱	۰	۰	جوشکاری
۰	۰	۰	۱۵	۰	۰	لوله کشی گاز
۰	۰	۰	۱۱	۱۶	۱۶	کامپیوتر

۳۴ اشتغال معلولان در استان قم

۰	۰	۰	۹	۰	۰	برق ساختمان
۰	۰	۳	۱۴	۰	۰	آشپزی
۰	۰	۰	۶	۰	۰	باطری سازی
۰	۰	۰	۰	۱	۲۴	دامداری
۰	۰	۰	۰	۲۶	۳	آرایشگری
۰	۰	۴۳	۱۴۵	۱۶۴	۷۵	جمع

آمار تفکیک جمعیتی: در این جدول، معلولین به هشت گروه تقسیم شده و وضعیت هر گروه در دو شاخه روستایی شهری نشان داده می شود. این اطلاعات مربوط به سال ۱۳۹۵ است.

آمار ۱۳۹۵

ردیف	عنوان	پیشگیری		اجتماعی		توانبخشی		جمع
		شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
۱	تعداد افراد تحت پوشش به استناد بانک جامع اطلاعات افراد تحت پوشش	۹۶۵۷	۲۴۰	۱۳۹۱	۲۰۴	۱۹۳۱۸	۱۰۱۴	۳۱۸۲۴
۲	تعداد افراد قابل بازتوان	۸۵۵۸	۱۲۹	۳۶۱	۲۳	۱۴۹۵۴	۶۷۹	۲۴۷۱۴
۳	تعداد افراد غیر قابل بازتوان	۱۰۹۹	۱۱۱	۱۰۶۷	۱۳۴	۴۳۶۴	۳۳۵	۷۱۱۰
۴	تعداد اعضا خانواده فرد غیر قابل بازتوان که قابلیت بازتوانی دارند	۰	۰	۲۰۶	۲۵	۴۱۸	۱۶۹	۸۱۸

۳۶ اشتغال معلولان در استان قم

۱۷۶۸۱	۴۳۰	۱۰۰۰۰	۲۴	۸۰۶	۷۵	۸۷۶۶	تعداد افراد واقع در رنج سنی اشتغال (۱۸-۵۰) سال) مرکب از افراد قابل بازتوان و اعضاء خانواده غیر قابل بازتوان	۵
۷۶۳	۱۱۰	۱۵۰	۲۶	۲۰۷	۴۵	۲۵۵	تعداد افراد جویای کار	۶
۷۳۳	۱۴۰	۱۶۰	۲۱	۱۷	۲۰	۳۳۰	تعداد افراد آماده سازی شغلی شده بر اساس دستورالعمل آماده سازی شغلی	۷
۳							مراکز غیردولتی ماده ۲۶	۸

ملاحظات و توضیحات

تا اینجا متن جزوه بهزیستی است و اکنون به بیان ملاحظات دربارہ برخی از نکات این جزوه می‌پردازم.

توضیح اینکه سه معاونت پیشگیری، اجتماعی و توانبخشی اداره بهزیستی استان قم، آمارهای خود را به تفکیک در بخش اشتغال گذاشته‌اند. نکات مهمی که در این آمار هست:

- ۱- معلولان تحت پوشش بهزیستی ۳۱۸۲۴ نفر می‌باشد.
 - ۲- معلولانی که قابلیت بازتوانی و توانبخشی تا رسیدن به مرحله اشتغال را دارند، ۲۴۷۱۴ نفر و غیر بازتوان ۷۱۱۰ می‌باشند. بازتوان‌ها سه برابر بیشتر می‌باشند.
 - ۳- افراد بالقوه شاغل یا افرادی که در سن اشتغال قرار دارند یعنی حداقل ۱۸ و حداکثر ۵۰ سال سن دارند، ۱۷۶۸۳ نفر می‌باشد.
 - ۴- نسبت بیکاران به افراد جویای کار ۷۹۳ نفر است.
 - یعنی از ۱۷۶۸۳ نفر فقط ۷۹۳ نفر به بهزیستی مراجعه کرده و خواستار اشتغال و کار شده‌اند. یعنی ۴/۵ درصد از کل افراد بیکار برای کارایی مراجعه کرده‌اند. به عبارت دیگر ۹۵/۵ درصد از معلولین قم شاغل هستند و اشتغال دارند و فقط ۴/۵ درصد نفر بیکاراند.
 - ۵- ۷۳۲ نفر از ۷۹۳ نفر شاغل شده یا حداقل اقدام اشتغالی برایش انجام یافته است.
 - به عبارت دیگر ۹۲/۳ درصد از معلولان بیکار مشغول به کار شده یا اقدام اشتغالی برایشان انجام یافته است.
- نتیجه:** این آمار توسط اداره کل بهزیستی قم ارائه شده و نسبت به صحت و سقم آن مدرکی نداریم. ولی با شواهد عینی تطابق ندارد.

فصل دوم: گفت و گو

فصل گفت‌وگو شامل مصاحبه درباره ابعاد مختلف اشتغال معلولان قم است. این مصاحبه‌ها با این گروه‌ها انجام و در این فصل آورده می‌شود:

- * با مدیران بخش اشتغال در اداره بهزیستی استان و در بهزیستی شهرستان قم
- * با متخصصان اقتصادی و اجتماعی مثل استادان دانشگاه
- * با مدیران اجتماعی و اشتغال در نهادهای مدیریتی استان مثل استانداری
- * با صاحبان حرفه‌ها و صنایع و مراکز تولیدی که معلولان را به کار مشغول کرده‌اند.

- * با مدیران مراکز فرهنگی و اجتماعی که دارای کارمند معلول هستند.
- * با خود معلولین شاخص که کار دارند و مشغول شده‌اند.

پیش‌بینی شده که بیست مصاحبه داشته باشیم و در این فصل بیاوریم. اما اخذ بیست مصاحبه زمان‌بر و پرمشقت است و نیاز به چند ماه فرصت هست؛ از این‌رو هم اکنون به دو مصاحبه با خانم زیبائیان و خانم خورشید بسنده می‌کنیم. این دو مصاحبه با هم ادغام و به صورت یک مصاحبه عرضه خواهند شد. البته بقیه مصاحبه‌ها در دستور کار است و در شرایط مناسب می‌گیریم و به این متن می‌افزاییم.

اشتغال زایی برای معلولان توسط اداره بهزیستی استان قم

مصاحبه کننده: مسعود باقری، مریم قاسمی

یکشنبه ۳ اردیبهشت ماه ۹۵ با خانم زیبائیان از طرف دفتر فرهنگ معلولین و مجله توان نامه تماس گرفتیم و خواستار گفت‌وگو درباره اشتغال معلولان با ایشان شدیم. معمولاً مدیران با طرح اینکه به مدیر دفترم بگویند هماهنگ کند؛ الآن وقت ندارم؛ و بیان اینگونه جملات، تعیین وقت مصاحبه را به زمان بعد موکول کرده و در واقع شانه از انجام مصاحبه خالی می‌کنند؛ اما خانم زیبائیان با وظیفه شناسی و وجدان کاری پاسخ مثبت دادند و دو ساعت بعد به محل کارشان برای طرح پرسش‌ها درباره اشتغال معلولان قم حاضر بودیم. ایشان و همکار زیر مجموعه معاونت ایشان یعنی خانم خورشید با حوصله به پرسش‌ها پاسخ گفتند. همین جا به عنوان یک خبرنگار از این دو خانم مدیر کمال تشکر را داریم؛ دوم اینکه به معلولان استان قم خبر می‌دهم جای خوشوقتی است که چنین انسان‌های شریف و دلسوز مدیریت کارهای آنان را بر عهده دارند.

بالاخره مصاحبه را گرفتیم، سریع پیاده کردیم و به ناظر ویراستار دادیم؛ اما ایشان اعلام کرد، برخی اطلاعات در مصاحبه ناقص است. مجدداً تماس گرفتیم و دهم اردیبهشت ماه خدمت خانم خورشید رسیدیم و حدود دو ساعت درباره مسائل اشتغال معلولان قم از ایشان پرسیدیم و با حوصله پاسخ فرمودند. مجدداً لازم است از مدیریت سازمان بهزیستی قم در بخش اشتغال تشکر نماییم، امیدواریم دیگر مدیران هم ارتباطات با مردم را تسهیل کنند.

فراموش نمی‌کنم در همین ساختمان با چند متر فاصله اتاق معاون

دیگری قرار دارد، برای پاسخ گرفتن مسئله‌ای که خودش گفته بود مکتوب بنویسید تا جواب بدهم سه ماه منتظر گذاشت و بعد از سه ماه گفت اصلاً وقت پاسخ دادن ندارم. یعنی دو دقیقه وقت نداشت به یک مسئله بسیار مهم که به سرنوشت حداقل پنجاه ناشنوا بستگی داشت پاسخ یک سطری بدهد. با اینکه هیچ بار حقوقی و مالی و غیره بر عهده بهزیستی و آن معاونت نمی‌آورد.

لازم است جامعه و معلولان تفاوت مدیر وظیفه شناس و مدیر وظیفه ناشناس را بدانند و اولی را با تشکر تشویق نمایند.

*** لطفاً با معرفی خود و فعالیت‌های خود در اداره بهزیستی، امکان شناخت کاربران را فراهم فرمایید.**

زیبائیان: اینجانب نرجس زیبائیان کارشناس مددکاری اجتماعی و دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی هستم. بنده ابتدای کارم را با مددکاری در حوزه توانبخشی شروع نمودم و به صراحت اذعان می‌نمایم که آن زمان را بهترین دوران خدمتم می‌دانم. پس از آن مدت شش سال کارشناس حوزه توانبخشی اداره بهزیستی شهرستان بودم. سپس حدود یک سال و نیم مدیریت اداره پذیرش و هماهنگی گروه‌های هدف سازمان را بر عهده داشتیم؛ یک سال نیم هم در سمت مدیریت اداره بهزیستی شهرستان قم مشغول به خدمت بودم و در حال حاضر هم در کسوت معاونت اداره هماهنگی مؤسسات غیر دولتی، مشارکت‌های مردمی و اشتغال در خدمت معلولین و مددجویان می‌باشم. اداره هماهنگی مؤسسات غیر دولتی، مشارکت‌های مردمی و اشتغال چهار دفتر دارد که از حیث تأثیرگذاری در جهت توانمندسازی مددجویان و هدف اصلی سازمان به شمار می‌آید و مؤثرترین بخش سازمان می‌باشد. این دفاتر عبارت‌اند از: دفتر اشتغال، دفتر توسعه و نظارت بر مراکز غیر دولتی که صدور مجوز برای مؤسسات خدمات‌رسانی و مراکز خیریه‌ای که می‌خواهند وارد خدمات سازمان شوند و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی و خدمت‌رسانی از جمله فعالیت‌های این دفتر به شمار می‌آید. همچنین دفتر مسکن که در زمینه تهیه و تأمین مسکن مددجویان فعالیت دارد، و در نهایت دفتر مشارکت‌های مردمی است. این دفتر با توجه به محدودیت‌های اعتباری و بودجه‌های دولتی و عدم پیش‌بینی در برخی حوزه‌ها از سوی بهزیستی به جهت بودجه و اعتبار به کمک خیرین امر توانمندسازی را تسهیل و تسریع می‌نماید.

خورشید: بنده از سال ۱۳۹۴ به طور خاص وارد حوزه اشتغال شدم. این حوزه دارای سی بند است که حاوی شرایط، اقدامات و دستورالعمل‌هایی می‌باشد. یعنی اشتغال فقط صرف این موضوع نیست که ما فردی را مشغول به کار نماییم. بلکه سعی داریم افراد مراجعه‌کننده را، ابتدا یک بررسی مددکاری توسط مددکاران نموده؛ نیز یک آماده‌سازی شغلی برایش ایجاد نماییم. تا با در نظر گرفتن شرایط مددجو بتوانیم در کمیته اشتغال تصمیم بگیریم که چه

خدماتی را در زمینه اشتغال به او عرضه نماییم.

*** خانم خورشید شما به مسائل اشتغال نزدیکتر هستید بفرمایید بهزیستی در این زمینه چکار می‌کند؟**

خورشید: ممکن است مددجو هیچ مهارتی نداشته باشد ولی شرایط لازم برای آموزش مهارت‌ها را داشته باشد. در این صورت او را به مراکز فنی و حرفه‌ای معرفی می‌نماییم و پس از طی کردن دوره‌های آموزشی متناسب با مهارتش اگر مشاغلی وجود داشته باشد او را معرفی می‌کنیم و به این صورت برای مددجو اشتغال ایجاد می‌گردد. گاهی هم مددجو علاوه بر داشتن مهارت توانائی کار آفرینی دارد. ما هم ضمن ارائه تسهیلات بانکی به وی حمایت‌هایی مثل ارائه خدمات بیمه‌ای یا پرداخت بخشی از حق بیمه به عنوان بیمه خویش‌فرمایی صورت خواهد گرفت. ما حتی مددجویان دارای مهارت را به کارفرمایان معرفی می‌کنیم و بخشی از حق بیمه او را هم به کارفرما می‌پردازیم تا آینده شغلی مددجو هم تضمین گردد. مراکزی هم هستند که تحت نظارت سازمان بهزیستی فعالیت دارند و موظف‌اند بیست و پنج درصد از نیروهای کاری‌شان را از جامعه هدف سازمان تأمین نموده و در نظر بگیرند. ما در این عرصه هم توانستیم آنها را مجاب نماییم. ما در روستاها هم طرح CBR را داریم که با توجه به شرایط و موقعیت روستاها سرمایه‌ای را به عنوان سرمایه کار به صورت بلاعوض به مددجویان روستایی ارائه می‌کنیم تا ضمن ایجاد کسب و کار بتوانند در روستاها ماندگار شوند. یک مرکز کاربایی هم داریم که ضمن ثبت نام از جامعه هدف ما را در امر اشتغال یاری می‌دهد. همچنین معلولینی هستند که نیاز به مراقبت دارند و خانواده‌ها هم توان نگهداری از آنها را ندارند. ما به کمک مددجویانی که توانائی دارند سعی می‌کنیم این امور را انجام دهیم تا هم برای مددجو منبع درآمد باشد و هم از فرد معلول مراقبت و نگهداری شود. ما سال گذشته چهار میلیارد و صد و پنجاه میلیون اعتبار داشتیم که حدود دو میلیارد و سیصد میلیون آن را به عنوان تسهیلات بانکی ارائه نمودیم. مابقی اعتبارات هم در گردش بانکی قرار دارند. ما ضمن ارائه تسهیلات شغلی نظارت و بررسی از وضعیت شغلی مددجو را داریم و چنانچه مددجو با بحران مواجه گردد به وی کمک

می‌کنیم تا شغلش را ارائه دهد.

*** به نظر شما ضرورت اشتغال برای معلولین چگونه است و چه ارزیابی در این باره دارید؟**

زیبائیان: هر فردی که به سن استقلال می‌رسد اشتغال خاصه امر تأمین معاش یک امر ضروری محسوب می‌گردد. حال استقلال می‌تواند در امور فردی، خانوادگی، عاطفی و اجتماعی باشد. اما مؤثرترین نوع استقلال مالی است که تمامی امور اعم از خانواده، اجتماع و... را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. فلذا اشتغال به صورت عام برای همه افراد و اقشار جامعه یک ضرورت مهم تلقی می‌گردد. اما برای معلولین از بعد دیگری هم اهمیت دارد و آن بعد روانی است که معلول علاوه بر افزایش خودباوری و اعتماد به نفس احساس مفید بودن در جامعه و ارزشمندی خواهد نمود. البته اشتغال برای عموم افراد جامعه یک معضل به شمار می‌آید. اما برای معلولین به صورت ویژه مطرح است. چون هم جامعه به توانائی معلولین به درستی واقف نیست؛ هم ما معلولین را به خوبی به جامعه معرفی ننمودیم و هم خود معلولین به دلیل عدم خودباوری خودشان را به جامعه عرضه نمی‌کنند. کما این که معلولینی که خواستند و حرکت کردند بسیار خوب ظاهر شدند و درخشیدند.

خورشید: با توجه به بالا بودن و سنگینی هزینه‌های درمانی و تحصیلی معلولین بسیاری از خانواده‌ها توانائی پرداخت آن را ندارند. لذا اشتغال به عنوان یک امر ضروری نقش به‌سزایی در کاهش بار مالی و همچنین خودکفائی و خودباوری معلولان می‌شود.

*** سازمان بهزیستی چه روش‌ها و برنامه‌هایی را برای توسعه و بهبود اشتغال جامعه هدف اعمال نموده و چه برنامه‌هایی را پیش‌بینی کرده است؟**

خورشید: ما به فضل و لطف خداوند توانستیم با تشکیل جلسات متعدد با سازمان فنی و حرفه‌ای، اداره کار و بانک‌ها تفاهم‌نامه‌هایی را امضا نماییم. امسال هم پیرو همین تفاهمات به بررسی و اصلاح معایب و موانع خواهیم پرداخت. یکی

از این موانع بانک‌ها هستند که با ایجاد مانع بر سر راه مددجو اعتباراتی که در اختیارشان است را پرداخت نمی‌کنند. ما در اواخر سال گذشته جلساتی ترتیب دادیم و امسال هم سعی داریم جلسات را اول سال برگزار نماییم تا دچار مشکل نشویم. ما سعی داریم با در نظر گرفتن قوانین و ضوابط بانک‌ها مددجورا با آن ضوابط آشنا نماییم تا وقتی به بانک مراجعه می‌کنند با مشکل مواجه نگردند. در بحث آماده‌سازی شغلی و کارآفرینی هم با برگزاری جلسات و کلاس‌های آموزشی سعی کردیم هم توانائی مددجورا در پرداخت اقساط و مهارت‌های شغلی بسنجیم و هم او را نسبت به شرایط شغلی‌اش و همچنین بازار کار آگاه نماییم. ما جلساتی با فنی و حرفه‌ای ترتیب خواهیم داد تا طبق نیازسنجی که از مددجویان صورت گرفته است برنامه‌ریزی نمایند. ما جلساتی هم با سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر ارائه خدمات بیمه به مددجویان خواهیم داشت. البته اجرای این برنامه‌ها منوط به همکاری دیگر سازمان‌ها و ارگان‌ها خواهد بود.

زیبائیان: سیاست‌گذاری سازمان در سال ۹۵-۹۶ در سه بخش به صورت منسجم تدوین گردیده است. ۱: ایجاد، ۲: تثبیت، ۳: تبلیغ. منظور از ایجاد فراهم نمودن فرصت‌های شغلی برای جامعه هدف، ارائه تسهیلات بانکی برای مددجویان کارآفرین و صدور مجوز برای مؤسسات غیر دولتی با هدف ایجاد کار و اشتغال برای جامعه معلولین و عموم می‌باشد. در بحث تثبیت هم به حمایت‌های شغلی می‌پردازیم. از جمله این حمایت‌ها پرداخت بخشی از بیمه خویش‌فرمایی است که به مدت پنج سال «شصت ماه» و تا زمانی که موقعیت شغلی معلول تثبیت شود پرداخت می‌گردد. یکی دیگر از وظایف ما در مسئله تثبیت حمایت از کارفرما می‌باشد. ما برای کارفرمایان این امکان را فراهم کردیم که تا سقف پنج نفر از مددجویانی که استخدام نموده‌اند بنا بر شرایط و ضوابط قانون کار می‌توانند تسهیلات بانکی دریافت نمایند. همچنین ما می‌توانیم به مدت پنج سال به تعداد مددجویانی که استخدام کرده‌اند و تا زمانی که معلول و مددجو کار را یاد بگیرد و به اندازه یک فرد سالم خروجی داشته باشد حق بیمه کارفرما را بپردازیم. در راستای تثبیت شغلی مددجویان بهزیستی مکلف است به میزان عدم توانائی و عدم کارایی معلول حقوق او را پرداخت نماید. در مباحث تبلیغی

هم ما در سال گذشته بسیار موفق بودیم. مددجویی که مهارت‌های کافی و لازم را دارد و به عرصه تولید و اشتغال رسیده است باید به جامعه عرضه و شناسانده شود. ما سال گذشته برنامه‌هایی داشتیم که در پایان سال بسیار رضایت‌بخش ارزیابی شد. امسال هم برنامه‌هایی داریم که اجرائی خواهیم کرد. در راستای تقویت مسئولیت اجتماعی و گسترش خیر جمعی بخش غیر دولتی را وارد کردیم که به صورت داوطلبانه تولیدات و محصولات مددجویان را در معرض نمایش گذاشتند. نمایشگاه مفصلی در سطح استان برگزار شد که بازتاب بسیار خوبی داشت و فروش خوبی هم داشتیم. همچنین یک انجمن صنفی تولیدات مددجویان ما را در کنار محصولات خود در تمام سایت‌های خود تبلیغ و به فروش گذاشت. چون علاوه بر نیت خیری که داشت کارها به قدری زیبا بود که نه تنها با کارهای افراد عادی قابل مقایسه نبود بلکه برتر هم بودند. طوری که فروش امسال با تمام نمایشگاه‌هایی که در طول پنج سال برگزار کرده بودیم برابری می‌کرد. از سوی دیگر معرفی توانمندی‌های معلولین به جامعه شش‌هزار نفری کارفرمایان بود که هر کدام از آنها با جامعه بزرگتری از صنف خود مرتبط می‌باشند. اینها حمایت‌هایی بود که اگر ما به تنهایی وارد می‌شدیم به این زیبایی انجام نمی‌پذیرفت. من به معلولین عزیز این نوید را می‌دهم که همین اقدام بسیار خوب سبب شد تا بخش غیر دولتی وارد عرصه شود و یک مجموعه تجاری ویژه معلولین تأسیس گردد که ان‌شاءالله در سال ۹۶ کلید خواهد خورد. به حول و قوه الهی قرار است به همت خیرین و همان انجمن صنفی پاساژی در مرکز فروش ساخته شود و زمین آن هم از طرف بهزیستی اهدا شده است. این اقدام خوبی خواهد بود و مددجو مانند دیگر بازاریان و کسبه می‌تواند محصولات و تولیدات خود را عرضه و به فروش برساند. ما این قدم را از در پایان سال گذشته برداشتیم. علاوه بر این ما نمایشگاه‌های فصلی و مناسبتی را هم برای کسانی که تولیدات داشتند برگزار نمودیم. اما یکی دیگر از اقدامات ما در بخش اشتغال این بود که کارشناسان اداره بهزیستی شهرستان به کارخانه‌ها و شهرک‌های صنعتی مراجعه نمودند و فرصت‌های شغلی متناسب با معلولان را بررسی کردند و کارفرمایان را نسبت به توانائی معلولین با توجه به محدودیت‌هایشان توجیه

نمودند. این یک اقدام فرهنگی بود که توسط سازمان صورت پذیرفت. البته این اولین اقدام ما بود و می‌دانیم که خیلی راه برای رفتن وجود دارد. و امسال طبق برنامه مفصل تر سراغ اصناف دیگر خواهیم رفت و در راستای مسئولیت اجتماعی همه صنوف را نسبت به همه معلولین آگاه و متعهد سازیم. متأسفانه در جامعه به غلط طوری القا شده که فقط بهزیستی متولی امور معلولین می‌باشد. در حالی که تمام مردم و تک‌تک آحاد جامعه متولی امور معلولین هستند. من امیدوارم به جایی برسیم که همه افراد و اقشار جامعه در برابر مسئولیت اجتماعی احساس تعهد و مسئولیت نماییم.

*** آیا بهزیستی در راستای رفتار و وظایف کارفرمایان نسبت به معلولین کارهای نظارتی را نیز صورت داده است؟**

زیبائیان: خیر، چون متأسفانه در این زمینه خلأ قانونی وجود دارد. و همه چیز تعاملی است. البته خواست قلبی و قانونی ما هم هست که قانون گذار در این گونه موارد پیش‌بینی لازم را داشته باشد. متأسفانه ما به وفور شاهد این هستیم که شرایط کاری یک فرد معلول با یک کارگر عادی هم برابری نمی‌کند. حتی پای دادگاه و شکایت هم که به میان می‌آید با توجه به این که قانون کار برای همه افراد و اقشار جامعه لحاظ شده، و یک کارگر عادی با استناد به همین قانون به نتیجه می‌رسد، ولی یک فرد معلول وقتی در موقعیت قضاوت قرار می‌گیرد هر چند که باید یک نگاه استحقاقی نسبت به معلول وجود داشته باشد ولی به حقش نمی‌رسد. حتی در بحث پرداخت حق بیمه کارفرما و پرداخت بخشی از حقوق معلول به خاطر عدم کارایی اش هم با توجه به این که ضوابط و دستورالعمل‌های سختی وجود دارد متأسفانه کارفرمایان زیر بار نمی‌روند. مثلاً ما از کارفرما می‌خواهیم که در محضر تعهد دهد که پنج سال معلول را مشغول به کار نماید. در عوض ما هم بیمه کارفرما و هم بخشی از حقوق معلول را می‌پردازیم. اما آنها می‌گویند نه پول می‌خواهیم و تا زمانی که معلول برای ما کارایی داشته باشد او را نگه می‌داریم. همین مسئله صدمه جبران‌ناپذیری به مددجو وارد خواهد کرد.

خورشید: درست است که ما قدرت اجرائی نداریم، ولی هم بازدید داریم و هم

کارفرمایان خوبی داریم که داوطلبانه معلولین را به کار گرفته و می‌گیرند. ما حتی به همراه کارشناسی که از تهران آمده بود برای بازدید به یکی از کارخانه‌هایی که مددجویان بهزیستی کار می‌کردند رفتیم و وضعیت مددجویان و کارخانه را بررسی نمودیم. خوشبختانه همه راضی بودند. البته ما هم سعی می‌کنیم مددجویانی را معرفی نماییم که آمادگی لازم را برای ورود به عرصه کار را کسب نموده باشند تا دید کارفرمایان نسبت به جامعه هدف بد نشود.

زیبائیان: البته به نظر می‌رسد که باید در سطح کلان و مدیریت کلان کشور این اتفاق بیفتد. طوری که امتیازاتی که سازمان بهزیستی ارائه می‌دهد به امتیازات اداره کار و تأمین اجتماعی مبدل گردد. یعنی مشوق‌ها مشوق‌های عمومی باشد که همه از آن مطلع باشند. مثلاً اگر دولت قرار است واحدهای تولیدی را احیا کند یا حمایت کند و توسعه دهد در راستای مسئولیت اجتماعی حمایت اجتماعی‌اش را چند برابر نماید. طبعاً این خیلی بهتر است تا این که به صورت موردی این مشوق‌ها ارائه گردد.

*** از زمان شروع اجرای طرح CBR نظریه‌ای مبنی بر حل بخش اعظم مشکلات معلولان و مددجویان مطرح گردید، به نظر شما تا چه حدی به اهداف و خواسته‌های بهزیستی خاصه در حوزه اشتغال جامعه عمل پوشانید؟**

زیبائیان: طرح CBR توانبخشی مبتنی بر جامعه می‌باشد. یعنی ما باید از پتانسیل‌های اجتماعی یا شرایط بیمه که برای توانمندسازی افراد دارای معلولیت استفاده نماییم. بخش اعظم هدف از شکل‌گیری CBR شناسایی بود. یعنی افراد معلولی در روستاهای دورافتاده و صعب‌العبور زندگی می‌کردند که شناسایی نشده بودند. CBR از طریق آموزش تسهیل‌گران که عمدتاً بومی بودند آنها را به نقاط دورافتاده و ده‌کوره در سراسر کشور اعزام نمود. ما در این طرح حداقل در استان قم توانستیم پوشش صد درصدی داشته باشیم. یعنی می‌توانیم ادعا کنیم که هیچ معلولی در دورافتاده‌ترین روستاهای استان نیست که تحت پوشش بهزیستی نباشد. این به عنوان اولین قدم در شناسایی افراد معلول و نیازسنجی

بسیار مؤثر بود. قدم دوم در همین راستا آموزش خانواده‌های آنها برای این که بدانند با معلولین چه از حیث عاطفی و چه از بعد روانی و مهارت‌های زندگی چگونه رفتار نمایند. این طرح حتی فعالیت‌های جسمی معلول برای این که شرایط بدتری پیدا ننمایند و همچنین روند بهبودی آنها را تحت الشعاع قرار داد. ما معلولی را شناسایی نمودیم که مانند حیوانات در یک دخمه نمور و تاریک زندگی می‌کرد و فقط برای ادامه زندگی به او آب و غذا می‌دادند و معتقد بودند او دارای روح شیطانی است. CBR این نگرش را تغییر داد و تحول عظیمی ایجاد نمود. با ارائه خدمات و لوازم توانبخشی به معلولان یک حیات دوباره در زندگی آنان ایجاد گردید. در بخش توانمندسازی و اشتغال هم نسبت به حوزه شهری بسیار موفق‌تر عمل کردیم. چون دستیابی به مسائل معیشتی و اقتصادی با رویکرد بومی و روستایی به مراتب ساده‌تر است. دلیلش این است که نگهداری مرغ و خروس و گوسفند برای یک معلول شهری به هیچ وجه میسر نیست. ولی برای روستائیان سهل‌الوصول است. خوبی کار در این بود که تسهیلات بلاعوض بود و با سرمایه کم می‌توانستند به یک سرمایه کلان و پررونق دست پیدا کنند. مثلاً با یک یا دو گوساله به مبلغ دو میلیون تومان به یک گله گاو و گوساله دست می‌یافتند. همین امر نقش به‌سزایی در زندگی معلول ایفا نمود. طوری که هم زندگی معلول و خانواده‌اش احیا می‌شد و هم او را به خودباوری و شکوفایی می‌رساند و از مهاجرت به شهرها ممانعت گردید. در جلسه شورای اشتغال که در سال ۹۶ تشکیل شد موضوع توسعه و اشتغال روستایی در رأس برنامه‌ها قرار گرفت. من فکر می‌کنم به تبع این موضوع اعتبارات ما در بخش CBR رشد خوبی داشته باشد. هر چند که در سال‌های اخیر استان قم دارای رتبه بوده است. در موضوع استاد و شاگردی هم عملکرد موفق داشتیم. یعنی یک معلول به عنوان شاگرد در کنار یک استاد کار قرار می‌گیرد و آموزش‌های شغلی و مهارتی را می‌بیند و پس از آن سرمایه کار در اختیار معلول قرار خواهد گرفت.

*** در طرح CBR، به خصوص اشتغال روستایی چه میزان در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی موفق بودید و میزان تسهیلاتی که به مددجویان تعلق**

می‌گیرد چقدر است؟

خورشید: در سال گذشته به بیست و یک نفر تسهیلات بانکی بلاعوض واگذار شد که نسبت به سال‌های قبل رشد چشمگیری داشت. در روستاها هم کسی که برنامه یا طرحی برای اشتغال داشت مورد حمایت قرار گرفت. حمایت‌های بهزیستی برای روستائیان در سه بند CBR، ارائه تسهیلات و معرفی به کارخانه‌هایی که نزدیک روستاها باشند خلاصه می‌شود. ما در بخش CBR ۳۵ معلول، در بخش کاربایی یک معلول معرفی کردیم، در مراکز غیر دولتی یک معلول مشغول به کار شد، از خدمات خویش‌فرما و کارفرما دو معلول استفاده می‌کنند، در بخش تسهیلات بانکی بیست و چهار نفر بهره‌مند شدند، همچنین کسانی که در سال ۹۴ برای دریافت تسهیلات اقدام کرده بودند ولی سال ۹۵ موفق به اخذ آن شدند ۱۶ نفر بودند، کارفرمایی هم دو معلول را با گرفتن اعتبارات بانکی مشغول به کار کرده بود، یک نفر از اعتبارات مشاغل خانگی و یک نفر هم از اعتبارات مشاغل عمومی استفاده نمودند. یعنی در بخش روستایی کسی نبود که شرایط لازم را داشت ولی به او تسهیلات ارائه نشد. در حوزه شهری نیز صد و دو نفر تسهیلات بانکی دریافت نمودند که ۱۰۳ نفر از آنها معلول بودند، در حوزه اجتماعی ۲۱ نفر از زنان سرپرست خانوار تسهیلات گرفتند، و همچنین ۶۸ نفر در حوزه پیشگیری «کسانی که بهبود یافته بودند» از تسهیلات ما استفاده کرده‌اند. مبلغ آن در مهارت‌ها و مشاغل خانگی از پنج میلیون تا پانزده میلیون است و در بخش بیمه هم مددجویان می‌توانند به صورت دولتی خود را بیمه نمایند. یعنی ما مددجو را به کارشناس بیمه معرفی می‌کنیم و بنا به نظر کارشناس درصدی از حق بیمه او پرداخت می‌گردد. البته این قانون شامل افرادی خواهد شد که از سال ۸۸ به بعد بیمه نبوده‌اند. ما سال گذشته صد مورد را معرفی نمودیم که چهل و شش مورد آن معلولین بودند و ۵۴ مورد هم مربوط به پیشگیری می‌شدند. در حوزه خویش‌فرما و کارفرما هم آمار تثبیتی ما ۱۵۹ نفر است که ما آنها را جزء برنامه به حساب نمی‌آوریم. ولی در سال گذشته در بخش ایجاد شانزده نفر در بخش خویش‌فرما بودند. در قسمت کارفرما هم رشد قابل قبولی داشتیم و کارفرمایان نوزده نفر را مشغول به کار کردند. مراکز غیر دولتی هم حدود هفتاد و دو نفر از جامعه هدف و غیر مددجو را مشغول به کار

نمودند. در بخش مراقبت‌های خانگی هم حدود ده نفر مشغول به کار شدند. کاربایی سازمان هم حدود چهار معلول را مشغول به کار نموده است. به طور کلی مجموع تعهد اشتغال ما در سال گذشته از ششصد و بیست و سه نفر به ششصد و سی و دو مورد ارتقا پیدا نمود.

*** آیا حق بیمه پنج ساله شامل مددجویانی که خودشان شغلی ایجاد کرده‌اند نیز خواهد شد؟**

زبیائیان: هر فردی فقط می‌تواند از یکی از تسهیلات استفاده نماید. مثلاً اگر مددجویی وام دریافت کرده باشد نمی‌تواند از حق بیمه خویش‌فرمایی بهره‌مند گردد. مگر این که برای تثبیت شغلش نیاز به این حمایت‌ها داشته باشد.

*** آماده‌سازی شغلی شامل چه فعالیت‌های می‌شود و بهزیستی تا کنون چه اقداماتی در این زمینه صورت داده است؟**

زبیائیان: آماده‌سازی شغلی شامل موارد زیر می‌گردد: مصاحبه شغلی، شناخت توانمندی‌ها، محدودیت‌ها، علایق و استعدادها، مددجو، و چنانچه فرد مهارت کافی نداشته باشد هدایت او جهت آموزش. خوشبختانه با تفاهم‌نامه‌هایی که با فنی و حرفه‌ای امضا کردیم همکاران ما در این سازمان همکاری بسیار فوق‌العاده‌ای با ما داشتند. یکی از اقداماتی که ما از سال گذشته شروع کردیم آموزش مهارت کارآفرینی است. ما بر اساس همین آموزش روحیات افراد را متناسب با شغل مورد نظرش می‌سنجیم و او را نسبت به شرایط شغلی و بازار کارش آگاه می‌نماییم. متأسفانه در گذشته این موارد مغفول می‌ماند و بسیاری از طرح‌های اشتغال با شکست مواجه می‌گردید. سال گذشته وقتی اولین دوره آموزشی به همت سرکار خانم خورشید و جناب آقای کرمی برگزار شد همه مددجویانی که متقاضی دریافت وام بودند بسیار معترض شدند. اما در پایان دوره نگاهشان تغییر کرد. خیلی‌ها به این نتیجه می‌رسیدند که اصلاً برای شغل مورد نظرشان مناسب نیستند. و اغنایشان نمی‌کند. گاهی هم پیش می‌آمد که معلولان از مهارت‌های ارتباطی لازم با کارفرما و همکارانش برخوردار نبود این آموزش‌ها به او

کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم برای کسب و کار را به دست آورد اینها مجموع فعالیت‌هایی بود که آماده‌سازی شغلی را در بر می‌گیرد. من به جرأت اذعان می‌کنم که نود و هشت درصد موفقیت مددجویان در اشتغال به آماده‌سازی شغلی برمی‌گردد.

* آیا در چارت سازمان بهزیستی اشتغال معاونت محسوب می‌شود؟

خورشید: خیر، واحد اشتغال معاونت نیست؛ بلکه اداره هماهنگی مؤسسات غیر دولتی، مشارکت‌های مردمی و اشتغال است. یعنی در چارت سازمان اداره است؛ ولی به عنوان معاونت شناخته می‌شود. واحد اشتغال، مسکن کمیسیون ماده ۲۶ و مشارکت‌های مردمی زیر نظر اداره هماهنگی مؤسسات غیر دولتی هستند و این اداره هم زیرمجموعه اداره کل بهزیستی استان می‌باشد. ما باید در چارت و تشکیلاتمان اداره باشد؛ و در اداره کل یک معاونت وجود داشته باشد. اما متأسفانه چنین اتفاقی رخ نداده است.

* به طور کلی کمیته اشتغال در قم و سایر استان‌ها شامل چه افراد و گروه‌هایی می‌شود؟

خورشید: این کمیته داخل سازمان بهزیستی تشکیل می‌شود. ما به سایر معاونت‌های سازمان نامه‌ای مبنی بر معرفی یک کارشناس ابلاغ می‌نمائیم. کارشناسان هم به همراه کارشناس اشتغال در راستای مسائل و مشکلات اشتغال در حوزه‌های مختلف کمیته‌ای تشکیل می‌دهند. مثلاً چنانچه در حوزه توانبخشی مشکلی در رابطه با اشتغال وجود داشته باشد کارشناس مربوطه مسأله را به زیر مجموعه خود ارجاع خواهد داد. اعضای این کمیته هم محدودیتی ندارد. فقط اعضای آن از معاونت‌ها انتخاب می‌شوند.

* شما به غیر از مشاوره در زمینه اشتغال چه کارهای دیگری انجام می‌دهید؟

خورشید: البته کار ما مشاوره نیست؛ بلکه مشاوره مددجو بر عهده مددکار است. اگر مددجو مدرک و مهارتی داشته باشد او را به حوزه مهارت‌های شغلی

ارجاع می‌دهیم تا نسبت به شغل و همچنین ویژگی‌ها و شرایط شغلی و بازار کار مشاوره شود و با آگاهی بیشتری شغلش را انتخاب نماید. مثلاً شرکت داده‌های نوین پذیرفته که آموزش مهارت و نیز انجام مشاوره شغلی مددجویان را بر عهده گیرد. اگر هم مددجو نیاز به آموزش داشته باشد وظیفه ما آموزش نیست. اما بهزیستی کشور طی تفاهم‌نامه‌ای با سازمان فنی و حرفه‌ای آموزش مددجویان را به این سازمان محول نموده است. این آموزش‌ها جنبه مهارتی دارد و رشته‌هایی مثل سنگ‌تراشی، خیاطی، گلدوزی، و... را شامل می‌گردد.

* بهزیستی چند سرفصل را برای اشتغال در نظر گرفته است؟

خورشید: ما سرفصل نداریم. در واقع هدف واحد اشتغال سازمان تسهیل امر اشتغال مددجویان است. یعنی مددجو آمادگی شغلی لازم را کسب می‌نماید و کارفرما را هم خودش پیدا می‌کند. ما هم برای جذب او کمک می‌کنیم و یا با پرداخت تسهیلات زمینه ایجاد یک شغل مناسب را برایش فراهم می‌نمائیم. ما مدعی ایجاد اشتغال نیستیم. ما فقط تسهیل‌گر اشتغال هستیم و در وظایفی که سازمان بهزیستی بر عهده واحد اشتغال قرار داده این حوزه را به عنوان کمک کننده به اشتغال مددجویان معرفی نموده است. اما ما پا را فراتر نهاده و از مددکاران می‌خواهیم مددجوی متقاضی شغل را برای اشتغال مناسب آماده نموده و به حوزه اشتغال معرفی نمایند. یعنی آماده‌سازی شغلی نیز جزء وظایفی است که بر عهده دیگر معاونت‌های سازمان گذاشته شده است. منتهی با توجه به این که می‌بینیم مددجو وقتی وارد شغلی می‌شود نمی‌تواند خوب کار کند یا این که مهارت کافی ندارد خودمان وارد عمل شدیم.

* آیا بهزیستی در زمینه اشتغال کار پژوهشی هم انجام داده است؟

خورشید: ما پس از این که مددجو را به کارفرما معرفی کردیم؛ یا تسهیلات اشتغال به او واگذار کردیم بازدیدهایی توسط مددکار و کارشناس اشتغال جهت بررسی شرایط شغلی مددجو صورت خواهد گرفت و نتیجه بازدیدها را در گزارش‌هایمان درج می‌نمائیم. البته شرایط اشتغال مددجویان رو به بهبود بوده

است. چون ما قبل از شروع به کار آماده‌سازی شغلی را برایشان ایجاد کردیم. همین جا لازم می‌دانم این نکته را اضافه نمایم که چنان چه کسی آمادگی این را داشته باشد که تعدادی از مددجویان ما را جهت اشتغال آموزش دهد و به ما اعلام نماید ما آمادگی کمک به این افراد یا مؤسسات را داریم و کمک هم خواهیم کرد. مثلاً در زمینه سنگ‌تراشی شرکت یاقوت کویر اعلام کرد که آمادگی دارد به تعدادی از مددجویان هم آموزش دهد و هم زمینه اشتغال را فراهم نماید. اما وقتی برای بازدید رفتیم دیدیم که مکان برای حضور معلولین مناسب‌سازی نشده است و معلول نمی‌تواند از پله بالا برود. ما موضوع را با مسئول شرکت در میان گذاشتیم و ایشان هم فرمودند که ما پس از بنایی متوجه این مسأله شدیم.

* شما در سال گذشته به چند نفر تسهیلات واگذار کردید؟

خورشید: ما در سال ۹۵ به ۶۳۲ مددجو تسهیلات اشتغال اختصاص دادیم. که طبق دستورالعملی که از بهزیستی کشور به ما ابلاغ شده بود ما به ۶۲۳ نفر تعهد شغلی داشتیم که به ۶۳۲ نفر ارتقا یافت. از این تعداد به ۱۹۲ نفر تسهیلات بانکی اختصاص دادیم. یعنی از چهار میلیارد و صد و پنجاه تومان دو میلیارد تومان آن را تسهیلات پرداخت کردیم و دو میلیارد تومان آن را هم امسال پرداخت خواهیم کرد. البته این اعتبارات و درخواست‌ها برای سال گذشته بود. ولی با توجه به قوانین و ضوابط بانک‌ها به امسال موکول گردید و در دست اقدام می‌باشد. ما سال گذشته تعداد ۱۰۰ مددجوی شاغل را برای خدمات بیمه‌پردازی معرفی نمودیم. ۱۶ نفر هم در سال جدید از بیمه خویش‌فرمایی استفاده نمودند. ۱۹ مددجو هم از بیمه کارفرمایی در سال جدید بهره‌مند شدند. حدود ۷۲ نفر هم در مراکز غیر دولتی تحت نظارت سازمان بهزیستی مشغول به کار شدند. در بخش مراقبت‌های خانگی حدود ۱۰ نفر مشغول به کار شدند. حدود ۴ نفر هم توسط اداره کاربایی ما به کارخانه‌ها معرفی شدند. در حوزه CBR که به روستاها مربوط می‌شود ۲۱ نفر از کمک‌های بلاعوض سازمان بهره‌مند گردیدند. طبق دستورالعملی مبنی بر این که پنج درصد از مشارکت‌های نقدی عام باید صرف اشتغال گردد به ۶ نفر کمک بلاعوض شد که بالغ بر هشت میلیون و نیم بود. مثلاً اگر کسی می‌خواست یک

چرخ خیاطی یا گوسفند و یا یک گاری بخرد و شرایط مالی مساعدی نداشت ما از این اعتبارات که از طریق مشارکت‌ها به حساب سازمان واریز می‌شد استفاده نمودیم. ۱۲ نیرو هم در فضاهای خالی که تحت اختیار سازمان بهزیستی هستند مثل روستاها مشغول به خدمت می‌باشند. کمیسیون ماده ۲۸ به این موضوع به طور مفصل پرداخته است.

*** با توجه به آمار معلولین آیا برای اشتغال آمار و معیار خاصی وجود دارد؟**

خورشید: معیار آمارگیری برای اشتغال آمار کل معلولین تحت پوشش نیست. ما طی نامه‌ای از کلیه معاونت‌ها درخواست می‌کنیم آمار افراد تحت پوشش شهری و روستایی را به ما ارائه دهند که آمار افراد تحت پوشش سازمان در سال ۱۳۹۵، ۳۱۸۲۴ نفر بوده است و این آمار فقط شامل معلولین نیست. بلکه حوزه‌های پیشگیری، اجتماعی، توانبخشی، شهری و روستایی هم در نظر گرفته شده است. اینجا لازم است که بررسی کنیم و ببینیم از این آمار چه تعداد قابلیت بازتوانی دارند و چه تعداد بازتوان نیستند. و این که اعضای خانواده افراد غیر قابل بازتوان چند نفر قابلیت بازتوانی دارند. با توجه به این که میانگین سن اشتغال ۱۸ تا ۵۰ سال است چند نفر در سنین اشتغال قرار دارند. از این رنج سنی چه تعداد متقاضی شغل هستند و همچنین چه تعداد آمادگی شغلی دارند. این معیارها برای کمیته اشتغال اهمیت دارد و ما آن را از معاونت‌ها به دست می‌آوریم. مثلاً تعداد افراد غیر قابل بازتوان ۷۱۱۰ نفر و اعضای خانواده افراد غیر بازتوان که قابلیت بازتوانی دارند نیز ۷۱۸ نفر می‌باشد.

*** سازمان بهزیستی برای افراد غیر قابل بازتوان چه تدابیری اندیشیده**

است؟

خورشید: این افراد شامل مستمری و مراقبت‌های خانگی می‌شوند. ما از اعضای خانواده این مددجویان می‌خواهیم در قبال مراقبت‌هایی که از مددجو انجام می‌دهند از ما حقوق دریافت نمایند و این افراد جزء افراد اشتغال یافته ما محسوب می‌گردند. اگر هم هزینه‌های درمانی داشته باشند با آوردن فاکتور

درمان حداکثر هزینه‌ها را تقبل می‌نمائیم. حتی هزینه تحصیل معلولین نیز پرداخت می‌گردد.

* آیا بهزیستی بانک اطلاعات هم دارد؟

خورشید: بله، از زمانی که مددجو وارد بهزیستی می‌شود باید پذیرش و اطلاعاتش ثبت گردد و برای او پرونده تشکیل شود. سپس پرونده او از طریق معاونت‌ها جهت بررسی شرایط مددجو و رسیدگی در اختیار مددکار قرار می‌گیرد. این بانک در اختیار معاونت‌ها می‌باشد.

* یکی از روش‌هایی که سازمان برای ایجاد اشتغال در نظر گرفته تعاونی‌ها می‌باشد. در همین راستا بهزیستی استان قم چه اقداماتی صورت داده است؟

خورشید: یک شرکت تعاونی ویژه معلولین به آقای ذوقی واگذار شده بود که هیچ فعالیت و انعکاسی نداشت. بنده با ایشان صحبت کردم که تنها تعاونی معلولین شما هستید که هیچ فعالیتی ندارید. من برای تأسیس یک شرکت تعاونی به اداره کار مراجعه نمودم که گفتند تعاونی را به شما واگذار کردند. اگر فعالیتی نداشته باشید و بیلان کاری ارائه ندهید اداره کار تعاونی را منحل خواهد کرد. آقای ذوقی هم فرمودند من حاضرم تعاونی را واگذار نمایم. اما در جلسات به توافق نمی‌رسند. سال گذشته خانمی از ساوه که خودش یک تعاونی فرا استانی داشت برای تأسیس تعاونی در استان قم اعلام آمادگی نمود. ما نامه‌نگاری‌های لازم را انجام دادیم که به امسال موکول گردید. خانم دیگری هم در سال گذشته درخواست تأسیس یک تعاونی داد که به وسیله آن گروه همیار تشکیل گردد. ما کارهای اولیه را انجام دادیم. با تهران مکاتبه نمودیم و اسامی مددجویان را ثبت کردیم و منتظریم تا کارهای ثبت تعاونی به اتمام رسد. یعنی در واقع در زمینه تعاونی کاری در قم انجام نشده و فقط بستر آن فراهم گردیده است.

* در زمینه استخدام سه درصد چه اقداماتی انجام دادید؟

خورشید: ما در سال گذشته یک نفر استخدامی داشتیم و آن هم مربوط به سازمان بهزیستی می‌شد. بنده طی نامه‌ای به مهندس رضوی درخواست کردم مجوزهای استخدامی ارگان‌ها را به ما ابلاغ نمایند. تا بتوانم به آنها مراجعه کنم و ببینم آیا آنها از قانون سه درصد استخدام معلولین تبعیت کرده‌اند؟ اما تا کنون پاسخی دریافت ننمودیم. البته ما در سال ۹۴ حدود چهار پنج نفر را استخدام نمودیم. ما پیگیری زیادی داشتیم ولی قوانین و مقررات ارگان‌ها به قدری سخت بود که کار را برای ما دشوار کرد.

*** در زمینه فرهنگ‌سازی سازمان بهزیستی قم چه خدماتی ارائه نموده است؟**

خورشید: انجمن نانوتون قم تمام محصولات مددجویان ما را در قالب تقویم و سررسید تبلیغ کرد. همچنین این انجمن سال گذشته نمایشگاهی با عنوان همدردی همدلی واقع در خیابان سالاریه برگزار نمود و محصولات مددجویان را به نمایش گذاشت که بالغ بر سی و پنج میلیون تومان فروش داشتیم و بسیار بی‌سابقه بود. ما از سال گذشته تا کنون کارشناس اشتغال را به کارخانه‌ها می‌فرستیم تا مسئولین و کارفرمایان را نسبت به خدمات بهزیستی و توانمندی‌های مددجویان توجیه نماید. در همین راستا در حال تدوین و تهیه بروشور نیز می‌باشیم.

*** با تشکر از هر دو کارشناس محترم در انتها چنان چه صحبتی باقی مانده بیان فرمائید.**

زیبائیان: من نمی‌خواهم با مسئولین صحبت کنم. چون خودم از آنها هستم. اگر ما کاری انجام نمی‌دهیم و غفلت می‌کنیم گناه از ما است و امیدوارم که مسئولین غافلی نباشیم و حواسمان به وظایفمان باشد. ولی بنده از دفتر فرهنگ معلولین که نقطه ارتباط مسئولین و جامعه هدف می‌باشد انتظار دارم طبق آیه قرآن که خداوند می‌فرماید خداوند حال هیچ قومی را تا زمانی که خودشان تغییر نکنند تغییر نمی‌دهد، این نگرش را در معلولین به وجود آورد که جامعه معلولین باید مطالبه‌گر باشد. اگر جامعه معلولین مطالبه‌گر و به دنبال افزایش آگاهی باشد و

خود را به جایی که استحقاق آن را دارد برساند دیگر مسئولین نمی‌توانند غفلت کنند و از کنار وظایفشان ساده بگذرند. من فکر می‌کنم معلولین باید خیلی هوشمندانه‌تر وارد صحنه شوند و خود متولی امورشان گردند. من صد درصد مخالف این هستم که افراد سالم امور معلولان را مدیریت نمایند. در کسوتی که من هستم باید جایگاه یک معلول باشد و از زاویه نگاه یک معلول مشکلات و نیازهای معلولین را بسنجد و برای آن برنامه‌ریزی نماید. تا زمانی که مجلس قانون‌گذار ما نماینده قوی معلول نداشته باشد و در کابینه دولت یک مدیر معلول نباشد هر قدر هم قوانین به نفع معلولین باشد ولی اجرائی نخواهد شد. مثل قانون جامع حمایت از حقوق معلولین که ما به آن دسترسی نداریم. علت این که این قانون اجرائی نمی‌شود و تعهد عمومی نسبت به آن مشاهده نمی‌شود عدم فرهنگ‌سازی در سطح مدیریت کلان کشور می‌باشد.

خورشید: من هم ضمن تأیید فرمایشات خانم زیباییان تأکید می‌کنم که جامعه هدف ما تا زمانی که فقط به بهزیستی متکی باشد موفق نخواهد شد. این می‌طلبد که همگان کمک کنند تا نه فقط بهزیستی بلکه همه نیازمندان هم از نظر اقتصادی به استقلال برسند و هم از لحاظ روانی به مرتبه والایی دست پیدا نمایند.

راه کار برای ایجاد اشتغال مصاحبه با حجت الاسلام اکرامی و آقای عمادی

اشاره

معاون فرهنگی اداره کل بهزیستی استان قم حجت الاسلام اکرامی و مشاور عالی این اداره و مدیر هماهنگی کمک‌های مردمی آقای عمادی ۱۸ اردیبهشت ۹۶ مهمان دفتر فرهنگ معلولین بودند. قرار بود درباره چند موضوع از جمله اشتغال به مدیریت دفتر مشاوره و راهنمایی بدهند. زیرا این دفتر چند پژوهش گسترده درباره اشتغال معلولان به ویژه معلولان ساکن استان قم در دست اجرا دارد. ولی به دلیل کمبود منابع یا فقدان کتاب و مقاله در این باره، اجرای این پروژه با سختی به پیش می‌رود. اما مهم‌تر این است که بدانیم اداره بهزیستی و بالاتر سازمان بهزیستی به عنوان اصلی‌ترین متولی امور معلولان کشور در زمینه اشتغال چه کارهایی انجام داده و چه پروژه‌هایی در دستور کار دارد. بهزیستی چه دستاوردهایی در این حوزه اندوخته است و ما چگونه و به چه روشی می‌توانیم به آن تجارب دسترسی پیدا کنیم. در این گفت‌وگو آقایان محمد نوری، مسعود باقری، علی نوری و مریم فاسمی از طرف دفتر و آقایان اکرامی و عمادی از طرف اداره کل بهزیستی حضور داشتند. پرسش‌هایی توسط نمایندگان دفتر مطرح و آقایان بهزیستی به آنها پاسخ گفته‌اند.

* امسال (سال ۱۳۹۶) از طرف مقام رهبری به عنوان سال تولید و اشتغال نامگذاری شده و بر اشتغال تأکید شده است. آیا بهزیستی در این زمینه و برای اشتغال آسیب‌مندان تحت تکفل خودش به ویژه برای اشتغال معلولان اقدامی در دستور کار دارد یا برنامه‌ای اجرا خواهد کرد؟

عمادی: اشتغال بحث گسترده است و دارای ابعاد وسیع و پیچیده می‌باشد. به ویژه برای معلولان نیاز به کارشناسی‌های تخصصی دارد. اما اینکه می‌پرسید آیا بهزیستی مرکز و بهزیستی قم کاری و برنامه‌ای اجرا خواهد کرد یا نه؟ به نظر می‌رسد مسئولین و مدیران بخش اشتغال می‌توانند پاسخ دقیق‌تر به شما بدهند.

* دو جلسه با مدیران بخش اشتغال گفت‌وگو شده و اینکه از شما پرسیدم می‌خواهیم بدانیم آیا در معاونت فرهنگی، برنامه فرهنگی یا فرهنگ سازی در زمینه اشتغال جریان دارد و آقای اکرامی به عنوان معاون فرهنگی اداره کل این استان در زمینه فرهنگ اشتغال چه طرح و برنامه‌ای دارند؟

اکرامی: تقریباً بخش بزرگی از بهزیستی ویژه اشتغال معلولین می‌باشد. مثل مراکز دیگر کار می‌کنند و در این زمینه دستورالعمل و آیین‌نامه دارند. همچنین معاونتی به نام اشتغال در این سازمان وجود دارد. ولی قضیه این است که همان‌طور که شیوع بیکاری یکی از معضلات بزرگ جامعه ماست و در معلولان این مشکل به مراتب شدیدتر است، بهزیستی تلاش می‌کند تا با مراکز و کارگاه‌ها صحبت کند تا معلولین را به کار بگیرند، ولی کارفرما می‌خواهد نیرویی را به کار بگیرد که بتواند چندین کار انجام بدهد و قدرت مانور بالایی داشته باشد. به همین دلیل معلولان را در این مراکز و کارگاه‌ها پذیرش نمی‌کنند یا کمتر می‌پذیرند.

* جناب اکرامی این نکته‌ای که فرمودید، دقیقاً یک مسئله و یک معضل فرهنگی است و نیاز به راه کار فرهنگی دارد و شما به عنوان معاونت فرهنگی در این زمینه چه طرحی دارید؟

اکرامی: در این باره فکری نکرده‌ایم ولی می‌توانیم از نخبگان و پژوهشگران استمداد کنیم تا با تحقیق درباره این موضوع و تألیف کتاب و مقاله، راه حل بدهند.

عمادی: من نظرم می‌رسد، اگر شما جلسه‌ای با مسئول اشتغال سازمان بهزیستی استان قم خانم خورشید داشته باشید بد نیست. و این می‌تواند زمینه‌ساز دو کار باشد. یکی اینکه فعالیت‌هایی که تا کنون سازمان بهزیستی برای اشتغال معلولین کرده، به دست می‌آید. اعم از {دوائر دولتی} نهادهای انقلاب و کارخانجات و صنایع و خود اشتغالی و در روستاها در دامداری، در صنعت مرغ، در صنعت باغداری، گل و گیاه، آیا در این زمینه‌ها فعالیتی داشته یا نه؟

بنابراین فعالیت‌های بهزیستی به عنوان واقعیت‌ها روشن و معلوم می‌گردد. دوم اینکه صحت و سقم اظهارات مسئولین بهزیستی به دست می‌آید. شما با بازدید از مراکزی که معلولین هم اکنون در آن حضور دارند و مشغول کار هستند، و جمع‌آوری اطلاعات به واقعیت‌ها خواهید رسید. اعم از شهرک صنعتی شکوهیه، منطقه سلفچگان، در حوزه شهری و در بخش روستایی، بسیار در روشن شدن قضیه کار گشاست.

* آیا شما بازدید از این مراکز را هماهنگ می‌کنید؟

عمادی: بله، شما هر ساعتی بفرمایید، هر روزی بفرمایید، تماس بگیرید تشریف بیاورید ما در خدمت شما هستیم.

* ما اگر بتوانیم از این مراکز بازدیدی داشته باشیم، می‌توانیم اطلاعات مربوط به اشتغال را جمع‌آوری و در یک کتاب به تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم. سپس این موارد را به عنوان دستاورد و تجربه مطلوب و قابل اجرا یا منفی و کنار نهادن آنها معرفی کنیم. اما تاکنون بهزیستی حمایت نکرده است. البته ما چیزی از بهزیستی نمی‌خواهیم فقط می‌خواهیم پژوهشگران ما را به واحدهای صنعتی معرفی کنید.

عمادی: قطعاً هر وقت بخواهید شما را معرفی می‌کنیم. اگر بخواهید حتی می‌توانیم همراه شما بیاییم و به اتفاق برویم و واحدهای صنعتی که معلولان در آنجا مشغول هستند بررسی کنیم.

* در واقع کارهایی است که بر عهده خود بهزیستی است ولی جناب آقای شهرستانی هزینه می‌کنند. و این دفتر را تأسیس کرده‌اند و به پژوهشگران حقوق می‌دهند تا آن پژوهش‌هایی را انجام دهند که در اصل جزء وظایف بهزیستی است. برای مثال اینکه تاکنون معلولین در واحدهای تولیدی کشاورزی یا صنعتی ماندگار نبوده‌اند. با زحمت بسیار یک معلول بر سر کار می‌رود یعنی کارگاهی بعد از چند ماه پرس‌وجو شناسایی می‌شود، سپس کاریابی و کارگزینی می‌گردد، آنگاه آموزش داده می‌شود و مهارت‌افزایی و مهارت‌آموزی می‌شود، بالاخره پس از این مشقات و زحمت‌ها بر سر کار می‌رود ولی یک ماه و نهایتاً سه ماه بیشتر دوام ندارد و کار را رها می‌کند. چرا؟

آیا تا کنون علل و عوامل رها کردن کار توسط معلولان یا بر اثر فشار کارفرما، بررسی شده است؟ چند فرضیه مطرح است:

۱- معلولان چون در جامعه نبوده و در کنار مردم زندگی نکرده‌اند لذا جامعه‌پذیری آنها مشکل دارد و نمی‌توانند با مردم همکاری داشته باشند.

۲- به دلیل ضعف معلولان در روابط اجتماعی و نداشتن معاشرت به دلیل انزوا و گوشه نشینی و انزوا طلبی، نمی‌توانند با دیگر کارگران و همکاران روابط مطلوب برقرار کنند.

۳- معلولان چون کار نکرده‌اند و بدن آنان عادت به کار و کوشش ندارد، لذا تحمل سختی‌های کار را ندارند؟

۴- مهارت‌های لازم را یاد نگرفته و حرفه را درست نمی‌دانند لذا در انجام کار کم می‌آورند.

۵- کارفرمایان می‌خواهند از یک معلول، کار چند نفر را بهره‌برداری کنند و اقتضائات معلولین را در نظر نمی‌گیرند.

۶- بعضی کارفرمایان درصد سوء استفاده از معلولین هستند و هرگاه مشکلاتشان مثل بیمه یا مالیات مرتفع گردید، معلول را اخراج می‌کنند.

همه این فرضیات ممکن است در مواردی درست باشد و نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. با آموزش مردم و آوردن آیات و روایات و توجیه مردم و نیز خود معلولین می‌توان بسیار از این فرضیه‌ها را سامان‌دهی نمود.

معاونت فرهنگی می‌توانست روایات مربوط به تنبلی را در یک جزوه گردآوری کند یا درباره معاشرت و شیوه درست عشره سخنانی از بزرگان بیاورد و تبلیغ کند و خلاصه این مشکل را حل نماید. اما چون سرشان شلوغ است، دفتر فرهنگ معلولین این وظیفه را بر عهده گرفته است. و لازم است بهزیستی حداقل مساعدت کند.

در کشورهای پیشرفته معلولین بیشترین درآمد را در مشاغل فرهنگی دارند. اما نمی‌دانم چرا معاونت فرهنگی در سازمان بهزیستی چرا به سراغ ظرفیت‌های فرهنگی برای اشتغال نمی‌رود؟

عمادی: البته ما معلولانی داریم که نویسنده‌اند یا پژوهشگر هستند و در مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی اسراء کار می‌کنند یا معلولانی داریم که در هنرهای معرق فعالیت دارند و درآمدهای خوبی هم دارند.

* معلولان در ایران در همه رشته‌های فرهنگی و هنری و غیره ورود داشته‌اند. بعد از سال ۱۳۰۰ معلولان در مدرسه کریستوفل، مدرسه‌های تهران آموزش مهارت

دیدند و در کارگاه‌ها مشغول شدند حتی مهارت باغداری و زراعت و دامپروری دیدند و مشغول شدند. اینها همه مربوط به خود معلولین است، اما پرسش ما از بهزیستی است، بهزیستی در این زمینه چه کارهایی انجام داده است؟ آیا معاونت فرهنگی بهزیستی برای مشاغل فرهنگی طرحی دارد؟

اکرامی: معلولانی که در زمینه‌های فرهنگی فعالیت دارند اگر کاری و مشکلی دارند و به ما مراجعه می‌کنند ما مشکل آنها را در حد توانمان رفع می‌کنیم ولی ابتدا به ساکن ما موظف نیستیم کاری انجام دهیم.

عمادی: افرادی هستند در عین اینکه معلولیت دارند، طلبه هم بوده‌اند و الآن ملبس به لباس روحانیت هستند و به تبلیغ می‌روند. اینها با پشتیبانی و حمایت بهزیستی رشد کرده‌اند و بهزیستی هزینه‌های زندگی آنان، بیمه آنان را پرداخته است.

* بحث این است که اگر این فرد خودش نمی‌آید، آیا بهزیستی معلول دیگر یا معلولان دیگر جایگزین او می‌فرستاد؛ یا اینکه این افراد که به جای رسیده‌اند، خودشان تلاش کرده و اراده شخصی خودشان، علت اصلی پیشرفت‌شان بوده است؟

البته بهزیستی در زندگی این افراد نقش دارد ولی پس از تصمیم و پس از اینکه راه را انتخاب کرده‌اند و بخشی از مسیر را پیموده‌اند و گام‌هایی برداشته‌اند، پس از این بهزیستی به آنان مساعدت می‌کند. اما بهزیستی می‌تواند با برنامه‌ریزی در جذب افراد به یک شغل مؤثر باشد و در سرنوشت آنها و انتخاب مسیر مؤثر باشد.

اما به هر حال شما از افرادی که به رغم معلولیت در عرصه‌های فرهنگی یا هنری یا تبلیغ موفق بوده‌اند، آدرس و اطلاعات دارید؟

عمادی: بله، همه را می‌توانیم برایتان تهیه کنیم. ما حتی این آمادگی را داریم که به اتفاق آقای اکرامی هماهنگی‌های لازم را با همه این کسانی که در باب مسئله فرهنگ در انواع و اقسامش فعال هستند را انجام بدهیم و از آنها دعوت بکنیم که یک نشست را داشته باشیم، هم نوشته‌های خودشان را بیاورند، هم هنرهایشان را رو بکنند.

اگر احوال و زندگی‌نامه این افراد جمع‌آوری شود خود کتاب بزرگی می‌شود. یادم است چند سال قبل آقای اکرامی در بخش نخبگان معلول قم طرحی

داشتند که این افراد را به تهران معرفی می‌کردند و هدایایی به رسم یادبود به آنها داده می‌شد.

هم اکنون هنرمندانی که در رشته‌های منبت‌کاری، قالیبافی، نقاشی، موسیقی، شعر و دیگر رشته‌ها در استان قم داریم فکر نمی‌کنم در استان‌های دیگر در این حد داشته باشند. حتی در حوزه صنعت نیز معلولی داریم که در ساخت قطعات خودرو فعال هستند.

البته اینها در سطح استان پراکنده‌اند، بعضی در شهرک شکوهیه مشغول به کار هستند. معلول ویلچری را سراغ داریم که در زمینه برق و الکترونیک فعال است و در سطح کشوری و جهانی مطرح است.

* برنامه و پیشنهاد شما چیست؟ طرحی که ما داریم این است که برای معلولین استان قم در زمینه اشتغال، اولاً فرهنگ‌سازی کنیم؛ دوم الگوسازی کنیم. یعنی با معرفی چهره‌های موفق و معرفی مسیری که رفته‌اند و به موفقیت رسیده‌اند، الگویی برای پیروی به آنان نشان دهیم.

در زمینه فرهنگی بررسی کنیم مشکلات و موانع اشتغال چیست و بر اساس فرهنگ دینی و فرهنگ ایرانی به مبارزه با موانع بپردازیم. مثلاً جامعه‌پذیری، ضعف ارتباطات اجتماعی و معاشرت مانع اشتغال است در سخنان بزرگان و معصومین علیهم السلام و آیات قرآن، راه کار و درمان آن را یافته و مطرح کنیم. اما شما می‌فرمایید همایش و نشست بهتر است، مانعی ندارد این افراد را خودتان دعوت کنید ما یک ناهاری شامی به آنها می‌دهیم، و یک جلسه می‌گذاریم.

عمادی: مانعی ندارد، یک برنامه‌ریزی می‌کنیم یک برنامه خوبی را تدارک می‌بینیم بعد از ایام نیمه شعبان، یک شب دور هم جمع بشویم، حتی این معلولین دیداری با آقای شهرستانی داشته باشند. و ما در این جلسه در محضر آقای شهرستانی گزارشی می‌دهیم. من احساس می‌کنم که ایشان علاقه‌مند به این ماجراها هستند و کمک می‌کنند به اینها. گروه سرودی که اینجا آموزش دیده‌اند، هم اجرای سرود می‌کنند.

* به نظر می‌رسد یک نشست عمومی برای طرح مسئله باشد ولی مهم این است که نشست‌های تخصصی هم برگزار شود. مثلاً با طلاب و عاظم دارای معلولیت یک نشست داشته باشیم و اشتغال معلولان در این حوزه و مشکلات و موانعی که

داشته‌اند بررسی شود.

نیز یک نشست با صنعت کارانی که خود معلولیت دارند یا برای معلولیت برنامه‌هایی داشته‌اند داشته باشیم، جلسه دیگر با هنرمندان دارای معلولیت یا با آموزش و پرورش‌هایی که معلولیت دارند. و هر یک از این نشست‌ها را یک کتاب کنیم و تجارب آنان را به تفکیک در اختیار جامعه هدف قرار دهیم.

عمادی: به نظر می‌رسد برای پخته‌تر شدن طرح این نشست‌ها، لازم است جلسه‌ای با خانم خورشید، مدیر حوزه اشتغال داشته باشیم. من هماهنگ می‌کنم تا این جلسه برقرار گردد.

* پیشنهاد خوبی است، اما یک راه هم این است که جلسه‌ای با مدیران و معاونان بهزیستی استان و شهر قم داشته باشیم. مثل جلسه پیشگیری به صورت میزگرد باشد بهتر است.

عمادی: چشم من این کار را پیگیری می‌کنم و روی آن کار می‌کنم. اما آقای اکرامی کمتر اظهار نظر می‌کنند. اگر ایشان نظری دارند می‌شنویم و خوب است بیان کنند.

* در کشورهای مختلف مشاغلی که توسط معلولین اجرا می‌شود، درآمدها و حتی پرستیز بالایی دارد. اما در ایران مشاغل سطح پایین را به معلولان پیشنهاد می‌دهیم، و درآمد آنها کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد و ده‌ها مشکل پدید می‌آید. اگر در این زمینه کار شود و شیوه‌ای که در دیگر کشورها اجرا شده اینجا هم اجرایی شود، نه تنها معلولان به زندگی خوبی می‌رسند، بهزیستی هم از زیر فشارهای مختلف خارج می‌شود.

برای نمونه در آلمان پروژه‌های سرطان یابی توسط نایب‌نایان اجرا می‌شود. آنان چون لامسه قوی دارند با لمس و دست کشیدن روی بدن فرد مظنون به سرطان جاهایی که تومور دارد و مشکوک است مشخص می‌کنند.

این شیوه نسبت به اسکن بسیار ارزان‌تر و نیز پیامدهای آن کمتر است. نایب‌نایان یک هفته آموزش داده می‌شوند و در بیمارستان‌ها مستقر شده و به این شغل مشغول می‌شوند.

یا ناشنوایان و حرکتی‌ها در زمینه چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی آموزش داده می‌شوند و به تولید چکیده می‌پردازند. شرکت‌هایی مثل یاهو، گوگل هر ماه هزاران

چکیده و گزارش تولید می‌کنند و بیشتر اینها توسط معلولان انجام می‌پذیرد و بابت آن حقوق خوبی هم دریافت می‌کنند.

اگر بهزیستی مساعدت کند ما می‌توانیم آموزش بدهیم و با شرکت‌ها هم واسطه شویم و معلولین جذب این‌گونه کارها شوند.

اکرامی: این موضوع لازم است در رده بالای بهزیستی مطرح شود و از طریق ریاست و معاونان مرکز برنامه‌ریزی شود.

* در قانون معلولین مصوب ۱۳۸۳ آمده، (ماده ۷، بند و) اختصاص حداقل ۶۰ درصد از پست‌های سازمانی تلفنچی (اپراتوری تلفن) دستگاه‌ها شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم‌بینا و معلولین جسمی حرکتی باید اختصاص پیدا کند. و در بند ز آمده حداقل ۶۰ درصد از پست‌های متصدی دفتری و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها شرکت‌ها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی حرکتی اختصاص دارد. اما کدام یک از این قوانین اجرا می‌شود؟ البته اینها غیر از قانون ۳ درصد است.

اکرامی: این قانون بیشتر برای شرکت‌های خصوصی است و شرکت‌های خصوصی هم قبول نمی‌کنند. دولتی‌ها هم عملاً نمی‌پذیرند، مسئله دیگر هم اینکه ما اینها را پیشنهاد داده‌ایم چون قانون است، ولی نمی‌توانیم به کارفرما قانون را تحمیل کنیم.

* در متن قانون نام شرکت‌های دولتی آمده، چرا بهزیستی قم نمی‌تواند ادارات و نهادهای دولتی قم را ملزم کند به اینکه این قانون را مراعات کند.

آیا بهزیستی به ادارات تذکر داده یا با آنها جلسه گذاشته و قانون را به آنها تفهیم کرده است؟

اکرامی: با اینکه این قوانین را مجلس شورای اسلامی تصویب کرده ولی به دلیل اینکه در این قانون، ضمانت اجرایی گنجانده نشده، لذا نمی‌توان برای اجرای آن راه کار ارائه کرد.

* چرا بهزیستی راه کارهایی به عنوان ضمانت اجرا پیشنهاد نمی‌دهد. حتی رئیس بهزیستی می‌تواند در هیئت دولت مطرح کند و هیئت دولت بندهایی را به عنوان ضمانت مصوب کند.

اکرامی: این قانون مراحل هیئت دولت و تصویب در مجلس را گذرانده و نهایی

شده و نمی‌توان در آن دست بُرد. مسئله دیگر این است که قوانین تصویب شده مشکل دارند. برای مثال قانونی داریم مصوب مجلس که می‌گوید دستگاه‌ها موظف هستند این قدر درصد خانواده‌های شهدا را استخدام کنند، این قدر درصد جانبازان را استخدام کنند، این قدر درصد نابیناها را استخدام کنند، این قدر درصد جسمی‌ها را استخدام کنند، این قدر درصد از افراد بومی استخدام کنند. خوب این وقت اینها می‌شود از صد درصد هزار درصد. مجلس ما نیامده اینها را کنار هم بگذارد، بگوید که آقا جمعاً بشود ۳۰ درصد ۴۰ درصد، ۱۰ درصد از معلولین ۱۰ درصد خانواده شهدا ۱۰ درصد خانواده فلان. اینها آمده‌اند گفته‌اند ۲۰ درصد این ۲۰ درصد آن ۲۰ درصد آن. وقتی این درصدها را کارفرما در نظر می‌گیرد، می‌آید می‌گوید که شما گفتید معلول ولی امام خمینی گفته خانواده‌های شهدا چشم و چراغ ملت هستند، آن وقت می‌آید خانواده شهید استخدام می‌کند که سالم‌تر باشد، نه معلولی که یک مشکل جسمی دارد. ما این قدر با اینها صحبت داشته‌ایم اینها همین را می‌گویند.

* راه حلش چیست؟ بالاخره می‌توان به راه حل رسید.

اکرامی: راه حلش این است که در این قانون‌ها تزاخم دارند و مقنن باید این قوانین را بازنگری کند.

مسئله دیگر این است که کارفرماهایی که استخدام معلول داشته اگر گلایه دارند و می‌گویند: معلول بیش از یک ماه در آن کارگاه یا شرکت دوام نمی‌آورند و کارشان را ترک کرده و می‌روند. چون معلول کم کار بوده و یا آن کارفرما درصدد سوء استفاده از آن معلول بوده و بالاخره معلول دوام نیاورده است.

* البته این نکته‌ای که آقای اکرامی می‌گوید فراگیر و همگانی نیست شرکت‌ها و کارخانه‌های هستند که چندین سال است معلولان کار می‌کنند و هیچ مشکلی هم نبوده است. مثل شرکت فیروز در قزوین.

در بازدید از فیروز به این نتیجه رسیدیم که نقش عوامل فرهنگی بسیار پررنگ است. یعنی مدیریت فیروز دائم با کارگران معلول گفتگو دارد، اشکالات آنها را متذکر می‌شود. اگر کم کاری دارند، علل آن را کشف و سعی می‌کند برطرف کند.

اما معاونت فرهنگی بهزیستی و تشکل‌های معلولیتی و کلاً نخبگان جامعه در این زمینه چه اندازه کار کرده‌اند. آیا بهزیستی تحقیقی درباره علل و عوامل عدم

دوام معلولین در کارخانه‌ها و شرکت‌ها انجام داده و علل آن را کشف کرده است. آقای اکرامی تقصیر را بر گردن قانون یا به گردن خود معلول یا کارفرما می‌اندازد، اما اگر ما هر کدام وظایف خود را انجام دهیم و خود را متعهد و موظف بدانیم و خود را مقصر بدانیم بخشی از مشکل را توانسته‌ایم حل کنیم. اما من می‌گویم بهزیستی مقصر است، بهزیستی هم می‌گوید معلول مقصر است، در این صورت به جایی نمی‌رسیم. اساساً اینجا جمع شده‌ایم درباره فرهنگ اشتغال معلولان بحث کنیم و همین موضوع که خود را متعهد نمی‌دانیم، موضوعی برای پیگیری است. بیش از این مزاحم نمی‌شویم و جمع‌بندی اینکه مذاکرات امروز را در قالب چند نامه از معاونت فرهنگی بهزیستی درخواست می‌کنیم مثلاً یک نامه درخواست می‌کنیم ما را به مراکز کار و شغل که معلولین حضور دارند در شکوهیه معرفی کنید. جناب آقای اکرامی با آقای عمادی پاسخ نامه‌ها را مرقوم خواهند کرد. پس از پاسخ نامه‌ها پیگیری می‌کنیم و مراحل بعدی را اجرا می‌کنیم. اگر با کمک و مساعدت بهزیستی بتوانیم حداقل تا پایان تابستان نشست‌ها را برگزار کنیم، خوب است. با تشکر از اینکه در این جلسه حضور داشتید و دعوت ما را برای این جلسه پذیرفتید. ما همیشه به آقایان اکرامی و عمادی زحمت داده‌ایم و لازم است از این بزرگواران تشکر ویژه داشته باشیم.

گزارش

همان‌طور که در جلسه با حضور آقایان اکرامی و عمادی و مدیران دفتر فرهنگ معلولین مطرح شد، به تاریخ ۲۷ اردیبهشت نامه‌ای برای آقای اکرامی ارسال کردیم. تا امروز که ۲۵ تیرماه ۱۳۹۶ است چند بار پیگیر شدیم و به دفتر آقای اکرامی زنگ زدیم ولی پاسخ این نامه هنوز دریافت نشده است. به تاریخ یکم تیرماه مسئول دفتر آقای اکرامی از قول آقای اکرامی گفت که وقت برای پاسخ‌گویی به این نامه‌ها را ندارند. اما درباره تعهدات و وظایف دفتر فرهنگ معلولین که قرار بود برای فرهنگ سازی در باب اشتغال معلولان فعالیت شود و کتاب‌هایی را تألیف و منتشر کند، تا کنون دو جلد کتاب منتشر شده و چند جلد دیگر در حال آماده شدن است. همین‌طور درصدد برگزاری نشست‌ها بدون حضور بهزیستی هستیم.

البته از جناب آقای عمادی تشکر ویژه داریم که همواره مساعدت نموده و امور را پیگیری کرده‌اند.

متن نامه به آقای اکرامی را عیناً می‌آوریم:

تاریخ: ۹۶/۲/۲۷
شماره: ۹۶/۱۱۴
پوسته: —
www.HandicapCenter.com
www.DataDisability.com
info@handicapcenter.com

دفتر فرهنگ معلولین
بسمه تعالی



معاونت محترم فرهنگی اداره کل بهزیستی استان قم

جناب آقای حجت الاسلام اکرامی زیدعزه

با سلام؛ در جلسه ۱۷ اردیبهشت با حضرتعالی و آقای عمادی در دفتر فرهنگ معلولین، درباره اشتغال معلولین در استان قم بحث شد و قرار شد چند کار زیر انجام شود:

۱- دفتر فرهنگ معلولین یک جلد کتاب درباره اشتغال معلولین قم تدوین و منتشر کند.
در این کتاب تمامی خدمات و فعالیت‌های اداره بهزیستی قم گزارش و معرفی گردد.

۲- هنرمندان معلول ساکن قم مانند قالی‌باف، نقاش، موسیقی‌دان، مداح و غیره توسط آقای اکرامی به این دفتر معرفی شوند تا زندگینامه آنها اخذ شود، البته در حد اسم و تلفن آنها کافی است.

دفتر با این افراد تماس گرفته و دو عملیات انجام دهد:

الف: نشست‌هایی با آنان جهت اخذ تجارب آنان در زمینه کار آفرینی و اشتغال برگزار و تجارب آنان را اخذ و به معلولان منتقل کند. ب: زندگی و کارنامه و دستاوردهای آنان را تدوین و در کتاب اشتغال قم می‌آورد.

۳- دفتر همین شیوه و همین دو عملیات را نسبت به معلولان صنعت کار و کشاورز قم انجام دهد.

۴- دفتر همین کارها را برای معلولان آموزش و پرورش هم انجام دهد.

۵- آقای اکرامی مقدمات نشست جناب آقای دکتر سلیقه و معاونان محترم در زمینه اشتغال را فراهم آورد مثل نشست پیشگیری که بازتاب خوبی داشت. هر وقت آقای اکرامی بفرمایید، دفتر پرسش‌ها را ارسال می‌کند.

۶- نیز قرار شد خانم خورشید تمامی جزوات و اطلاعات غیر محرمانه درباره اشتغال معلولان قم را یک نسخه به دفتر فرهنگ معلولین بدهد، و ما در زمینه خدمات بهزیستی قم بر اساس این اسناد فعالیت کنیم. لذا جناب آقای اکرامی لطفاً سریع‌تر در جهت انتقال این اطلاعات زحمت بکشند.

با تشکر و احترام

محمد نوری

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶



فصل سوم:

پیشینه

متأسفانه تا کنون هیچ کتابی و تحقیقی درباره سابقه تلاش‌ها و فعالیت‌ها در زمینه اشتغال معلولان قم منتشر و عرضه نشده است. فعالیت‌های این زمان ریشه در گذشته دارد. چون امکان‌پذیر نیست، ده‌ها مؤسسه در این زمان و یک دفعه شروع به فعالیت کنند و حتماً در گذشته مسبوق به سابقه بوده‌اند.

نهادهای دولتی به دلیل اینکه باور به ثبت و ضبط گذشته ندارند. یا به هر دلیل دیگر در جهت گزارش فعالیت‌های گذشته کاری انجام نداده‌اند. مراکز مردمی هم انگیزه و دانش لازم را نداشتند و همه این عوامل موجب شده نسبت به گذشته کم اطلاع باشیم.

اما دفتر فرهنگ معلولین بسیار کوشید تا حداقل سرنخ‌هایی از گذشته به دست آوریم. این فصل حاصل تلاش‌هایی در این زمینه است.

این فصل می‌خواهد به پرسش‌های زیر پاسخ گوید، اگر کسانی اطلاعاتی در این زمینه‌ها دارند استدعا داریم به ما اطلاع دهند:

۱- مردم قم برای اشتغال نابینایان، ناشنوایان، معلولان حرکتی و ذهنی به چه روش‌هایی متوسل می‌شدند و چه شیوه‌هایی را اعمال می‌کردند؟

۲- مراکز مهارت آموزی و حرفه آموزی از چه زمانی در قم راه اندازی شد و چه مهارت‌هایی یاد می‌دادند؟

۳- سازمان‌های دولتی مثل سازمان رفاه یا سازمان بهزیستی یا آموزش و پرورش استثنایی چه شیوه‌هایی به کار می‌بردند تا معلولان در حرفه آموزی موفقیت به دست آورند؟

۴- حوزه علمیه و مدارس طلبگی چه نقشی در اشتغال معلولان ایفا می‌کرده‌اند؟ به هر حال حرفه آموزی معلولان قمی ریشه در نظام آموزشی دارد و نظام آموزش و پرورش معلولیتی توسط مرحوم پوستچی بنیانگذاری شد. آیا ایشان توجهی به اشتغال معلولین داشت؟

بالاخره لازم است تاریخ آموزش و پرورش استثنایی و تاریخ نهادهای مدنی را از منظر اشتغال مطالعه کنیم.

مرحوم احمد پوستچی بنیانگذار آموزش و پرورش معلولیتی قم

احمد پوستچی در ۱۳۱۳ در شهر قم به دنیا آمد. پدرش حاج اسماعیل پوستچی ظاهراً از تاجران خرده پا بوده است. اما طایفه پوستچی‌های قم که به شغل تولید پوست حیوانات ذبح شده و دباغی و چرم سازی اشتغال داشتند، دارای خانواده‌های بسیار در قم می‌باشند و بعضاً از قم کوچ کرده‌اند.

احمد علاوه بر تحصیلات متوسط همزمان در حوزه علمیه قم هم شروع به فراگیری دروس حوزوی احتمالاً از ۱۳۳۷ می‌نماید. او در هفده سالگی نابینا می‌شود. و زندگی جدید را با توجه به ندیدن محیط پیرامونش آغاز می‌کند.

پس از اخذ دیپلم در کنکور سال ۱۳۵۰ شرکت می‌کند و در دانشگاه اصفهان قبول می‌شود. دوره دبیرستان را در بهترین مدرسه تهران محبی فعلی ادامه می‌دهد. همت و اهتمام و پشتکارش به رغم نابینایی مثال زدنی است. همزمان با دانشگاه اصفهان، تحصیل در حوزه را هم ادامه می‌دهد. برای تکمیل خط بریل در مدرسه خزائلی یک دوره فراگیری بریل را آغاز می‌کند. با اینکه برای هر کلاس مجبور بود از قم به تهران برود.

پس از پذیرش در دانشگاه، استخدام آموزش و پرورش قم شده و شروع به تدریس در مدرسه رضایی، مدرسه بلال و مدرسه بلال حبشی می‌نماید. بالاخره در سال ۱۳۷۰ بعد از بیست سال تلاش در آموزش و پرورش بازنشسته می‌شود.

همه اینها در حالی است که شش فرزند دختر و پسر هم داشت و با تلاش فراوان آنان را به مراتب عالی دانش و تحصیلات دانشگاهی و به سمت‌ها و مناصب مطلوب رساند. تقریباً همه فرزندان تحصیلات عالییه دارند. او معتقد بود معلولین و نابینایان فقط با پیشرفت در فرهنگ و دانش می‌توانند ضعف‌های خود را جبران کنند. برای این منظور به کمک نیکوکاران مدرسه بلال حبشی را در بلوارامین جنب اداره آموزش و پرورش قم ساخت. و جذب معلولین را گسترش داد. اولین معلولین قم زیر دست او سواددار شدند و علوم متعارف زمان خود را فرا گرفتند. زیرا می‌گفت بدون سواد و دانش نمی‌توان شغل خوب در اشتغال مطلوب داشت.

او را باید بنیانگذار آموزش و پرورش استثنایی در قم نامید. و با تحکیم نظام آموزشی معلولان مقدمات ورود آنان به بازار کسب و کار را برایشان فراهم آورد.



مرحوم پوستچی چند سال در مراکز نابینایی اصفهان مثل ابابصیر، مدرسه کریستوفل، و نیز در تهران مثل مدرسه خزانلی و مدرسه رضا پهلوی (شهید محبی) و نیز با دانشگاه اصفهان ارتباط داشت در اینجاها تحصیل با تدریس داشت و با شیوه‌های مهارت آموزی و حرفه آموزی در این مراکز آشنا شد و این فناوری را به قم منتقل نمود.

مهم این است که مدرسه کریستوفل اولین جایی است که نابینایان و ناشنوایان با اصول و روش باغداری، دامپروری، پرورش گل و گیاه، کشت و زرع صیفی جات نیز با روش‌های حرفه‌های صنعتی مثل جوشکاری، نجاری، برق کاری و غیره و نیز شیوه‌های هنری مثل نوازندگی آشنا می‌شدند. بعداً همین روش‌ها در مدرسه شهید محبی، ابابصیر و جاهای دیگر به کار گرفته شد.

کانون ناشنوایان قم

این کانون وابسته به کانون ناشنوایان ایران با هیئت مدیره و مدیر منتخب از سوی ناشنوایان شهرستان قم و زیر نظر سازمان بهزیستی استان قم. این کانون در ۱۳۸۰ با همت و پیش قدمی چند تن از ناشنوایان قم و با اخذ مجوز از کانون ناشنوایان ایران تأسیس شد. در تأسیس آن بیشتر دانش آموزان مدرسه بلال حبشی مشارکت داشتند. به گونه‌ای که هیئت مدیره اولیه آن از بین ناشنوایان محصل در آن مدرسه برگزیده شدند و هزینه‌های اولیه آن را نیز سازمان بهزیستی قم تأمین می‌کرد.

با تلاش شماری از ناشنوایان عضو در کانون، اساسنامه جدیدی در ۱۳۸۱ به تصویب رسید که در آن خطمشی کانون کاملاً غیر دولتی و مردمی تعریف شده بود. پس از ثبت، کانون، فعالیت‌ها را گسترده‌تر و بدون وابستگی به هیچ نهاد و سازمانی آغاز به کار کرد. البته در عمل با سازمان بهزیستی استان هماهنگی‌هایی دارد. فعالیت‌های جاری کانون، عبارت است از: برگزاری اردوهای تفریحی و علمی؛ برگزاری مراسم مذهبی و همایش علمی؛ اجرای مسابقات ورزشی؛ اجرای فعالیت‌های جمعی؛ هنری و فرهنگی؛ برگزاری کلاس‌های آموزشی، مانند روخوانی قرآن.

از دیگر فعالیت‌های این کانون، مشاوره دادن به ناشنوایان برای رفع مشکلات آنان، کاریابی و ایجاد اشتغال برای ناشنوایان و تأمین برخی نیازهای مادی و رفاهی آنان است.

امکانات، هزینه‌ها و برنامه‌های این کانون، اعم از فضای اداری، کتابخانه و... بسیار کم و ضعیف است. اعضای آن از ۱۳۷ به ۲۵۰ نفر رسیده است که نیمی دختر و نیمی پسر هستند. از بین این اعضا یک پنجم بی‌سواد هستند و بقیه بیشتر در مقطع ابتدایی تا متوسطه مشغول تحصیل اند. دو دانشجو در بین این افراد وجود دارد.

اطلاعات حاضر از خانم اعظم باباخانی مدیر کانون اخذ شده.^۱

کانون ناشنویان ایران

گفته شد کانون قم وابسته به کانون سراسری ایران است. برای شناخت کانون قم لازم است کانون ایران را بشناسیم.

کانون ناشنویان ایران، تشکلی غیردولتی برای گسترش و ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی ناشنویان در ایران.

این مرکز مهم‌ترین و قدیمی‌ترین سازمان غیر دولتی ناشنویان در ایران است که در ۱۳۳۹ در تهران به همت چند ناشنوا با نام کانون کر و لال‌های ایران تأسیس شد. این کانون، شعبه‌های متعددی در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها دایر کرده و عضو رسمی فدراسیون جهانی ناشنویان است.

خطمشی کانون، انجام خدمات آموزشی و فرهنگی و توانبخشی است که مسئولیت آن را سال‌ها بهروز میسری بر عهده داشت.

تاریخچه: در ۱۳۳۹ که کانون ناشنویان ایران به همت گروهی از ناشنویان تشکیل گردید، محل و مکانی نداشت. مدتی در قهوه‌خانه آیینی در بازار، و زمانی در قهوه‌خانه‌ای در خیابان باب‌همایون، ناشنویان گردهم می‌آمدند و درباره مشکلات و گرفتاری‌های قشر ناشنوا بحث و گفت‌وگو می‌کردند.

پس از بازگشت دکتر محمود پاکزاد از امریکا و فراغت از تحصیل و انتخاب وی به دبیر کلی کانون ناشنویان ایران و انتصاب او به سمت مشاور عالی فدراسیون ورزش‌های ناشنویان، نامبرده با مذاکره با مسئولان فدراسیون ورزشی ترتیبی داد تا کانون هفته‌ای یک‌بار، در روز و ساعاتی معین با تشکیل جلسات هیئت مدیره در محل فدراسیون در کاخ ورزش، به فعالیت‌های کانون نظم دهد.

گرچه این امر سر و سامانی بهتر به فعالیت‌های کانون داد و تشکیل جلسات هفتگی را ترتیبی منطقی بخشید و برای مراجعه‌کنندگان تسهیلاتی فراهم شد، اما اولاً، به دلیل عدم استقلال و تبعیت از فدراسیون، گردهمایی ناشنویان تابع فعالیت

۱. دانشنامه ناشنویان، محمد نوری، ص ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱.

زمانی فدراسیون ورزشی بود و زمانی که فدراسیون یا کاخ ورزش تعطیل بود، جلسات کانون نیز ناچار تعطیل می‌گردید؛ دوم اینکه اشتراک مکان با فدراسیون ورزشی در مواردی سبب نفوذ خواسته‌های فدراسیون و تحمیل دیدگاه‌ها به هیئت مدیره کانون می‌گردید.

هر چند به دلیل آنکه دبیر کل که در عین حال مشاور عالی فدراسیون ورزشی نیز بود، کوشید کانون را مستقل نگاه دارد، در مواردی تداخلی هر چند ناچیز به وجود می‌آمد و گهگاه فعالیت‌های کانون را محدود می‌کرد.

نخستین رئیس هیئت مدیره کانون، مرحوم علی سرتیپی بود که به علت برخورد خودروی سواری با او در چهارراه ولی عصر به جوی آب افتاد و پس از روزها جدال با مرگ، دار فانی را وداع گفت.

پس از فوت سرتیپی برای مدتی در کار کانون وقفه ایجاد شد و فعالیت‌ها محدود گردید و کسی حاضر به پذیرش مسئولیت نبود تا اینکه انتخابات تعیین هیئت مدیره پس از چهارده سال انجام گرفت و هیئت مدیره جدید کانون، هادی معیری را به ریاست هیئت مدیره و محمود پاکزاد را به دبیر کلی کانون انتخاب کرد.

با توجه به تجارب گذشته، با همه نبودها و کمبودها، نخستین هدف هیئت مدیره جدید، داشتن محلی مستقل برای کانون بود. فکر داشتن مکانی مستقل برای کانون فعالیت‌هایی را در پی داشت که نخستین آن، پس از تأمین بودجه، تهیه مکانی بود که در دسترس تمامی ناشنوایان باشد. بنابراین پس از جست‌وجوی بسیار، آپارتمانی در خیابان کارگر اجاره شد و گام‌های اولیه در جهت فعالیت دوباره کانون برداشته شد.

نخستین قدم، اقدام به صدور کارت شناسایی و کارت عضویت برای ناشنوایان شد و برای سهولت ناشنوایان در سفرهای برون مرزی، برای گروهی که قصد سفر خارج داشتند، کارت بین‌المللی صادر گردید. فعالیت کانون سبب شناخت آن و در نتیجه شناخت بیشتر ناشنوایان، نیازهای آنان و مشکلاتشان در جامعه گردید. ناشنوایان به تدریج به عنوان عضوی از اعضای جامعه مطرح شدند و صاحب نام و امتیاز گردیدند.

برای کانون اوراق سربرگ‌دار چاپ شد و تصویب شد در مکاتبات، از جمله

نامه‌نگاری با مراکز ناشنویان سایر کشورها، از اوراق رسمی استفاده شد. در این دوره و برای نخستین بار، کتاب‌هایی در زمینه آموزش و پرورش، روان‌شناسی و رفاه و مسائل اجتماعی آنان به قلم محمود پاکزاد به نگارش درآمد و برای شناخت بیشتر کانون، برخی از آنان به نام کانون منتشر گردید؛ در حالی که کانون هیچ‌گونه سهمی در انتشار آنها نداشت.

کانون ناشنویان ایران، در شانزدهم اسفند ۱۳۳۹ به نام کانون کر و لال‌های ایران به ثبت رسیده بود و در مجمع عمومی فوق‌العاده در سوم بهمن ۱۳۸۲ اساسنامه جدید آن با نام کانون ناشنویان ایران به تصویب رسیده است.

هیئت مؤسس: در جزوه منتشره به مناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس کانون، یک گروه هشت نفری، همگی ناشنوا، به اسامی زیر، به عنوان اعضای هیئت مؤسس کانون معرفی شده‌اند:

علی سرتیپی، رضاقلی شهیدی، محمد مرصعی، محمدعلی حکیم باشی، حسین میرجلالی، شعبان رئیس دانا، میرزا آقا همایونفر، حسین میرحسینی. از این گروه جز رضاقلی شهیدی و حسین میرجلالی، همگی به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. ولی تاکنون نام همه افراد خیراندیش شنوایی که به تشکیل کانون و تهیه و ثبت اساسنامه آن کمک کرده‌اند معلوم نشده است.

شادروان علی سرتیپی، نخستین رئیس هیئت مدیره کانون، در مقاله‌ای با عنوان «گفتاری چند با هموطنان عزیز» در نشریه شماره یک پاییز ۱۳۴۲ کانون کر و لال‌های ایران، چنین نوشته است: «این محرومیت، من و سایر همدردانم را بر آن داشت که به خاطر حفظ حقوق بشری خود و یاری و کمک به هموعان خویش، با کمک چند نفر از افراد خیراندیش شنوا، کانون کر و لال‌های ایران را تشکیل داده و اساسنامه آن را در هفده ماده به ثبت برسانیم.»

جالب توجه اینکه «حقوق بشر» مورد اشاره شادروان علی سرتیپی در ۱۳۴۲ عنوان یکی از کمیسیون‌های علمی کنگره جهانی ناشنویان در مونترال کانادا در تابستان ۱۳۸۲ بود.

وضع حقوقی کانون: کانون سازمانی غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و عام‌المنفعه است. درباره عام‌المنفعه بودن کانون این توضیح لازم است که چون

خدمت کانون به ناشنوایان یک خدمت اجتماعی است، شنوایان نیز از وجود آن به طور غیرمستقیم بهره‌مند می‌شوند.

خدمات کانون: خدمات کانون به ناشنوایان که در یک عبارت کلی، خدمات حمایتی از ناشنواست، دو گونه است: حمایت جمعی، حمایت فردی.

در حمایت جمعی، کانون به طور کلی برای بهبود کیفیت زندگی ناشنوایان با پیشنهاد وضع قوانین لازم و اتخاذ تدابیر اداری مناسب و اعلام دیدگاه‌های خود در امور مربوط به ناشنوایان، از جمله آموزش اطفال ناشنوا، بهداشت و امور توانبخشی و اشتغال آنان و پیگیری قبول و اجرای این خواست‌ها فعالیت دارد. در حمایت انفرادی کانون از ناشنوایان خدمات اصلی کانون عبارت است از: تهیه توصیه‌نامه خطاب به هر مقام و هر مؤسسه برای کمک به حل مشکل و تأمین خواست هر ناشنوایی که به کانون مراجعه کند. این توصیه‌ها غالباً مؤثر است؛ صدور کارت شناسایی داخلی که ارائه آن، موجب کمک به ناشنوای دارنده کارت می‌گردد؛ صدور کارت شناسایی بین‌المللی؛ اعزام رابط زبان اشاره به مراجع انتظامی و قضایی و اداری برای کمک به ناشنوایان و انجام وظیفه مراجع مزبور در رابطه با ناشنوایان از جمله کمک به اداره راهنمایی و رانندگی در برگزاری آزمون و صدور گواهینامه رانندگی برای ناشنوایان؛ تهیه و توزیع برچسب نشان ناشنوا برای مشخص کردن اتومبیل‌هایی که ناشنوایان می‌رانند؛ میانجی‌گری در رفع اختلافات بین ناشنوایان و کارفرمایان و اختلافات خانوادگی آنها و معرفی ناشنوایان به ادارات نظام وظیفه برای صدور کارت معافیت دایم از خدمت.

چون از محل کانون، افزون بر انجام امور اداری آن (تشکیل جلسات هیئت مدیره و پاسخگویی به مراجعات) استفاده باشگاهی نیز می‌شود و کانون محل تجمع و دیدار ناشنوایان و وقت‌گذرانی آنها با گفت‌وگو و بازی شطرنج و تماشای تلویزیون و تشکیل کلاس‌ها و جلسات آموزشی نیز هست، ناشنوایان، کانون را خانه دوم خود می‌دانند.

گردهمایی: یکی از فعالیت‌های مدیریت کانون، برگزاری گردهمایی مسئولان استانها و شهرستان‌های کانون برای تعامل و تبادل نظر بیشتر بوده است.

در چهارمین گردهمایی اساسنامه کانون ناشنوایان ایران که در خرداد ماه

۱۳۸۱ در مشهد برگزار گردید، بازسازی اساسنامه کانون و تجدید نظر مالی توسط ۴۴ نفر از رؤسای کانون در دستور کار قرار گرفت.

رؤسای کانون با توجه به گرایشی که به سمت غیردولتی و خصوصی شدن حمایت از معلولیت‌ها صورت می‌گرفت حل مشکل ناشنوایان کشور را در دو مرحله امکان‌پذیر می‌دانستند؛ ابتدا اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به جامعه و شناساندن حقوق ناشنوایان و بعد، ارتباط با ارگان‌ها و طرح مسائل و مشکلات ناشنوایان و متقاعد نمودن جامعه نسبت به پذیرش ناشنوایان. این امر مهم‌تر از همه به دست صدا و سیما امکان‌پذیر است. شرکت‌کنندگان در این گردهمایی اقدام تشکل‌های غیردولتی را عامل مؤثری در حل مشکلات ناشنوایان و ارتقای سطح علمی، رفاهی و اجتماعی آنان تلقی کردند.

تشکیلات عمومی: کانون ناشنوایان ایران، به عنوان مرجع عالی تصمیم‌گیری کانون از یک نماینده از هر یک از کانون‌های سراسر کشور تشکیل می‌شود. در این مجمع، رئیس هیئت مدیره کانون، نماینده ناشنوایان مقیم تهران است و در انتخابات هیئت مدیره و بازرسان مکلف است رأی اکثریت ناشنوایان مقیم تهران را به مجمع عمومی اعلام کند.

هیئت مدیره کانون مرکب از ده ناشنواست که هفت تن از آنان عضو اصلی و سه تن دیگر، عضو علی‌البدل‌اند، و مدت انجام وظیفه هیئت مدیره دو سال است. مجمع عمومی دو ناشنوا را نیز به عنوان بازرس برای مدت یک سال انتخاب می‌کند. عضو کانون می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد. عضویت سه‌گونه است: اصلی، وابسته، افتخاری.

منابع مالی: منابع مالی کانون عبارت است از: هدایا، کمک‌ها و اعانات اشخاص و کمک مؤسسات دولتی و غیردولتی و حق عضویت. در امور جاری کانون بیشتر از حق عضویت و کمک دولت استفاده می‌شود و برای تکمیل ساختمان کانون در شهرک قدس، بیشتر از کمک دولت و اشخاص استفاده شده است.

عضویت: کانون ناشنوایان ایران از یازدهم ژانویه ۱۹۹۵ با فعالیت دبیر کل وقت کانون، به عضویت اصلی فدراسیون جهانی ناشنوایان پذیرفته شده که این فدراسیون در سیستم سازمان ملل متحد وابسته به چهار مؤسسه تخصصی سازمان

ملل متحد است و این چهار مؤسسه عبارت‌اند از: شورای اقتصادی و اجتماعی، سازمان آموزشی و علمی و فرهنگ یونسکو، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بهداشت جهانی.

کانون به فدراسیون جهانی ناشنوایان حق عضویت می‌پردازد و به عنوان عضو اصلی در مجمع عمومی فدراسیون حق نماینده و رأی دارد و از راه نشریات فدراسیون به آخرین اخبار و تحولات فکری و علمی و عملی در امور ناشنوایان در سطح جهان دست می‌یابد.

اساسنامه جدید کانون: اساسنامه جدید کانون، مصوب مجمع عمومی فوق‌العاده در سوم بهمن ۱۳۸۲ است که از نظر ساختاری و اصول، اداره کانون را در مرحله جدیدی از حیات خود قرار می‌دهد.

با تأسیس و وجود بیش از شصت کانون ناشنوایان در سراسر کشور و احتمال تأسیس کانون‌های دیگر در آینده، حفظ وحدت و هماهنگی کلی ناشنوایان و کانون‌ها با اجرای اساسنامه جدید کانون مقدور خواهد بود.

آری، ناشنوایان به عنوان یک اقلیت فرهنگی طی ۴۴ سال روزگار پر تلاطم، نه فقط سازمان خود را حفظ کرده‌اند، بلکه با تصویب اساسنامه جدید، کانون را از نظر ساختاری از یک سازمان ساده ناشنوایان به یک فدراسیون یا اتحادیه کانون‌ها تبدیل کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اینک کانون ناشنوایان ایران، کانون کانون‌های سراسر کشور است و اجرای درست و دقیق این اساسنامه، راهگشای پیشرفت‌های آینده جامعه ناشنوای ایران خواهد بود.

تأسیس محل دائمی: یکی از دغدغه‌های مهم کانون ناشنوایان ایران در طول حیات چهار ساله خود، داشتن مکانی مناسب، مستقل و آبرومند برای انجام امور کارهای ناشنوایان، پاسخگویی و انجام کار مراجعان، بر خورداری از امکاناتی مناسب برای برگزاری سمینارها و جشن‌ها، تشکیل کلاس‌های هنری، آموزشی، اجتماعی و تخصصی و به طور کلی، محل دائمی و چند منظوره بوده است.

فکر داشتن مکانی مستقل برای کانون قشر ناشنوایان کشور، از جمله مشغله‌های فکری سالهای متمادی دبیر کل کانون نیز بود و این موضوع به صورت یک آرزو و خواسته برای وی و بسیاری از ناشنوایان به عنوان امری جدی و اولیه

همواره مطرح بوده است. ولی به دلایل مختلف از جمله عدم همکاری و همراهی برخی نهادهای مسئول که باید در کنار کانون بوده و در واقع یار و یاور برای کانون باشند، متأسفانه به تعویق افتاده بود، تا اینکه با همکاری و کوشش مستمر پاکزاد و همیاری سازمان عمران شهرک قدس، کانون موفق به دریافت زمینی مناسب در فاز هفت شهرک غرب گردید. زمینی که از نظر موقعیت، مناسب و از نظر ارزش مادی در حدی بسیار بالاست. در این میان، اقدام وراثت مالک محل استیجاری قدیمی کانون در خیابان کارگر، که با همدستی شهرداری منطقه، چندین بار در ورودی کانون را تیغه‌چینی و مسدود کرده و به آزار و ایجاد مزاحمت برای ناشنویان پرداخته بودند، به انجام این خواسته و فکر، سرعت بخشید و در واقع تلنگری بود که به فعالیت مستمر و مداوم دبیر کل کانون برای دریافت مکان یا زمینی مناسب برای ایجاد ساختمان، جهتی منطقی داد.

فعالیت‌های اولیه منجر به دریافت آپارتمانی در فلکه دوم صادقیه با همیاری و همراهی برخی مقامات شهرداری، از جمله آقای بنیسی، مسئول وقت املاک کمیسیون ماده پنج شهرداری به صورت اجاره رایگان شد. به عبارتی مکان فعلی کانون در صادقیه، به کانون هدیه گردید.

گرچه با استقرار در محل جدید کانون در صادقیه، موقتاً نیاز کانون برطرف شده بود، ولی هنوز فکر ایجاد مکانی مستقل و دائمی که فضای کافی داشته و متعلق به خود کانون باشد، فکر پاکزاد را به خود مشغول کرده بود. از این روی، به موازات استقرار در آپارتمان صادقیه، تلاش برای دریافت زمینی مناسب شدت یافت تا در نهایت منجر به واگذاری زمین شهرک غرب گردید. کانون در ۱۳۷۲ در محل هدایی شهرداری در فلکه دوم صادقیه مستقر شد و در همان اوان، قرارداد دریافت زمین بین کانون و سازمان عمران منعقد گردید.

نخستین گام در انجام این مهم به کمک این کسان برداشته شد: مهندس سید محسن رئوف، مسئول وقت سازمان عمران؛ آقایان مقدس‌زاده و عظیمی از مسئولان دفتر فروش سازمان عمران؛ مهندس لسانی مسئول بخش مهندسی آن سازمان.

پس از تحویل زمین، کانون به تهیه مقدمات ساخت و ساز، برای ساختمانی

مناسب شوون و شایسته نوع فعالیت‌های ناشنوایان پرداخت. رایزنی با صاحبان تخصص‌های گوناگون و انجام مطالعات گسترده برای طراحی ابعاد این ساختمان، وقت و امکانات فراوانی می‌طلبید. غیر از اینها، تهیه بودجه کافی، بسیار مهم بود و باید منابع دولتی و مردمی شناسایی و با آنها ارتباط برقرار می‌شد و برای گفتگو و مذاکره برنامه‌ریزی می‌گردید. پیش‌بینی اولیه کارشناسان، نیاز به پانصد میلیون ریال از مرحله نخست تا تکمیل نهایی بود. این بودجه به سرعت باید تهیه می‌شد و فعالیت‌های ساختمانی بی‌درنگ آغاز می‌گردید زیرا خطراتی در کمین بود؛ از جمله امکان تصرف آن زمین از سوی دیگران وجود داشت.

نخستین گام، ملاقات دبیر کل کانون با مهندس مروت، مشاور وزیر وقت مسکن و جلب موافقت وزیر برای مساعدت بیست میلیون ریال به کانون بود. این اولین مساعدت مالی و دستمایه‌ای برای آغاز کار ساختمان گردید. به موازات اقدامات مستمر تهیه بودجه، نقشه ساختمان نیز تهیه و ترسیم گردید و به شهرداری منطقه دو تسلیم شد. شهرداری پس از بازدید نقشه و بررسی آن، مبلغ یکصد و هفتاد میلیون ریال به عنوان عوارض ساختمان و کسری پارکینگ از کانون مطالبه کرد که پاکزاد طی مذاکره با مسئولان شهرداری گفته بود که حتی ثروت تمامی ناشنوایان تهران، چنین مبلغی نمی‌شود. بنابراین، موضوع طی نامه‌ای به کمیسیون ماده پنج شهرداری ارجاع گردید و ضمن توضیح حضوری به ریاست وقت کمیسیون ماده پنج، ایشان در حاشیه نامه کانون دستور دادند که عوارض هنگام فروش ساختمان کانون اخذ شود که بدین ترتیب موضوع اخذ عوارض منتفی شد؛ زیرا محل کانون هرگز فروختنی نخواهد بود.

گام بعدی توسط خاندان امیری برداشته شد و مبلغ قابل توجهی کمک مالی از سوی خانم امیری (سروش) اهداء شد. این خانواده به دلیل داشتن چند فرزند ناشنوا، ضرورت‌ها و اقتضات این قشر را به خوبی درک می‌کردند. پیش از این هم، افزون بر همکاری‌های معنوی با کانون، در شرائط مختلف از هرگونه همراهی و مساعدت با این نهاد، دریغ نمی‌ورزید. مساعدت‌های این خاندان با طرح‌های خدماتی، عمرانی و فرهنگی ناشنوایان در تاریخ فعالیت‌های اینان ماندگار است. با توجه به اطمینانی که همگان، به خصوص دبیر کل کانون به خانم امیری

داشتند، قرار شد مخارج مربوط به ساختمان کانون با نظر و نظارت ایشان و مشورت هیئتی از جمله آقای هادی معیری، رئیس کانون، مرتضی پیروزی، نایب رئیس و مهندس حمید امیری، مهندس ناظر ساختمان صورت گیرد و گزارش نهایی کار به دبیر کل داده شود.

آقای مهندس حمید امیری، افزون بر نظارت بر کار ساختمان که آن را افتخاری انجام می داد، در تهیه نقشه اولیه ساختمان سهمی مؤثر داشته است و مرحوم مهدی امیری، فرزند دیگر خانم امیری نیز در ترسیم نقشه اولیه ساختمان زحمات قابل توجهی کشید.

پس از تهیه نقشه نهایی که با تغییراتی برای زیباسازی و استفاده بهینه ساختمان از سوی شرکت آتک و به دستور معاونت وقت عمران و مهندسی شهرداری به عمل آمد، قرار شد با حضور معاونت امور اجتماعی شهرداری، آقای مهندس حقانی، کلنگ ساختمان بر زمین زده شود که متأسفانه با توصیه غلط شهردار وقت منطقه دو، به بهانه اینکه همسایگان اعتراضاتی دارند و ممکن است مشکلاتی فراهم کنند، معاونت امور اجتماعی را که به دفعات با کانون همراهی کرده بودند، از حضور بر سر زمین و مراسم کلنگ زنی منع کرد؛ بنابراین مراسم کلنگ زنی با حضور دبیر کل کانون، رئیس هیئت مدیره، شماری از ناشنوایان و اولیای آنها، مرحوم خانم امیری و آقای مهندس عباسیان، رئیس جمعیت اولیای ناشنوایان، به دست خردسال ناشنوا، عباسیان، بر زمین زده شد.

در این مراسم، دبیرکل کانون طی سخنانی، با قدردانی از حضور مدعوین گفت که در این محل ساختمانی مجهز برای کانون، شامل سالن اجتماعات و نمایش فیلم، کلاسهای مختلف برای دروس تخصصی، اجتماعی و هنری، محلی برای تجمع همه روزه ناشنوایان، چاپخانه، قسمت‌های اداری، نمازخانه، پلی کلینیک شنوایی، سوئیت و خوابگاه برای مراجعان شهرستانی و احیاناً میهمانان ناشنوای خارجی و تعاونی مصرف برای ناشنوایان، خانواده آنان، مربیان مراکز آموزشی ناشنوایان و اهالی محل بنا خواهد شد که با یاری خداوند متعال و کمک و کوشش همگان، حدود ۵۵۰ میلیون ریال که در آن زمان برای انجام ساختمان پیش‌بینی شده بود، تأمین و جمع‌آوری گردید که مقداری صرف انجام کارهای اولیه، خرید

آهن آلات و اسكلت فلزی ساختمان شد و بقیه در حسابی تحت نظارت خانم امیری در یکی از بانکها به نام سه تن از ناشنوایان آقایان: هادی معیری، حمید امیری و خسرو خوشپور نگاهداری شد تا منحصراً برای انجام امور ساختمان مصرف گردد. مأخذ: شکست سکوت، ش ۲ و ۳، پاییز ۱۳۸۱، ص ۷-۸؛ پاکزاد، محمود، هیاهو در دنیای سکوت، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴؛ باغچه‌بان، ثمین، بهره ناشنوایان، تهران، امیرکبیر، بی تا؛ جزوات کانون ناشنوایان ایران.

فصل چهارم:
مراکز و نهادهای دولتی

از قدیم و در همه کشورها و جوامع، مسئولیت افراد دارای معلولیت بر عهده دولت‌ها بوده است. معلولین به لحاظ شدت معلولیت، دو گروه را تشکیل می‌دهند. یک گروه به دلیل شدت معلولیت، توانایی انجام شغل و کاری را ندارند. اینان تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و دولت موظف است حقوقی در هر ماه به آنان پرداخت کند. نیز نیازمندی‌های آنها را مرتفع نماید.

گروه دوم مثل ناشنوایان، نابینایان، توان انجام کارهایی را دارند. دولت‌ها با مهارت‌آموزی، سوادآموزی به آنان و بالاخره یاد دادن انواع مهارت‌ها و آموزش‌ها، این گروه را آماده پذیرش مسئولیت اجتماعی و اشتغال می‌کنند.

سازمان رفاه ناشنوایان در ۱۳۵۰ تشکیل شد و مهم‌ترین وظیفه‌اش کاریابی برای ناشنوایان بود اما با تشکیل سازمان بهزیستی در سال ۱۳۵۹ و ادغام سازمان رفاه و دیگر نهادهای معلولیتی در آن، وظیفه کاریابی و ایجاد اشتغال برای معلولان بر عهده این سازمان قرار گرفت. هم اکنون مهم‌ترین نهاد دولتی موظف به اشتغال معلولان سازمان بهزیستی است. البته نهادهای دیگر مثل کمیته ملی پارالمپیک هم در اشتغال ورزشی معلولین نقش داشتند. البته این فصل در صدد است نهادهای دولتی که در استان قم در زمینه اشتغال معلولین فعال بوده‌اند.

سازمان ملی رفاه

از سال ۱۳۴۷ دولت ایران در امور معلولین ورود پیدا کرد و انجمن توانبخشی را برای تأمین رفاه معلولان جسمی - حرکتی تأسیس کرد. این انجمن تابع وزارت کار و امور اجتماعی بود و توانست در مدت محدود، برنامه‌های وسیع در سطح کشور انجام دهد. هدف اصلی اش یکی تأمین رفاه و معیشت و دوم تأمین اشتغال برای معلولان بود. برای رسیدن به این هدف به مهارت‌آموزی روی آورد. اما دو سال بعد وزارت کار و امور اجتماعی به این نتیجه رسید که سازمان ملی رفاه را برای قشرهای مختلف معلولین تأسیس کند. از این رو در سال ۱۳۴۹ سازمان ملی رفاه نایبانیان و در سال ۱۳۵۰ سازمان ملی رفاه ناشنوایان تأسیس شد.^۱

از این زمان معلولین رسماً جزء برنامه‌های دولت محسوب شدند و دولت موظف گردید در جهت رفاه و اشتغال، مهارت‌آموزی، سواددار شدن، بیمه و دیگر جنبه‌های معیشتی و رفاهی معلولین برنامه‌ریزی کارشناسانه داشته باشد. در واقع از این زمان برنامه‌ریزی برای معلولین آغاز گردید و این سازمان در همه استان‌ها و شهرها شعبه دایر کرد و فعالیت‌هایش را آغاز نمود.

بر اساس دو گزارش درباره این سازمان در کتاب بهره ناشنوایان نوشته ثمینه باغچه‌بان و هیاهو در دنیای سکوت نوشته محمد پاکزاد، اطلاعات و تحلیلی تقدیم می‌گردد. البته هنوز نتوانسته‌ایم به اسناد و مدارک خود سازمان به ویژه مدارک مربوط به شهر قم دسترسی پیدا کنیم.

۱. بهره ناشنوایان، ثمینه باغچه‌بان، ص ۱۲۰-۱۲۱.

تاریخ تحولات اشتغال معلولین

با تشخیص به موقع و کاربرد روش صحیح آموزش و اجرای برنامه‌های توانبخشی حرفه‌ای می‌توان معلولین را افرادی مسئول و مستقل و مفید به حال خود و جامعه بار آورد. از این‌رو سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی و رفاهی و توانبخشی معلولان تبدیل نیرویی مصرف‌کننده به یک نیروی مولد را در پی خواهد داشت.

چنان که ذکر شد تا اواخر دهه ۵۰ سازمان‌های چندی به وجود آمده بودند که هر کدام به سهم خود می‌کوشیدند تا در تأمین یا فراهم ساختن امکان‌های ورزشی و توسعه فرهنگ معلولان قدم‌هایی بردارند، ولی در واقع سازمان مسئولی وجود نداشت که موظف به تأمین رفاه عمومی آنان باشد و برنامه‌ریزی‌های بنیادی در سطح مملکت داشته باشد. از این‌رو موازی با دگرگونی‌های اجتماعی که در کشور صورت می‌گرفت توانبخشی و تأمین رفاه گروه‌های خاص نیز مورد توجه قرار گرفت و سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی با برنامه‌هایی ویژه و مسئولیت‌هایی خاص ایجاد گردید. چنان که در سال ۱۳۴۷ انجمن توانبخشی برای تأمین رفاه گروه معلولان جسمی تأسیس گردید و با برنامه‌ای وسیع و سنجیده در سطح مملکت شروع به کار کرد و توسعه بسیار یافت. پس از آن در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۹ سازمان ملی رفاه نابینایان ایجاد شد و با در نظر گرفتن نیازمندی‌های بسیار این گروه از معلولان جسمی و دشواری‌های ویژه آنان کار خود را آغاز کرد. این دو سازمان و سازمان‌های مشابه در مقابل خود مسئولیت‌های بسیار و دشواری‌های فراوانی داشتند که کوشیده‌اند آنها را با توجه به اولویت نیازمندی‌ها رفع کنند. هر چند که برنامه‌های این‌گونه سازمان‌های مورد تأیید و تصویب و حمایت مادی دولت بوده است ولی با توجه به تازگی کار و مخصوصاً کمبود متخصص فن مسئولان امر با دشواری‌های بسیار رو به رو بوده‌اند و از این‌رو موفقیت آنان با توجه به مدت زمان تأسیس سازمان‌های مربوط قابل توجه است.

با توجه به لزوم فراهم ساختن اساس توانبخشی ناشنوایان در شهریورماه سال

۱۳۵۰ به ریاست فرح پهلوی، سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران ایجاد شد و مسئله ناشنوایی و تأمین رفاه و توانبخشی ناشنوایان رسماً جزء برنامه‌های دولت قرار گرفت. به این ترتیب معلولان و ناشنوایان که در پنجاه سال قبل گروهی ناشناخته و محروم از کلیه حقوق و مزایای هموطنان عادی خود بودند زندگی نوی یافتند.

سازمان ملی رفاه ناشنوایان و نابینایان و دیگر معلولان در شهریورماه سال ۱۳۵۰ وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی تأسیس یافت و به سال ۱۳۵۳ پس از تأسیس وزارت رفاه اجتماعی وابسته به وزارتخانه اخیر شد.

طبق اساسنامه، هدف این سازمان عبارت است از ایجاد هماهنگی و اشتراک مساعی بین مؤسسه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی و خیریه در برنامه‌های پیش‌گیری، درمانی، آموزشی درمانی، اشتغال و رفاه اجتماعی ناشنوایان و نیمه‌شنوایان و کسانی که دشواری گویایی دارند. دیگر از هدف‌های این سازمان بالا بردن شخصیت افراد ناشنوا و سازگاری آنان در اجتماع شنوایان و استفاده از روش‌های جدید در انواع خدمات مربوط به این گروه است.

برای تحقق بخشیدن به این هدف‌های گسترده سازمان ناچار بود که با توجه به نیازمندی‌ها و با در نظر گرفتن امکان‌های مالی و نیروی انسانی اولویت‌هایی برای برنامه‌ها قائل شود و با روش‌هایی متناسب و عملی دست به اقدام بزند. با توجه به اهمیت متخصصان، سازمان برای حل مشکل کمبود متخصص اولویت خاص قائل شد و کوشید تا قبل از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ثابت با استفاده از منابع داخلی و خارجی متخصصان خود را تا حد امکان آماده خدمت کند.^۱

مهارت‌آموزی و کاربایی

برای انجام دادن بسیاری از کارها، نابینایی یا ناشنوایی یا فقدان عضلات حرکتی نقصی به حساب نمی‌آید و به این سبب در توانبخشی و تأمین رفاه آنان آموختن نوعی حرفه که بازار داشته باشد در صدر برنامه‌های رفاهی قرار دارد. از

طرفی نیز چون آموزش هر نوع حرفه‌ای نیازمند سواد خواندن و نوشتن و دانستن مقداری زبان است لذا سازمان رفاه ناشنوایان به مجرد تأسیس یعنی در شهریورماه سال ۱۳۵۰ با تشکیل کلاس بزرگسالان ناشنوا، دوره زبان‌آموزی و سوادآموزی را آغاز کرد و در خردادماه سال ۱۳۵۱ با کمک مالی فرح پهلوی خانه‌ای در کوی یوسف آباد به منظور آغاز برنامه حرفه‌آموزی خرید و آن را به تدریج تکمیل و تجهیز کرد. این مرکز که از فروردین‌ماه سال ۱۳۵۲ از آن بهره‌برداری شده است نه تنها مرکز نمونه آموزش حرفه به ناشنوایان است بلکه گروه فنی لازم برای گسترش این نوع خدمات در تهران و شهرستان‌ها نیز در این مرکز تربیت می‌شوند. همچنین از برنامه‌های حرفه‌ای در آنجا ارزشیابی به عمل می‌آید.

مرکز آموزش حرفه‌ای یوسف آباد شماره (۱)

این مرکز وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان در سال ۱۳۵۲ تأسیس شد. نشانی آن، تهران، یوسف آباد، خیابان مدبر، خیابان ۳۶، پلاک ۱۲ بود. در این مرکز دختران و پسران ناشنوای بی‌سواد و کم‌سواد که سن آنان کمتر از سیزده سال و بیشتر از سی سال نبودند پذیرفته شدند. سواد و توانایی‌های خواست داوطلبان ابتدا در گروه ارزشیابی و راهنمایی حرفه‌ای به یاری مدیر مرکز و روان‌شناس، مربی، رابط ناشنوایان و معلم و مددکار اجتماعی سنجیده می‌شدند. با در نظر گرفتن جوانب مختلف زندگی و استعدادهای فرد ناشنوا در صورتی که مددجو با سواد یا کم‌سواد بود در یک یا دورشته حرفه‌ای به طور آزمایشی نام‌نویسی می‌کرد؛ پس از مدتی با توجه به پیشرفت و علاقه ناشنوا در رشته‌ای که بیش از دیگر رشته‌ها مناسب تشخیص داده می‌شد به حرفه‌آموزی می‌پرداخت و پس از یافتن تبحر کافی، برای او در بازار آزاد کاریابی می‌شد. اطلاعات نسبی که از آن زمان در اختیار است، سازمان رفاه در امور اشتغال و کاریابی با تدبیر جلو می‌رفت و کارنامه مطلوبی بر جای گذاشت.

اگر معلول بی‌سواد بود ابتدا در کلاس‌های زبان‌آموزی و سوادآموزی نام‌نویسی می‌شد. و هنگامی که خواندن و نوشتن و تا حدی زبان آموخت ضمن ادامه تحصیل و زبان‌آموزی در یکی از رشته‌های مناسب برای آموختن حرفه ثبت نام

می‌کرد. مدت زمان لازم برای طی مرحله اول بستگی بسیار به استعداد و سن مددجو داشت و به طور کلی پس از دوازده ماه تحصیل مرحله اول را تمام می‌کرد. و در حدود دوازده ماه دیگر برای تمام کردن مرحله دوم و آموختن حرفه وقت لازم بود. چون کلاس‌های درس بزرگسالان در خود مرکز حرفه‌ای قرار داشت ناشنویان گروه دوم در سال اول فرصت کافی داشتند که به طور غیر مستقیم با حرفه‌های مختلف آشنا شوند و ارزشیابان و راهنمایان نیز، با فرصت کافی و آگاهی کامل از استعداد این شاگردان بتوانند رشته مناسبی را برای آموزش آنان در نظر گیرند.

کار یاب موظف بود که با ایجاد تماس با مدیران کارخانه‌های و مؤسسه‌های مختلف برای کسانی که آماده کار شده بودند کار مناسبی پیدا کند و پس از اشتغال مددجو نیز پیگیری می‌کرد تا هم کارفرما و هم همکاران شنوای او این همکار تازه را بپذیرند و هم مددجو خود را با شرایط جدید کار و زندگی وفق می‌داد.

در کارگاه‌های این آموزشگاه وسایل مورد نیاز کارگاه‌های مختلف مراکز حرفه‌ای و اداره مرکزی ساخته می‌شد و همچنین مقداری از مصنوعات آن در غرفه ناشنویان که در فروشگاه مرکزی سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا قرار داشت به فروش می‌رسید. در این آموزشگاه کوشش می‌شد که از استاد کاران یا کمک مربیان ناشنوا استفاده شود.

کارگاه‌های موجود به آموزش تراشکاری، جوشکاری، نجاری، خیاطی زنانه، خیاطی بچه‌گانه، خیاطی مردانه، پیراهنی دوزی، سوار کردن سمعک، کلاس سوادآموزی به دختران و پسران می‌پرداختند.

به مددجویان این مرکز علاوه بر ناهار که به طور رایگان داده می‌شد با تشخیص بخش مددکاری مبلغی نیز به عنوان هزینه تحصیلی پرداخت می‌شد. با توجه به اهمیت سلامت جسم مددجویان یک نفر پزشک امراض داخلی و یک نفر پزشک متخصص چشم هفته‌ای یک بار به این مرکز می‌آمد و سلامت یک یک آنان را مورد رسیدگی قرار می‌داد.

در هر دوره تقریباً حدود هشتاد نفر، حرفه می‌آموختند و جذب بازار کار می‌شدند.

آموزشگاه حرفه‌ای شماره (۲)

وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان بود و در سال ۱۳۵۳ تأسیس شد. آدرس آن تهران، خیابان کاخ شمالی، پلاک ۳۷۳ بود. برنامه‌های این کارگاه مثل کارگاه شماره یک بود ولی حرفه‌ها متفاوت بود و در اینجا گل‌سازی، سراجی، آباژورسازی، لوکس‌سازی و ویترای آموزش داده می‌شد. برخی ناشنوایان قم به تهران کوچ کردند و در این مدارس تحصیل کردند و حرفه‌ها و مشاغل را همراه خود به قم بردند.

غرفه ناشنوایان

سازمان ملی رفاه ناشنوایان در خرداد ۱۳۵۴ در فروشگاه مرکزی سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا اقدام به راه‌اندازی غرفه فروش محصولات و مصنوعات معلولین نمود با این اقدام بعد دیگری از تشکیلات تولید و عرضه محصولات معلولان تکمیل گردید.

یکی از مشکلات معلولین در اشتغال و کسب و کارشان همواره این بود که اگر کالایی تولید می‌کردند، بازاریابی نداشت و فروش آن با مشکل مواجه بود. اما سازمان رفاه با تدبیر خوبی که انجام داد و با فروشگاه زنجیره‌ای شهر و روستا قراردادی منعقد کرد و توانست تولیدات و محصولات معلولین را از این طریق بفروشد و به درآمد بسیار خوبی برسد.

در آن زمان فروشگاه شهر و روستا بهترین و پرفروش‌ترین فروشگاه در سطح کشور بود.

در قرارداد بین فروشگاه شهر و روستا و سازمان رفاه برای اشتغال معلولانی که توانایی حرفه‌آموزی نداشتند ولی کار صندوق‌داری یا انواع کارهای فروشگاهی را می‌توانستند انجام دهند در فروشگاه شاغل می‌شدند.

سازمان از سال ۱۳۵۴ در کنار حرفه‌آموزی صنعتی، آموزش کشاورزی، دامپروری و باغداری را هم شروع کرد و محصولات این گروه هم در همین فروشگاه زنجیره‌ای فروخته می‌شد.

توسعه کارگاه‌ها در شهرها

سازمان ملی رفاه از ۱۳۵۴ شروع به توسعه کارگاه‌ها در همه شهرهای ایران نمود.

در تهران کارگاه نساجی، کارگاه سراجی، کارگاه ویترا، کارگاه نجاری، کارگاه کارهای دستی، کارگاه خیاطی (مردانه، زنانه، بچه‌گانه)، کارگاه شیرینی‌پزی، کارگاه تراشکاری - فلز کاری - جوشکاری بنا شد و شروع به کار کرد.^۱

سازمان ملی رفاه در مشهد، یزد، همدان، تهران و شهرهای دیگر کارگاه راه‌اندازی کرد و شروع به یاد دادن حرفه و صنایع و مشاغل نمود. محصولات کارگاه‌ها هم در همان شهر در فروشگاه‌های زنجیره‌ای فروخته می‌شد.

اگر این روند ده سال تداوم می‌داشت، معلولین از نظر رفاه و اشتغال وضع مطلوب پیدا می‌کردند. اما حدود چهار سال بعد انقلاب اسلامی در ایران شروع شد و معلولین به امید وضع بهتر در انقلاب مشارکت فعال پیدا کردند. پس از پیروزی انقلاب سازمان رفاه منحل و سازمان بهزیستی تأسیس شد.

دیگر ابعاد اشتغال

کاریابی و اشتغال و کسب و کار و درآمد مقوله بسیار پیچیده است. در بین موضوعات اجتماعی و اقتصادی هیچ یک به اندازه این موضوع پیچیدگی ندارد. به طوری که دولت جمهوری اسلامی با بسیج همه امکاناتش تا کنون نتوانسته به آن مسلط شود. اما اشتغال برای معلولین چند برابر مشکل‌تر و پیچیده‌تر است. سازمان رفاه با برخورد علمی و با استفاده از تجارب دیگر کشورها، توانست تا اندازه زیاد موفق شود. اما ابعاد این مسئله و چگونگی حل مشکلات هر بخش از اشتغال را اکنون گزارش می‌دهم:

شرکت تعاونی مصرف ناشنوایان

یک جنبه از اشتغال، تأمین نیازهای فرد شاغل است. اگر برای نیازهای شاغلان برنامه‌ریزی و تدبیر نشود، هر مقدار حقوق ماهانه آنها را افزایش دهیم، جوابگوی مخارجش نیست. اما با شرکت تعاونی‌های مصرف و تهیه کالای ارزان و نیز گردش پولی در جبهه خودی، بسیاری از مشکلات شاغل‌ها را می‌توان مرتفع کرد. یعنی این تعاونی‌ها را خود معلولین اداره می‌کنند و بخشی از معلولین در این شرکت‌ها شغل پیدا می‌کنند؛ دوم کالاهای تولیدی خودشان در اینجا فروخته می‌شود؛ سوم معلولین با خرید کالا سود به جیب خودشان می‌رود.

در مهرماه سال ۱۳۵۴ به منظور تأمین رفاه بیشتر و افزایش درآمد ناشنویان همچنین اشتغال آنان، به تأسیس شرکت تعاونی مصرف ناشنویان مبادرت شد. بدین منظور با مشورت وزارت تعاون و امور روستاها و وزارت کار و امور اجتماعی اساسنامه این شرکت تنظیم گردید و بین کلیه مراکز آموزشی و کارکنان سازمان ملی رفاه ناشنویان توزیع شد و از آنان برای قبول عضویت و خرید سهام دعوت به عمل آمد و مورد استقبال ناشنویان قرار گرفت.

نخستین جلسه مجمع عمومی شرکت در تاریخ نوزدهم آذرماه ۱۳۵۴ تشکیل گردید و درباره تصویب اساسنامه و انتخاب مدیران و بازرسان و اعضای علی‌البدل تصمیم‌هایی اتخاذ شد. این گام نخست در راه خودیاری ناشنویان بود.

وسایل ارتباط همگانی

در جهان امروز وسیله‌های ارتباط همگانی نقش بزرگی در آگاهی و آموزش افراد جامعه دارد. اطلاع‌رسانی و دریافت اطلاعات با اشتغال پیوند دارد و معلولین لازم است در دریافت اخبار و ارسال اخبار تبحر داشته باشند. انواع نشریه‌ها، رادیو، تلویزیون و فیلم نه تنها معلمان اجتماعی هستند بلکه از طریق آنها یک فرد با افراد جامعه بستگی پیدا می‌کند و از آنچه که در محیط او یا جهان می‌گذرد با خبر می‌شود و خود را با دگرگونی‌ها سازگار می‌کند.

ناشنویان بیشتر از تلویزیون بهره می‌برند. و استفاده از رادیو برای هیچ ناشنوایی مقدور نیست لذا از بحث درباره آن خودداری می‌شود. نیز استفاده از نشریه‌ها نیز برای ناشنویان بی‌سواد و کم‌سواد که فعلاً بیش از نود درصد جامعه ناشنویان را

تشکیل می‌دهند امکان ندارد.

گذشته از آن برنامه‌های تلویزیون نیز که گفتار جزء مهمی از آن است برای این گروه از ناشنویان که به علت نداشتن امکان تحصیل فرصت زبان‌آموزی نیز نداشته‌اند مفید نیست.

در مورد استفاده از برنامه‌های تلویزیون متأسفانه وضع ناشنویان با سواد نیز چندان فرقی با گروه فوق ندارد زیرا نه تنها همیشه گویندگان روبه بینندگان نیستند بلکه سخن چه بسا توسط گوینده‌ای که به علت ایجاب صحنه دیده نمی‌شود ادا می‌گردد. در این مواقع هر چند که ناشنوا تصاویری می‌بیند ولی چون توضیحی را که داده می‌شود نمی‌شنود به ناچار اصل مطلب برای او نامفهوم می‌ماند و برداشت او از موضوع محدود به حدس و گمان می‌شود.

این محدود بودن ناشنویان که مسئله‌ای بس مهم در توانبخشی ناشنویان است اهمیت خاصی دارد.

کنگره جهانی ناشنویان وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، یونسکو، سازمان جهانی کار و سازمان بهداشت جهانی که در سال ۱۹۵۱ میلادی در شهر رم تشکیل شد تا توجه به اهمیت این موضوع در هشتمین جلسه مجمع عمومی خود که به تاریخ سی و یکم ژوئیه تا پنجم اوت (۱۹۷۱) میلادی در پاریس تشکیل شد در ماده هفتم اعلامیه خود حقوق کسانی را که دچار اختلال‌های شنوایی هستند چنین تصریح کرد:

«به خصوص لازم است که به شخص ناشنوا امکان ایجاد ارتباط با دیگر اعضای اجتماع داده شود. برای نیل به این هدف کاربرد شایسته یارمندی‌های بصری و ترسیمی از طریق گذاشتن زیرنویس برای فیلم‌های ناطق و برنامه‌های تلویزیون و فراهم ساختن خدمات رابط ناشنویان همچنین از بین بردن داغ آموزشی که از دیرباز بر زبان اشاره زده شده است ضروری است.»

اما یک نفر معلول جسمی چه با سواد و چه بی‌سواد بی‌هیچ مانعی از همه وسایل ارتباط گروهی بهره‌مند می‌شود. یک نفر نابینا نیز علی‌رغم بی‌سواد می‌تواند به راحت از آنچه که در کشورش و در جهان می‌گذرد از طریق برنامه‌های رادیویی و آنچه که از دیگران می‌شنود و برنامه‌های تلویزیونی (صرف نظر از تصویر

آن) آگاه شود. در حالی که استفاده از این امکان‌ها برای ناشنوای بی‌سواد حتی با سواد مقدور نیست. به این سبب لازم است از کلیه وسایل بصری خصوصاً برنامه‌های تلویزیونی مخصوص ناشنوایان راهی به سوی اجتماع برای آنها گشوده شود. با توجه به اهمیت و ضرورت این موضوع تلویزیونی آموزشی موافقت کرده است که در هفته نیم ساعت برنامه مخصوص ناشنوایان اجرا گردد. از این‌رو هم اکنون سازمان ملی رفاه ناشنوایان با همکاری تلویزیون آموزشی مشغول تهیه این برنامه‌ها است. در این برنامه‌ها روش کلی «Total Communication» که در کلیه برنامه‌های تلویزیونی کشورهای مختلف جهان مورد استفاده است به کار خواهد رفت. یعنی گوینده در ضمن گفتن خبر یا هر مطلب دیگر با انگشتان خود کلمه‌ها را هجی خواهد کرد و علامت مخصوص آن کلمه را نیز نشان خواهد داد. همچنین در این برنامه‌ها حداکثر استفاده از نوشته و تصویر خواهد شد. با استفاده از این برنامه نه تنها ناشنوایان از رویدادهای مهم کشور و جهان و خبرهایی که مربوط به زندگی ناشنوایان می‌شود و برایشان اهمیت دارد با خبر خواهند شد بلکه میزان سواد و سطح دانش زبان آنان نیز بالاتر خواهد رفت و از طریق اجرای این برنامه آگاهی جامعه شنوا از توانایی‌ها و نیازمندی‌های ناشنوایان افزایش خواهد یافت و این خود یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در راه شناخت ناشنوایان خواهد بود. در آن زمان دیگر ناشنوایی نقصی ناشناخته نخواهد بود و معمای ناشنوایی به سود ناشنوایان و شنوایان حل خواهد شد.^۱

خلاصه اینکه معلولین باید از طریق رسانه‌ها توانایی‌های خود را معرفی کنند؛ با دیگران ارتباط برقرار کنند؛ تبلیغ نمایند؛ در دریافت اخبار و اطلاعات کوشا باشند؛ همه اینها در اشتغال آنان مؤثر است.

بیمه

بیمه با اشتغال کاملاً بهم مرتبطاند و ارتباط پیاپی دارند.

از فروردین ماه سال ۱۳۵۱، با همکاری جمعیت حمایت کودکان کر و لال، سازمان رفاه کوشیده بود که خدمات درمانی را در اختیار همه ناشنوایان قرار دهد ولی با در نظر گرفتن امکان محدود تعمیم این خدمات به کلیه مراجعان تهرانی و شهرستانی مقدور نبود.

سازمان رفاه ناشنوایان از بهمن ماه سال ۱۳۵۲ با در نظر گرفتن وضع خانوادگی و مالی ناشنوایان گروهی از مراجعان را بیمه کرد ولی از دی ماه سال ۱۳۵۴ که بیمه درمانی عمومی اعلام گردید سازمان توانست کلیه مراجعان واجد شرط را بیمه کند. در عرض این مدت هزار و چهارصد نفر ناشنوا (۱۱۷۳ نفر از تهران و ۲۲۷ نفر از شهرستان‌ها) زیر پوشش بیمه درمانی قرار گرفتند و شماره آنان تا پایان سال جاری به مرز دو هزار نفر رسید.

با استفاده از این بیمه، ناشنوایان از کلیه خدمات درمانی و آموزش درمانی، عمل‌های جراحی ضروری برخوردار می‌شدند.

همچنین اگر ناشنوبی نان‌آور خانواده‌ای باشد کلیه افراد تحت تکفل او نیز زیر پوشش بیمه درمانی قرار می‌گرفتند.

برای نابینایان و معلولان حرکتی هم بیمه الزامی شد. پس از پیروزی انقلاب با تأسیس سازمان بهزیستی همه معلولین را بیمه کردند.

سوادآموزی، فراگیری زبان ویژه یعنی برای ناشنوایان زبان اشاره و برای نابینایان خط بریل، استفاده از مهارت‌های خاص و فراگیری آنها مثلاً نابینایان باید جهت‌یابی را یاد بگیرند، استفاده از وسایل ویژه مثل ویلچر، عصا و سمعک و فراگیری شیوه استفاده از آنها لازم است و در اشتغال مؤثر است. سازمان رفاه در تأمین رایگان وسایل مثل عینک و ویلچر فعال بود. نیز در آموزش مهارت‌های ضروری برنامه‌هایی در سراسر کشور اجرا کرد تا معلولان بتوانند در رفاه و اشتغال موفق باشند.^۱

پایان کار

عمر سازمان رفاه نهایتاً هشت سال بود و مستعجل گشت. در سال ۱۳۵۹ سازمان بهزیستی در شورای انقلاب تصویب و قرار شد همه مراکز و نهادهای مرتبط بر معلولین در سازمان بهزیستی ادغام شود. دستاوردها و تجارب این دوره ده ساله در زمینه اشتغال معلولین جمع‌آوری و بررسی نشده است. به ویژه در شهرهایی کوچک‌تر مثل قم، اگر تجارب جمع‌آوری شده بود می‌توانست راهگشا باشد.

اداره کل بهزیستی

سازمان بهزیستی در خرداد ۱۳۵۹ توسط شورای انقلاب، اجازه تأسیس گرفت و قرار شد دولت و وزارت بهداشت، آن را در سراسر کشور ایجاد کند. و در همان سال ۱۳۵۹ در قم، اداره کل بهزیستی تأسیس شد و فعالیتش را شروع کرد. ابتدا اطلاعاتی درباره اداره بهزیستی قم و بخش‌های اداری تابع آن می‌آورم سپس به سیر تحولات این سازمان می‌پردازیم:

بهزیستی در قم

بهزیستی قم گویا در تابستان سال ۱۳۵۹ تأسیس شد. البته اطلاعات ما در این باره بسیار اندک است و نمی‌دانیم اداره کل را چه کسانی در ایجاد و توسعه این اداره در قم مؤثر بودند و مهم‌تر نمی‌دانیم این اداره برای اشتغال معلولان قمی چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟ اما مختصر اطلاعاتی که داریم می‌آورم تا به تدریج تکمیل گردد.

در قم، شانزده ساختمان به نام بهزیستی است، بعضی مرتبط به اداره کل بهزیستی در استان قم و بعضی دیگر مرتبط به بهزیستی شهرستان قم است. آدرس‌های این ساختمان‌ها این‌گونه است:

اداره کل بهزیستی استان قم

آدرس: قم، ۷۵ متری عمار یاسر، مجتمع ادارات استان، سازمان بهزیستی استان قم،
تلفن: ۳۷۷۸۹۷۴۵، فکس: ۳۷۷۸۹۷۸۸

اداره بهزیستی شهرستان قم

آدرس: خیابان امام، ۲۰ متری شهید بهشتی، اداره بهزیستی شهرستان قم
تلفن: ۳۶۶۲۰۹۷۳، فکس: ۳۶۶۲۰۹۰۰

اداره بهزیستی شهرستان دستجرد

آدرس: شهر خلجستان، پشت پاسگاه نیروی انتظامی

تلفن: ۳۲۱۱-۰۲۵۲۵۲۲، فکس: ۳۲۱۱

اداره بهزیستی شهرستان جعفریه

آدرس: خیابان بانک ملی، خیابان شهید رجایی، کوچه درمانگاه

تلفن: ۲۵۰۰-۰۲۵۲۶۲۲، فکس: ۲۷۳۵

اداره بهزیستی شهرستان قنات

آدرس: بر جاده اصلی، جنب مدرسه اشرفی اصفهانی

تلفن: ۳۴۰۰-۰۲۵۲۳۲۲، فکس: ۳۴۰۰

اداره بهزیستی شهرستان کهک

آدرس: خیابان تختی

تلفن: ۳۲۵۶-۰۲۵۲۴۲۲، فکس: ۳۲۵۶

مجتمع خدمات بهزیستی مسیح

این مجتمع ارائه دهنده خدماتی همچون بینایی سنجی، مددکاری، مشاوره‌های حضوری و تلفنی، مشاوره ژنتیک، دفتر پیشگیری از اعتیاد، دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و... می‌باشد.

آدرس: خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، جنب پزشکی قانونی

تلفن: ۳۷۸۳۴۸۷۴

مجتمع خدمات بهزیستی شهید باهنر

آدرس: خیابان امام، ۲۰ متری شهید بهشتی

مجتمع خدمات بهزیستی امام صادق (ع)

آدرس: نیروگاه، انتهای ۲۴ متری شهید ستاری، سمت چپ

تلفن: ۳۸۸۶۹۱۰۰ - ۳۸۸۲۲۱۱۸

مجتمع خدمات بهزیستی شهداء

آدرس: میدان شهید محلاتی، جنب آسایشگاه

تلفن: ۳۷۲۲۸۸۴۳

مجتمع خدمات بهزیستی مسجد

آدرس: خیابان شهید فاطمی، جنب پزشکی قانونی

تلفن: ۳۷۸۳۱۵۴۱ - ۳۷۷۴۷۸۸۵

مجتمع خدمات بهزیستی ولیعصر

مجتمع آموزشی ولیعصر (عج) قم، یکی از مراکزی است که در جهت آموزش معلولان

قم، گام بر می دارد.

تلفن: ۳۶۶۴۴۷۰۰ - ۳۶۶۴۱۳۵۰

مجتمع خدمات بهزیستی آیت الله گلپایگانی

آدرس: خیابان باجک ۲، بلوار شهید ظریفیان، مجتمع بهزیستی آیت الله گلپایگانی

تلفن: ۳۶۶۴۴۷۰۰ - ۳۶۶۴۱۳۵۰

مجتمع خدمات بهزیستی احسان

تلفن: ۳۶۶۶۱۸۱۰ - ۳۶۶۶۱۸۲۰

مجتمع خدمات بهزیستی پردیسان قم

۷ مردادماه ۱۳۹۴، به همت بهزیستی قم و اهتمام بعضی از نیکوکاران قمی، مجتمع خدمات رسانی اجتماعی در منطقه پردیسان افتتاح شد. هدف از تأسیس این مجتمع رسیدگی به محرومان و آسیب‌های اجتماعی و اهتمام به «جامعه‌های هدف بهزیستی» است. با توجه به اینکه ۱۰ درصد از جمعیت استان قم در منطقه پردیسان ساکن هستند، برای ارائه خدمات بهزیستی به صورت سریع‌تر و در کمترین زمان ممکن این مجتمع دایر شده است. با توجه به اینکه از ۲۲ هزار معلول

موجود در استان قم حدود ۴۵۰ نفر از آنها ساکن پردیسان هستند و فاصله منطقه پردیسان با مرکز شهر قم زیاد است این مرکز دایر شده است.

اداره پذیرش بهزیستی

آدرس: دورشهر

تلفن: ۳۷۷۳۲۰۹۰-۳۷۷۳۹۳۰۱

مرکز اورژانس اجتماعی بهزیستی

شماره تلفن: ۱۲"

مرکز مشاوره بهزیستی

آدرس: شهر قم، میدان صدوق، خیابان عطاران، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری

سازمان بهزیستی، مرکز مشاوره حضوری

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۲۴۲۴

صدای مشاوره خانواده

شماره تلفن: ۱۴۸

مراکز راهنمایی درمانی و مشاوره خانواده

آدرس: چهارراه غفاری

تلفن: ۶۶۰۸۱۲۰-۶۶۲۶۱۹۱

مرکز مشاوره شهید ارشاد قم

تلفن: ۳۷۷۳۸۳۶۰

مرکز مشاوره و مددکاری معاونت اجتماعی ناجا

تلفن: ۲۱۸۲۵۷۴-۶۶۰۶۰۸۵

مشاوره دوران بلوغ و ازدواج درمانگاه حرمی هلال احمر

تلفن: ۳۷۷۴۴۱۰۹

تأسیس و تاریخ تحولات اداری*

سازمان بهزیستی کشور از مهم‌ترین نهادهای حمایتی دولتی برای سامان‌دهی به امور معلولین جامعه است. شورای انقلاب و دولت موقت مهندس بازرگان با ادغام چند نهاد حمایتی موجود در سال ۵۸ و ۱۳۵۹، سازمان بهزیستی را ایجاد کردند. پیشنهاد دهنده اصلی دکتر محمدعلی فیاض‌بخش بود که در جریان هفت تیر و در انفجار حزب جمهوری به شهادت رسید. این سازمان از ابتدا مخالفانی داشت. دلایل مخالفان عمدتاً در چند نکته است:

- ۱- این سازمان با کپی‌برداری از کشورهای سوسیالیستی شکل گرفته و هدفش افزایش اقتدار و اختیارات دولت در همه شئون جامعه است.
 - ۲- این سازمان مجموعه‌ای ناهماهنگ با مأموریت‌های متنوع و گسترده است که تجمیع آنها در یک سازمان کار دشواری است.
 - ۳- سپردن معلولان به این سازمان موجب مغفول ماندن آنان می‌شود چون دیگر بخش‌های سازمان جذابیت دارد و با پرداختن به بخش‌های جذاب، از معلولان به عنوان قشر فقیر، غفلت می‌شود.
 - ۴- برای امور اساسی و زیربنایی معلولان مثل فرهنگ‌سازی، طرح و برنامه و مدیریت خاصی در سازمان پیش‌بینی نشده است.
- اما کسانی هم همواره از سازمان بهزیستی و عملکرد آن دفاع کرده‌اند. بالاخره ارزیابی و بررسی و داوری درباره عملکرد این سازمان در عرصه معلولان نیاز به زمانی واسع و اطلاعات کامل دارد. اما خدمات بهزیستی در تمامی شهرها و حتی روستاهای ایران بی‌نظیر بوده است. این سازمان، با استناد بر دو اصل از قانون اساسی مشروعیت یافت.
- مجلس خبرگان قانون اساسی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کارش را شروع و در ۲۴ آبان

* این مطلب به صورت مقاله و با عنوان تأسیس سازمان بهزیستی و تداوم آن توسط آقای علی نوری تألیف و در مجله توان‌نامه منتشر شده است.

۱۳۵۸ با تصویب ۱۷۵ اصل قانون اساسی به پایان برد. بعداً شورای بازنگری قانون اساسی در اردیبهشت ۱۳۶۸ تشکیل شد و طی ۴۱ جلسه به تغییر و اصلاح برخی اصول پرداخت و در ششم مرداد ۱۳۶۸ با رأی اکثریت مردم رسمیت یافت.^۱ در هیچکدام از اصول قانون اساسی کلمه معلول، علیل، نابینا، ناشنوا و امثال اینها نیامده است. اما در اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی چنین آمده است:

اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

بر اساس این دو اصل سازمان بهزیستی پیشنهاد و شکل گرفت. هیچ کجای این دو اصل از معلول و معلولیت و واژگان مترادف صحبت نشده است. اما در اصل

۲۹ دوازده «از کار افتادگی» و «حوادث و سوانح» آمده که می‌توان به معلولان تعمیم داد. به عبارت دیگر معلولان مصداق از کار افتادگان و نیز مصداق کسانی هستند که بر اثر حادثه‌ای مثل تصادف یا سوانحی مثل قطع دست با ماشین نجاری به هنگام کار معلولیت پیدا کرده‌اند. به همین دلیل معلولان جزو سازمان بهزیستی قلمداد شدند. در اصل ۲۹ تصریح شده، خدمات بهداشتی، درمانی، مراقبت پزشکی، بیمه و غیره حقی همگانی برای این گروه‌ها از جمله معلولان است و دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصله از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

در این اصل فقط به درمان و بهداشت اشاره شد و دیگر وظایف با کلمه «و غیره» آمده است، از این‌رو اموری مثل آموزش و پرورش، پیشگیری و توانبخشی را می‌توان مصداق «و غیره» دانست. به این روش، انواع نیازهای معلولان را به عنوان حقوق مشروع آنها دانست. دولت هم موظف است از طریق سازمان بهزیستی این امور را اجرا نماید.

لایحه تشکیل سازمان بهزیستی کشور توسط وزارت بهداری آماده و توسط وزیر بهداری به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ جهت تصویب به شورای انقلاب تقدیم شد. شورا با تغییراتی به تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۵۹ آن را تصویب نمود.^۱ پس از این سیر تصویب مفصل‌تر گزارش می‌شود.

لایحه تشکیل سازمان بهزیستی کشور

این لایحه در وزارت بهداری کارشناسی و تدوین شد و به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ توسط وزیر به شورای انقلاب جهت تصویب نهایی ارسال گردید. گویا این وزارتخانه در صدد توسعه منابع مالی و دامنه اداری خود بوده است. اما سرنوشت این لایحه به گونه دیگر رقم خورد و سازمان بهزیستی مستقل وزیر نظر نخست‌وزیر و بعداً

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۱۴-۱۳۵۹/۵/۲؛ کتاب مرجع حقوق معلولین، ص ۱۰۴ و ۱۱۰؛ سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

رئیس جمهور شد. یعنی کلاً از وزارت بهداشت جدا شد.^۱ پس از استقلال بهزیستی از بهداشتی، مجدداً بهداشتی تلاش کرد تا بخشی از وظایف بهزیستی را بگیرد. برای نمونه مجلس شورای اسلامی در ۳ خرداد ۱۳۶۷ تصویب کرد:

ماده ۱- وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عبارتند از:
- تأمین و ارائه خدمات لازم به معلولین جسمی، ذهنی و اجتماعی قابل توانبخشی در حدود امکانات.

- تشویق و ترغیب افراد خیر و مؤسسات خصوصی جهت اقدامات حمایتی برای کودکان در سنین قبل از دبستان و سالمندان و خانواده‌ها و افراد بی‌سرپرست و نیازمند و معلولین جسمی و ذهنی و اجتماعی غیرقابل توانبخشی و ارائه این خدمات در موارد ضروری توسط مؤسسات دولتی و نظارت بر این اقدامات.^۲
اما لایحه‌ای که برای تصویب سازمان بهزیستی توسط وزارت بهداشتی با امضای مرحوم فیاض‌بخش تقدیم شورای انقلاب شده بود، اینگونه تصویب شد:

ماده واحد- در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و درمانی و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توانبخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت‌های گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- سازمان‌هایی که با تصویب این قانون در سازمان بهزیستی کشور با

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۱۴، مورخ دوم مرداد ۱۳۵۹؛ کتاب مرجع حقوق معلولین ایران، ص

۱۱۱-۱۱۰.

۲. روزنامه رسمی شماره ۱۲۶۲۰، ۶/۴/۶۷؛ حقوق معلولین در قوانین ایران، ص ۵۹.

کلیه کارکنان، تجهیزات، دیون و تعهدات ادغام می‌شوند عبارت‌اند از: معاونت امور بهزیستی و کلیه واحدها و وظایف و فعالیت‌های موضوع این ماده واحده مربوط به بهزیستی و وزارت بهداری و بهزیستی و سازمان‌های منطقه‌ای بهداری و بهزیستی و مؤسسات ادغام شده و وابسته به آن، کمیته امداد امام، بنیاد شهید، سازمان تربیتی شهرداری تهران.

تبصره ۲- رئیس سازمان بهزیستی کشور، مشاور وزیر است.^۱
لازم به تذکر است:

۱- در این لایحه، فقط یک جا به معلول اشاره شده و تصریح به معلول جسمی و روانی شده است و سازمان بهزیستی را موظف به توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی می‌داند.

۲- احتمالاً منظور از معلول جسمی، سه دسته از معلولین یعنی نابینایان، ناشنوایان و معلولان حرکتی است. اما بهتر است تصریح می‌شد.

۳- هم اکنون تعبیر معلول روانی، مرسوم و متداول نیست و معلول ذهنی به کار می‌برند.

۴- چهار سازمان را موظف به ادغام در بهزیستی کرده است: بهزیستی به عنوان قسمتی از وزارت بهداری، کمیته امداد (تأسیس در ۱۳۵۷)، بنیاد شهید (تأسیس در ۱۳۵۸)،^۲ سازمان تربیتی شهرداری تهران. هیچکدام از این نهادها تخصصی در امور معلولان ندارند و بهتر بود تشکل‌های مردمی را به عضویت در می‌آورند. سمن‌هایی مثل کانون ناشنوایان ایران، انجمن نابینایان ایران، تا آن زمان چند دهه سابقه فعالیت داشتند. اگر به کمک فرا خوانده می‌شدند، کفه ترازوی سازمان به نفع امور معلولان سنگین‌تر می‌شد.

خلاصه از ابتدای تأسیس و شکل‌گیری سازمان بهزیستی، نهادهای غیرمعلولیتی پر نقش‌تر بودند و تقریباً هیچ نهاد معلولیتی در آن دوره حضور

۱. همان.

۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۴۳۳-۴۳۱.

نداشت.

۵- اساساً در جریان تشکیل سازمان بهزیستی هیچ سخنی از تشکلهای مردمی نیست و تمامی تلاش به سمت دولتی کردن امور است.

اصلاحات قانون بهزیستی

لایحه‌ای که توسط مرحوم فیاض بخش به عنوان وزیر بهداری در خرداد ۱۳۵۹ به شورای انقلاب رفت، در ۲۴ تیرماه همان سال تصویب شد. اما این قانون بعداً بارها اصلاح شد، به طوری که از اصل لایحه اولیه چیزی باقی نماند. اگر بخواهیم همه اصطلاحات از سال ۵۹ تاکنون را معرفی و تحلیل کنیم، خود نیاز به یک کتاب مستقل دارد. اما لازم است مواردی از اصلاحات مهم و مرتبط به معلولان را معرفی نماییم.

۱- چند ماه پس از تصویب لایحه تشکیل سازمان بهزیستی، اولین اصلاح که بسیار مهم هم هست، در اولین سال حیات مجلس شورای اسلامی انجام شد. مجلس، بهزیستی را از وزارت بهداری جدا کرد و به عنوان یک سازمان مستقل با ریاست مستقل، زیر نظر نخست‌وزیری برد. رئیس سازمان توسط نخست‌وزیر تعیین می‌شد و سمت مشاور هم داشت و در هیئت دولت هم شرکت می‌کرد. یعنی سازمان بهزیستی هم‌پایه وزارت و وزیر بهداری گردید. مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۹ این قانون را تصویب کرد.

۲- ادغام واحدهای تربیتی شهرداری سراسر کشور در سازمان بهزیستی مصوب ۶ مرداد ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی.^۱

مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ اصلاحات بسیاری در قانون بهزیستی داشت. موارد مرتبط به معلولان اینگونه است:

- به منظور جلب مشارکت‌های مردمی، شورایی از اشخاص حقیقی و حقوقی تأسیس می‌شود. ترکیب اعضاء شامل کسانی مثل وزیر بهداشت، وزیر کشور یا معاون، نماینده دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات، شهرداری تهران و رئیس سازمان

اوقاف است ولی سخنی از معلولان، نماینده معلولان یا نخبگان معلول یا تشکل‌های معلولیتی نیامده است.^۱

- ذیل وظایف شورای مشارکت‌های مردمی آمده است: جلب کمک‌های مادی و معنوی به منظور حل مشکلات اقشار محروم و معلول و ایتام است.^۲

- مؤسسات دولتی و غیردولتی موظف‌اند ۲ تا ۵ درصد از کارکنان خود را از معلولان استخدام کنند.^۳

- کارگاه‌ها و مؤسساتی که معلولان را استخدام کنند از پرداخت حق بیمه معاف هستند.^۴

- مراکز ارتوپدی و دست و پاسازی جمعیت هلال احمر و مرکز توانبخشی شفای یحییان به بهزیستی ضمیمه می‌گردد.^۵

- کمک‌های مردمی برای ایجاد فرصت‌های شغلی معلولین هزینه می‌شود.^۶

۴- مهم‌ترین اصلاحات قانون بهزیستی در سال ۱۳۸۳ و در قانون جامع حمایت از معلولان و سال ۱۳۹۴ و لایحه جامع حقوق معلولان اتفاق افتاد. این دو قانون و لایحه در فصل‌های بعد به تفصیل بررسی خواهد شد. از این‌رو از تجربه و تحلیل آنها در اینجا صرف نظر می‌شود.

بالاخره به برکت پیشنهاد شهید فیاض‌بخش و تصویب شورای انقلاب سازمانی شکل گرفت که در عرصه معلولان مؤثر بوده و هم‌اکنون دارای کارنامه‌ای حجیم و فعالیت‌های گسترده است.

ساختار سازمان بهزیستی

چگونگی شکل‌گیری و تأسیس سازمان در سال ۱۳۵۹ توسط وزارت بهداری و

۱. سایت سازمان بهزیستی کشور؛ کتاب مرجع حقوق معلولین، ص ۱۱۴-۱۱۱.

۲. همان؛ کتاب مرجع حقوق معلولین، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۱۱۵.

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۲۳.

۶. همان، ص ۱۲۹.

شورای انقلاب گزارش شد. سپس در طول حدود چهار دهه تاکنون اصلاحات و تغییرات فراوان پذیرفته و به شکل کنونی به دست ما رسیده است. در اینجا نمی‌خواهیم خود سازمان بهزیستی را بررسی کنیم بلکه هدفمان مطالعه حقوق معلولان و قوانین ویژه معلولان در ارتباط با سازمان بهزیستی است. یعنی می‌خواهیم بدانیم این سازمان در ارتباط با حقوق معلولان چه جایگاه و چه وظایفی داشته و دارد؟ ابتدای تأسیس چه وظایفی داشت، پس از اعمال اصلاحات تا ۱۳۸۳ چه وظایفی پیدا کرد و پس از تصویب قانون جامع حمایت از معلولان چگونه شد و نیز در سال ۱۳۹۴ با تصویب لایحه جامع معلولان چه وضعیتی پیدا کرده است؟

بررسی از سال ۱۳۸۳ به بعد را در فصول بعد پی می‌گیریم؛ اما تحولات سازمان تا سال ۱۳۸۳ در ارتباط با معلولان از نظر شکل‌گیری سازمان، بررسی و گزارش شد. اکنون می‌پردازم به ساختار سازمان بهزیستی و حقوق معلولان.

رئیس سازمان بهزیستی هم اکنون توسط رئیس جمهور انتخاب می‌شود. پنج معاونت دارد: امور توانبخشی، فرهنگی و امور اجتماعی، توسعه مدیریت و منابع، توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد، فناوری اطلاعات، ارتباطات و تحول اداری. البته دو معاونت آخر یعنی توسعه پیشگیری و فناوری اطلاعات به نام مرکز می‌باشند نه معاونت.

ذیل معاونت توانبخشی سه دفتر امور مراکز توانبخشی، توانمندسازی معلولان، امور توانبخشی روزانه و توان پزشکی وجود دارد و همانطور که از عنوان آنها پیدا است یکی از آنها ویژه معلولان و دو دفتر دیگر شامل امور معلولان و غیرمعلولان است.

ذیل مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد که در اعداد معاونت‌ها چیده شده است، این موارد را نام برده‌اند: پیشگیری از آسیب‌ها، پیشگیری از اعتیاد، پیشگیری از معلولیت‌ها، مشاوره و راهنمایی، ایدز.^۱

بنابراین معلولیت را در کنار اعتیاد، ایدز و آسیب‌ها شمرده‌اند. این نگاه که معلولیت آسیب‌دیدگی و نوعی عوارض اجتماعی ناشی از علل و عوامل منفی است در این ساختار مشاهده می‌شود. با اینکه در بسیاری از کشورها معلولان را به عنوان یک قشر از اقشار جامعه نام برده‌اند. مثل پزشکان، معلمان، مهندسان، کارگران، بازنشسته‌ها، بیکاران و ده‌ها قشر دیگر، یکی هم معلولان‌اند. اینان ذاتاً شر و منفی نیستند بلکه توانایی‌هایی دارند و توانمندی‌هایی هم ندارند. درست مثل یک پزشک که توانمندی‌هایی دارد و ناتوانایی‌ها؛ کارهایی را می‌تواند انجام دهد و کارهایی را نمی‌تواند.

وقتی معلولان را جزئی از جامعه و مثل دیگر مردم دانستیم، آن وقت راحت‌تر و با نگاه مثبت به آنها نگاه می‌کنیم و برای آنها برنامه‌ریزی خواهیم داشت. تفاوت نگاه منفی و نگاه مثبت در چند نکته زیر است:

۱- اگر گروهی را منفی بدانیم مجبور هستیم آنها را به حاشیه برانیم؛ یا بین آنها و جامعه مرز بکشیم و آنها را در جامعه مشارکت ندهیم. ولی وقتی مثبت بدانیم، آنها مثل دیگران در سازندگی جامعه شرکت پیدا می‌کنند و با آحاد جامعه تعامل و تعاطی خواهند داشت.

۲- در نگاه منفی، معلولان، توانایی خاصی ندارند بلکه مثل ایدزی‌ها، سرطانی‌ها ناتوان محض‌اند و باید تا مرگ تحت مراقبت باشند. اما در نگاه مثبت، معلولان مثل معلمان استعدادهایی قابل توجه دارند و می‌توانند در سازندگی جامعه کمک کنند، می‌توانند خانواده تشکیل دهند. البته ناتوانی‌هایی دارند که باید از طریق توانبخشی یا ابزار آلات یا جایگزینی دیگر اعضا، جبران شود.

خلاصه اینکه به نظر می‌رسد چارت تشکیلاتی سازمان بهزیستی به عنوان اولین و مبنایی‌ترین نگرش به معلولان، باید اصلاح شود. به همین دلیل با اینکه این سازمان برای معلولان کارها و تلاش‌های بسیار دارد و اگر کارنامه ماهانه و سالانه‌اش منتشر شود همگان این سازمان و رئیس آن را تحسین می‌کنند، ولی مشکلاتی هست که موجب ثمر ندادن بسیاری از فعالیت‌های آن می‌شود.

پیشنهاد این است که ریاست محترم و جدید سازمان بهزیستی جناب دکتر محسنی بندپی که همگان به کارایی و دلسوزی و فضائل اخلاقی ایشان اذعان

دارند با کمک کارشناسان معلولیتی فکری برای کارآمدتر کردن سازمان در حوزه معلولان بنمایند. روش‌های مدرنی تجربه شده که هزینه‌بری کمتر دارد و زودتر جواب می‌دهد. ولی در گام نخست باید چارت سازمان اندکی تغییر کند. تا وقتی امور معلولان در کنار امور معتادان و ایدز باشد، مشکل می‌توان استعدادهای معلولان را به شکوفایی رساند.

بنابراین اولین حق معلولان این است که آنگونه که هستند نه کمتر و نه بیشتر، آنها را شناخته و در مورد آنها داوری کنند و از آنها انتظار داشته باشند. باید توجه کنیم معلولان همواره تاریخ‌ساز بوده‌اند، معلولان در دوره رسول اکرم (ص) مهم‌ترین مشاغل اجتماعی-فرهنگی را بر عهده داشته‌اند؛ معلولان در قرآن یک سوره در مورد نابینایان دارند و در شأن و حقوق آنان خداوند اظهار نظر کرده است؛ حضرت علی (ع) و دیگر ائمه درباره آنها تأییدیه دارند و آنها را انسان‌های مطلوبی دانسته‌اند؛ و بالاخره هزاران قاری، حافظ قرآن کریم، مفسر کتاب، کارشناس علوم حدیث، ادیب، شاعر، فقیه و متکلم از معلولان برخاسته‌اند. با این وصف معلول، بیمار و معتاد و گدا نیست، انسان شریفی است که حسی را فاقد است ولی حواس دیگر او قوی‌تر از انسان‌های عادی است. البته نمی‌گوییم در معلولان آدم بد و شرور وجود ندارد، اکنون درباره جامعه معلولان داوری می‌کنیم و کلیت این جامعه خوب و کارنامه مطلوب داشته است، به طوری که بعضی از انبیای الهی معلولیت‌هایی مثل نابینایی در حضرت یعقوب داشته‌اند.^۱

مأموریت‌ها و وظایف

در سایت سازمان بهزیستی این مأموریت‌ها و وظایف برای سازمان پیش‌بینی شده است: البته کل وظایف و مأموریت‌های سازمان حدود چهل عنوان است، ولی موارد مرتبط به معلولان عبارت‌اند از:

- حمایت و توانبخشی نابینایان

۱. نکت‌الهمیان، صفدی، ص ۳. صفدی معتقد است یعقوب، اسحاق و شعیب دوره‌ای از عمرشان را نابینا بوده‌اند (همان).

- حمایت و توانبخشی ناشنوایان
- حمایت و توانبخشی معلولان ذهنی
- حمایت و توانبخشی معلولان جسمی حرکتی و ضایعه نخاعی
- حمایت و توانبخشی بیماران روانی مزمن
- کمک به تأمین جهیزیه مورد نیاز ایتام، معلولان و آسیب‌دیدگان نیازمند
- حمایت و نگهداری از معلولان غیرقابل توانبخشی
- تحت پوشش قرار دادن نیازمندان از نظر بیمه خدمات درمانی
- ساخت اندام‌های مصنوعی و کفش طبی مورد نیاز معلولان از طریق مراکز فنی و ارتوپدی سازمان
- پیشگیری از معلولیت‌های مختلف از طریق اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مختلف در کشور
- تربیت نیروهای انسانی تخصصی مورد نیاز جامعه در زمینه‌های توانبخشی، بهداشتی، درمانی، اجتماعی از طریق دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سازمان
- آموزش ویژه معلولان نظیر ناشنوایان، معلولان ذهنی، آموزش خط بریل و جهت‌یابی به نابینایان
- آموزش مهارت‌های زندگی ویژه معلولان
- ارزیابی و راهنمایی شغل معلولان جهت آموزش و اشتغال مناسب
- برنامه‌های فرهنگی و فوق برنامه معلولان و افراد تحت پوشش^۱
- مجموعاً از چهل سرعنوان، پانزده سرفصل اختصاص به معلولان دارد و این حجم از مأموریت‌ها قابل قبول است. یعنی گویای اهتمام عملی سازمان به معلولان است. اما با تجربه و تحلیل این سرفصل‌ها به نکاتی می‌رسیم. این نکات ذیلاً تقدیم می‌گردد. از نظر حقوقی سازمان موظف به تأمین همه مایحتاج و نیازمندی‌های معلولان است به گونه‌ای که زندگی آبرومندانه داشته باشند اما در جایی در اسناد و

مدارک بهزیستی به تساوی اشاره ندارد. در کنوانسیون‌های بین‌المللی تصریح شده که معلول و غیرمعلول از نظر حقوق اجتماعی تفاوتی ندارند و هیچ‌گونه تبعیضی بین آنها پذیرفتنی نیست. اما در اسناد و مدارک بهزیستی که تماماً در سایت اینترنتی هم منتشر شده این نکته را ندیدم اما نکات دیگر که با تحلیل سرفصل‌های فوق می‌یابیم عبارت‌اند از:

۱- نقش مردم در وظایف و در چارت سازمان پررنگ نیست. موارد بسیاری هست که مردم می‌توانند، تقبل مسئولیت نموده و مشکلات را ریشه‌ای حل کنند.

۲- نقش معلولان و سمن‌های معلولیتی هم پررنگ نیست.

۳- به آموزش خط بریل و جهت‌یابی اشاره شده ولی به آموزش‌های دیگر مثل آموزش کامپیوتر و اینترنت، آموزش زبان اشاره و ده‌ها نوع آموزش دیگر اشاره نشده است.

از بین همه این آموزش‌ها، آموزش زبان اشاره برای ناشنوایان فوق‌العاده مهم است.

۴- اشتغال و مشاغل و چگونگی تأمین شغل معلولان به اجمال آمده است با اینکه می‌توانستند با معرفی انواع مشاغل و شرایط دست‌یابی به آنها زمینه‌ها را هموارتر نمایند. معلولان استعداد لازم برای انواع مشاغل فرهنگی، علمی، خدمات‌دهی، کشاورزی، صنعتی و اجتماعی دارند. اما چون اینها را نمی‌شناسند، روش دستیابی به آنها را هم نمی‌دانند و همواره مشکل اساسی آنها اشتغال بوده است.

۵- روش‌های نوین رسیدگی و حمایت و توانبخشی در وظایف و مأموریت‌های اعلام شده در سایت بهزیستی مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه در کشورهای پیشرفته‌ای مثل ژاپن، از معلولان نابینا که معمولاً حافظه خوبی دارند در جاهایی مثل خدمات بورس استفاده می‌کنند. چون زودتر از کامپیوتر به کاربر اطلاعات می‌دهند. در آلمان برای کشف سرطان از نابینایان فراوان استفاده می‌کنند زیرا حس لامسه آنها قوی‌تر است و بسیار ارزان‌تر از اسکن برداری و شیوه‌های معمول پزشکی، سرطان را کشف می‌کنند.

از جمله حقوق معلولان آن است که تنها سازمان دولتی حامی آنها یعنی

بهبودی، در فضای چند دهه قبل نماند و بر اساس پیشرفت‌های روز، طرح‌ها و روش‌های روزآمد بدهد، اما متأسفانه این بخش چندین سال است به همین صورت و بدون تغییر مانده است.

۶- احادیث ماثوری داریم که حضرت می‌فرماید به جای کمک مادی به نیازمند به او وسیله کار بدهید. زیرا دائماً بی‌نیاز خواهد شد ولی پول و کمک مادی چند روزه تمام شده و نیازمندی می‌ماند.

اما امروزه باید گفت به معلولان باید اطلاعات داد، اگر اطلاعات مناسب و روزآمد به آنها داده شود، آنان همه نیازهای خود را تأمین خواهد کرد. معلولی که استعداد ورزشی دارد اگر به او اطلاع دهیم که فلان تیم ورزشی در فلان کشور معلولان را جذب می‌کند او با یک ارتباط و تماس می‌تواند به شغل مورد نظرش برسد.

تمامی نیازها را می‌توان از طریق اطلاع‌رسانی مناسب مرتفع کرد؛ آن هم با حداقل امکانات و بودجه. بهر حال حق اطلاعاتیابی از حقوق مسلم و حتمی معلولان است و بهزیستی باید این حق را به عنوان وظایف خودش بشناسد و رسمیت ببخشد.

۷- فرهنگ‌رسانی و سازندگی فرهنگی معلولان، خانواده معلولان، عموم مردم، مسئولین دولتی و سمن‌ها از جمله حقوقی است که تاکنون متصدی و مسئول نداشته است. یعنی نهادهای کلان دولتی، آن را جزو وظایف خود ندانسته‌اند. با اینکه زیربنایی‌ترین و مهم‌ترین نیاز همگانی است. صدها نکته و مسئله فرهنگی شامل آداب و رسوم، نکات تربیتی، مسائل اخلاقی، وظایف دو طرف در تعاملات اجتماعی، احکام شرعی و بالاخره مسائل قابل مراعات در روابط مردم با هم هست که باید در فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌رسانی تعلیم داده شود. اما متأسفانه همگان از مسئولان دولتی تا معلولان و مردم عادی از آنها غفلت دارند و نسبت به آنها ناآگاه‌اند.

بهبودی اگر این وظیفه را بر عهده گیرد و در معاونت فرهنگی با جلب طرح‌ها و نظریات و راه‌کارها اقدامات اساسی را شروع کند، در امور معلولان انقلابی ایجاد خواهد شد. برای نمونه سعدی در بوستان و گلستان چندین حکایت آموزنده در مورد معلولان دارد، در حالی که جامعه و مردم هیچکدام را

نمی‌دانند، یک کتاب تصویری احکام برای ناشنوایان تاکنون تدوین و منتشر نشده است و ده‌ها کمبود دیگر.

امکانات و آمادگی

ممکن است فکر شود سازمان بهزیستی امکانات لازم برای اینگونه امور را ندارد. اینجا امکاناتی که در سایت بهزیستی فهرست شده را می‌آورم. در این سایت چهل سرفصل از امکانات بهزیستی فهرست شده که از بین آنها هشت مورد مرتبط به معلولین است. اینها عبارت‌اند از:

- حدود ۱۶۰۰ واحد توانبخشی ارائه دهنده خدمات به معلولین، سالمندان و بیماران روانی مزمن

- امکان خدمات درمانی به بیماران روانی مزمن در ۱۰۳ مرکز درمانی و توانبخشی بهزیستی

- ۱۲۵ مرکز مشاوره پزشکی ژنتیک برای پیشگیری از معلولیت‌های ناشی از اختلالات ژنتیکی

- بیش از ۴۵۰ مجتمع خدمات بهزیستی که ارائه دهنده خدمات اجتماعی در سطح کشور است

- بیش از ۱۵۰۰ مجتمع روستایی که غالباً از محل مشارکت‌های مردمی احداث شده‌اند

- تعداد ۳۷ مرکز درمان بیماران روانی مزمن

- تعداد ۲۴۰ مرکز توانبخشی (انجمن ثبت شده NGO)^۱

از نظر نیروی انسانی هم، آمار شاغلان در بهزیستی نشانگر نکات سودمندی است:

حجم کل نیروی انسانی بهزیستی ۲۶/۰۴۳ نفر

تعداد ۱۴۰۷۷ نفر نیروی رسمی و ۸۲۲ نفر پیمانی و ۷۷۳۹ نفر رسمی کارگری، ۶۰۶ طرحی، ۲۵۹۳ قراردادی (پیمانکاری) و ۱۵۶ نیروی سرباز که از این تعداد

۶۱۱ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری، ۷۱۱ نفر فوق لیسانس، ۵۶۲۸ نفر لیسانس می‌باشند شایان ذکر است که نیروی انسانی با مدرک تحصیلی فوق دیپلم نیز تعداد ۷۳۶ نفر و تعداد ۱۸۳۵۶ نفر دیپلم و پایین‌تر را تشکیل می‌دهند که به لحاظ پایدار بودن جایگاه شغلی و بهره‌گیری از تخصص و تجارب آنان می‌تواند از جمله امکانات و قابلیت‌های این سازمان محسوب شود.^۱

سازمانی با این گسترش، قطعاً امور معلولان را می‌تواند به سرعت و با کیفیت سامان‌دهی نماید، اما نیاز به مدیران مناسب و دلسوز و طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت دارد. البته نمی‌خواهم بگویم بهزیستی هیچ کاری نمی‌کند بلکه هم اکنون فعال‌ترین سازمان در عرصه معلولان است. اما وقتی آن را نسبت به اهداف آرمانی می‌سنجیم، به نقدهایی می‌رسیم.

اصلاحات سال‌های ۷۴ و ۱۳۷۵

حجم زیادی از تغییرات و تکمیل‌های این دوره در قانون بهزیستی در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ اتفاق افتاد که اهم آنها به این شرح است:
قانون معافیت مالیاتی، مصوب ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۴:

به پیشنهاد سازمان بهزیستی و طبق قانون مصوب تیرماه ۷۴ تمامی مؤسسات خصوصی شاغل در امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و همچنین انجام خدمات در شبانه‌روزی‌ها و مهدهای کودک از مالیات معاف می‌باشند.

ماده واحده- کلیه مؤسسات خصوصی که با مجوز سازمان بهزیستی کشور امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و انجام خدمات در مراکز روزانه و شبانه‌روزی‌ها نگهداری معلولان و کودکان بی‌سرپرست را به عهده دارند و همچنین مهدهای کودک از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌باشند مشروط بر این که سازمان مذکور بر درآمد و هزینه آن‌ها نظارت داشته و مؤسسات فوق حداقل ده درصد از مددجویان خود را بدون دریافت

هرگونه دستمزد به افراد معرفی شده از طرف سازمان بهزیستی اختصاص دهند. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه هجدهم تیرماه یک هزار و سیصد و هفتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۴/۴/۲۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. (رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری)^۱

تبصره‌های اصلاحی

تبصره ۱-۴، اصلاحی ۹ بهمن ماه ۱۳۷۵- امور اجرایی بهزیستی در هر استان به عهده مدیر کل بهزیستی استان می‌باشد که توسط رئیس سازمان بهزیستی کشور منصوب می‌گردد.

تبصره ۲-۴، اصلاحی ۹ بهمن ماه ۱۳۷۵- به منظور جلب کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی به سازمان بهزیستی کشور شورایی به نام شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی در ستاد مرکزی سازمان و شورای مشارکت‌های مردمی با بهزیستی در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها به شرح زیر تشکیل می‌گردد:

الف- ترکیب اعضای شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی عبارت‌اند از:

۱- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان رئیس شورا؛ ۲- وزیر کشور یا معاون وی؛ ۳- رئیس سازمان بهزیستی کشور به عنوان دبیر شورا؛ ۴- نماینده دبیرخانه ائمه جمعه و جماعات؛ ۵- شهردار تهران؛ ۶- رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه؛ ۷- پنج نفر از معتمدان محلی به انتخاب رئیس سازمان.

- مسئولیت هماهنگی و سیاست‌گذاری و نظارت بر امور شوراهای استان و شهرستان با شورای مرکزی مشارکت‌های مردمی با بهزیستی خواهد بود.

ب- ترکیب اعضای شورای مشارکت‌های مردمی با بهزیستی استان عبارت‌اند از:

۱- استاندار؛ ۲- امام جمعه مرکز استان؛ ۳- شهردار؛ ۴- مدیر کل بهزیستی استان؛ ۵- مدیر کل اوقاف و امور خیریه؛ ۶- رئیس دانشگاه علوم پزشکی مرکز استان؛ ۷- پنج نفر از معتمدان محلی به انتخاب مدیر کل بهزیستی استان.

ج- ترکیب اعضای شورای مشارکت‌های مردمی با بهزیستی شهرستان عبارت‌اند از:
 ۱- امام جمعه مرکز شهرستان؛ ۲- فرماندار؛ ۳- رئیس اداره بهزیستی شهرستان؛
 ۴- رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان؛ ۵- رئیس اداره اوقاف و امور خیریه؛ ۶-
 شهردار مرکز شهرستان؛ ۷- پنج نفر از معتمدان محلی به انتخاب رئیس بهزیستی
 شهرستان استاندار، رئیس شورای مرکز استان و فرماندار رئیس شورای مرکز
 شهرستان و مدیر کل بهزیستی استان و رئیس بهزیستی شهرستان دبیر شورا در
 استان و شهرستان خواهند بود.

وظایف شورای مشارکت‌های مردمی با بهزیستی به شرح زیر است:

۱- جلب کمک‌های مادی و معنوی اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور حل
 مسائل و مشکلات اقشار محروم و معلول و ایتام.

۲- نظارت بر نحوه مصرف وجوه خاص اهدایی به سازمان بهزیستی.

تبصره ۱۰، اصلاحی ۹ بهمن ماه ۱۳۷۵ - کلیه مؤسسات دولتی و غیردولتی
 که بیش از پنجاه نفر در آنها به کار مشغول‌اند مکلف‌اند طبق آئین‌نامه‌ای که از
 طرف سازمان بهزیستی کشور تهیه و به تصویب سازمان بهزیستی کشور می‌رسد،
 نسبتی بین ۲ تا ۵ درصد کارکنان خود را از میان معلولان توانبخشی شده که قادر
 به انجام کارهای مورد نیاز این قبیل مؤسسات باشند استخدام کنند.

مؤسسات غیردولتی که به هر علتی مفاد این تبصره را رعایت ننمایند، مکلف‌اند
 بابت هر مورد مبلغ معینی را که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید به سازمان
 بهزیستی کشور بپردازند. تا در جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای معلولان تحت
 پوشش هزینه گردد.

کارگاه‌ها و مؤسساتی که معلولان را استخدام می‌کنند از پرداخت حق بیمه سهم
 کارفرما معاف هستند.

حق بیمه سهم کارفرما از محل بودجه عمومی که سالانه در قانون بودجه کل
 کشور منظور خواهد شد پرداخت می‌گردد (مشابه مقررات قانون معافیت حق بیمه
 سهم کارفرمایی که تا پنج نفر کارگر دارند).

تبصره ۱۶، الحاقی ۹ بهمن ماه ۱۳۷۵ - سازمان بهزیستی کشور می‌تواند در
 جهت پیشگیری، تشخیص و جلوگیری از شدت معلولیت‌ها طبق ضوابط وزارت

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مراکز توانبخشی پزشکی را در چارچوب تشکیلات موجود سازمان ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

سازمان بهزیستی با تصویب شورای انقلاب کارش را در سال ۱۳۵۹ آغاز کرد. اکنون حدود ۳۵ سال از عمرش می‌گذرد. از منظر حقوق بشر، خدمات بسیاری داشته که از مصادیق حقوق بشر است. در جهان، متعارف است هر نهادی که خدمات انسان دوستانه داشته باشد، مطلوب‌تر و مقبول‌تر است و در سراسر جهان بیشتر به آن توجه می‌شود. اما صرف فعالیت عملی در جهت حقوق انسانی اقشاری مانند معلولان کافی نیست و لازم است این فعالیت‌ها ضبط و ثبت گردد؛ به جهان گزارش شود؛ تا نسل‌های آینده و پژوهشگران کنونی در جریان قرار گیرند و تجارب و دستاوردها منتقل گردد.

سازمان بهزیستی تا کنون ۳۶ دوره مسابقات قرآنی برای نابینایان برگزار کرده است. یعنی اولین و قدیمی‌ترین سازمانی است که به خواست دینی روشندان اهتمام داشته و برای افزایش توانمندی‌های قرآنی آنها اقدام کرده است. اما متأسفانه گزارش درباره این مسابقات بسیار اندک است. با اینکه حداقل با ده جلد کتاب گزارشی و تصویری می‌توانستیم این تجربه را به جهان معرفی کنیم و به زبان‌های مختلف این جنبه حقوق بشری سازمان را در تاریخ، ماندگار سازیم.

سازمان بهزیستی در دوره هر رئیس رویکرد و خط‌مشی کلانی داشته است. از این‌رو فعالیت‌های کلی سازمان در دوره آقای هاشمی نسبت به دوره‌های قبل تفاوت‌هایی داشت. امید است دوره جدید مدیریت و ریاست آقای محسنی بندپی، خط‌مشی دیگری با خاستگاه‌های ضروری جدید حاکم گردد.

اما ضرورت عاجل به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱- بازنمایی گذشته سازمان

تمامی معاونت‌ها و بخش‌ها و ادارات در شهرها موظف شوند فعالیت‌های گذشته خود را منتشر و در اختیار جامعه قرار دهند. از این طریق هویت و واقعیت خود را عرضه کنند و اطلاعات مکفی به نخبگان بدهند تا بتوان به بررسی، نقادی و داوری پرداخت.

۲- ایجاد فضای نقد و بررسی گذشته برای بهسازی آینده
اگر سازمان از نقد و داوری نخبگان هراس داشته باشد، نمی‌تواند آتیه فعال برای
خودش ایجاد کند. از این‌رو با تشکیل همایش‌ها، باید امکان وزمینه نقادی را
فراهم آورد.

منابع

حقوق معلولان ایران، علی نوری، قم، صحیفه خرد، ۱۳۹۴؛ حقوق معلولان در قوانین
ایران، احمد باختر، تهران، جنگل: جاودانه، ۱۳۸۶، ۱۹۵ص؛ دانشنامه جهان اسلام،
به‌کوشش بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، جلد ۱۶، ۱۳۹۱؛ دانشنامه دانش گستر، تهران،
۱۳۸۹؛ روزنامه رسمی، سال‌های ۱۳۵۹، ۱۳۶۷، ۱۳۷۴؛ سایت سازمان بهزیستی کشور؛
سایت‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ کتاب مرجع حقوق معلولین مشتمل
بر کلیه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معرفی سازمان‌های مرتبط با معلولین و نیز
کنوانسیون‌های بین‌المللی سه‌زبانه پارسی، انگلیسی و فرانسه، حسین زهرایی،
سیدمحمدرضا تابان، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۹۳، ۳۴۸ص؛ نکت‌الهمیان فی نکت‌العمیان،
صفدی، به‌کوشش احمد زکی، افست، قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۷۲.

اشتغال و بهزیستی

پدیدآورندگان این کتاب پژوهشی درباره وضعیت اشتغال معلولان قم شروع کرده‌اند. بخش مهم این پژوهش درباره نقش و جایگاه اداره کل بهزیستی استان قم در زمینه اشتغال و کارایی معلولان این استان است.

مهم این است که پس از بررسی‌ها به دست آورده‌اند که در این باره، سابقه پژوهشی وجود ندارد و قبل از این تحقیقی درباره فعالیت‌های اداره کل بهزیستی در استان قم و انواع این فعالیت‌ها درباره اشتغال مددجویان انجام و عرضه نشده است.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد دولتی که موظف است مشکلات کارایی معلولان را سامان‌دهی کند، بهزیستی است در این اداره، بخش ویژه‌ای برای اشتغال هست و مدیر مستقلی دارد. اما همانطور که گفته شد درباره این موضوع پژوهشی تا کنون انجام نگرفته و منتشر نشده است.

البته مدیر بخش اشتغال در اداره کل بهزیستی استان، خانم خورشید معتقد است، وظیفه بهزیستی ایجاد اشتغال و پیگیری همه امور اشتغال معلولان نیست، بهزیستی فقط به تسهیل امور اشتغال آنان می‌پردازد.

فیزیوتراپی

مراکز توانبخشی و فیزیوتراپی مجوز فعالیت از معاونت درمان و دارو و دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی دریافت می‌کنند ولی به نوعی وابسته به اداره بهزیستی نیز هستند. این مراکز با افزایش توانایی‌های حرکتی معلولان، آنان را برای اشتغال و انجام کار مورد نظرشان آماده می‌کنند. بنابراین این‌گونه مراکز ارتباط مستقیم و پیوند ناگستنی با اشتغال معلولین دارند. غیر از اقدامات عمومی در جهت افزایش توانمندی‌های معلولین، توانبخشی اشتغال یا آماده‌سازی معلولین به منظور انجام امور شغلی و کاری هم مهم است. مراکز مهم فیزیوتراپی در قم عبارت‌اند از:

- فیزیوتراپی هلال احمر

آدرس: خیابان ۷ تیر، ساختمان میلاد

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۲۵۸۲۷

- فیزیوتراپی بیمارستان علی ابن ابیطالب (ع)

آدرس: خیابان بوعلی

تلفن: ۰۲۵۳۲۱۳۸۷۳۵ - ۰۲۵۳۲۱۳۸۷۳۶

- فیزیوتراپی کامکار

آدرس: خیابان باجک

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۱۳۵۱۱ - ۴

- فیزیوتراپی نکوئی

آدرس: خیابان آذر، میدان نکوئی

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۱۱۰۶۱ - ۷

- فیزیوتراپی ولی عصر (عج)

آدرس: یزدانشهر، میدان یزدانشهر

تلفن: ۰۲۵۳۲۸۸۴۳۱۰ - ۶

البته در قم ده‌ها مرکز توانبخشی و فیزیوتراپی هست و معرفی همه آنها ممکن نیست.

مشاوره و مددکاری

بهریستی در قم چندین مرکز مشاوره ایجاد کرده تا معلولین را راهنمایی کند و کارهایی که مناسب احوالات آنها است به آنان معرفی نماید. البته مشاوره انواع مختلف دارد مثل مشاوره در امور ژنتیک و غیره برخی از اینها ارتباط مستقیم با کاریابی دارند و برخی مقدمه برای اشتغال آنان است.

آموزش و پرورش

اشتغال معلولین بدون نهاد آموزش و پرورش ممکن نمی‌شد. این نهاد با پیشینه یکصد ساله، تحولات بسیار را در ایران پشت سر گذاشته است.

اواخر سال ۱۳۰۴ باغچه‌بان در تبریز به فکر تعلیم کر و لال‌ها افتاد. او در سال ۱۳۰۳ کودکستانی به نام «باغچه اطفال» تأسیس کرده بود و به همین دلیل باغچه‌بان نامیده شده و فامیل او از عسکرزاده به باغچه‌بان تغییر یافت. اولین شاگردان ناشنوایی که در این مدرسه ثبت‌نام کردند افرادی به نام قزوینی و لطفعلی آذرخشی بودند. شخصی به نام قزوینی دو فرزند کر و لال داشت و با لطفعلی آذرخشی سه کودک ناشنوا می‌شدند که اولین ناشنوایانی بودند که آموزش و پرورش آنان در ۱۳۰۴ آغاز شد.

باغچه اطفال در سال ۱۳۰۶ به دلیل مخالفت مدیریت اداره آموزش و پرورش تبریز تعطیل شد و باغچه‌بان به دعوت رئیس آموزش و پرورش فارس به شیراز رفت. اما برای تأسیس مرکزی برای آموزش بچه‌های ناشنوا در سال ۱۳۱۲ به تهران مهاجرت کرد.

باغچه‌بان در تهران به کمک دوستش دکتر بهره‌مند و در مطب او، دبستان کر و لال‌ها را دایر کرد. مخارج این مدرسه را تا حد معینی اداره فرهنگ می‌پرداخت. مدرسه باغچه‌بان هر سال گسترش یافت و کمک‌های دولت هم زیادتر شد. به طوری که در سال ۱۳۴۳ دو مدرسه بزرگ به نام آموزشگاه کر و لال‌های باغچه‌بان یک و دو با بیش از پانصد دانش‌آموز ناشنوا در اختیار داشت.^۱

مدارس باغچه‌بان علاوه بر آموزش سواد و خواندن و نوشتن، آموزش ریاضی، علوم و درس‌های پایه، حرفه‌آموزی و مهارت‌آموزی هم داشتند؛ به طوری که بچه‌های ناشنوا وقتی مدرک ابتدایی یا متوسطه دریافت می‌کردند، کارهایی هم می‌دانستند و امکان اشتغال آنها مهیا شده بود. با بچه‌ها تناتر، موسیقی، باغبانی،

گل کاری، بافندگی، نجاری و غیره کار می‌کردند.

فرد دیگری که در آغاز آموزش و پرورش معلولین به ویژه نابینایان مؤثر بود، کریستوفل کشیش آلمانی است. ارنست یاکوب کریستوفل Ernest Jakob Cristofel در ۱۲۵۵ ش / ۱۸۷۶ م در شهر ریدت آلمان متولد شد و در ۱۳۳۴ ش در اصفهان درگذشت و در قبرستان آرامنه این شهر دفن شد. او در ۱۳۰۴ ش در تبریز مدرسه‌ای تأسیس کرد و آموزش و تربیت بچه‌های نابینا و ناشنوا را آغاز نمود. او در سال ۱۳۰۷ مدرسه تبریز را به یکی از همکارانش سپرد و به طرف اصفهان آمد. مدرسه‌ای در اصفهان برای اطفال ناشنوا و نابینا و خیابانی تأسیس کرد. این مدرسه وابسته به کلیسا بود و هزینه‌های آن، کلیسا تأمین می‌کرد و ارتباطی با دولت ایران و وزارت آموزش و پرورش نداشت. اما روش او در نظام آموزش و پرورش معلولین مؤثر بود و همین شیوه با اصلاحاتی در مؤسسه آموزشی ابابصیر و پس از آن در دیگر مدارس اجرا شده است. دفتر فرهنگ معلولین تحقیقات مفصلی درباره کریستوفل و سبک کارش انجام داده و در دو کتاب آورده است. یکی کتاب ابابصیر مؤسسه آموزشی نابینایان به قلم محمد نوری منتشر شده توسط دفتر فرهنگ معلولین است و دوم کتاب کریستوفل به کوشش محمد نوری و منتشر شده توسط دفتر فرهنگ معلولین است. اینجا به تکرار مطالب آن کتاب‌ها نمی‌پردازم و علاقه‌مندان را به این دو کتاب ارجاع می‌دهیم. کریستوفل انواع مهارت‌آموزی را به نابینایان و ناشنوایان داشت به طوری که آنان پس از فراغت از تحصیل در دوره متوسطه در زمینه‌ای تبحر لازم را داشتند و می‌توانستند به سر کار بروند. حتی آموزش باغ کاری، کاشت گیاهان و سیفی جات، گل کاری تا تئاتر و موسیقی و هنرهای دستی جزء برنامه‌های آنها بود. در واقع کریستوفل این شیوه را از اروپا آورده بود و بهترین راه تعلیم و تربیت معلولین را آموزش‌های نظری در کنار مهارت‌آموزی می‌دانست.

سپس ابابصیر هم همین روش را ادامه داد و برنامه‌های آموزشی را به گونه‌ای طراحی کردند که بچه‌ها در دوره متوسطه با مشاغل مختلف آشنا می‌شدند و زمینه‌های اشتغال آنان همزمان با تحصیلات آنان به پیش می‌رفت.

مرحوم احمد پوستچی بنیانگذار آموزش و پرورش معلولین در قم است. او با مؤسسه ابابصیر و با مدرسه کریستوفل در اصفهان ارتباط نزدیک داشت. سال‌ها هر

هفته ۲ یا ۳ روز به اصفهان می‌رفت و در مدرسه کریستوفل یا مدرسه ابابصیر تدریس داشت.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در سال ۱۳۲۶ «کانون کار و آموزش برای نابینایان» را تأسیس کرد این کانون هدفش سوادآموزی و اقدام در امور اجتماعی عام‌المنفعه از طریق توسعه‌ی بهداشت، ایجاد مدارس پرستاری، حمایت از مادران و کودکان، مبارزه با تکدی و ولگردی، تشویق و هدایت برای آموزش و پرورش، کمک به فقرا، رسیدگی به وضع زندانیان بوده.

سازمان خدمات اجتماعی محلی را که قسمتی از مستغلات ارتش به شمار می‌رفت به عنوان محل «کانون کار و آموزش» که به خوابگاه و شبانه‌روزی مجهزی تبدیل شد در نظر گرفت. هدف کانون کار و آموزش تعلیم انواع و اقسام حرفه‌های مناسب و سوادآموزی به عموم مردم اعم از پیر و جوان و تندرست و ناتوان بود. طبق اساسنامه‌ی سازمان، کانون موظف شد که ناتوانان را نگهداری کند و به آنان که قادر به انجام کار هستند و احياناً جوان‌تر و مستعدترند حرفه بیاموزد و به تعلیم و تربیت آنان همت بگمارد. در این میان گروهی از نابینایان اطراف شهر نیز، همچون سایر نیازمندان به حمایت، در قسمتی از این محل نگهداری می‌شدند. توصیه و پیشنهاد شورای جهانی حمایت از نابینایان وابسته به سازمان یونسکو به کشورهای جهان، به ویژه کشورهایی چون ایران، مبنی بر بذل توجه خاص به آموزش نابینایان - که تا آن زمان اقدامی فراگیر و منسجم در این خصوص نشده بود - ذهنیتی را در مسئولان سازمان خدمات اجتماعی ایجاد کرد که تنها به نگهداری و کمک‌های مالی نیندیشند و اکتفا نکنند، بلکه در صدد سوادآموزی آنان نیز برآیند. نابینایان کانون اولین گروهی بودند که مورد نظر قرار گرفتند و پس از گزینش تعدادی از جوان‌ترها و مستعدترها و مدت‌ها تشویق و ترغیب آنها به تحصیل سرانجام در اردیبهشت ۱۳۲۹ کلاس‌های رسمی آموزش به نابینایان آغاز به کار کرد.^۱

اقدام دیگر که در آموزش و پرورش معلولین مؤثر بود تأسیس «دفتر آموزش

کودکان استثنایی» وابسته به وزارت آموزش و پرورش بود که در سال ۱۳۳۷ ایجاد شد.^۱

این دفتر گاه فعالیت‌هایش را توسعه می‌داد و گاه کارهایش کم می‌شد و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل به چند دفتر ناشنوایان، نابینایان و معلولان حرکتی تقسیم شد تا به امور همه انواع معلولیت‌ها بهتر رسیدگی کند.^۲

فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مربوط به نابینایان و ناشنوایان در قم زیر نظر این دفتر انجام می‌یافت و این دفتر در قم تأثیر و جایگاه مهمی داراست.

یکی از شخصیت‌های دیگر مؤثر بر آموزش و پرورش نابینایان، دکتر محمد خزائلی است. او اصالتاً اراکی است و به عنوان نماینده مجلس شورای ملی از طرف مردم اراک به این مجلس راه یافت. او در تهران و در اراک چند مؤسسه آموزشی برای نابینایان دایر کرد.

تاریخچه‌ی فعالیت مؤسسات دکتر خزائلی به سال ۱۳۳۰ بر می‌گردد. در سال ۱۳۴۲ منزل شخصی دکتر خزائلی با عنوان انجمن حمایت و هدایت نابینایان و با مدیریت دکتر خزائلی برای آموزش نابینایان بزرگسال شکل گرفت. در سال ۱۳۴۴ این محل به صورت آموزشگاهی مستقل از انجمن مذکور و طبق برنامه‌ی مدارس اکابر آن زمان فعالیت می‌کرد.

رفت و آمد نابینایان در کوچه‌ی خزائلی که دو ساختمان آن به فعالیت‌های مختلف دکتر خزائلی اختصاص داده شده بود حالتی خاص به این کوچه داده بود. به زودی نابینایان در سنین مختلف و از محله‌ها و طبقات گوناگون به این مکان رهسپار شدند و روی نیمکت‌های این کلاس‌ها نشستند. استاد که خود از دردمندان و رنج‌کشیدگان روزگار بود، نابینایان، به خصوص بزرگسالان فراموش شده را گرد هم آوردند و با هدف سوادآموزی، کاریابی و ایجاد روابط اجتماعی برای آنها از هیچ حمایت و هدایتی فروگذار نکرد.

۱. مجله توان‌نامه، ص ۱۱۳.

۲. زندگی‌نامه محمدحسن وجدانی، دفتر فرهنگ معلولین، ص ۵۲.

مجله‌ای به نام روش‌شناسی منتشر می‌کرد. در سال‌های ۴۹-۱۳۴۸ این آموزشگاه توسط سازمان برنامه و بودجه بازسازی شد و مجله‌ی روش‌شناسی نیز در همان سال منتشر گردید.

در سال ۱۳۵۲ این مؤسسه به آموزشگاه روزانه‌ی دولتی تلفیقی نابینایان تغییر کاربری داد و در سال ۱۳۶۱ به مدرسه‌ی پسرانه تبدیل شد. از سال ۱۳۷۱ این مؤسسه به مجتمع آموزشی از مقطع دبستان تا دبیرستان تبدیل شد و در برابر مدرسه‌ی شهید محبی در غرب تهران، نیمه‌ی شرقی شهر را پوشش داد.

در حال حاضر مجتمع آموزشی پسرانه‌ی دکتر محمد خزائلی تحت پوشش آموزش و پرورش استثنایی قرار دارد که در زمینی به مساحت ۱۱۰۰ متر با ۲۴۰۰ متر زیربنا در ۴ طبقه شامل دفتر دبیران، سالن بدنسازی، آزمایشگاه با ابزار لامسه‌ی و نقش‌های برجسته، انواع کیت‌ها، ابزار مکانیکی، جانوران تاکسیدرمی شده، کتابخانه‌ی بریل، کارگاه‌های هنر (شامل سفالگری و صنایع دستی و...) و اتاق پرورشی است.

تعداد شاگردان متمرکز در این مدرسه ۱۱۰ نفر است و ۷۵ شاگرد نیز به دلیل بینایی نسبی یا دور بودن مسیر و دلایلی از این دست به مدارس بینایی هدایت و معرفی شده‌اند و با در اختیار داشتن معلم رابط، نوار، ماشین تحریر بریل و سایر موارد و مواد کمک آموزشی به ادامه‌ی تحصیل می‌پردازند و به عنوان شاگردان تلفیقی با این مدرسه ارتباط دارند.

در اواخر دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه با توجه به اقداماتی که در جهت برنامه‌های رفاهی و آموزشی برای کودکان آسیب دیده و استثنایی صورت گرفته بود و هدف ادامه‌ی این فعالیت‌ها و تعمیم آن به بزرگسالان نیز مطرح شده بود، سازمان ملی رفاه نابینایان به صورت نیمه دولتی تأسیس یافت و در زمینه‌ی امور رفاهی و اجتماعی نابینایان و کاریابی برای آنان به فعالیت پرداخت.

این سازمان به ریاست دکتر مسعود ضرابی، چشم پزشک خوش‌نام و با هیئت مدیره‌ای متشکل از نابینایان فرهیخته همچون آقایان مرحوم دکتر حسین رضایی معاون اداری و عبدالعزیز واحدی، مدیر برنامه و معاون فنی اداره می‌شد. ریاست روابط عمومی سازمان نیز به من واکگذار شد. وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر بهداشتی،

وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان کودکان استثنایی و معاونان آنها اعضای ثابت هیئت امنای سازمان بودند. جلسات در محل وزارت کار و امور اجتماعی برگزار می‌شد و چهار نماینده نیز از سوی نایب‌نایان در آن شرکت می‌کردند که عبارت بودند از آقایان دکتر ضرابی، دکتر علوی، دکتر واحدی و پری زنگنه.^۱

همه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی معلولین با تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی در این سازمان تجمیع و ادغام شد. این سازمان به عنوان اداره کل در قم هم فعالیتش را آغاز کرد و تمامی مدارس نایب‌نایی، ناشنوایی، معلولان ذهنی و حرکتی را زیر پوشش گرفت. از جمله فعالیت‌های این سازمان و نیز اداره کل وابسته به آن، تعلیم مهارت‌های شغلی، چگونگی اشتغال و کاربایی معلولان در جامعه است. اما تا کنون گزارش جامع درباره نتایج چند دهه فعالیت این سازمان و نیز در قم منتشر نشده است.

دفتر فرهنگ معلولین در صدد است با مصاحبه با مسئولین این اداره درباره وضعیت و سیر و نتایج اشتغال معلولان و نقش و جایگاه سازمان استثنایی در این مقوله را به دست آورد و پس از به دست آوردن اطلاعات لازم و تجمیع اسناد و مدارک به تجزیه و تحلیل آنها اقدام کند.

همچنین درباره مسائل و موضوعات زیر در صدد هستیم اطلاعات لازم به دست

آوریم:

- ۱- مدارس و آموزشگاه‌های استثنایی در استان قم
- ۲- بررسی آموزش‌های جاری در نظام آموزش استثنایی و ارتباط این آموزش‌ها با اشتغال معلولان در سطح استان.
- ۳- بررسی متون آموزشی از منظر اشتغال
- ۴- آمارهای اشتغال دانش‌آموزان دارای معلولیت پس از دوره راهنمایی و پس از دوره متوسطه در سطح استان با تفکیک روستایی و شهری
- ۵- نقش آموزش استثنایی در وضع نامطلوب اشتغال معلولان

۶- بالاخره طرح و راه کار برای بهتر شدن اشتغال معلولان از طریق آموزش‌ها استثنایی

دفتر فرهنگ معلولین در صدد است تحقیق گسترده‌ای در این موضوعات داشته باشد. از این‌رو از همه کسانی که اطلاعات تاریخی، اجتماعی و غیره دارند یا اسناد و مدارکی دارند، مساعدت کنند.

آن‌چه مسلم است، به دلیل مسافت کم بین قم و تهران و فراوانی امکانات برای معلولین در تهران، بسیاری از خانواده‌ها فرزندان ناشنوا یا نابینا یا جسمی - حرکتی خود را به مدارس شبانه‌روزی تهران می‌فرستادند.

این نوجوانان و جوانان علاوه بر دانش‌آموزی، حرفه و مهارت آموزی هم داشتند و پس از بازگشت به قم، تجارب و دانش خود را منتقل می‌کردند.

ورزشی

ورزش در جنبه‌های مختلف زندگی معلولین مؤثر است. از یک نظر موجب سلامت روحی و جسمی آنان می‌گردد و معلولین ورزشکار می‌توانند در کاریبایی و اشتغال و کسب درآمد موفق‌تر باشند. از منظر دیگر ورزش یکی از راه‌های اشتغال و کسب درآمد است، هم به عنوان ورزشکار می‌تواند کسب درآمد داشته باشد و هم در زمینه آموزش و مربیگری و هم در سرپرستی و مدیریت و نیز در گزارشگری، روزنامه‌نگاری، اطلاع‌رسانی و پژوهشگری ورزش هم معلولان می‌توانند فعالیت داشته باشند.

به منظور آشنایی با ورزش معلولان به اختصار اطلاعاتی عرضه می‌کنیم؛ اما اطلاعات اصلی را باید از طریق تحقیقات میدانی و کلاسیک درباره ورزش معلولان در استان قم به دست آوریم. متأسفانه تا کنون در این باره هیچ کار پژوهشی نشده و ابعاد اشتغالی و شغلی ورزش معلولین در قم بررسی نشده است.

فدراسیون ورزشی ناشنوایان ایران

در شهریورماه سال ۱۳۳۵ به دستور محمدرضا شاه «فدراسیون» ورزشی کرو و لال‌های ایران تشکیل گردید. قبل از تشکیل این «فدراسیون» کرو و لال‌های ورزشکار در اتحادیه‌های مختلف ورزشی پراکنده بودند که نخستین گام جمع‌آوری آنان و شرکت در هشتمین دوره «المپیک» کرو و لال‌ها در سال ۱۹۵۷م در ایتالیا بود. در این مسابقات ایران موفق به اخذ چهار مدال طلا شد.

در سال ۱۹۶۱م ناشنوایان ورزشکار ایرانی در نهمین دوره «المپیک» کرو و لال‌ها در فنلاند (هلسینکی) شرکت کردند و ایران در رشته کشتی آزاد به اخذ سه مدال طلا و یک مدال نقره و احراز مقام دوم در رشته کشتی فرهنگی به دریافت سه مدال نقره و یک مدال برنز و نیل به مقام سوم در جهان توفیق یافت.

در سال ۱۹۶۵م نیز ایران، در دهمین دوره المپیک که در آمریکا (واشنگتن) برگزار گردید، در رشته‌های کشتی، دو و میدانی و تنیس روی میز شرکت جست و

در رشته کشتی آزاد و فرهنگی به مقام دوم جهان دست یافت. در شهریورماه سال ۱۳۴۵ باشگاهی در خیابان شهباز - گوته، خریداری و به کر و لال‌ها اهدا شد.

در سال ۱۹۶۹م در یوگسلاوی (بلغراد) یازدهمین دوره بازی‌های المپیک^۱ کر و لال‌ها برگزار شد و ایران که در رشته کشتی، دو و میدانی و تنیس روی میز شرکت کننده در رشته‌های کشتی و دو و میدانی موفق به اخذ چندین مدال طلا، نقره و برنز گردید. در سال ۱۳۵۰ تیم کشتی ایران راهی مسابقات جهانی ایتالیا شد که در هر دو رشته کشتی آزاد و فرهنگی به مقام قهرمانی جهان رسید.

در سال ۱۹۷۳م ناشنوایان ایران راهی دوازدهمین دوره المپیک کر و لال‌ها شدند که در سوئد (مالنمو) برگزار می‌شد. ایران در رشته کشتی، والیبال، دو و میدانی دختران و پسران، تنیس روی میز دختران و پسران شرکت کننده داشت که تیم کشتی ایران صاحب دو مدال طلا و برای نخستین بار تیم والیبال ایران مقام دوم المپیک را احراز کرد.

«فدراسیون» کر و لال‌های ایران در اسفندماه ۱۳۵۲ به «فدراسیون» ناشنوایان ایران تغییر نام پیدا کرد.

«فدراسیون» ناشنوایان همه ساله نیز مسابقات دوستانه‌ای با کشورهای همسایه مانند شوروی، بلغارستان، ایتالیا برگزار کرده است.

مسابقات قهرمانی کشور، همه ساله در یکی از شهرستان‌ها برگزار می‌شود که هشتمین دوره آن در ۱۳۵۴ در خرم‌آباد برگزار شد. علاوه بر گسترش کوشش‌های ورزشی ناشنوایان، این «فدراسیون» در تأمین رفاه ناشنوایان از طریق کاریابی و یارمندی‌های نقدی و جز آن گام‌هایی برمی‌دارد.^۱

تاریخچه تأسیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین

فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین ایران یک سال پس از پیروزی انقلاب

اسلامی و در سال ۱۳۵۸ تأسیس و یکی از فدراسیون‌های تحت پوشش سازمان تربیت بدنی گردید.

در پی بروز جنگ تحمیلی و حضور جانبازان سرافراز میهن اسلامی در جامعه، ضرورت ورود این عزیزان به صحنه‌های ورزشی جهت حفظ سلامتی و روحیه نشاط در میان آنان احساس گردید. لذا با برنامه‌ریزی صورت گرفته در این خصوص، به مرور زمان جانبازان نیز به صحنه ورزش و رقابت‌های داخلی و بین‌المللی وارد و در سال ۱۳۵۹ نام فدراسیون فوق به فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین تغییر داده شد که در حال حاضر ۱۸ رشته ورزشی تابستانی و یک رشته زمستانی در آن فعال می‌باشند.^۱

تاریخچه تأسیس فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان

با گسترش فعالیت‌های ورزش جانبازان و معلولین و با پیشنهاد ریاست فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین در سال ۱۳۷۶ مبنی بر تأسیس فدراسیون ورزش‌های نابینایان به سازمان تربیت بدنی و با پیگیری‌های به عمل آمده در سال ۱۳۷۸ این فدراسیون به جرگه سایر فدراسیون‌های تحت پوشش سازمان تربیت بدنی در آمد که اکنون با ۱۰ رشته ورزشی به فعالیت خود ادامه می‌دهد.^۲

تاریخچه تأسیس کمیته ملی پارالمپیک (National paralympic committee)

در سال ۱۳۷۷ با توجه به اساسنامه و اعلام رسمی IPC مبنی بر لزوم تأسیس کمیته ملی پارالمپیک در ایران از آقای دکتر رابرت استیدوارد ریاست وقت سازمان فوق جهت دیدار و گفتگو دعوت به عمل آمد.

در پی دیدار آقای دکتر رابرت استیدوارد با ریاست وقت مجلس شورای اسلامی آقای ناطق نوری و از سوی دیگر مشاهده فعالیت‌های گسترده ورزش معلولین در

1. www.irisfd.ir

2. www.blindsports.ir

کشور با تأسیس کمیته ملی پارالمپیک موافقت به عمل آمد. به دنبال تأیید فوق و با تهیه اساسنامه کمیته ملی پارالمپیک (NPC) این کمیته رسماً مورد تأیید کمیته ملی المپیک (NOC) کشور واقع و اولین مجمع عمومی آن در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۷ برگزار گردید که اعضای هیئت رئیسه و اجرایی آن به ریاست محمود خسروی وفا به مدت چهار سال انتخاب گردیدند.

فعالیت این کمیته پس از خرید و بازسازی یک دستگاه ساختمان در مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۳ همزمان با ایام میلاد با سعادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسماً آغاز و ساختمان آن مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

کمیته ملی پارالمپیک (NPC) به منزله مؤسسه‌ای غیرتجاری، غیرانتفاعی وابسته به کمیته ملی المپیک می‌باشد. این کمیته تنها سازمانی است که سرپرستی، اداره و هماهنگی امور مربوط به شرکت قهرمانان جانباز و معلول ایرانی را در بازی‌های تابستانی و زمستانی پارالمپیک، منطقه‌ای، بین‌المللی که کمیته بین‌المللی پارالمپیک تدارک می‌بیند و یا حمایت می‌کند برعهده دارد. قهرمان جانباز و معلول به همه قهرمانانی اطلاق می‌شود که قطع عضو، قطع نخاع، فلج مغزی، نابینا و کم‌توانان ذهنی هستند و در طبقه‌بندی پزشکی فدراسیون‌های جهانی قرار می‌گیرند. کمیته ملی پارالمپیک دارای شخصیت حقوقی بوده و با توجه به قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب سال ۱۳۷۳ نهاد عمومی غیردولتی است.

اهداف

بر طبق اساسنامه، این کمیته دارای اهداف ذیل می‌باشد:

۱. کمیته ملی پارالمپیک برای ایجاد زمینه‌های مناسب و تدارک لازم برای شرکت فعال قهرمانان و ورزشکاران جانباز و معلول کشور در رقابت‌های پارالمپیک، منطقه‌ای، بین‌المللی و قاره‌ای با رعایت مقررات بین‌المللی پارالمپیک تشکیل شده است.

۲. تلاش برای توسعه ورزش در بین افرادی که دارای معلولیت شدید هستند.

۳. تلاش برای توسعه ورزش در بین بانوان جانباز و معلول.

۴. تشویق و کمک به احیای برنامه‌های پژوهشی در جهت تحقق اهداف کمیته

۵. ملی پارالمپیک.
۵. ایجاد زمینه‌ها و بستر مناسب برای اجرای فعالیت‌های آموزشی به منظور توسعه ورزش‌های جانبازان و معلولان.
۶. تلاش برای ائتلاف ورزش‌های جانبازان و معلولان و جنبش‌های جهانی ورزش برای افراد سالم ضمن حفظ هویت ورزش‌های جانبازان و معلولان.
۷. تلاش برای تشکیل پایگاه‌های قهرمانی در سطح کشور.
۸. مشارکت هر چه بیشتر قهرمانان در بازی‌های پارالمپیک به ویژه جانبازان معلولان حاد و مؤنث.
۹. تلاش برای تحقق اهداف و اصول.

معرفی ورزش‌های تابستانی و زمستانی پارالمپیک

مقدمه:

ورزش‌های تابستانی و زمستانی فعال در کمیته بین‌المللی پارالمپیک IPC جهت پذیرش و عضویت از سوی این نهاد بین‌المللی تابع قوانین خاص خود می‌باشد.

یک رشته تابستانی می‌بایستی قبل از ارائه درخواست عضویت به IPC دارای یک ساختار سازمانی منسجم، فعالیت در ۲۴ کشور و ۳ قاره، برگزاری منظم مسابقات جهانی، سیستم کلاسبندی و ... باشد.

همچنین ورزش‌های زمستانی نیز در ۱۸ کشور و ۳ قاره می‌بایستی فعالیت نموده باشد. عضویت، لغو عضویت و تغییرات در نحوه عضویت در رشته‌های ورزشی در طول مدت تأسیس IPC به دفعات تکرار شده است و اطلاعات ارائه شده در این بخش متعلق به آخرین تغییرات در پایان سال ۱۳۹۲ پیرامون عضویت رشته‌های ورزشی در IPC می‌باشد. عضویت یک رشته ورزشی در IPC در اولین مرحله حضور در یک مسابقه تابستانی و یا زمستانی به صورت آزمایشی و بدون اخذ مدال توسط ورزشکاران صورت می‌گیرد و در مراحل بعدی حضور، شایسته کسب مدال در رقابت‌ها می‌گردد.

در حال حاضر ۲۳ رشته ورزشی تابستانی شامل تیر و کمان، دو و میدانی،

بوچیا، دوچرخه سواری، جودو، تیراندازی، فوتبال ۵ نفره، فوتبال ۷ نفره، گلبال، وزنه برداری، قایق پارویی، قایق بادبانی، قایق کانو، تیراندازی، والیبال نشسته، شنا، تنیس روی میز، بسکتبال با ویلچر، رقص با ویلچر، شمشیر بازی با ویلچر، راگبی با ویلچر، تنیس با ویلچر، اسب سواری و ۵ رشته ورزشی زمستانی شامل اسکی آلپاین، کرلینگ با ویلچر، اسکی راه پیمایی و هاکی روی یخ و بیاتلون فعال می باشند و مقرر است ورزش تریلتون (ورزش سه گانه شامل ۳ رشته ترکیبی شنا، دوچرخه سواری، دو و میدانی) از سال ۲۰۱۶ در مسابقات پارالمپیک ریو در کشور برزیل وارد صحنه رقابت ها گردد.

بدین ترتیب در مجموع ۲۸ رشته ورزشی در IPC فعال می باشد.^۱

نگاهی به ورزش های ملی

۱. کوهنوردی Climbing

آغاز فعالیت رسمی این رشته در ایران، سال ۱۳۷۲ می باشد. ورزشکاران کشورمان در گروه های جسمی - حرکتی، قطع عضو، نابینایان و کم بینایان و فلج مغزی ها تا کنون صعودهای متعددی را به کوه های تفتان، سبلان، دماوند، سهند، هزار مسجد خراسان، دنا، الموت و ... و همچنین صعودهای خارجی شامل: قله ۵۱۳۹ متری آرات - ترکیه، قله ۵۸۹۵ متری کلیمانجارو - تانزانیا، قله ۶۲۰۰ متری آیلندیک - هیمالیا، نیال و کالاپاتار در هیمالیا را فتح نموده اند. در حال حاضر حدود ۱۶ تیم استانی و باشگاهی آقایان و بانوان در کشورمان فعال می باشد.

۲. باستانی zoorkhaneh

این رشته مخصوص ورزشکاران متعلق به گروه های جسمی - حرکتی، قطع عضو، ضایعات نخاعی، نابینایان و کم بینایان می باشد. مسابقات این رشته به صورت انفرادی و تیمی در بخش آقایان برگزار می شود. آغاز فعالیت این رشته در ایران به سال ۱۳۶۸ بر می گردد. اولین دوره مسابقات

قهرمانی کشوری این رشته در سال ۱۳۷۴ برگزار گردید. در این ورزش و در قسمت انفرادی ورزشکاران در مواد سنگ، میل، کباده و چرخش و در قسمت تیمی با حضور ۹-۷ ورزشکار یک سری مواد ۱۲ گانه که شامل ورود به زمین، میل، شنا و سنگ است را به نمایش می گذارند. ورزشکار و یا تیم برنده در هر مسابقه ورزشکار یا تیمی است که بیشترین امتیاز را کسب کرده باشد. در حال حاضر حدود ۱۴ تیم استانی و باشگاهی آقایان در کشورمان فعال می باشد.^۱

هیئت ورزش های جانبازان و معلولین

اکنون ورزش های جانبازان و معلولین قم به مدیریت و سامان دهی به ورزش معلولین در قم می پردازد. ساختار اداری آن این گونه است:

- رئیس هیئت ورزش های جانبازان و معلولین استان: محمد پیروز منش

- نائب رئیس: فریده نظریان

- دبیر: محمود شریفی

جهت دسترسی به این هیئت می توان از این طرق اقدام کرد:

- تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۳۶۰۹

- وب سایت اداره ورزش و جوانان استان قم

آدرس دفتر باشگاه: قم، خیابان ۱۹ دی، ۲۰ متری حائری، کوچه ۲۱، کوچه

شهیدان کرملی یکم، پلاک ۳۰، کدپستی: ۳۷۱۹۱۹۷۶۳۵

آدرس سالن تمرین: قم، خیابان بلوار محمد امین، سالن شهید محمود

رضاییان، جنب اداره کل ورزش و جوانان قم

تلفن ثابت: ۰۲۵۳۷۷۰۸۲۵۲

نمابر: ۰۲۵۳۷۷۰۸۲۵۲

نشانی اینترنتی: www.isarqom.com باشگاه فرهنگی ورزشی جانبازان و

معلولین ایثار استان قم

اشتغال و ورزش قم

ورزشکاران قمی با اینکه بعضاً دارای معلولیت بوده‌اند اما در عرصه‌های رقابتی داخل و خارج در دو دهه اخیر خوب درخشیده‌اند. اما تجارب و دستاوردهای آنان به نسل بعد منتقل نشده است و اساساً درباره ابعاد ورزشی معلولان کار پژوهشی و تألیفی انجام نگرفته است.

دفتر فرهنگ معلولین در صدد است در این باره تحقیقات گستره‌ای انجام دهد و به اهداف زیر برسد:

- ۱- موفقیت‌های ورزشکاران معلول گذشته را تدوین و به آیندگان منتقل کند
- ۲- ضعف‌ها و ناکارآمدهای گذشته را کشف و با بررسی و تجزیه و تحلیل آنها، روش‌های آسیب‌زدایی را پیدا کرده و به جوانان منتقل نماید.
- ۳- شناسایی ظرفیت‌های ورزش معلولین در ایجاد اشتغال برای آنها بررسی شود.
- ۴- مشکلات و موانع موجود در نرسیدن به اشتغال مناسب در ورزش شناسایی گردد.
- ۵- چشم‌انداز آینده و طرح‌هایی که می‌تواند جنبه‌های اشتغالی ورزش معلولین را در سطح جهانی گسترش دهد.

فصل پنجم:
مراکز مردمی ویژه معلولان

هدف اینست که اطلاعات مراکز و نهادهایی که در ارتباط با اشتغال و کاریابی معلولان فعال هستند شناسایی و معرفی شوند؛ تا چرخه ایجاد اشتغال گسترش پیدا کند. اشتغال معلولین بدون فعالیت تشکلی های مردمی ممکن نیست. مهم ترین تشکلی ها در عرصه اشتغال، مراکز کاریابی است. اما در استان قم مراکز کاریابی فعال پیدا نکردیم. منظور مراکز می است که چند وظیفه مشخص انجام می دهد:

۱- کارگاه ها، کارخانه ها، تولیدگرها و جاهایی که نیاز به کارگر و نیروی انسانی دارند. ۲- شناسایی معلولین و تشکلی پرونده برای آنها تا در شرایط مقتضی به مراکز کار معرفی شوند. ۳- تشکلی کلاس ها و کارگاه های آموزشی و مهارت آموزی. ۴- مطالعه کشورهای که در اشتغال معلولان موفق بوده اند و به دست آوردن تجارب و دستاوردهای آنها

هنوز مراکز کاریابی و اشتغال کارآمد و فعال شکل نگرفته است و کارهای اینگونه مراکز در مراکز توانبخشی، آموزشی و غیره پخش شده است. یعنی مراکز می که معلولان ذهنی را نگهداری می کنند، به آنها هم آموزش می دهند، برای آنها کارگاه تولیدی دایر کرده اند و آنها معرق و دیگر صنایع دستی تولید می کنند. حتی مراکز مشاوره به معلولان مشورت می دهند چه کاری مناسب حال آنها است و چه کاری نباید انجام دهند؟

مراکز معرفی شده در این فصل در چند گروه دسته بندی شده اند تا شناخت آنها راحت تر باشد. این دسته بندی بر اساس اینست که این نهاد چه وظایفی دارد و حداکثر وظایف و فعالیت آن چیست. از این رو مراکز و نهادها در نه دسته زیر بازنشانی شده اند:

مهارت آموزی معلولان ذهنی، مهارت آموزی جسمی - حرکتی، توانبخشی شغلی، اتیسم، ناشنوایی، فرهنگی و علمی، مشاوره، خدمات اجتماعی، مذهبی. مراکز می که غیردولتی هستند و توسط مردم راه اندازی و بنیانگذاری شده و مدیریت شده اند در این فصل معرفی خواهند شد.

مهارت‌آموزی و توانبخشی ذهنی و روانی

تجارب خوبی در مهارت‌آموزی معلولان در مراکز توانبخشی قم به دست آمده است، به طوری که بچه‌های دارای انواع معلولیت ذهنی، صنایع دستی بسیار زیبا تولید می‌کنند. متأسفانه به دلیل فقدان رسیدگی‌های پسینی مثل نبود بازارچه فروش، نداشتن حراجی برای عرضه محصولات، اغلب کارهای آنان بدون مشتری می‌ماند و در انبارها معمولاً از بین می‌رود. اما مهم‌تر امور پیشینی مثل فرهنگ سازی و معرفی محصولات زیبای اینان به مردم است.

مردم برای خرید کادو برای اعیاد یا دید و بازدیدها، مبالغ زیادی خرج می‌کنند و معمولاً این مبالغ مصرف کالاهای چینی و خارجی می‌گردد. اگر مردم بدانند با خرید محصولات از اینگونه مراکز چه خدمات بزرگی انجام می‌دهند قطعاً به سراغ این مراکز می‌آیند.

هم اکنون در این بخش به معرفی این مراکز پرداخته‌ایم، گام بعد برگزاری جلسات هم‌اندیشی و رسیدن به راه کارهای مشخص و سپس اجرایی کردن راه کارها است.

لازم به ذکر است بسیاری از این مراکز با وجوه و پول‌های مردمی تأسیس شد. ولی از مساعدت‌های دولتی به ویژه از سازمان بهزیستی هم دریافتی داشته‌اند. اینجا فقط مراکزی موفق خواهند شد که در جواز و مجوز آنها بر مردمی بودن و غیردولتی بودن آنها تأکید شده باشد.

مراکزی در این بخش معرفی می‌شوند که به معلولین ذهنی و دارای مشکلات روحی و روانی اختصاص دارند و به این گروه از معلولین سرویس می‌دهند. اما مراکزی که ویژه سالمندان است و هیچ نوع خدماتی برای مهارت و اشتغال معلولین انجام نمی‌دهند از قلمرو این تحقیق بیرون‌اند. چون پیگیر مراکزی هستیم که در اشتغال و مهارت‌افزایی مؤثر باشند.

مرکز نگهداری معلولین ذهنی یاسین، تأسیس ۱۳۷۸

در مرکز معلولین ذهنی یاسین که به صورت روزانه فعالیت دارد، نوجوانان بالای ۱۵ سال نگهداری و برخی از آموزش‌های خاص را دریافت می‌کنند. این مرکز مهارت‌های حرفه‌ای و کارآموزی را به افراد آموزش می‌دهد. دیگر مشخصات آن اینگونه است:

نوع فعالیت: آموزش حرفه‌ای

جنسیت: مذکر

ظرفیت: ۹۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

آدرس: نیروگاه، میدان توحید، کوچه ۱، پلاک ۴۲.

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۱۶۰۷۵

مرکز توانبخشی و نگهداری رضوان، تأسیس ۱۳۸۰

این مرکز با ظرفیت ۷۰ نفر، محل نگهداری ۵۰ نفر از خانم‌های دارای بیماری اعصاب و روان است. اکثر آنها بی سرپرست یا بد سرپرست هستند. این مرکز شبانه روزی به صورت نیمه خصوصی اداره می‌شود و خانم‌هایی از سن ۱۷ تا ۵۶ سال نگهداری می‌کند. علاوه بر درمان آنان، به آن‌ها حرفه آموزشی، ورزش و کار آموزش می‌دهد. دیگر مشخصات این مرکز اینگونه است:

ظرفیت: ۷۵ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: شبانه روزی

آدرس: جاده قدیم تهران، بعد از پردیس دانشگاه تهران.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۴۳۸۳۷

مرکز توانبخشی معلولان ذهنی امید فردا، تأسیس ۱۳۷۵

این مرکز از زمستان ۱۳۷۵ شروع به فعالیت نموده است. اولین مرکز توانبخشی غیردولتی در استان قم بوده و در حال حاضر با ظرفیت ۱۱۰ نفر

معلول ذهنی و جسمی زیر ۱۵ سال مشغول به فعالیت می‌باشد. در این مرکز ۱۸ نفر پرسنل (۳ نفر پاره وقت و ۱۵ نفر تمام وقت) مشغول به کار هستند و به عزیزان معلول خدمات ارائه می‌دهند.

ساختمان این مرکز در سه طبقه و با زیربنای حدود ۴۸۰ مترمربع با فضاهای مجزای آموزش کلاسی، گفتاردرمانی، کاردرمانی جسمی، کاردرمانی ذهنی، روانشناسی، مدیریت و مسئول فنی، سالن ورزشی و هنری و استخر توپ و همچنین آشپزخانه و سالن غذاخوری با نور از سه طرف و تهویه مناسب طراحی شده است.

این مرکز در ۵ روز هفته از همکاری کارشناسان مجرب گفتاردرمانی و کارشناس ارشد کاردرمانی و روانشناسی استفاده می‌نماید. همچنین مشاورین مرکز از دانشجویان دکترای مشاوره دانشگاه تهران استفاده می‌کند.

دارای فعالیت روزانه است و عزیزان توانخواه توسط سرویس‌های سواری هر روز صبح از درب منازل به مرکز منتقل شده و در طول روز ضمن برخورداری از خدمات گفتار و کاردرمانی و آموزش کلاسی از تغذیه و نهار گرم نیز استفاده نموده و سپس با سرویس‌های مربوطه به درب منازل عودت داده می‌شوند.

توانخواهان علاوه بر استفاده از فضاهای تخصصی و ورزشی و هنری داخل مرکز هر هفته می‌توانند از سالن ورزشی مجاور مرکز نیز استفاده نمایند.

مرکز توانبخشی امید فردا با مجوز و نظارت سازمان بهزیستی استان قم و به صورت غیردولتی اداره می‌شود.

هزینه توانخواهان ثبت نامی در مرکز تا ۷۰٪ توسط بهزیستی تحت عنوان یارانه و مابقی با توافق خانواده از ایشان دریافت می‌گردد. دیگر مشخصات این مرکز چنین است:

نوع فعالیت: آموزش ذهنی

ظرفیت: ۱۱۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

آدرس: خیابان ۱۹ دی، خیابان شهید بیطرفان، بعد از کوچه ۴، پلاک ۳۷.

تلفن: ۰۲۵۳۷۵۰۰۱۰۱-۰۲۵۳۷۵۰۲۶۴۵

مرکز توانبخشی شکوفا، تأسیس ۱۳۸۰

مددجویان این مرکز که همگی آقا هستند و بالای چهارده سال سن دارند، عمدتاً دارای ناتوانی‌های ذهنی و جسمی در طیف‌های مختلف هستند و برای آموزش‌های خاص و یادگیری شغل‌ها و علوم مختلف به این مرکز مراجعه می‌کنند.

نوع فعالیت: آموزش حرفه‌ای

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه - بالای ۱۴ سال

نوع معلولیت: ذهنی

آدرس: ۳۰ متری ۷ تیر، کوچه ۴۷، پلاک ۱۵۵.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۳۵۰۲۱

مرکز توانبخشی بهشت کوچک، تأسیس ۱۳۸۲

این مرکز شبانه روزی است و خانم‌های بالاتر از چهارده سال را می‌پذیرد. البته فقط معلولین ذهنی را پذیرش می‌کند. برای پذیرفته شدگان انواع آموزش‌ها و مشاوره‌ها را عرضه می‌کند. دیگر مشخصات این مرکز اینگونه است:

نوع فعالیت: نگهداری معلولین

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع معلولیت: ذهنی

آدرس: شهرک فاطمیه، انتهای بلوار بعثت، نرسیده به کمربندی.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۶۵۰۵۲

مرکز توانبخشی معلولان ذهنی سینا، تأسیس ۱۳۷۹

این مرکز به خانم‌ها و آقایان زیر ۱۴ سال خدمات می‌دهد. فقط معلولان ذهنی را پذیرش می‌کند و به آنان آموزش‌هایی جهت توانبخشی ذهنی می‌دهد. دیگر

مشخصات این مرکز عبارت است از:

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه - زیر ۱۴ سال

آدرس: خیابان آذر (طالقانی)، کوچه ۶۰، پلاک ۱۸.

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۰۴۷۷۴

مرکز توانبخشی نیکان رضوی، تأسیس ۱۳۸۰

این مرکز فقط به مردان دارای مشکلات روحی و روانی خدمات می‌دهد. شبانه روزی است و به شیوه‌های متعارف علاوه بر نگهداری آنان یا آموزش و انواع توانبخشی، تلاش می‌شود این افراد را به جامعه بازگرداند و آماده پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی شوند.

نوع فعالیت: نگهداری روانی

ظرفیت: ۸۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع معلولیت: بیماران روانی

آدرس: جاده کمربندی اراک، روبروی جایگاه زباله شهرداری، مرکز جامع

مرحوم سید مهدی رضوی.

تلفن: ۰۲۵۳۸۹۶۲۸۵۴

مرکز توانبخشی معلولان ذهنی شهریار، تأسیس ۱۳۷۷

در مرکز توانبخشی و گفتار درمانی استاد شهریار به معلولان زیر ۱۵ سال کودکان ۳ الی ۱۵ سال در آنجا نگهداری می‌شود، این مرکز با ظرفیت ۹۰ نفر پذیرای ۶۰ نفر از کودکان معلول ذهنی است. مرکز آموزش و نگهداری روزانه معلولین ذهنی شهریار که از سال ۷۷ افتتاح شده، تا کنون حدود ۴۰ الی ۵۰ فارغ‌التحصیل دوره ابتدایی را به مراکز استثنایی آموزش و پرورش معرفی کرده است.

جنسیت: مختلط

نوع فعالیت: آموزش ذهنی

ظرفیت: ۹۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

آدرس: خیابان امامزاده ابراهیم، خیابان سلامت، خیابان ۱۶ متری امام رضا،

نبش کوچه ۸.

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۳۹۹۶۶

آسایشگاه خیریه شبانه‌روزی بقیه الله قم، تأسیس ۱۳۴۹

آسایشگاه خیریه شبانه‌روزی معلولین و سالمندان قم در سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را آغاز نموده و در سال ۱۳۵۹ به سازمان بهزیستی قم واگذار گردید و افتخار دارد که از سال ۱۳۸۱ تحت نام مقدس مؤسسه خیریه حضرت بقیه الله الاعظم ولی عصر (عج) شناخته می‌شود و با کمک نیکوکاران محترم از سراسر کشور اداره می‌شود. این مؤسسه هیچ زیر مجموعه دیگری ندارد و کمک‌های نقدی و غیر نقدی خیرین محترم فقط برای نگهداری این عزیزان به مصرف می‌رسد. اینجا قطعه‌ای از بهشت است.

مؤسسه خیریه بقیه الله الاعظم ولی عصر (عج) با همت والای ریاست هیئت مدیره حضرت آیت الله حاج سید جواد گلپایگانی فرزند برومند مرحوم حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی (ره) در سال ۱۳۸۱ به ثبت رسید. پس از آن به کمک باری تعالی و پشتوانه شما خیرین عزیز کار خود را آغاز نمود. این مؤسسه مفتخر است که بزرگترین مرکز خیریه نگهداری معلولین ذهنی مرد بالای ۱۴ سال استان و نیز تنها مرکز خیریه سالمندان مرد و زن بالای ۶۰ سال در استان می‌باشد. در حال حاضر بیش از ۴۸۰ نفر مددجو تحت پوشش این مؤسسه هستند، از این تعداد ۳۵۰ نفر معلول ذهنی مرد بالای ۱۴ سال و ۱۳۰ نفر سالمند مرد و زن بالای ۶۰ سال هستند که ۷۰ درصد این عزیزان مجهول الهویه و یابی سرپرست می‌باشد. لازم به ذکر است کلیه کارهای مددجویان بسته به نوع معلولیت از طریق ۲۰۰ فرد، کار در ۲۴ ساعت شبانه‌روز انجام می‌شود.

کلیه هزینه‌های معلولین و سالمندان از طریق خیرین گرامی تأمین می‌گردد. از تعداد ۳۵۰ نفر معلول ذهنی، ۱۵۴ نفر معلول ذهنی شدید و ۱۹۶ نفر معلول ذهنی و چند معلولیتی می‌باشد. از تعداد ۱۳۰ نفر سالمند مرد و زن بالای ۶۰ سال، ۶۴ نفر سالمند زن و ۶۶ نفر سالمند مرد هستند که اکثراً چند معلولیتی بوده و احتیاج به مراقبت ویژه دارند. شایان ذکر است که بیش از ۷۰ درصد عزیزانی که در این مرکز نگهداری می‌شوند مجهول الهویه و یا بی سرپرست می‌باشند. با مشارکت در نگهداری این عزیزان از دعای خیر آنها و برکات آن بهره‌مند گردید. به امید روزی که هیچ فردی معلول به دنیا نیاید و هیچ سالمندی از آغوش گرم خانواده محروم نگردد.

اهداف آسایشگاه خیریه شبانه روزی معلولین و سالمندان قم:

- ۱- ایجاد محیطی امن و آرام جهت زندگی معلولین ذهنی و سالمندان
- ۲- ارائه خدمات نگهداری، توانبخشی، مددکاری، روانشناسی، فیزیوتراپی، گفتار درمان، پزشکی و روانپزشکی به توانخواهان
- ۳- پیشگیری از ایجاد معلولیت با افزایش آگاهی‌های مردم
- ۴- افزایش توانائی‌های معلولین و ایجاد اعتماد به نفس در آنها برای زندگی در جامعه

- ۵- تلاش در جهت تغییر فرهنگ جامعه برای پذیرش معلولین ذهنی
 - ۶- تلاش در جهت افزایش آگاهی و اعتماد به نفس در خانواده‌ها برای بازگرداندن معلولین ذهنی به آغوش خانواده
 - ۷- جلب مشارکت مردم در این امر خدایسندانه و انسان دوستانه
 - ۸- افزایش خدمت‌رسانی با آموزش مداوم کارکنان
- از راه‌های زیر می‌توان ارتباط برقرار کرد:
- تلفن: ۰۲۵۳۷۲۲۸۸۴۰ (سه خط)
- ۰۲۵۳۷۲۲۶۰۵۱ - ۰۲۵۳۷۲۲۶۰۵۰

آدرس: قم، خیابان طالقانی، بلوار شهید محلاتی، نرسیده به میدان شهید محلاتی، مرکز خیریه نگهداری و توانبخشی سالمندان و معلولین شهید فیاض بخش.

مرکز توانبخشی معلولان ذهنی شفا، تأسیس ۱۳۸۱

این مرکز با پذیرش معلولان ذهنی به ارائه خدمات به آنها می‌پردازد. پذیرش شوندگان از آقایان و نیز از خانم‌ها است. مشخصات این مرکز اینگونه است:

ظرفیت: ۸۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه - زیر ۱۴ سال

نوع معلولیت: ذهنی

آدرس: خیابان نیروگاه، میدان توحید، کوچه ۱۵، پلاک ۱۹، طبقه همکف.

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۲۴۳۱۶

مرکز توانبخشی مهرگان، تأسیس ۱۳۸۱

این مرکز به پذیرش آقایان بالای ۱۴ سال می‌پردازد. افرادی که دارای مشکلات ذهنی هستند، دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: آموزش حرفه‌ای

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه - بالای ۱۴ سال

آدرس: فلکه شهرداری، ۱۶ متری علوی، جنب مسجد حضرت زهرا(س).

تلفن: ۰۲۵۳۶۵۵۳۸۴۱

مرکز نگهداری ابن الرضا، تأسیس ۱۳۷۹

این مرکز ویژه خانم‌های دارای مشکلات ذهنی است. افراد بالاتر از چهارده سال را می‌پذیرد. دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: نگهداری معلولین

ظرفیت: ۶۰ نفر

نوع مدیریت: خیریه

نوع فعالیت: شبانه روزی - بالای ۱۴ سال
آدرس: روستای جمکران، روبروی سنگ‌بری پیمان.
تلفن: ۰۲۵۳۷۲۵۴۷۴۷ - ۰۲۵۳۷۲۵۴۷۴۱

مؤسسه خیریه نغمه مهر امام رضا(ع)، تأسیس ۱۳۹۰

مؤسسه خیریه نغمه مهر امام رضا علیه السلام در مورخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۰ با شماره ثبتی ۱۱۴۵ و با همت خانم ملیحه کاویانی و ۴ نفر از اعضای هیئت مدیره در شهر مقدس قم به ثبت رسیده است. هدف این مؤسسه بازسازی شخصیتی افراد نیازمند و دارای معلولیت ذهنی یا جسمی - حرکتی یا معلولان اجتماعی است.

هم اکنون این مؤسسه ۱۸۰۰ پرونده شامل معلولین جسمی حرکتی، ذهنی و ضایعه نخاعی، بد سرپرست و بی سرپرست و از کار افتاده را تحت پوشش دارد و در تلاش است که با اهداف خیر خود حامی مثمر ثمری برای محرومین جامعه معلولین و نیازمندان باشد.

آدرس و شماره تلفن: قم، خیابان ۱۹ دی، کوچه ۸۶، سمت راست، اولین عقب نشینی، پلاک ۴۶.

شماره تلفن: ۰۲۵۳۷۵۰۵۷۴۹ - ۰۲۵۳۷۵۰۱۹۷۷

مرکز روزانه سامان، تأسیس ۱۳۸۵

این مرکز به مردان بالای ۱۴ سال و دارای مشکلات روانی خدمات می‌دهد. و دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: نگهداری روانی

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

آدرس: خیابان ۱۹ دی، روبروی بانک مسکن، پلاک ۲۷۸.

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۱۲۶۳۷

مرکز نیمه راهی سامان، تأسیس ۱۳۸۸

این مرکز مردان دارای بیماری روانی مزمن را نگهداری می‌کند و دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: نگهداری

ظرفیت: ۱۶ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: خیابان ۱۹ دی، روبروی بانک مسکن، پلاک ۲۷۸.

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۱۲۶۳۷

مرکز روزانه مهر آسا، تأسیس ۱۳۸۷

این مرکز بیماران و معلولین روانی زن را می‌پذیرد و نگهداری می‌کند. فقط ویژه زنان است و دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: نگهداری روانی

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: شهرک امام حسن، ۲۴ متری مطهری، قبل از چهارراه مدینه العلم،

پلاک ۱۳۱.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۷۴۷۹۲

مرکز مهر آوران، تأسیس ۱۳۹۰

این مرکز ویژه دختران دارای معلولیت ذهنی است و با آموزش انواع حرفه‌ها و مهارت‌ها در بازسازی شخصیت آنان تلاش می‌کنند. دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: کارگاه تولیدی

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: خیابان نیروگاه، نبش کوچه ۳۷، پلاک ۹۳۵.

تلفن: ۰۲۵۳۸۷۵۸۴۵۴

مرکز سیار میلاد، تأسیس ۱۳۸۶

این مرکز به بیماران روانی خدمات آموزشی، درمانی، مشاوره می‌دهد. دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: مراقبت و پیگیری درمان در منزل

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: میدان سعیدی، ابتدای ۷ تیر، ساختمان پزشکان میلاد.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۲۹۰۴۸

مرکز سیار نیکان، تأسیس ۱۳۸۷

این مرکز به بیماران روحی و روانی خدمات می‌دهد. روزانه و در منزل به آنان مشاوره، درمان و انواع آموزش‌ها را ارائه می‌دهد. دارای این ویژگی‌ها است:

نوع فعالیت: مراقبت و پیگیری درمان در منزل

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

آدرس: جاده کمربندی اراک، روبروی جایگاه زباله شهرداری، مرکز جامع

مرحوم سید مهدی رضوی.

تلفن: ۰۲۵۳۸۹۶۲۸۵۴

مرکز سیار روان پویا، تأسیس ۱۳۸۷

این مرکز به افراد دارای مشکلات روحی - روانی خدمات در منزل می‌دهد. فقط

سرویس روزانه دارد. دارای این ویژگی‌ها است:

نوع فعالیت: مراقبت و پیگیری درمان در منزل

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

آدرس: خیابان ۷ تیر، بین کوچه ۵ و ۷، طبقه زیر زمین سوهانی حاج حسین.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۳۷۱۶۸

مرکز سیار شایگان، تأسیس ۱۳۸۸

این مرکز به افراد دارای مشکلات روحی - روانی روزانه خدمات درمانی -

مشاوره‌ای و آموزشی می‌دهد. دارای این ویژگی‌ها است:

نوع فعالیت: مراقبت و پیگیری درمان در منزل

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: خیابان ۷ تیر، کوچه ۵۵، پلاک ۵.

تلفن: ۰۲۵۳۶۷۰۳۹۴۰

مرکز بقیة الله الاعظم، تأسیس ۱۳۸۰

این مرکز به مردان بالاتر از ۱۴ سال که دارای مشکلات ذهنی هستند،

شبانه‌روزی خدمات می‌دهد. دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: نگهداری معلولین

ظرفیت: ۳۷۵ نفر

نوع مدیریت: واگذاری

آدرس: بلوار شهید محلاتی، آسایشگاه بقیة الله الاعظم (فیاض بخش).

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۲۸۸۴۱ - ۰۲۵۳۷۲۲۸۸۴۲

مرکز الزهرا (س)، تأسیس ۱۳۷۵

این مرکز به آقایان و خانم‌های بالاتر از ۱۴ سال که دارای مشکلات ذهنی

هستند، شبانه روی خدمات عرضه می‌کند. دارای این مشخصات است:

نوع فعالیت: نگهداری معلولین

ظرفیت: ۶۵ نفر

نوع مدیریت: خیریه

نام صاحب امتیاز: حاج آقا امامی

آدرس: خیابان آذر، میدان پلیس.

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۲۳۰۳۱ - ۰۲۵۳۷۲۲۳۰۲۹

مرکز طلایه

این مرکز به معلولین ذهنی اختصاص دارد و به کسانی خدمات می‌دهد که اولاً مرد باشند و دوم دارای مشکلات در یادگیری و حافظه و قدرت تفکر می‌باشند.

آدرس: ۳۰ متری هنرستان، ۱۲ متری جانبازان.

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۳۹۷۰۷

مرکز آموزش و توانبخشی مشکلات ویژه یادگیری

آدرس: خیابان ۷ تیر، کوچه ۷.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۱۸۸۹۱

مرکز نگاه نو، تأسیس ۱۳۹۱

این مرکز به خدمات‌دهی به معلولین ذهنی مشغول است و دارای این مشخصات می‌باشد:

نوع فعالیت: آموزش ذهنی

نام صاحب امتیاز: زهرا جورابچی

آدرس: خیابان ۷ تیر، بعد از کوچه ۶۱، پلاک ۴۴۳.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۱۷۳۶۴

مرکز توانبخشی و کاردرمانی عصمت السادات خلیلی

آدرس: خیابان شهید فاطمی، کوچه ۱۸، فرعی چهارم.

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۹۴۶۹

مهارت آموزشی جسمی و حرکتی

زندگی شهری، جنگ و عوامل دیگر موجب پیدایش یک گروه اجتماعی به نام افراد دارای ضایعات نخاعی یا معلولان جسمی حرکتی شده است. در جامعه معلولین ایران، اینگونه افراد بیشترین آمار را دارند.

این بخش به معرفی تشکلهای و مراکز اینگونه معلولین می‌پردازد. یعنی افرادی که طیف وسیعی از انواع کسانیه را شامل است که در اعضا و جوارح آنها یعنی دست و پا، گردن و کمر مشکل دارند.

مراکزیه که به نام فیزیوتراپی و ارتوپدی مشهوراند در این فصل می‌آیند؛ نیز گفتار درمانی، شنوایی درمانی که به اصلاح بیان و گفتار یا شنوایی کمک می‌کنند در همین جا معرفی می‌شوند.

نقش و جایگاه مراکز جسمی و حرکتی که به اصلاح و درمان عضلات و اعضای بدن می‌انجامد، در کاربایی و اشتغال پوشیده نیست.

زیرا فردی که به شغل و انجام کاری می‌پردازد لزوماً باید بتواند با اعضا و جوارحش کار کند و این مرکز با درمان و توانبخشی به اعضا و جوارح این افراد توانایی لازم را می‌دهد تا بتوانند کار کنند.

مرکز توانبخشی جامع، تأسیس ۱۳۸۰

این مرکز در فروردین ماه ۱۳۸۰ (تحت نظارت و مجوز سازمان بهزیستی) تأسیس گردید و در زمینه درمان و توانبخشی بیماران و معلولین جسمی - حرکتی برای تمام سنین و برای آقایان و خانمها با ارائه انواع خدمات فعالیت دارد.

نام این مرکز به کوشا تغییر نام یافته است و دارای این فعالیتها است:

کاردرمانی، فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، روانشناسی و مشاوره، سالن ماساژ، سالن آموزش خانواده، مددکاری، پزشک عمومی. دیگر مشخصات این مرکز اینگونه است:

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: خیابان امام خمینی، تولیددارو، کوچه ۲، پلاک ۳۴.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۳۵۷۶۹-۰۲۵۳۶۶۳۵۷۶۹

مرکز جامع توانبخشی مداین

این مرکز به پذیرش بیماران و معلولان حرکتی در ناحیه پاها می‌پردازد. پس از معاینات و بررسی‌ها این اقدامات را برای پذیرفته شدگان انجام می‌دهد: انواع خدمات ارائه شده در مرکز:

انجام معاینات اولیه پا از نظر وضعیت عضلانی و اسکلتی، پوست؛ انجام اسکن استاتیک و دینامیک کف پا، بررسی پاسچر؛ تشخیص و درمان بیماری‌های حسی و حرکتی پا؛ بررسی قامت افراد posture؛ بررسی تأثیرات اختلالات پا بر ستون فقرات؛ ارائه مراقبت‌های پای سالم در مادران باردار؛ ارائه مراقبت‌های ویژه در بیماران دیابتی؛ اندازه‌گیری آستانه خستگی؛ درمان صافی کف پا؛ درمان صدمات پا و مچ پا ناشی از تصادف و... تروما؛ درمان ناهنجاری‌های مادرزادی پا در نوزادان؛ درمان شکستگی و پارگی تاندون‌ها؛ درمان واریس و ورم پا؛ درمان میخچه، پینه زگیل، کالوس؛ درمان زخم‌های عفونی پا؛ کلینیک لیزر در پا؛ کلینیک درد؛ کلینیک اختصاصی پای کودکان؛ کلینیک خستگی؛ کلینیک پیشگیری و زخم پای دیابتیک؛ کلینیک تشخیص و درمان پوکی استخوان؛ کلینیک تناسب اندام، چاقی و لاغری؛ کلینیک شاکویو درمان خار پاشنه و تاندونیت آشیل؛ گروه توانبخشی، پزشکی ورزشی گروه قلب و عروق و ریه؛ گروه پزشکی ورزشی و ورزش درمانی؛ گروه طب کار (غربالگری مؤسسات، مهد کودک‌ها و مدارس)؛ گروه طب مکمل (سوزنی_هومیوپاتی)؛ گروه طب سنتی؛ گروه تخصصی ارتوپدی زانو؛ گروه کایروپراکتیک و ستون فقرات؛ گروه ارتوپدی پا؛ جراحی موضعی پا؛ انجام عمل‌های جراحی اصلاحی در پا مانند هالوکس والگوس؛ انجام عمل‌های جراحی زیبایی پا؛ توانبخشی صدمات ورزشی مچ پا؛ توانبخشی پیچ خوردگی‌های مکرر مچ پا؛ توانبخشی ناتوانی‌های پا بعد از سکته مغزی، دیسک کمر؛ توانبخشی بی‌حسی، فلج و ضعف عضلانی؛ توانبخشی زانو درد؛ فروشگاه کفش سالم؛ تجویز

وساخت کفی، صندل، کفش، طبی برای عموم و بیماران دیابتیک؛ تجویز پروتزهای پیشرفته در پا با روش ۳ D Laser Scanner؛ فروش footwear and accessory ارائه جوراب، کفی و کفش طبی؛ تولید کفی‌ها و کفش‌های custom made در کارگاه توانبخشی؛ ارائه ارتزهای مچ بند و هالوکس والگوس و اختلالات انگشتان پا؛ اصلاح کوتاهی اندام تحتانی در کفش و کفی؛ مجهز به فروشگاه‌های تخصصی کفش اطفال کودکان نوپا و دانش آموزان؛ مجهز به فیزیوتراپی، کار درمانی، آب درمانی.

آدرس: قم، خیابان شهید لواسانی، بین کوچه ۲۷ و ۲۹، پلاک ۲۷۷.

کدپستی: ۳۷۱۳۶۶۴۹۶۱

تلفکس: ۰۲۵۳۷۷۷۷۷۷۷ (هفت خط)

مرکز توانبخشی آرمان

این مرکز روزانه است و اختصاص به خانم‌ها و آقایان دارای مشکلات جسمی و حرکتی دارد. مشخصات آن اینگونه است:

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: بلوار شهید صدوقی، کوچه ۴۰، پلاک ۵.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۹۴۵۵

مرکز امید سلامت، تأسیس ۱۳۸۸

این مرکز به آقایان و خانم‌های دارای ضایعه نخاعی خدمات می‌دهد و دارای این

ویژگی‌ها است:

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: خیابان ۷ تیر، کوچه ۴۴، پلاک ۵.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۱۵۸۸۱-۰۲۵۳۶۷۰۳۹۴۰

انجمن ضایعات نخاعی استان قم، تأسیس ۱۳۸۶

جنسیت: مختلط

ظرفیت: ۴۰۰ نفر

نوع فعالیت: روزانه

نوع معلولیت: ضایعه نخاعی

آدرس: خیابان ۱۹ دی، کوچه ۸۳، ساختمان توانبخشی حضرت آیت الله

گلپایگانی، طبقه زیر زمین

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۰۵۵۵۴

مرکز توانبخشی و حرفه آموزی

آدرس: خیابان آذر (طالقانی)، کوچه ۲۳

مرکز توانبخشی نیکان

آدرس: ابتدای خیابان ۱۹ دی، بعد از فلکه جهاد، روبروی بانک ملی

مؤسسه خیریه حامیان راه زندگی

خیابان امام، روبروی کوچه ۴۴

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۰۵۶۹۸

مرکز توانبخشی شفا

آدرس: خیابان نیروگاه، کوچه ۱۵، پلاک ۱۹، طبقه همکف

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۱۳۳۰۰

مرکز آقای مصطفی علیزاده شورکی

(عصر)

آدرس: میدان سعیدی، ابتدای شاه ایراهیم
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۰۶۹۹۷

مرکز توانبخشی بزرگمهر

آدرس: خیابان ۷ تیر، انتهای کوچه ۴۷
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۳۵۰۲۱

ارتوپدی الهادی

آدرس: بلوار امام موسی صدر، درمانگاه الهادی

مؤسسه خیریه نغمه مهر امام رضا (ع)

این مرکز به سه گروه دارای معلولیت جسمی - حرکتی، ذهنی و اجتماعی می‌پردازد و اطلاعات کامل‌تر در بخش مهارت آموزی و توانبخشی ذهنی آمده است.

فیزیوتراپی ۱۹ دی

آدرس: خیابان ۱۹ دی، بین کوچه ۷۱ و ۷۳، طبقه همکف.
تلفن: ۳۷۷۱۰۷۷۱

فیزیوتراپی پیوند

(عصر)

آدرس: بلوار امین، کوچه ۱۱، پلاک ۴.
تلفن: ۰۲۵۳۲۹۳۴۵۱۲ - ۰۲۵۳۲۹۳۱۲۲۱

فیزیوتراپی ایران

(عصر)

آدرس: خیابان آیت اله طالقانی (آذر)، روبروی کوچه ۴۵.

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۲۱۱۳۰-۱

فیزیوتراپی ثامن الحجج

آدرس: خیابان طالقانی، انتهای کوچه ۹.

فیزیوتراپی رازی

(صبح و عصر)

آدرس: ۴۵ میدان صدوق، بین کوچه ۲۸ و ۳۰، ابتدای کوچه شهید شهبازی،

پلاک ۲۱.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۰۶۹۳۹ - ۰۲۵۳۲۹۳۷۳۵۳

فیزیوتراپی قائم

آدرس: خیابان کلهری، بعد از میدان، نبش کوچه ۳۲.

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۰۲۲۶۲-۰۲۵۳۷۲۳۶۲۱۵

فیزیوتراپی شاهد

(عصر)

آدرس: خیابان دورشهر، کوچه ۱۸، پلاک ۳.

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۶۴۳۶

فیزیوتراپی مهر

(صبح و عصر)

آدرس: ۴۵ متری صدوق، کوچه ۱۲، پلاک ۹.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۱۰۱۰۳

فیزیوتراپی ابوریحان

(صبح و عصر)

آدرس: خیابان خاکفرج، نرسیده به میدان الهادی، جنب کوچه ۳۷.
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۴۸۲۴۱-۳

فیزیوتراپی توان افزا

آدرس: خیابان صفاییه، جنب پاساژ زمرد، طبقه همکف.
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۷۳۳۵

فیزیوتراپی پاستور

(عصر)

آدرس: خیابان آذر، کوچه ۷۲، پلاک ۵.
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۱۱۲۱۱ - ۰۲۵۳۷۶۰۰۲۱۱

فیزیوتراپی حکیم

(صبح و عصر)

آدرس: خیابان آیت اله طالقانی (آذر)، کوچه ۷۶، پلاک ۴۲، طبقه پایین.
تلفن: ۰۲۵۳۷۲۲۵۹۵۳

فیزیوتراپی سپهران

(صبح و عصر)

آدرس: صفائییه، کوچه ۳۹، پلاک ۳۷.
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۷۷۴۴

فیزیوتراپی مرکزی

(عصر)

آدرس: خیابان دورشهر، روبروی پاساژ طویی، ساختمان پزشکان سحر.
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۱۱۲۲

فیزیوتراپی مهرداد

(عصر)

آدرس: بلوار امین ۷، ساختمان پزشکان غدیر.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۱۸۷۸۸

فیزیوتراپی فارابی

(عصر)

آدرس: میدان سعیدی، ساختمان نخل.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۰۳۰۶۳

فیزیوتراپی توحید

(صبح و عصر)

آدرس: خیابان توحید، توحید ۹، پلاک ۷، طبقه ۲.

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۳۴۳۷۸ - ۰۲۵۳۸۸۰۲۴۳۳

فیزیوتراپی کیمیا

(عصر)

آدرس: میدان سعیدی، بلوار نیروی هوایی، نبش کوچه ۱، ساختمان پزشکان

کیمیا، طبقه دوم.

تلفن: ۰۲۵۳۶۷۰۷۴۸۵ - ۰۲۵۳۶۷۰۰۹۳۰

فیزیوتراپی سینا

آدرس: میدان آزادگان، ۲۴ متری چمران، کوچه ۲۱، پلاک ۳۹.

تلفن: ۰۲۵۶۶۱۰۸۴۶

فیزیوتراپی گلپایگانی

آدرس: خیابان مولوی.

تلفن: ۵-۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱-۰۲۵۳۶۱۶

فیزیوتراپی حضرت معصومه (س)

آدرس: خیابان امام، جنب مسجد امام حسن عسگری (ع).

تلفن: ۹-۱۸۰۱-۰۲۵۳۶۶۵

فیزیوتراپی آل محمد (ص)

آدرس: خیابان امام، بعد از میدان امام، جنب سپاه.

تلفن: ۴۴-۱۱۶۴۴-۰۲۵۳۶۶۰۹۹۰۰

فیزیوتراپی امام صادق (ع)

آدرس: خیابان نیروگاه، ابتدای بلوار شاهد.

تلفن: ۲-۰۴-۰۲۵۳۸۸۴۴

فیزیوتراپی حضرت ابوالفضل (ع)

آدرس: خیابان امامزاده ابراهیم، بعد از ۲۰ متری مطهری.

تلفن: ۱۵۳-۰۲۵۳۸۸۴

فیزیوتراپی قرآن و عترت

آدرس: خیابان حجتیه، مقابل مدرسه حجتیه.

تلفن: ۶-۱۵۲۵-۰۲۵۳۷۷۴

فیزیوتراپی آرمان

آدرس: ۴۵ متری صدوق، فلکه مفتح.

تلفن: ۸۳۸-۱۵۸۳۸-۰۲۵۳۲۶

فیزیوتراپی بهاران

آدرس: خیابان دورشهر، کوچه ۱۰، ساختمان بهاران.
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۷۴۵۴

فیزیوتراپی توانبخش

آدرس: میدان سعیدی، ابتدای شاه ابراهیم، کوچه ۲.
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۰۶۹۹۷

فیزیوتراپی دکتر قیومی

آدرس: میدان شهید صدوقی، ساختمان خاتم، واحد ۷.
تلفن: ۰۲۵۳۲۹۱۴۵۴۶

فیزیوتراپی صبا

آدرس: سالاریه، فلکه میثم.
تلفن: ۰۲۵۳۲۹۳۱۵۳۳

اتیسم

اتیسم به عنوان یک معلولت، سابقه زیاد ندارد و هنوز بسیار از ابعاد و مسائل آن روشن نیست. البته پژوهشگران و کارشناسان درصدد بررسی ابعاد آن هستند. اهمیت اتیسم موجب شد، مراکزی ویژه این نوع معلولیت احداث و کارشناسان به توان افزایی، آموزش و مشاوره بپردازند و اینگونه افراد را آماده کنند تا در جامعه مشارکت نمایند. بچه‌های دارای اتیسم حتماً پس از یک دوره درمان می‌توانند سر کار حاضر شوند. اما درمان آنها هم مشکلات فراوان دارد. به منظور درمان اتیسمی‌ها، مراکزی در استان قم احداث شده که در این فصل معرفی می‌شوند.

مرکز توانبخشی آسمان، تأسیس ۱۳۹۴

این مرکز به بیماران اتیسم یا در خود فرورفته اختصاص دارد و به درمان، آموزش، توانبخشی و بالاخره آماده سازی آنان برای مشارکت در جامعه می‌پردازد.

نوع مدیریت: خصوصی

نوع معلولیت: اتیستیک

آدرس: ۴۵ متری صدوق، کوچه ۵۶، دانش ۱، پلاک ۱۰۴

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۱۹۹۹

مرکز توانبخشی و کاردرمانی خانه امید، تأسیس ۱۳۹۰

این مرکز به نگهداری روزانه بیماران اتیسمی می‌پردازد. خانه‌ها و آقایان هر دو پذیرش می‌شوند و فعالیتش روزانه است.

نوع فعالیت: بیماران اتیسم

ظرفیت: ۳۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

نوع معلولیت: اتیستیک

آدرس: خیابان دورشهر، کوچه ۱۸، دست چپ، کوچه دوم، پلاک ۴۹
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۹۴۶۹

مرکز توان پویا، تأسیس ۱۳۹۰

این مرکز به آقایان و خانم‌های دارای اتیسم، خدمات عرضه می‌کند. فقط روزانه
است. دیگر مشخصات آن عبارت است از:

ظرفیت: ۳۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع معلولیت: اتیسم

آدرس: خیابان ۳۰ متری کیوانفر، جنب بانک ملی، پلاک ۸۰۰

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۱۸۳۶۷

فکس: ۰۲۵۳۶۶۳۲۵۷۴

ناشنوایی

ناشنوایی اصطلاحی است که در دوره جدید جایگزین «گر و لال» در فرهنگ فارسی شده است. کسی که ناشنوا است هم توان گفتار و هم توان و حس شنیدن ندارد. برای اصلاح و درمان گفتار و شنوایی، دو حرفه مهم گفتار درمانی و شنوایی سنجی یا شنوایی درمانی از دهه چهل و پنجاه در ایران تأسیس و به تدریج فراگیر شده است. مراکزی به نام ادیومتری یا ادیولوژی یا گفتار درمانی یا شنوایی درمانی در استان قم فعالیت دارند که به توانبخشی در این حوزه ممارست دارند. این مراکز در این فصل معرفی می‌شوند.

مرکز توانبخشی باغچه‌بان

این مرکز به خانواده‌هایی که دارای بچه‌های ناشنوا هستند می‌پردازد. به آقایان و هم به خانم‌ها خدمات می‌دهد. به خانواده‌ها یاد می‌دهد با بچه ناشنوای خود چگونه حرف بزنند تا مهارت‌های شنوایی یا مهارت گفتاری آنان تقویت گردد و بچه‌ها را آماده حضور در جامعه می‌کنند.

نوع فعالیت: خانواده و کودک ناشنوا

ظرفیت: ۵۰ نفر

نوع مدیریت: خصوصی

نوع فعالیت: روزانه

آدرس: خیابان امام، کوچه ۵۰، پلاک ۲۳۰

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۱۲۳۸۴-۰۲۵۳۶۶۳۷۰۱۱

کانون ناشنوایان قم

نام مدیریت: محمدرضا لاجوردی

معاون: عباسی قرنلی

آدرس: خیابان خاکفرج، میدان نواب، فرهنگسرای جوان، دفتر کانون

ناشنوایان استان قم

تلفکس: ۰۲۵۳۶۵۶۵۰۷۰

تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۴۹۴۷۸۹

مؤسسه خیریه ناشنوایان وفاداران کربلا

مؤسسه وفاداران کربلا استان قم با همکاری کانون و انجمن ناشنوایان هیئت مذهبی یا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شکل گرفته و در مجتمع توانبخشی آیت الله گلپایگانی مستقر است، از سازمان بهزیستی و سازمان اسناد رسمی مجوز دریافت کرده است. در بروشوری که منتشر کرده اند، این انجمن را NGO مردم نهاد و متکی بر اعضا و همیاران و اهداف و خط‌مشی آن را اینگونه معرفی می‌کند:

یکی از مشکلات بزرگ و مهم ناشنوایان، که تعداد قابل توجهی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، عدم ارتباط با جامعه و گوشه‌نشینی و شرکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. این گروه که اغلب سکوتشان منجر به طرد آنان از جامعه عادی می‌گردد، هر کدام در سکوت و تنهایی خود غرق بوده و روزگار را سپری می‌کردند. همین مشکل بزرگ ما را بر آن داشت که خود اجتماعی تشکیل داده و کنار هم بکوشیم تا از این انزوا خارج شویم و همین مسئله نیاز به یک تشکل غیردولتی را که خود ناشنوایان اداره آن را به عهده بگیرند، نمایان ساخت. با هم متحد شدیم و دست به دست هم دادیم تا با پیروی از راهنمایی مسئولان دلسوز و پیشکسوتان، با تشکیل یک مؤسسه با هدف ایجاد اشتغال، ارتقای سطح علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی ناشنوایان را مطرح سازیم. این پیشنهاد با استقبال زیادی از سوی ناشنوایان عزیز و خانواده‌های آنان و مسئولین مواجه شد و در نهایت منجر به تأسیس مؤسسه خیریه ناشنوایان وفاداران کربلا به عنوان اولین تشکل غیردولتی ویژه ناشنوایان در ایران گردید. مؤسسه فعالیت خود را از سال ۱۳۸۵ شروع نمود و در این مدت توانسته است منشأ خدمات ارزنده‌ای برای جامعه ناشنوایان در ایران گردد که قبل از آن بسیاری از این اهداف غیرقابل حصول به نظر می‌رسید. ولی با یاری پروردگار متعال و با همت یاران همیشگی، این نهاد بدون هیچگونه

چشمداشتی و تنها به خاطر خدمت به جامعه ناشنوایان، طی این مدت توانسته است، مسئولیت خود را در حد توان انجام دهد. در این مرکز حس وظیفه شناسی، خدمت به هموعان، تلاش عام المنفعه و رضایت حق تعالی موج می زند. مؤسسه در این مدت توانست با اخذ دو مجوز از سازمان بهزیستی کشور و سازمان بهزیستی استان از طریق استانداری قم و سازمان اسناد رسمی کشور با شماره ۵۴۲ به ثبت رسمی برسد و به طور رسمی و قانونی فعالیت خود را ادامه دهد.

به تاریخ تأسیس و دیگر مدارک مؤسسه در بروشور اشاره نشده است و به نظر می رسد در سال های اخیر راه اندازی شده باشد. محورها و سرفصل های فعالیت های این انجمن عبارت است از:

- ۱- آگاه سازی ناشنوایان در جهت تلاش برای بهتر زیستن
- ۲- زمینه سازی در جهت شناساندن کفایت ها و توانمندی های ناشنوایان به منظور پذیرش ناشنوا توسط افراد جامعه
- ۳- ایجاد زندگی راحت و سالم از طریق بالابردن سطح فرهنگ ناشنوایان
- ۴- افزایش توانایی های ناشنوایان به منظور شرکت در تصمیم گیری های مسائل اجتماعی و رفاهی
- ۵- تشکیل کلاس های مختلف فرهنگی و آموزشی
- ۶- برگزاری کلاس های مهارت های زندگی در ماه های مختلف سال
- ۷- برگزاری مراسم گردهمایی ۸ مهر به مناسبت جشن بزرگ روز جهانی ناشنوایان
- ۸- برگزاری کلاس های قرآن و احکام ویژه خواهران و برادران
- ۹- برگزاری مراسم زیارت عاشورا به مناسبت اربعین حسینی و
- ۱۰- دیدار از مؤسسات و کانون های سایر استان ها
- ۱۱- دیدار با مسئولین سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، شورای شهر، معاونت توانبخشی
- ۱۲- برگزاری اردوی زیارتی - سیاحتی مشهد مقدس
- ۱۳- برگزاری اردوی کربلای معلای و عتبات با همکاری
- ۱۴- برگزاری اردوهای بین شهری و برون شهری در ماه های مختلف سال

۱۵- برگزاری مراسم تجلیل از ورزشکاران قهرمان ناشنوای استان قم
۱۶- برگزاری دوره مسابقات ورزشی رشته‌های دارت، دومیدانی، طناب‌کشی،
پینگ پنگ، فوتسال

۱۷- انجام مشاوره‌های شغلی، ازدواج، ژنتیک و
غیر از مدیر که توسط اعضا انتخاب می‌شود، ساختار تشکیلاتی این انجمن
شامل پنج بخش است: کمیته فرهنگی- ورزشی، کمیته آموزشی- هنری، کمیته
روابط عمومی و رسانه، کمیته رفاهی- تفریحی، کمیته امور اجتماعی و مشاوره.
منابع مالی این مؤسسه از طریق پرداخت حق عضویت توسط اعضا، جلب
کمک‌های مردمی، دریافت هدیه توسط خیرین و اجرای پروژه‌های درآمدزا تأمین
می‌شود. شعار این انجمن در سه عبارت زیر خلاصه می‌شود:
چشمانی که می‌شنوند؛ لبانی که خاموشند؛ و دستانی که حرف می‌زنند.
آدرس: باجک ۲، بعد از کوچه ۸۱، خیابان ظریفیان، مجتمع گلپایگانی
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۰۲۵۲۱ - ۰۲۵۳۷۷۸۹۷۴۵

مطب گفتاردرمانی دکتر عبدالرضا مزینی و اکبر پویافر
(کلینیک صوت)

آدرس: قم، میدان سعیدی، نبش کوچه ۲، طبقه فوقانی
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۲۲۵۱

آموزشی و فرهنگی

انجمن روشندان جوان

مجوز: سازمان ملی جوانان (وزارت ورزش)
نوع فعالیت: در زمینه‌های فرهنگی: حمایت از گروه توانشیح
در زمینه هنری: موسیقی
در زمینه اشتغال: کاربایی برای افراد نابینایان
در زمینه ورزشی: برگزاری مسابقات استانی و ورزش‌های نابینان از جمله
گلبال، پاورلیفتینگ، شطرنج و دومیدانی
نام مدیریت: علیرضا کهندانی
آدرس: میدان آزادگان مقابل رستوران الماس شرق، جنب بیمه آسیا، شرکت
عصر نوین (دفتر آقای کهندانی)
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۵۷۱۳۱
تلفن همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۹۶۲۵

جامعه معلولین نیکو تلاش سبز

سال دریافت مجوز: ۱۳۸۲
جنسیت: زن - مرد
نوع فعالیت: حمایت از معلولان استان و فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی
نام مدیریت: تقی یوسفی مفید
آدرس: قم، خیابان باجک ۲، قبل از پل هوایی، خ ظریفیان، ساختمان
بهزیستی آیت الله گلپایگانی
تلفن همراه: ۰۹۱۲۴۵۲۹۸۲۹

مؤسسه حامیان حقوق معلولان

نام مدیریت: تقی یوسفی مفید

آدرس: باجک ۲، بعد از کوچه ۸۱، خ ظریفیان، مجتمع آیت الله گلپایگانی

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۰۲۲۱۰

تلفن همراه: ۰۹۱۲۴۵۲۹۸۲۹

مؤسسه رعد فاطمیه قم

نام مدیریت: علی جعفری

جنسیت: زن - مرد بین ۱۵ تا ۳۶ سال

مجوز: اداره بهزیستی قم

نوع فعالیت: مجتمعی غیر دولتی و غیر انتفاعی و مردم نهاد است که از فروردین ۱۳۹۲ در زمینه توانمندسازی توان‌یابان (معلولین جسمی حرکتی) فعالیت خود را آغاز کرده است. ساختمان این آموزشگاه توسط فرزندان مرحوم آقای حاج غلامحسین امجدی کاشانی آماده و در اختیار این مجموعه گذاشته شده است. کلیه خدمات آموزشی به صورت رایگان در اختیار کارآموزان قرار می‌گیرد.

آدرس: قم، بلوار امین، بلوار الغدیر، نرسیده به پل عابر پیاده مقابل دانشگاه

قم، مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد فاطمیه قم

تلفن: ۰۲۵۳۲۸۵۹۲۰۰

تلفن همراه: ۰۹۱۲۷۵۷۶۶۵۸

وب سایت: www.raadqom.com

مؤسسه نورالبصیر

نام مدیریت: روح الله ذوقی احسان

جنسیت: زن - مرد بالای ۱۴ سال

مجوز: اداره کار، سازمان جوانان، سازمان تبلیغات و اداره بهزیستی

نوع فعالیت: آموزش قرآن به معلولین، فعالیت و مراسم‌های مذهبی، برگزاری

همایش برای معلولین

آدرس: قم، خ نیروگاه، بین توحید ۱ و ۳، پ ۷۷

تلفن: ۰۲۵۳۸۷۴۸۴۵۳

تلفن همراه: ۰۹۱۹۶۶۴۷۳۳۲

مؤسسه پرتوروشن زندگی

سال تأسیس: ۱۳۹۱

نام مدیریت: روح الله ذوقی احسان

جنسیت: زن - مرد بالای ۱۴ سال

مجوز: اداره کار، سازمان جوانان، اداره بهزیستی قم

نوع فعالیت: خدمات مددکاری، پیشگیری، فعالیت اجتماعی

آدرس: قم، خ نیروگاه، بین توحید ۱ و ۳، پ ۷۷

تلفن همراه: ۰۹۱۹۶۶۴۷۳۳۲

هیئت متوسلین به ائمه اطهار (ع)

سال تأسیس: ۱۳۹۰

نام مدیریت: روح الله ذوقی احسان

جنسیت: زن - مرد بالای ۱۴ سال

مجوز: سازمان تبلیغات اسلامی

نوع فعالیت: فعالیت‌های مشارکتی

آدرس: قم، خ نیروگاه، بین توحید ۱ و ۳، پ ۷۷

تلفن همراه: ۰۹۱۹۶۶۴۷۳۳۲

مؤسسه پرتوسازمان جوانان

سال تأسیس: ۱۳۹۴

نام مدیریت: روح الله ذوقی احسان

جنسیت: زن - مرد بالای ۱۴ سال

مجوز: اداره کار، سازمان جوانان، اداره بهزیستی قم
نوع فعالیت: فعالیت و خدمات برای جوانان معلول، برگزاری مراسم، اردو و ...
آدرس: قم، خ نیروگاه، بین توحید ۱ و ۳، پ ۷۷
تلفن همراه: ۰۹۱۹۶۶۴۷۳۳۲

علمی و اطلاع‌رسانی

در سال‌های اخیر معلوم شده، مشکلات جسمی و معلولیت در اعضاء و جوارح بدنی به خاطر مشکلات و نارسایی‌ها و ضعف یا فقدان‌هایی در بُعد روحی و فکری انسان است و با توانبخشی فکری و روحی و تقویت معنویت، فرد دارای معلولیت می‌تواند او را به شغل دلخواه و سرنوشت مطلوبش بازگرداند. از طرف دیگر انتقال تجارب پیشین و انتقال دستاوردهای دیگر جوامع اهمیت دارد و فقط از طریق آموزش و فعالیت‌های علمی می‌توان این اهداف را محقق کرد. همچنین اطلاع‌رسانی و فرهنگ سازی، تأثیر بسیار اساسی و مهم در جامعه هدف بر عهده دارد. مراکزی هر چند اندک در قم هستند که در حوزه علمی و فرهنگی معلولین فعالیت دارند و اینگونه مراکز از چند جهت در اشتغال معلولین هم مؤثر هستند.

۱- با ایجاد شغل برای معلولین در امور فرهنگی و علمی، ده‌ها نفر را مشغول به کار می‌کنند.

۲- با اطلاع‌رسانی راه رسیدن معلولین به شغل یا کارخانه و کارگاه مناسب را هموار و زمینه چینی می‌نمایند.

۳- شیوه صحیح اشتغال را به معلولین نشان می‌دهند.

۴- با فرهنگ سازی و توجیه مردم، زمینه‌های مساعدت‌های نیکوکاران را فراهم می‌سازند.

مراکزی که در این حوزه فعالیت دارند بسیار اندک می‌باشند. اینجا به معرفی آنها می‌پردازیم.

مرکز مشاوره مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، تأسیس ۱۳۷۸

مرکز مشاوره مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۷۸ در بخش معاونت فرهنگی تربیتی این مؤسسه دایر گردید. این مرکز از سال ۷۸ تا کنون، با بهره‌مندی از توان علمی دانش‌آموختگان رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در دو حوزه معارف اسلامی و

دانش روانشناسی، به ارائه خدمات روان‌درمانی و مشاوره‌ای پرداخته است. اهداف: قصد اولیه از تأسیس مرکز مشاوره، تلاش در جهت ارتقاء سطح سلامت روان، سازگاری و کارآمدی و بالطبع بهره‌وری نیروهای انسانی مؤسسه (اعم از دانش‌پژوهان و کارمندان و خانواده‌ها) به عنوان رکن‌رکین حرکت علمی، و مقابله با معضلات و ناهنجاری‌های روانی-رفتاری بوده است. هرچند، به تدریج خدمات مرکز به سطح طلاب حوزه علمیه و خانواده‌های آنان و عموم متقاضیان خدمات روانشناختی گسترش یافته است. از سوی دیگر، فراهم آوردن زمینه استفاده از توان علمی و مهارت‌های عملی فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری روانشناسی و علوم تربیتی، با توجه به خلأ رویکردهای بومی-مذهبی در امر مشاوره و روان‌درمانی، از اهداف دیگر تأسیس این مرکز بوده است.

سیاست‌ها: مرکز مشاوره مؤسسه امام خمینی (ره)، برای فاصله گرفتن از آسیب‌های مشاوره‌های سنتی فاقد مبانی پژوهشی و مشاوره‌های غیربومی، سیاست کلی خود را بر مبنای استفاده از رویکردهای علمی تخصصی و در عین حال اشراق آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی قرار داده است. از آنجا که تولید روش‌ها و تکنیک‌های مبتنی بر دین، فارغ از کار عملی در حوزه مشاوره و درمان میسر نمی‌باشد، تشکیل مرکز گامی در جهت فراهم آوردن این زمینه بوده است. این سیاست در تولید محصولات پژوهشی و برگزاری کارگاه‌ها نیز ساری و جاری است.

واحد‌های مرکز: مرکز مشاوره از لحاظ ساختار اداری دارای سه واحد و یک شورای علمی می‌باشد: الف) واحد کلینیک تخصصی ب) واحد آموزش‌های روانشناختی و کاربردی ج) واحد پژوهش‌های روان‌شناختی و کاربردی شورای علمی، به عنوان بازوی علمی مدیریت مرکز، پشتیبانی علمی فعالیت‌های آن را بر عهده دارد؛ واحد کلینیک به ارائه خدمات روان‌درمانی، مشاوره و روان‌سنجی (و بالطبع پذیرش و بایگانی اسناد) می‌پردازد؛ واحد پژوهش‌های کاربردی، طراحی، اجرا و انتشار متون علمی-کاربردی بر اساس نیازها و آسیب‌های روانشناختی مخاطبان (با بهره‌گیری از معارف اسلامی و دانش تجربی) را بر عهده دارد. همچنین این مرکز دارای کتابخانه تخصصی مشاوره با بیش از ۳۰۰۰ عنوان کتاب

در موضوعات روانشناسی، علوم تربیتی، حدیث و اخلاق می‌باشد؛ واحد آموزش‌های کاربردی، برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی (برای دانش پژوهان، طلاب و عموم)؛ برگزاری نشست‌های علمی-تخصصی (برای دانش‌پژوهان رشته‌های مربوطه)؛ برگزاری جلسات آموزش ضمن خدمت مشاوران و تنظیم برنامه‌های آموزش غیرحضوری مشاوران را بر عهده دارد.

انواع خدمات مرکز: روان‌درمانی و مشاوره (حضوری و تلفنی و مشاوره الکترونیکی از طریق سایت)، شامل: روان‌درمانی اختلالات روانی (به طور خاص: اضطراب، افسردگی، وسواس)؛ زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی؛ روان‌درمانی کودک و نوجوان؛ مشاوره ازدواج؛ مشاوره تحصیلی؛ مشاوره تربیتی؛ روان‌سنجی؛ گروه‌درمانی؛ برگزاری کارگاه‌های مهارتی و دانش‌افزایی برای دانش‌پژوهان، خانواده‌ها و عموم مراجعان؛ برگزاری کارگاه‌های تقویت مهارت‌های روان‌درمانی و مشاوره برای فارغ‌التحصیلان کارشناسی و شاغلین به کارشناسی ارشد رشته روانشناسی؛ ارائه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی به مراکز دیگر

واحد پژوهش: واحد پژوهش مرکز با تشکیل گروه‌های پژوهشی در حوزه‌های اختلالات-مهارت‌ها، کودک و نوجوان، ازدواج و خانواده، مشاوره تحصیلی و شغلی به تولید تک‌نگاره و کتابچه‌های کاربردی می‌پردازد. تولید محصولات که جنبه‌های علمی، کاربردی و آموزه‌های اسلامی را با یکدیگر تلفیق نماید، هدف فعالیت این بخش را تشکیل می‌دهد.

آدرس‌ها و راه‌های ارتباط: قم، بلوار امین، ۲۰ متری گلستان، کوچه دوم، پلاک ۱.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۰۰۸۸۲

وب سایت: www.moshavere.org

مرکز جامع اعصاب و روان باور

این مرکز در زمینه درمان و سالم‌سازی روان و اعصاب کودکان و جوانان و بزرگسالان فعالیت می‌کند. اهم فعالیت‌های این مرکز عبارت‌اند از:

استفاده از کادری مجرب از روانشناسان و مشاوران و روان‌پزشک در ارائه خدمات

روانی.

برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و عمومی در حوزه روانشناسی و مشاوره بر اساس نیازهای روز جامعه.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه موضوعات میان‌رشته‌ای (به ویژه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی، مامایی، پرستاری و مددکاری)

برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی با همکاری مراکز آموزشی، فرهنگی و پژوهشی در راستای معرفی، ارتقاء و شکوفایی روانشناسی علمی.

برگزاری جلسات مشاوره فردی توسط کارشناسان و متخصصین حوزه روانشناسی و مشاوره.

ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی به مهدهای کودک، مدارس، ادارات، سازمان‌ها و کارخانجات جهت بهبود و ارتقاء سطح سلامت روان کودکان، دانش‌آموزان، کارکنان و خانواده‌های محترم ایشان.

اختصاص بخشی از خدمات روان‌شناختی و مشاوره به افراد نیازمند نوار مغزی و بیوفیدبک

کارشناسان و متخصصان مرکز جامع اعصاب و روان باور با بهره‌گیری از معتبرترین و به‌روزترین آزمون‌های روان‌شناختی، آماده ارائه خدمات به کارخانجات، مدارس و خانواده‌های گرمی می‌باشد.

ارائه خدمات پژوهشی به سازمان‌ها و همکاری در طرح‌های پژوهشی. همکاری با سازمان‌ها برای برگزاری کارگاه‌های و دوره‌های آموزشی انجام آزمون‌های روان‌سنجی به صورت فردی و گروهی.

خبرنامه پایگاه الکترونیکی دوره‌های آموزشی زیر نظر کارشناسان و متخصصان مجرب به صورت فصل‌نامه در فضای مجازی منتشر شده و برای اعضاء ارسال می‌گردد.

برگزاری دوره‌های آموزشی تکمیلی، کوتاه مدت و بلند مدت در راستای دانش‌افزایی روانشناسان و مشاوران علاقه‌مند.

چشم‌انداز مرکز: این مرکز درصدد است آینده‌ای پر از امید برای این گروه از جامعه بسازد و جامعه هدف را به این وضعیت برساند:

ایجاد فرهنگ اولویت‌دهی به مسائل روانی در جامعه ایرانی

ارتقاء سطح آگاهی جامعه نسبت به روانشناسی علمی و اشاعه دانش روانشناسی علمی و علوم تربیتی در جامعه و تشویق افراد به مطالعه در زمینه روانشناسی علمی و رویگردانی از کتاب‌های غیرعلمی و شبه علمی حمایت از روانشناسان مستعد و ایجاد فضای کاری مناسب برای ایشان اختصاص بخشی از خدمات روانشناختی و مشاوره به افراد نیازمند کمک به گسترش پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در رشته‌های مختلف روانشناسی و علوم تربیتی کمک به بهبود آموزش و پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی در مقاطع تحصیلات تکمیلی ارائه خدمات روانشناختی، آموزشی و پژوهشی برای سازمان‌های متقاضی کمک به گروه‌های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی و دیگر مراکز علمی در زمینه ارائه امکانات آموزشی و پژوهشی و خدمات روانشناختی.
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۳۱۱۸۸

دفتر فرهنگ معلولین، تأسیس ۱۳۹۰

این دفتر به منظور فرهنگ سازی و اطلاع‌رسانی در حوزه انواع معلولیت‌ها تأسیس شده است و با ایجاد بانک معلولان و تألیف و نشر کتب و نشریه اقدامات زیر را درباره اشتغال انجام می‌دهد:

۱- شغل‌های فرهنگی و علمی مثل نویسندگی، چکیده نویسی، و ده‌ها شغل دیگر را معرفی کرده و آموزش می‌دهد. برخلاف مراکزی که فقط صنایع دستی را آموزش می‌دهد، این دفتر راه جدیدی را پیشنهاد و معرفی کرده است و معتقد است معلولیت با ورود به مشاغل علمی و فرهنگی و اطلاع‌رسانی می‌تواند به بهترین درآمدها برسد.

۲- با راه‌اندازی بانک اطلاعات، اطلاعات مراکز تولیدی نیازمند به نیروی کار را به معلولان خواهان کار داده و برعکس اطلاعات معلولان خواهان نیروی کار را با اطلاع‌رسانی در اختیار مراکز و کارخانجات خواهان نیروی کار گذاشته است و از این طریق اشتغال معلولین را سامان‌دهی کرده است.

۳. با تألیف کتب و انجام تحقیقات درباره اشتغال معلولین، تلاش کرده به کارشناسی مشکلات می‌پردازد. همچنین راه کارهای تجربه شده در کشورهای مختلف را پس از بومی سازی در اختیار نخبگان معلولین و مدیران مراکز معلولین قرار می‌دهد و در صدد گشایی از مشکلات است.

دفتر فرهنگ معلولین تنها مرکزی است که در سه حوزه تحقیق، تألیف و نشر کتاب، نشر مجله علمی و بالاخره بانک اطلاعات معلولان فعال است.

آدرس: بلوار امین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۱۶۵۲۷-۰۲۵۳۲۹۱۳۴۵۲

مشاوره

مراکز مشاوره نقش و جایگاه مؤثر در اشتغال معلولان دارد. این مراکز خانواده‌ها و والدین معلولین و نیز خود آنان را راهنمایی می‌کند و راه درست اشتغال را به آنان نشان می‌دهد.

مراکز مشاوره رویکردهای مختلف دارند، مشاوره ژنتیک، مشاوره اخلاقی و رفتاری و بالاخره مشاوره روانی سه نوع مهم از مشاوره است. نوع چهارمی هم در سال‌های اخیر تأسیس شده و آن مشاوره شغلی و کاریابی است. سه نوع نخست در اشتغال نقش غیرمستقیم دارد ولی نوع آخر در اشتغال نقش مستقیم دارد.

مرکز مشاوره و روانشناسی عارف

مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی عارف قم، همچون مراکز مشاوره‌ای و روانشناختی علمی که مورد تأیید سازمان‌های ذی‌ربط قرار دارند، با نیروهای برگزیده خود به عنوان یکی از پر سابقه‌ترین مراکز با بیش از ده سال تلاش تخصصی با گرایش‌های متعدد مشاوره، روانشناسی بالینی، روانشناسی تربیتی، روانشناسی کودکان استثنایی، روانشناسی عمومی و... می‌تواند افرادی را که در مسائل فردی و خانوادگی دچار درگیری و تعارض و یا احتمالاً اختلالات رفتاری شده‌اند مساعدت نماید.

آدرس: قم، خیابان صفائیه، کوچه ۳۳، پلاک ۶۳۱.

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۱۴۴۴ - ۰۲۵۳۷۸۳۱۴۴۵

وبلاگ: www.arefpsychology.blogfa.com

مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی فرحان، تأسیس ۱۳۹۳

مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی فرحان در سال ۱۳۹۳ و با مجوز رسمی فعالیت از اداره کل بهزیستی استان قم تأسیس گردید. این مرکز با هدف ارائه خدمات مشاوره و روان‌سنجی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و... و با همت گروهی

از فارغ التحصیلان و فعالان حوزه روانشناسی آغاز به کار کرد.
آدرس: قم، بلوار امین، کوی ۳، ساختمان سپیدار، طبقه اول، مرکز مشاوره
فرحان.

تلفن: ۴ - ۰۲۵۳۲۹۴۲۷۸۰

فکس: ۰۲۵۳۲۹۴۲۷۸۳

وب سایت: www.farhanpsy.ir

مرکز مشاوره امین

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۳۸۸۶۶

آدرس: قم، بلوار امین، روبروی صدا و سیما، کوچه ۱۵، پلاک ۳۴.

مرکز مشاوره حوزه علمیه قم، تأسیس ۱۳۷۹

این مرکز در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردیده و اکنون با مدیریت حجت الاسلام و
المسلمین آقای دکتر انصاری خدمت‌رسانی به طلاب حوزه علمیه را بصورت
جداگانه (خواهران و برادران) در امور مشاوره بر عهده دارد.
موضوعات خدمت‌رسانی:

۱- ازدواج: معیارهای انتخاب همسر - کفویت - دوران عقد و...

۲- تعارضات خانوادگی: اختلافات زن و شوهر - مشکلات ارتباطی خانواده با
فرزندان بخصوص جوانان و نوجوانان

۳- مشکلات روانشناختی: افسردگی - اضطراب - وسواس - کاهش اعتماد به
نفس ...

۴- تحصیلی: روش‌های مطالعه - برنامه‌ریزی درسی - کمبود انگیزه درسی -
آینده شغلی و تحصیلی ...

۵- تربیت کودک و نوجوان: مشکلات رفتاری و هیجانی کودکی اول - کودکی
دوم و نوجوانی ...

۶- حقوقی: حقوق خانواده - جزائی ...

فرآیند کاری مرکز:

- ۱- تماس تلفنی با مشاور اولیه مرکز جهت بررسی و ارزیابی مشکل
- ۲- مراجعه به مشاور متخصص در مورد مشکل تشخیص داده شده
مقررات مرکز در امر مشاوره:
 - ۱- مراجع امکان عوض کردن مشاور را تا قبل از جلسه سوم ندارد مگر با تشخیص کارشناس اولیه، استاد مشاور یا مسئول مرکز
 - ۲- چنانچه جلسات مشاوره بیش از سه جلسه به طول بیانجامد مراجع قراردادی مالی امضاء کرده و به ازای هر جلسه مبلغی را پرداخت می نماید.
توجه: چنانچه مراجع در هیچکدام از جلسات مشاوره غیبت ننماید، تمام مبلغ به مراجع پس داده خواهد شد.
 - ۳- در انتهای جلسه پایانی، برگه ای مبتنی بر حل مشکل، انصراف یا عدم حل مشکل و علت آن توسط مراجع پر خواهد شد.
زمان خدمت رسانی:
صبح ها: از ساعت ۸ الی ۱۲ ویژه خواهران
بعدازظهرها: از ساعت ۱۶ الی ۲۰ ویژه برادران
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۳۵۰۲۱
آدرس: قم، خیابان شهداء، کوچه ۲۸، پلاک ۳۰.
وب سایت: www.tahzib-howzeh.com

مرکز خدمات روانشناسی و مشاوره صدرا قم

نخستین مرکز مشاوره و خدمات روان شناختی با رویکرد اسلامی در کشور است و به این امور می پردازد:

انجام تست های تخصصی (خودآگاهی، پیش از ازدواج، هوش، تشخیصی)
کمسیون درمانی برای مراجعین که تشخیص و درمان سختی دارند.
فعال ترین مرکز مشاوره اسلامی / روانشناختی در کشور
اساتید مرکز علاوه بر تخصص روانشناسی، دارای سطوح عالی تحصیلات حوزه کارگروه های تخصصی (کودک و نوجوان، اختلالات روانی، ازدواج، خانواده، کارگاه ها و مهارت های زندگی)

اولین مرکز برگزاری و صدور مجوز تربیت مربی خانواده و مهارت‌های زندگی در کشور با رویکرد اسلامی
دوره‌های تخصصی کارورزی مشاوره با اعطای گواهینامه رسمی
مجهزترین مرکز تست و آزمون‌های روانشناختی
درمان با روش نوروفیدبک
اختلالات یادگیری
گروه درمانی (خواهران و برادران)
مشاوره کودک، نوجوان، ازدواج، خانواده، اختلالات روانی با استفاده از
متخصصین مشهور.

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۴۴

سامانه پیامک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۹۲۲۲۴۴

آدرس: قم، ۴۵ متری صدوق، کوچه ۱۸، پلاک ۷۷.

ایمیل: sadra.ica91@yahoo.com

خدمات اجتماعی

معلولیت اجتماعی در دوره جدید گسترش چشمگیر یافته است. فرار دختران از خانه، اعتیاد، کار کردن کودکان در سنین طفولیت به ویژه در کارهای نامشروع اینها را معلولیت اجتماعی می‌نامند. سازمان بهزیستی با رسیدگی به اینان در صدد بازسازی، بازپروری آنان را آماده حضور اجتماعی می‌نماید. از این‌رو پایگاه‌هایی در سطح استان ایجاد کرده است:

پایگاه خدمات اجتماعی با هدف توانمندسازی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی و کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در این مناطق راه‌اندازی گردید. اداره کل بهزیستی استان قم با همکاری "مؤسسه یگانه همراز زندگی" دارای ۱۰ پایگاه خدمات اجتماعی فعال می‌باشد.

پایگاه‌های خدمات اجتماعی

آدرس: خیابان سوم خرداد، کوچه ۲۶، پایگاه شماره ۱.

تلفن: ۰۲۵۳۸۷۴۰۸۳۵

آدرس: قلعه کامکار، کوچه ۲۸، نبش کوچه ۸، پایگاه شماره ۲.

تلفن: ۰۲۵۳۸۷۴۹۲۶۶

آدرس: شیخ آباد، ۱۶ متری ولیعصر، نبش کوچه ۳۶، پایگاه شماره ۳.

تلفن: ۰۲۵۳۸۹۶۲۷۹۶

آدرس: شاهد غربی، انتهای کوچه ۲۷، روبروی سالن ورزشی فاتحی، پایگاه

شماره ۴.

تلفن: ۰۲۵۳۸۸۷۱۰۵۶

آدرس: خیابان نواب، کوچه ۱۵ نبش کوچه ۱۰، پایگاه شماره ۵.
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۲۸۶۷۵

آدرس: شهرک امام حسن، مطهری شمالی، بین کوچه ۸ و ۱۰، پلاک ۱۱۸،
پایگاه شماره ۶.
تلفن: ۰۲۵۳۶۶۵۵۰۰۹

آدرس: بلوار ۱۵ خرداد، خیابان دروازه ری، کوچه ۳۲، پلاک ۲، پایگاه شماره ۷.
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۷۴۹۱۱

آدرس: شهرقائم، خیابان قائم، کوچه ۱۷، بوستان تندرستی، پایگاه شماره ۸.
تلفن: ۰۲۵۳۷۲۳۸۰۵۲

آدرس: جمکران، پنج امامزاده، خیابان موعود، خانه بهداشت جمکران، پایگاه
شماره ۹.
تلفن: ۰۲۵۳۷۲۵۵۴۶۲

آدرس: یزدانشهر، ابوذر شرقی، پلاک ۳۸، پایگاه شماره ۱۰.
تلفن: ۰۲۵۳۲۸۸۴۵۰۴

آدرس: خیابان توحید، بلوار شاهد، شاهد ۵، مجتمع امام صادق، پایگاه
شماره ۶.
تلفن: ۰۲۵۳۸۸۵۸۹۸۰

آدرس: علی آباد سعیدگان، ۱۲ متری امام حسن، پلاک ۱۲، پایگاه شماره ۵.
تلفن: ۰۹۳۶۶۵۳۶۴۶۵

آدرس: امین آباد، کوچه ۴۳.

تلفن: ۰۹۱۹۱۶۰۰۲۰۷

آدرس: قلعه کامکار، ۱۶ متری اول، کوچه ۲۸، جنب پلاک ۵۴.

تلفن: ۰۲۵۳۸۷۵۲۰۳۷

آدرس: خیابان شیخ آباد، ۱۶ متری ولیعصر، بعد از سه راه، پلاک ۱۲، پایگاه

شماره ۲.

تلفن: ۰۲۵۳۸۹۶۳۰۲۶

آدرس: خیابان تولید دارو، روبروی مسجد امام صادق، پایگاه شماره ۱.

تلفن: ۰۲۵۳۶۶۱۲۴۸۲

مرکز مداخله در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی

آدرس: میدان شهید محلاتی (آسایشگاه)، مرکز مداخله در بحران.

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۲۵۵۸۶

مذهبی

گروه‌هایی از معلولین به دلیل علاقه به مناسک و آیین‌های مذهبی و اجرای دسته جمعی مناسکی مثل عزاداری محرم و عاشورا، هیئت‌هایی را راه‌اندازی کرده‌اند. اینگونه تشکل‌ها را سازمان تبلیغات مجوز می‌دهد.

در استان قم، نایب‌نایان هیئت حضرت رقیه (س) را از دهه پنجاه راه‌اندازی کردند، ناشنوایان سه هیئت دارند و معلولان جسمی - حرکتی یک هیئت به نام متوسلین دارند. اطلاعات این هیئت‌ها ذیلاً آورده می‌شود.

این هیئت‌ها از چند جهت در اشتغال مؤثر بوده‌اند:

۱- با افزایش روحیه و توانایی‌های معنوی آنان، مانع از تأثیر و پیشرفت مشکلات روحی و روانی مثل افسردگی شده‌اند و از این طریق تأثیر غیرمستقیم در شغل و کسب و کار آنان دارد.

۲- این هیئت‌ها نوعی کارگاه برای آموزش مداحی است.

هیئت معلولین متوسل به ائمه اطهار علیه السلام

دو هزار نفر از معلولان زیرپوشش این هیئت هستند و از خدمات و برنامه‌های آن بهره‌مند می‌شوند. اجرای برنامه‌های مختلف از سوی هیئت معلولین از جمله برگزاری مراسم‌های فرهنگی و مذهبی، اجرای برنامه‌های اوقات فراغت، مراسم جشن ازدواج زوج‌های معلول، اعزام معلولان به اردوهای سیاحتی و زیارتی و برپایی برنامه‌های ویژه جامعه معلولین از جمله اقدامات این هیئت به شمار می‌رود.

جنسیت: مختلط

نوع فعالیت: ارائه خدمات ویژه به دو هزار نفر از جامعه معلولان در قم

ظرفیت: ۲۰۰۰ نفر

آدرس: انتهای پل نیروگاه، بین کوچه ۱ و ۳، پلاک ۷۷.

هیئت مذهبی ناشنوایان استان قم

هیئت مذهبی ناشنوایان استان قم با همکاری کانون ناشنوایان قم شکل گرفته و با نام هیئت مذهبی یا صاحب الزمان (عج) در حال فعالیت می باشد. جنسیت: مختلط

هیئت مذهبی نابینایان حضرت رقیه(س)

این هیئت توسط هفت تن از نابینایان ساکن قم یعنی مرحوم میر مسعود موسوی منش (بویاقچیان)، محمدی، جعفری، آرزومندی، چالاک، اسمی و شفیع تاسیس شد. البته پیشنهاد دهنده و بانی اصلی و محور همه کارها مرحوم میر مسعود موسوی منش بوده که ده سال قبل به رحمت خدا رفته است.

این نابینایان در سال ۱۳۶۵ با هدف جمع شدن دور هم و قرائت زیارت نامه و دعای توسل شب‌های چهارشنبه در منزل یک نفر جمع می شدند. انگیزه اصلی آنها افزایش معنویت و پیوندهای اجتماعی (صله رحم) بوده است. بعد از مدتی تصمیم می گیرند از محدوده خودشان گسترش دهند و افراد نابینا بیشتری جذب نمایند.

این هیئت هم اکنون حدود ۶۰ عضو معلول دارد که حدود ۵۰ نفر آنها نابینا هستند و اکثر اینها معلولین مادرزاد یا حادثه‌ای و چند نفری نیز از جانبازان هستند. ورود نابینایان آزاد است و هر شخص می تواند در هیئت وارد شود و عضو شود.

این هیئت هر سال ۱۰ تا ۱۵ جلسه مذهبی دارد و تلاش می کند از طریق این جلسات معارف شیعی و آموزه‌های اهل بیت(ع) را وارد جامعه معلولین نماید. نیز منشأ خدمات اجتماعی مثل تأسیس صندوق جهت پرداخت وام؛ اطعام به خانواده‌های بی بضاعت در ماه مبارک رمضان؛ اعطای کمک‌های غیر نقدی به خانواده‌های ضعیف در طول سال و اعطای لباس و پوشاک به افراد بی بضاعت.

هیئت حضرت رقیه(س) به عنوان قدیمی‌ترین هیئت معلولین در قم می تواند برای دیگر هیئت‌ها الگو و نمونه باشد.

فصل ششم:
شخصیت‌های موفق

استان قم مهد معلولان موفق فراوان بوده است. اما متأسفانه تجارب و موفقیت‌های آنان مکتوب و گزارش نشده است. یعنی به صورت یک گروه الگو به آنان نپرداخته‌اند تا برای دیگر معلولان در سراسر کشور الگو باشند.

در این فصل، برای نخستین بار تلاش می‌کنیم اولاً نخبگان معلول قمی را معرفی کنیم، دوم با معرفی دستاوردها و تجارب سودمند آنان را به دیگران نشان دهیم به طوری که دیگران بتوانند از آنها الگوگیری کنند.

معلولان موفق قمی را در شش گروه زیر دسته‌بندی کرده‌ایم:

۱. هنر؛ ۲. آموزش و پرورش و کامپیوتر؛ ۳. امور مذهبی و اجتماعی؛ ۴. ورزش؛ ۵. پزشکی و توانبخشی و مشاوره؛ ۶. امور علمی و فرهنگی.

بعضی افراد به دلایل مختلف نتوانسته‌اند از مرحله عمومی عبور کرده و به مدارج نخبگی و فرزندی برسند. با اینکه در آموزه‌ها و تعالیم دینی توصیه شده که باید فرزندان خود را با علوم روز و مهارت‌های زمانه آشنا کنید و حدیث مهمی هست که می‌فرماید:

من استوی یوماه فهو مغبون

یعنی هر کس دوازده ماه بی‌تواند پیشرفت کند، متضرر و ضرر دیده است. انسان باید با نوآوری و ابتکار امروزش نسبت به دیروزش متفاوت باشد.

این درس بزرگی برای معلولین است. آنان وقتی به موفقیت و پیشرفت می‌رسند که دائم به فکر نوآوری و پیشرفت و ابتکار باشند.

اما به هر حال عده‌ای به دلیل موانع متعدد نمی‌توانند نخبه و مبتکر بشوند، اینان در گروه هفتم به نام فعالیت عمومی آورده می‌شوند.

اطلاعات بعضی از اشخاص کامل نیست، از همه کسانی که اطلاعات کامل‌تر دارند به ویژه از خود شخصیت‌ها تمنا می‌کنیم ما را یاری فرمایند و کمبودها و کاستی‌ها را تکمیل فرمایند.

هنر

فاطمه آقایی (متولد ۱۳۷۷)

ناشنوا، چهارم دبیرستان

حافظ دو جزء اول و دوم قرآن کریم. در سال اول راهنمایی در سطح استان قم در رشته مفاهیم مقام اول را کسب کرده و در زمینه شعر و داستان نویسی هم فعال می‌باشد که در زمینه شعر مقام سومی در سال ۱۳۹۴ در سطح استان قم را بدست آورده و یک بار هم در سال ۱۳۹۳ در مسابقات دانشگاه قم مقام سوم و یکبار هم در سال ۱۳۹۲ مقام اولی در سطح مدارس را کسب کرده و در سال ۱۳۹۳ در زمینه داستان نویسی در شهر آذربایجان غربی موفق به کسب مقام اول شده و علاقه زیادی به هنر سفالگری دارد و مشوق اصلی ایشان در زمینه قرآنی پدرشان و در زمینه هنری مربیان و معلمانش بسیار ایشان را یاری کردند.

نسرین ابراهیمی (متولد ۱۳۶۷)

ناشنوا، کاردانی

نقاشی طراحی، سیاه قلم، مداد رنگی، کودکی ۱/۵ ساله بودم که در اثر تب شدید که منجر به تشنج و باعث شد که من شنوایی ام را از دست بدهم. پدر و مادرم برای مداوای من رنج و مشقت زیادی کشیدند اما تقدیر آنگونه که پدر و مادر من می‌خواستند رقم زنده بود و من ناشنوا شدم. گاه گاهی برای بیان احساسات و عواطف خویش آن را با کمک قلم به تصویر می‌کشیدم. زیرا بیان آنها از طریق زبان برایم قاصر بود. آنگاه بودم که فهمیدم خداوند مهربان نیرویی را در من نهفته است که می‌توان به جرأت گفت در جسم یک انسان سالم به ندرت یافت می‌شود. تا اینکه پا به عرصه تحصیل گذاشتم. من از همان دوران کودکی علاقه زیادی نسبت به هنر نقاشی پیدا کردم، اطرافیانم به خصوص خانواده مرا به شدت تشویق

می‌کردند. از مقطع دبستان تا راهنمایی را با دلسوزی معلم و حمایت پدر و مادرم به پایان رساندم. در مقطع دوم دبیرستان که باید انتخاب رشته می‌کردم. با توجه به علاقه زیادی که به هنر نقاشی داشتم رشته گرافیک و نقاشی را انتخاب کردم. اوایل برایم بسیار سخت گذشت زیرا در میان انبوهی از دانش‌آموزان شنوا و سالم بودم. من که قادر نبودم با آنها صحبت کنم. آنها هم از حرکات دستان من (اشاره) چیزی متوجه نمی‌شدند. دبیر درس را شفاهی توضیح می‌داد و من چیزی متوجه نمی‌شدم. در آخر کلاس با نوشتن سؤال‌ها و جواب‌ها از روی کتاب‌ها و جزوه‌های هم کلاس‌هایم خود را به آنها می‌رساندم. البته ناگفته نماند که آموزش و پرورش استثنایی یک دبیر رابط هم برای من در نظر گرفته بودند که بیش‌تر اوقات مطالب مهم را برایم توضیح می‌دادند. اما چیزی که بعد از خدا من به آن امید داشتم این بود که معلولیت را محدودیت نمی‌دانستم همیشه با خودم می‌گفتم: من می‌توانم ... تابستان همان سال یک مسابقه نقاشی در سبک‌های مختلف: مداد رنگی - پاستیل سیاه قلم و ... در شهر گیلان که فقط بین جامعه معلولین ناشنوا که از شهرهای متعدد گرد هم آمده بودند برگزار شد. با یاری خداوند و حمایت پدر و مادرم در این مسابقه شرکت کردم و خوشبختانه مقام اول کشوری در سبک مداد رنگی را کسب کردم. و این پیروزی جرقه‌ای بود که من به مراتب بالای تحصیل فکر کنم. بعد از آن به دانشگاه راه یافتم، باز هم در میان استادان و دانشجویایی که قادر به صحبت کردن (اشاره) با من نبودند اما بالاخره با تلاش و ذکاوت فراوان توانستم از طریق لب خوانی متوجه صحبت‌هایشان شوم. نیمی از روز را در دانشگاه مشغول بودم و اوقاتی را که در خانه بودم با آموزش نقاشی به ۴ کودک ۹ تا ۱۲ سال سپری می‌کردم. بعد از آن در مناسبت‌های ویژه معلولین حضور داشتم و مسئولین در نمایشگاه‌ها غرفه‌هایی را برای نمایش آثارم دایر می‌کردند. چندین بار از طرف صدا و سیمای استان قم در برنامه شهر یا کریم به مجری‌گری آقای تحویلدار و مصاحبه در رابطه با موفقیت‌م در هنر نقاشی در برنامه نفس حضور داشتم. و یک بار با دعوت صدا و سیمای استان تهران در برنامه نیمروز با مجری‌گری آقای علی ضیاء حضور داشتم. طی همین روزها بود که آقای میثم صفری با توجه به شناخت قبلی که از من داشتند، به بهانه طراحی چهره از روی

عکس ۳*۴ خودشان به حضور من آمدند و از من تقاضای طراحی کردند که بعد از اتمام طراحی عکس ایشان برای تحویل گرفتن عکس با حضور خانواده محترمشان به منزل ما آمدند. هم اکنون ایشان همسر ایده‌آل من هستند و مدت سه سال است که از ازدواج ما می‌گذرد و من از این ازدواج بسیار راضی هستم و خود را یک فرد هنرمند و خوشبخت جامعه می‌دانم. و این هنر و خوشبختی را مدیون پدر و مادر عزیزم هستم که از همان ابتدای کودکی تا حال برایم زحمات فراوان کشیده‌اند. همسر آقای میثم صفری.

زینب اروجی (متولد ۱۳۶۸)

جسمی حرکتی و صرع، دانشجوی فوق لیسانس شیمی آلی در زمینه رشته‌های هنری هویه کاری و خیاطی فعالیت دارد و همچنین مدرک فنی حرفه‌ای حجم سازی روی شیشه را دریافت کرده. در انجمن صرع یک رومیزی هویه کاری تهیه کرده که موفق به دریافت تقدیرنامه شده است. پدر و مادرش از مشوقین اصلی او در این زمینه بوده‌اند.

زهرا اسلامی پور (متولد ۱۳۶۱)

کم بینا، پیش دانشگاهی او در رشته ادبیات در دانشگاه تحصیل می‌کرده است ولی انصراف داده است. در زمینه هنری قبلاً نقاشی انجام می‌داده و الآن نمی‌تواند فعالیت داشته باشد. در زمینه کامپیوتر مدرک دوره‌های ICDL را کسب کرده و به علت عدم یادگیری نرم‌افزار جاز و شدید شدن بیماری نمی‌تواند با کامپیوتر کار کند و چون همیشه با بچه‌های نابینا درس خوانده است و الآن سخت است که شرایط را تغییر دهد. در زمینه هنری رشته تئاتر فعالیت دارد و به مدت ۳-۴ سال است کار می‌کند و در سه جشنواره شرکت کرده است که یکی از این جشنواره‌ها بین‌المللی بوده که از هشت کشور خارجی آلمان و بلژیک و هلند و ایتالیا و ... آمده بودند و دو جشنواره دیگر منطقه‌ای اصفهان و منطقه‌ای اراک بوده است.

او در جشنواره اصفهان مقام دوم بازیگری و در جشنواره اراک مقام سوم را کسب کرد و در جشنواره بین‌المللی در سطح انفرادی مقامی به دست نیاورد ولی در سطح گروهی، منتخب طراحی لباس و طراحی صحنه و کارگردانی شدند. او علت آشنا شدن و فعالیت و موفقیت خود در تئاتر را آشنایی با مجتمع رعد فاطمیه و آشنا شدن با خانم اعظم دلداده کارگردان قدیمی که خودشان حدود ۱۴- ۱۵ سال است که در کار تئاتر هستند و همچنین تلاش و پشتکار خود می‌داند.

فاطمه امانی (متولد ۱۳۵۶)

نابینا، دیپلم
فعال در زمینه‌های صنایع دستی، همسر آقای عادل مسرور، حافظ جزء ۲۹ و ۳۰، مهارت در ورزش گلبال دارد.

علی اصغر بیگ محمدی

در زمینه خطاطی و تابلوسازی فعال است.

زهرا پایمزد (متولد ۱۳۶۳)

جسمی حرکتی، دانشجوی کارشناسی حقوق ثبت
زهرا پایمزد متولد ۱۳۶۳/۲/۲ دانشجوی کارشناسی حقوق ثبت و دارای معلولیت جسمی حرکتی (cp) می‌باشد. در مؤسسه رعد الغدیر قم در حال گذراندن آموزش کلاس خیاطی می‌باشد. در زمینه تئاتر کار می‌کند که گروه تئاتر آنها آذرماه ۱۳۹۵ در مسابقات بین‌المللی اصفهان در زمینه چهره پردازی دوم شد و در زمینه طراحی لباس اول شدند، معرق کاری انجام می‌دهد و مدرک آن را دارد. در مرکز رعد هم در زمینه معرق فعالیت داشته است. طراحی پارچه و طراحی روی شیشه با رنگ اکریلیک آموزش دیده است. مدرک کامپیوتر ICDEL درجه ۱ و ۲ را دارد. ۱۳ جزء مفاهیم قرآن هم فعالیت دارد. مشوق اصلی ایشان در این زمینه اراده خودش و مربی کامپیوتر خود را می‌داند.

مجیدرضا پورعاشقی (متولد ۱۳۶۰)

ناشنوا، دیپلم ریاضی

مهارت در ترمزی و جلوبندی خودرو، آشپزی و باغبانی، در بسیج ادارات و حضور در مراسم سالگرد امام و همچنین کمک آشپز در مراسمات مختلف فعالیت دارد.

مرتضی پورعلی (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، کارشناسی کامپیوتر

دارای مدرک کارشناسی کامپیوتر از دانشگاه آزاد واحد استان قم می‌باشد. در زمینه هنر رشته معرق هفت سال هست که مشغول به کار می‌باشد. استاد ایشان آقای گلزار بوده‌اند. نمایشگاه‌هایی از آثارش برگزار کرده است از جمله: نمایشگاهی که در سال ۸۸ در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها، همچنین نمایشگاهی که در دهه کرامت برپا شده بود. آثارش از طرف بهزیستی به نمایشگاهی که در مجلس شورای اسلامی برپا شده بود فرستاده شد و همه آنها فروش رفت. کارهای او بیشتر مذهبی است و آیات و کلمات قرآنی را به صورت معرق انجام می‌دهد. در زمینه ورزش مدتی در رشته وزنه برداری فعالیت داشته است. مشوقین من در ابتدا خانواده‌ام بوده‌اند و در کنار آن مربی ورزشی ایشان آقای حبیبی بسیار به تقویت انگیزه کمک می‌کردند.

مریم نوکلی

جسمی حرکتی، لیسانس بهداشت کودکان

مربی و مدرس در رشته‌های هنری (خیاطی، قالی بافی، گلیم بافی، تاج ژله‌ای، سفره‌آرایی، طراحی، بدلیجات گل سازی و...) بوده است، بیشتر از ۱۰ سال سابقه علمی و فرهنگی دارد.

م‌ل‌ی‌ح‌ه ج‌ع‌ف‌ری

ج‌س‌می ح‌ر‌ک‌تی

د‌ر ز‌م‌ی‌ن‌ه ش‌ع‌ر و ش‌اع‌ری، ت‌خ‌ل‌ص ن‌گ‌اری ت‌ب‌ح‌ر د‌ار‌د و ص‌اح‌ب آ‌ث‌اری ا‌س‌ت.

د‌او‌د ج‌ه‌ان م‌ن‌ش (م‌ت‌ول‌د ۱۳۶۰)

ج‌س‌می ح‌ر‌ک‌تی، ز‌ی‌ر‌د‌ی‌پ‌ل‌م

د‌ر ز‌م‌ی‌ن‌ه ع‌ک‌اس‌ی، م‌وس‌ی‌قی، ب‌س‌ک‌ت‌ب‌ال ب‌ا و‌ی‌ل‌چ‌ر و ش‌ن‌ا م‌ه‌ار‌ت د‌ار‌د. ۱۵ س‌ال د‌ر ز‌م‌ی‌ن‌ه م‌وس‌ی‌قی و ۷ س‌ال د‌ر ز‌م‌ی‌ن‌ه ع‌ک‌اس‌ی ف‌ع‌ال‌ی‌ت د‌ا‌ش‌ت‌ه ا‌س‌ت. ح‌د‌ود ۱۵ س‌ال د‌ر ز‌م‌ی‌ن‌ه ب‌س‌ک‌ت‌ب‌ال ک‌ار‌می ک‌ر‌ده ک‌ه س‌ه س‌ال ق‌ه‌ر‌م‌انی م‌س‌ت‌م‌ر د‌ر ا‌ی‌ن ر‌ش‌ت‌ه د‌ار‌د. ۳ س‌ال ق‌ه‌ر‌م‌ان ا‌ی‌ران ر‌ا د‌ر‌ی‌اف‌ت ک‌ر‌ده ا‌س‌ت. ه‌م‌چ‌ن‌ی‌ن ا‌ز س‌از‌م‌ان ف‌د‌ر‌اس‌ی‌ون ه‌ی‌ئ‌ت‌های ج‌ان‌ب‌از‌ان و م‌ع‌ل‌ول‌ی‌ن ت‌ق‌د‌ی‌ر‌ن‌ام‌ه د‌ر‌ی‌اف‌ت ک‌ر‌ده ا‌س‌ت. د‌ر س‌ال ۱۳۹۰ م‌وز‌ی‌ک ب‌رای م‌ع‌ل‌ول‌ان س‌اخ‌ت‌ه ا‌س‌ت.

م‌ه‌دی خ‌ج‌س‌ت‌گی (م‌ت‌ول‌د ۱۳۶۳)

ج‌س‌می ح‌ر‌ک‌تی، ک‌ار‌ش‌ن‌اس‌ی اد‌ی‌ب‌ات ن‌م‌ایش‌ی

او د‌ار‌ای ک‌ار‌ش‌ن‌اس‌ی اد‌ی‌ب‌ات ن‌م‌ایش‌ی ا‌ز ح‌وز‌ه ه‌ن‌ری ا‌س‌ت. ف‌ع‌ال‌ی‌ت‌ش ب‌ی‌ش‌ت‌ر د‌ر ب‌از‌ی‌گ‌ری ب‌ود‌ه و ک‌ار‌گ‌رد‌انی ن‌م‌ایش و تا ک‌ن‌ون ۱۴-۱۵ ن‌م‌ایش ب‌ازی ک‌ر‌ده ا‌س‌ت و د‌ر ج‌ش‌ن‌وار‌ه ک‌ر‌ی‌م‌ه د‌ر ب‌از‌ی‌گ‌ری ر‌ت‌ب‌ه آ‌ور‌ده ا‌س‌ت. ی‌ع‌نی ر‌ت‌ب‌ه س‌وم ب‌از‌ی‌گ‌ری ر‌ا ب‌ه د‌س‌ت آ‌ور‌ده ا‌س‌ت. ج‌ش‌ن‌وار‌ه ک‌ر‌ی‌م‌ه ا‌س‌ت‌انی ا‌س‌ت و ب‌ی‌ن ه‌ن‌ر‌م‌ن‌ده‌ای ت‌ث‌ا‌ت‌ر ا‌س‌تان ق‌م ب‌ر‌گ‌ز‌ار می‌گ‌ر‌د. ن‌ی‌ز د‌ر ج‌ش‌ن‌وار‌ه م‌لی خ‌ل‌ی‌ج ف‌ار‌س ک‌ان‌د‌ی‌دا ب‌رای ب‌از‌ی‌گ‌ری ش‌د. ه‌م‌ی‌ن ط‌ور د‌ر ج‌ش‌ن‌وار‌ه م‌ع‌ل‌ول‌ی‌ن د‌ر ب‌از‌ی‌گ‌ری اول ش‌د. د‌ر ا‌ی‌ن ج‌ش‌ن‌وار‌ه د‌ر ح‌وز‌ه ک‌ار‌گ‌رد‌انی، م‌ق‌ام دوم گ‌ر‌ف‌ت. الب‌ت‌ه چ‌ن‌د ج‌ای‌زه گ‌روه‌ی ه‌م د‌ر‌ی‌اف‌ت ک‌ر‌ده ا‌س‌ت. ا‌س‌م گ‌روه آن‌ان ط‌را‌وت ا‌س‌ت. گ‌روه ط‌را‌وت ص‌ر‌ف‌اً ی‌ک گ‌روه م‌ع‌ل‌ول‌ی‌ن ن‌ی‌س‌ت، ولی د‌ر س‌ه س‌ال ا‌خ‌ی‌ر ف‌ق‌ط د‌ر ح‌وز‌ه م‌ع‌ل‌ول‌ی‌ن ک‌ار ک‌ر‌ده ا‌س‌ت. ر‌ت‌ب‌ه‌هایی ک‌ه د‌ر گ‌روه گ‌ر‌ف‌ت‌ه د‌ر و‌اق‌ع م‌ت‌ع‌ل‌ق ب‌ه ب‌چ‌ه‌های م‌ع‌ل‌ول‌ی‌ن گ‌روه ط‌را‌وت د‌ر ب‌از‌ی‌گ‌ری ا‌س‌ت. د‌ر ج‌ش‌ن‌وار‌ه م‌ع‌ل‌ول‌ی‌ن س‌ال گ‌ذ‌ش‌ت‌ه ا‌ی‌ن گ‌روه ر‌ت‌ب‌ه دوم ر‌ا د‌ر‌ی‌اف‌ت ک‌ر‌د. ا‌س‌م ا‌ی‌ن ق‌ص‌ه س‌ر‌ز‌م‌ی‌ن م‌ه‌ر‌ب‌انی ب‌ود. د‌ر ز‌م‌ی‌ن‌ه

ورزش فوتبال و شنا فعالیت داشته و در فوتبال، در مسابقات کشوری راه یافت و توانست مقام بیاورند ولی در شنا دو سه قهرمانی کشوری آورد. یعنی در سال ۹۰ در قم ماده ۱۰۰ متر آزاد و ۵۰ متر آزاد قهرمانی آورد. آن هم دو مقام اول را آورد.

زهرا خسرو بیگی (متولد ۱۳۷۷)

جسمی حرکتی، دیپلم حسابداری

فعال در زمینه طراحی با ذغال و مشوقین ایشان بیشتر خانواده بوده‌اند.

بهمن خوشدونی فراهانی (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی، کارشناسی معماری

در زمینه رشته تحصیلی خود طراحی‌ها و ماکت‌هایی داشته و در نمایشگاه‌هایی شرکت کرده است. مشوقین من در زمینه تحصیل در درجه اول پدر و مادر و سپس دوستان می‌باشند.

اعظم دلداده

جسمی حرکتی یک پا از زانو مصنوعی

تأسیس اولین تئاتر معلولین در شهرستان قم در سال ۱۳۷۹، سرپرست و کارگردان گروه اوج ۱۵ نفر، گروه فراز ۲۰ نفر گروه اوج

۱- نام نمایش: رقص مرگ؛ سال اجرا: جشنواره بین‌المللی مهرآئین، تهران
تماشاخانه مهر؛ ۱۳۸۴، مقام‌ها: تقدیر از کل گروه؛ ۲- نام نمایش: مهر گیاه، سال اجرا: سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر معلولان تالار وحدت آذر ۱۳۸۶، مقام‌ها: طراحی صحنه اول و طراحی لباس سوم خانم دلداده؛ ۳- نام نمایش: کم‌دی اکتشافات، سال اجرای منطقه‌ای: سومین جشنواره منطقه‌ای آفتاب اصفهان اردیبهشت ۹۴، مقام‌ها: رتبه اول در طراحی لباس، رتبه دوم طراحی صحنه و رتبه دوم کارگردانی خانم اعظم دلداده، رتبه دوم مشترک بازیگری خانم‌ها اسلامی پور و قاصدی و رتبه سوم مشترک بازیگری خانم‌ها داورپناه و براتی، راهیابی به جشنواره

بین المللی مهرآئین در سال ۹۵، برگزیده جشنواره بین المللی امید آفرین سال ۹۴؛
۴- نام نمایش: کمدی ارتفاعات، سال اجرا: چهارمین جشنواره منطقه‌ای آفتاب
اراک اردیبهشت ۹۵، مقام‌ها: مقام دوم کارگردانی و طراحی لباس خانم اعظم
دلداده، مقام دوم بازیگری خانم داورپناه، مقام سوم مشترک بازیگری خانم‌ها
فاصدی و اسلامی، راهیابی به جشنواره بین المللی مهرآئین در سال ۹۵؛ ۵- نام
نمایش کمدی ارتفاعات، سال اجرا: جشنواره بین المللی امید آفرین اصفهان آذر
ماه ۹۵، مقام‌ها: مقام اول طراحی لباس خانم اعظم دلداده، مقام دومی چهره
پردازی خانم سارا عطایی؛ ۶- نام نمایش کمدی اکتشافات: حضور در پنجمین
جشنواره نمایش نامه خوانی استان قم، جایزه ویژه به خانم دلداده و گروه اوج تعلق
گرفت. اجرای عموم کمدی اکتشافات سالن شهید آوینی به مدت ۸ روز اجرای
عموم کمدی ارتفاعات سالن فرهنگسرای جوان پلاتوی ماه به مدت ۸ روز، روز
قشنگ سارا کار کودک اجرای مدارس به مدت ۸ روز.

زینب دهقانی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، دیپلم
دارای موفقیت در خیاطی، آشنایی با کامپیوتر

زهرا ذاکر (متولد ۱۳۵۵)

نیمه شنوا، دیپلم خیاطی
او در زمینه هنری معرق کاری، خیاطی، نقاشی فعالیت دارد. قبلاً مترجم زبان
اشاره بوده است.

منیره رسولی (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، دیپلم فنی و حرفه‌ای خیاطی
در زمینه خیاطی، تابلوبافی، گیپوربافی مهارت دارد. در زمینه بافت تابلوفرش،
خیاطی در حد ژورنال شناسی، مدارک فنی و حرفه‌ای دارد. به مدت ۲ الی ۳ سال

در زمینه والیبال نشسته فعالیت داشته است. تقدیرنامه هم دارد.

سیده زهره رضوانی فرادمبه (متولد ۱۳۷۳)

کم بینا، کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی

او در سوم دبیرستان افت بینایی پیدا کرد و به تدریج بینایی خود را از دست داد. او به رغم اینکه به ورزش‌هایی مثل گلبال شطرنج و شودان علاقه دارد ولی تا کنون نتوانسته ورود داشته باشد. البته شنا را هم در حد مقدماتی فرا گرفته است.

در امور هنری بافتنی در رشته عروسک بافی و کار چرم و ساخت کیف و مثل آن کار کرده است. همه این مهارت‌ها را از مادرش یاد گرفته است. برای عرضه و فروش آنها در نمایشگاه‌های کوچک در حد محلی شرکت می‌کرده است. البته به عنوان یک شغل یا درآمدزایی ثابت نمی‌توان به آن نگاه کرد. فقط برخی اقوام می‌خرند. در حوزه فعالیت‌های قرآنی در حفظ و قرائت تلاش کرده است. قرائت در حد دوران راهنمایی فراگرفت و جزء ۳۰ را حفظ کرد.

در مهارت آموزی کامپیوتر، ICDL درجه یک و دورا فرا گرفت. در سرود و تماشیح و تئاتر هم فعالیت داشته و سرود در حد مدرسه مقام آورده است. و در آموزشگاه‌های استان، یک بار در گروه سرود رتبه سوم و بار دیگر رتبه دوم دریافت کرد.

نرجس رضوانی (متولد ۱۳۷۳)

جسمی حرکتی، لیسانس روانشناسی عمومی

در زمینه نویسندگی، قصه، طنز، دل‌نوشته نویسی، کامپیوتر و داستان نویسی مهارت دارد. در چاپ کتاب به صورت پروژه‌ای و تحقیقی فعالیت داشته است. از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در زمینه داستان نویسی، قصه‌گویی، ادبی، طنزنویسی، نمایش نامه تقدیرنامه دریافت کرده است. دو اثر در زمینه قصه کودک نوشته که جزء طرح دانشگاهی بوده است. مشوقین ایشان در موفقیت‌هایش در درجه اول پدر و سپس خانواده‌اش می‌باشند.

عباس زند (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، دیپلم موسیقی، هنرستان موسیقی تهران
او از ۸ سالگی فعالیت در موسیقی را آغاز کرد و از مهارت‌های مادرش در
آوازهای محلی و پدرش در نوازندگی نی استفاده کرد و بهره‌مند شد. سپس برای
ادامه کار در محضر اساتیدی که موسیقی محلی کار می‌کردند، حضور یافت. در
این زمینه نوازنده سازهای بالابان، دودوک ارمنی و نی می‌باشد و اجرای ردیف
دستگاهی با ساز بالابان برای اولین بار در ایران ابداع او می‌باشد. دریافت دیپلم
افتخار جشنواره موسیقی زاگرس نشین‌ها در استان چهارمحال بختیاری در
سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، دیپلم افتخار جشنواره موسیقی انقلاب در شهرستان
ورامین در سال ۱۳۹۴، مقام اول جشنواره موسیقی نواحی ایران در شهر بوکان
استان کردستان و عناوین متعدد دیگر از موفقیت‌هایش می‌باشند. همچنین
همکاری در موسیقی سریال‌های تلویزیونی مختلف مانند چهاردیواری، پشت
کوه‌های بلند، پایتخت ۴، مادرانه و ... از دیگر فعالیت‌های او است.

محسن ساده (متولد ۱۳۵۳)

نابینا، دیپلم، کارمند اداره کل تربیت بدنی
او از سال ۶۶ یعنی به مدت ۲۳-۲۴ سال در گلبال فعالیت داشته است. در این
سال‌ها که در گلبال بود، موفقیت‌ها و مقام‌های متعدد داشته است. در سال ۸۶
قهرمان کشور شد؛ در تیم‌های دیگر هم بازی می‌کرد و سال ۸۰ یا ۸۲ در تیم کرج
قهرمانی کشوری، اول شد. سال ۹۲ یا ۹۳ با باباخانلو بود و مقام سوم را به دست
آورد. علاوه بر مسابقات و موفقیت‌های داخلی در خارج هم موفقیت‌هایی بوده
است. در مسابقات ایتالیا سوم شده است، در مالزی هم اول شد. در مالزی
مسابقات آسیایی برقرار بود و تیم ما اول شد. البته در فنلاند مقامی نیاورد.
در حوزه هنر در نی نوازی کار کرده است و تبحر دارد. تقریباً ۲۷ یا ۲۸ سال
است در رشته نی کار و فعالیت دارد. سال ۷۰ یا ۷۱ بود که در آموزشگاه محبی
اجرای تئاتر داشتند. نیز یک اجرا در تالار وحدت داشت. اینها نمونه‌ای از فعالیت‌ها

در این حوزه است ولی مجموعه آن بسیار زیاد است.

سیدرضا سجادی (متولد ۱۳۶۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد زیست شناسی گرایش فیزیولوژی قبلاً در رشته‌های ورزشی فوتبال و والیبال فعال بوده که هم اکنون به علت معلولیت فقط در رشته تنیس روی میز فعالیت می‌کند. همچنین در زمینه ترتیل قرآن نیز فعالیت مختصری دارد. حرفه اصلی و اقتصادی او طراحی و اجرای دکوراسیون داخلی مانند سقف کاذب، کاغذ دیواری، نرده، کابینت و ... می‌باشد. در درجه اول تلاش و انگیزه فردی و سپس حمایت خانواده عوامل پیشرفت ایشان در تحصیل و دیگر زمینه‌ها می‌باشد.

محمد سهرابی (متولد ۱۳۷۸)

جسمی حرکتی، سوم دبیرستان رشته معماری در زمینه معرق، طراحی (سیاه قلم)، تئاتر (به تازگی وارد گروه تئاتر شده است) مهارت دارد. در رشته بدمینتون حدود یک سال هست که فعالیت می‌کند. در مسابقات دانش‌آموزی در رشته معرق مقام اول را کسب نموده است.

فاطمه شادنوش (متولد ۱۳۶۶)

جسمی حرکتی، MS، دانشجوی رشته روانشناسی بالینی در مقطع کارشناسی علاوه بر تحصیل، دوره‌های روزنامه نگاری را گذرانده و مدارک مربوطه را اخذ کرده است. همچنین در زمینه نویسندگی شعر، متن ادبی و مقاله نیز مهارت دارم و سابقاً زمانی که در دانشگاه پیام‌نور دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی بود، (تحصیل در این رشته را نیمه کاره رها کرد) در انجمن بازرگانی دانشگاه فعالیت داشت و آثاری از او در نشریه این انجمن به چاپ رسید. انگیزه و پشتکار فردی باعث پیشرفت در تحصیل و دیگر موفقیت‌هایش شد.

داوود طالبی

ناشنوا، سیکل

در زمینه کیف دوزی چرم و خطاطی و نقاشی مهارت دارد. در کارگاه فیلتر هوا ماشین سبک سازی فعالیت دارد و در زمینه کشتی سه مدال را کسب کرده است. تقدیرنامه از دبیرستان ادب دریافت کرده است.

حامد طاهری طجر (متولد ۱۳۵۵)

ناشنوا، سیکل (سوم راهنمایی)

فعال در زمینه هنر مثبت کاری است.

سید عرفان هاشمی نژاد (متولد ۱۳۷۲)

ناشنوا، فوق دیپلم گرافیک کامپیوتر

همسر خانم سمانه نیک گفتار

زهرا عسگری (متولد ۱۳۶۲)

جسمی حرکتی cp، دانشجوی رشته سینما گرایش تدوین در مقطع کاردانی ابتدا در رشته گرافیک تحصیلات دانشگاهی را آغاز کرد که به دلایلی آن را رها کرده و سپس در رشته سینما مشغول به تحصیل شد. هم اکنون عضو انجمن سینماگران جوان می باشد. در این زمینه یک فیلم کوتاه ۵ دقیقه‌ای نیز ساخته است. در زمینه گویندگی مهارت دارد و در این رابطه بیش از ۱۰ سال می باشد که در مجتمع های تجاری و تفریحی و شرکت های خصوصی و نمایشگاه ها فعال بوده است. همچنین فعالیت مختصری در زمینه گویندگی کتاب گویا، نقاشی و تئاتر داشته است. مشوقین او در فعالیت هایش خانواده اش می باشند.

زهرا عیسی آبادی یز چلوبی (متولد ۱۳۶۶)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی

او بدون اینکه مهارت آموزی داشته باشد، توانسته برخی مهارت‌ها را با ممارست و تجربه شخصی به دست آورد. او می‌تواند بنویسد و این توانایی را با تجربه کسب کرده است و در عرصه نویسندگی، کارش مطلوب است. وقتی در مدرسه بوده، روزنامه دیواری تهیه می‌کرده؛ و در طول این سال‌ها بیشتر داستان می‌نویسد و شعر می‌سراید. منظور از داستان، داستان کوتاه است و چند دفتر داستان دارد. در امور ورزشی به دلیل مریض شدن نتوانست ورود پیدا کند. در امور کامپیوتر هم چون پشتیبان نداشت، وارد نشد. اما در نویسندگی و شعر درست است که حامی نداشت ولی علاقه ذاتی داشت و توانست پیشرفت کند و دو دیپلم افتخار گرفت: یکی به عنوان بهترین توان‌یاب، و دومی هم در سمینار کودک و نوجوان دریافت کرد. این دیپلم‌های افتخار استانی بود و توسط سازمان ملی جوانان واقع در خیابان خاکفرج شهر قم برگزار می‌شد.

فاطمه عیسی آبادی (متولد ۱۳۷۳)

نیمه شنوا، دیپلم تربیت بدنی

در زمینه خیاطی، سنگ تراشی، بازیگری تئاتر، نقاشی مهارت دارد. در رشته ورزشی تنیس، والیبال، آمادگی جسمانی و دو و در گروه تئاتر اوج فعالیت می‌کند. تقدیرنامه در جشنواره بین‌المللی اصفهان (تئاتر معلولین)، تقدیرنامه در جشنواره منطقه‌ای آفتاب (اراک) و همچنین برگزاری اجرای تئاتر عموم در خانه نمایش ماه.

محسن فرهادی مفتخر (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، لیسانس فناوری اطلاعات

فعالیت‌های ایشان عبارتند از: اجرای کنسرت در بیش از ۱۰ استان کشور به صورت زنده و اجرای پلی‌بک، تدریس الکترونیک و کامپیوتر در آموزش و پرورش به مدت ۱۳ سال، تولید بیش از ۲۰ اثر تصنیف سنتی و پا، بدنسازی به مدت ۶ سال، بسکتبال با ویلچر به مدت ۱۰ سال، کسب قهرمانی مسابقات دسته‌های سه، دو و یک بسکتبال با ویلچر، تقدیرنامه از آموزش و پرورش و بهزیستی و ادارات دولتی در

زمینه کامپیوتر، الکترونیک، و مهارت در موسیقی آواز سنتی و پاپ.

رضا فیض (متولد ۱۳۳۳)

جسمی حرکتی، تکنسین ماشین ابزار

مهارت در تدریس، گویندگی، در زمینه تئاتر و موسیقی و نظارت بر تولید ابزارهای متالوژی، فعالیت دارد. قبلاً در رشته والیبال، بسکتبال کار می‌کرده است. از آموزش و پرورش مرکز استان گیلان تقدیرنامه دارد و همکار آقای یوسفی مفید در انجمن ضاعیبات نخاعی استان قم می‌باشد.

فاطمه قاصدی (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، دیپلم انسانی

بازیگر تئاتر، دارای مدرک بین‌المللی تجوید و مفاهیم قرآن، راننده آژانس، تاج‌سازی (عروس)، در مساجد و مؤسسه رعد هم تدریس مفاهیم و تجوید قرآن به مدت دو سال داشته است. در سه جشنواره شرکت کرده است که در هر کدام مقام و رتبه دریافت کرده است. در جشنواره اراک مقام سوم بازیگری، در اصفهان مقام دوم بازیگری و در جشنواره بین‌المللی اصفهان هم شرکت داشته است. در نمایش نامه خوانی استان و همچنین منطقه قم حضور داشته است. به مدت چهار سال در بازیگری تئاتر فعالیت داشته است که یک کار کودک به نام روز قشنگ سارا به عنوان نقش اول داشته است. در کمده ارتفاعات رتبه دوم بازیگری، کمده اکتشافات مقام سوم که هر دو به جشنواره بین‌المللی راه یافته است. از اداره بهزیستی قم، جشنواره اراک و جشنواره اصفهان لوح سپاس و تقدیرنامه دریافت کرده است. از سازمان تبلیغات اسلامی هم جهت تدریس افتخاری تقدیر شده است. در جشنواره تئاتر بین‌المللی اصفهان هم تقدیرنامه دریافت کرده است.

اعظم کمیلی (متولد ۱۳۶۶)

ناشنوای شدید، لیسانس گرافیک تصویرسازی

دارای مدارک فنی و حرفه‌ای مرصع کار، وینرا روی شیشه و کاشی، سوخت نگار، مدارک دانشگاهی عکاسی مقدماتی، فوق دیپلم هنرهای تجسمی و لیسانس گرافیک می‌باشد.

فاطمه محمدولی (متولد ۱۳۶۰)

نابینا، دیپلم

او متولد سال ۱۳۶۰ می‌باشد که در سال ۱۳۹۰ رتبه دوم کشوری کسب کرده و کارهایش را به کشور مراکش و هند نیز برده است، وی معتقد است بسیار بودند افرادی که مرا از ادامه راه ناامید کردند اما با اینکه در سن ۲۱ سالگی بینایی‌اش را در اثر تومور مغزی به طور کامل از دست داده، هیچ‌گاه از درگاه الهی ناامید نشده است و خداوند نیز خودش کمک کرده است.

فاطمه با چشم کاملاً نابینا فرش می‌بافد، آب‌ژور، انواع تاج‌های عروس و وسایل زینتی را آماده می‌کند و جالب‌تر آنکه نقوش فرش‌هایش اکثراً آیات قرآن و و ان یکاد هستند. او از کودکی عاشق صنایع دستی بوده آنقدر که با تلاش به آرزویش می‌رسد. فاطمه سختی زیادی را در این راه کشیده و حتی گاهی که کارهایش مورد پسند واقع نمی‌شد بسیار اذیت می‌شد اما به کارش ادامه می‌داد و امروز کاملاً موفق است. در نمایشگاه‌های اصفهان، کرمانشاه، زنجان، تهران، قم و غیره قالی‌هایش به نمایش گذاشته شده است. به گفته او نابینیان در حال حاضر اصلاً کتاب صنایع دستی ندارند و به طور کلی کتاب کم برای آن چاپ می‌شود، از مسئولین بهزیستی تقاضا دارد بیشتر به فکر روشن‌دلان باشند. همچنین عضو صنایع دستی و میراث فرهنگی استان قم می‌باشد.

لوح تقدیر و انواع تندیس‌هایی که نشان از مقام‌های متعدد استانی و کشوری فاطمه محمدولی است در سر تاسر خانه خودنمایی می‌کند و آرام آرام ذهن بیننده را به بزرگی خداوند سوق می‌دهد و یادآور جمله‌ای می‌شود "نابینایی که با قالی بافی ثابت کرد معلولیت هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی محدودیت نیست".

مهرداد مصلحی (متولد ۱۳۶۴)

کم بینا، دانشجوی دکترای روانشناسی

دارای کارشناسی حقوق، کارشناسی روانشناسی بالینی، کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره و روانشناسی و همچنین دانشجوی دکترای روانشناسی می‌باشد. در زمینه هنر موسیقی نیز فعال می‌باشد و با سازهای ویالون و کیبورد آشنا هست. به شعر و متن‌های ادبی علاقه‌مند می‌باشد و در گذشته آثاری در این زمینه‌ها نگاشته که هنوز موفق به ارائه آن نشده است. در زمینه ورزش در رشته شطرنج در سطح متوسط فعال می‌باشد. نیز با کاربری کامپیوتر کاملاً آشنا هست. مشوق او در موفقیت‌هایش را همسر خود می‌داند.

بتول موسوی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی کتابداری

هم اکنون علاقه به ورزش ندارد و چون هنرآموز رشته نقاشی گرایش تصویرسازی است، تمام وقت و انرژی خود را برای پیشرفت در این رشته گذاشته است. زیرا ذاتاً و شخصاً به این رشته علاقه دارد. خانواده و والدین او هم از کارش و فعالیتش راضی هستند و از او حمایت می‌کنند.

فاطمه سادات موسوی (متولد ۱۳۷۴)

نابینا از یک چشم و معلولیت دست راست، دانشجوی مترجمی زبان در زمینه خطاطی فعالیت دارد. شاعر و در مشاعره هم مهارت دارد، از اتباع خارجه می‌باشد.

سیدهاشم موسوی البرزی (متولد ۱۳۶۳)

جسمی حرکتی، لیسانس حقوق

شاعر، در زمینه تناتر مهارت دارد. قبلاً در رشته‌های شنا، تکواندو، فوتبال فعالیت داشته است.

عباس مهدی خانی

نابینا، ۳۰ ساله

فعال در ساز تخصصی ارگ است.

سمانه نیک گفتار (متولد ۱۳۷۲)

ناشنوای شدید، اول دبیرستان

در رشته نقاشی مهارت دارد. به رشته سرود با زبان اشاره علاقه دارد. همسر آقای سید عرفان هاشمی نژاد است.

آمنه وزیری زاده (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی نخاعی، دیپلم علوم انسانی

خانم وزیری زاده به دلیل علاقه ذاتی به هنر به ویژه فرش، پیشرفت‌های قابل توجه داشته است. فعالیت هنری او در بافتن تابلو فرش است و تمام انرژی و توانایی‌های خود را در این رشته گذاشته است. بافته‌هایش را در نمایشگاه‌هایی چون نمایشگاه مؤسسه رعد قم چند بار به نمایش گذاشته است. به نظر او موفقیت در نمایش تابلو و جلب مشتری، بستگی به عوامل متعدد دارد، باید تبلیغات کرد و کارها را به روش‌های مختلف معرفی کرد. اما معلولین در اینگونه امور چون پشتیبان ندارند از این‌رو موفقیت آنها هم اندک است.

در زمینه کامپیوتر، دوره‌های ICDL درجه دو و یک را گذرانده و مهارت‌هایی مثل تایپ را هم تا اندازه‌ای می‌داند.

محمد وهابی (متولد ۱۳۶۲)

کم بینا، سیکل

محمد وهابی متولد ۱۳۶۲/۱۱/۱۴ در قم، کم بینا و دارای مدرک سیکل می‌باشد. چند سال در گروه تواشیح روش‌اندلان استان قم بوده است. در زمینه

موسیقی سنتی و ساز کیبورد حدود ۸ سال می‌باشد که فعالیت دارد. مدتی هم گلابال کار کرده است. از طرف جامعه معلولین استان قم برای اجرای موسیقی در مراسم تقدیرنامه دریافت کرده است.

آموزش و پرورش و کامپیوتر

فرشته اکبرزاده آرور (متولد ۱۳۷۱)

جسمی حرکتی، ضایعه نخاعی، کاردانی نرم‌افزار کامپیوتر
پس از دوره متوسطه به دانشگاه راه یافت و مدرک کاردانی نرم‌افزار کامپیوتر از دانشگاه فنی و حرفه‌ای دولتی قم دریافت کرد. او در زمینه کامپیوتر به واسطه رشته تحصیلی‌اش نسبتاً تسلط کامل دارد اما در زمینه ورزش و هنر فعالیت خاصی نداشته است. البته در هنرهای خانگی یا هنرهای دستی مثل تولید گل کریستال کار کرده و توانسته به فروش برساند. ولی فعالیت گسترده نبوده است. در حوزه فعالیت‌های قرآنی در دوران مدرسه و دانشجویی فعالیت‌هایی داشته و در مسابقاتی شرکت کرده، ولی چون پیگیر نبوده و نتوانسته ادامه بدهد یعنی موانعی جلوراهش بوده که نتوانسته ادامه بدهد، از این‌رو موفقیت چشمگیری نداشته است. در تریل و ترجمه در دوران دبیرستان و راهنمایی تا مرحله استانی هم پیش رفته، ولی به خاطر شرایط جسمی و مشکلات مکانی که بود از این شهر به آن شهر باید برای مسابقات می‌رفته، از این‌رو نتوانسته ادامه دهد و موفقیتش چشمگیر نبوده است. البته در سطح استان هم مقام آورده و بین دانش‌آموزان مقام دوم استانی را کسب کرد.

هم اکنون در مؤسسه رعد فاطمیه قم مربی کامپیوتر معلولین است. مجوز و مدرک مربیگری از فنی و حرفه‌ای گرفته است، از این‌رو می‌تواند تدریس داشته باشد.

ناصر باقری (متولد ۱۳۴۶)

جسمی حرکتی، کارشناسی دبیری شیمی
او دارای کارشناسی دبیری شیمی از دانشگاه اراک است. پس از کسب مدرک بیشتر در زمینه کامپیوتر فعالیت کرده و فقط در زمینه ورزش گهگاهی ورزش کرده است. پس در سطحی نبوده که مقام بیاورد. نیز فعالیت هنری و قرآنی هم نداشته

است. مهارت‌های کامپیوتر ICDL را در حدی که کارهای روزانه‌اش در تدریس و طرح سؤال و اینگونه کارها فرا گرفته است. پس از آن بیشتر دوره‌های ورد و اکسل را گذرانده است. در این مجموعه فعالیت‌ها خانواده بیش از دیگران مشوق بوده‌اند.

ناهید برومند (متولد ۱۳۷۳)

نابینا، کارشناسی حقوق

او به رتبه ۲۷۲ کنکور سال ۹۲ دست یافت و دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران کارشناسی را اخذ کرده است که ۶ ترمه دانشگاه را به اتمام رسانده است، دومیدانی هم به صورت آماتور انجام می‌دهد.

پرینا بقال زاده (متولد ۱۳۷۳)

نابینا، دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی

موفق به کسب رتبه ۳۲۸ کنکور سال ۹۲ و هم اکنون در دانشگاه دولتی قم مشغول به تحصیل می‌باشد و همچنین در زمینه شعر نیز فعال هست و لازم به ذکر است که حافظ جزء اول و دوم قرآن کریم می‌باشد که توانسته دوبار در سطح کشور مقام اول را کسب کند. در این راه خانواده مخصوصاً پدر و مادرش بسیار او یاری کرده‌اند.

رضا بهرامی بویینی

جسمی حرکتی

در زمینه تایپ، طراحی، میکس و مونتاژ، سخت‌افزار کامپیوتر مهارت دارد و همچنین مربی کامپیوتر، مربی قرآن نیز می‌باشد.

مهدی پیشوا (متولد ۱۳۵۴)

نابینا، لیسانس علوم تجربی

به مدت ۱۷ سال است که در اداره آموزش و پرورش مشغول به تدریس می‌باشد

و در بحث مشاوره هم فعال هست. در مقطع راهنمایی تمامی دروس را بجز درس زبان و در بحث مشاوره نیز امیدواری فلسفه توانایی تدریس دارد. بزرگترین مشوق ایشان پشتکار خودش بوده و خسته نشدن بزرگترین هنر او می‌باشد.

فاطمه زهرا تقی زاده (متولد ۱۳۵۹)

کم بینا، کارشناسی علوم قرآن و حدیث

مدرک تحصیلی خود را از راه متعارف آن و حضور در دانشگاه کسب نکرد بلکه از طریق حفظ کل قرآن و شرکت در کنکور سراسری و گذراندن دوره کوتاهی در تهران و یک آزمون نهایی دریافت کرده است. هم اکنون بیش از ۲ سال است که مربی قرآن در سازمان اوقاف می‌باشد. از موفقیت‌های دیگر من در این زمینه می‌توان به مقام سوم مسابقات قرائت در استان لرستان، مقام اول حفظ در مسابقات بهزیستی استان قم و مربی برتر اوقاف در ناحیه ۲ قم و ... اشاره کرد. در زمینه فعالیت‌های هنری در گلیم بافی به روش لرستانی، ساخت عروسک سفره عقد، بافندگی و دیگر هنرهای دستی مهارت دارد. پشتیبان و مشوق او در تمامی مراحل زندگی و سختی‌ها خداوند و اهل بیت می‌باشند و عامل موفقیت و مونس ایشان قرآن می‌باشد که هیچ وقت از آن دور نشده است.

عبدالمحمد جعفری (متولد ۱۳۴۱)

جسمی حرکتی، از ناحیه دو پا، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث

پس از اتمام متوسطه به دانشگاه رفت و توانست کارشناسی الهیات و بعد از آن کارشناسی ارشد علوم قرآن دریافت کند؛ سپس در مقطع دکتری دانشجوی رشته علوم قرآن و حدیث است. او در تیم بسکتبال با ویلچر استان قم فعالیت دارد. این تیم دو بار قهرمان لیگ برتر و دو بار هم نایب قهرمان لیگ برتر شده است. نیز در رشته پرتاب وزنه بوده و شنا هم دو تا مدال دارد. و در رشته شنا دو مقام سوم دارد. در فعالیت هنری به دلیل اینکه به معلمی مشغول است و در دبیرستان شهید زین الدین ایثارگران تدریس می‌کند، فعالیتی نداشته است. در قرائت و تجوید قرآن،

دوره‌هایی دیده است. همچنین در کامپیوتر هم در حد مبانی کامپیوتر، که بتواند مقداری با کامپیوتر کار کند.

در این فعالیت‌ها مشوقش خانواده و دکتر روانشناس بوده که اصرار داشت که کسی از بچه‌های زمان جنگ در آسایشگاه نماند، و آنها را تشویق می‌کرد که از آسایشگاه بیرون بیایند.

اعظم جوادی (متولد ۱۳۵۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی
او کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی را از دانشگاه آزاد قم دریافت کرده و اکنون دانشجوی رشته آموزش زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی ارشد است. او در مدرسه تدریس می‌کند و به معلمی و مربیگری مشغول است. ۹ سال یعنی از سال ۱۳۸۳ به این کار اشتغال دارد. در این سال‌ها تقدیرنامه‌های فراوان از طرف اداره آموزش و شخص وزیر برایش فرستاده‌اند. چون در تدریس موفقیت داشته از استانداری و اداره آموزش و پرورش وزارتخانه تشویق شده است.

محمدسعید جوادی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی نرم‌افزار کامپیوتر
وی در دانشگاه اراک تحصیل کرد و کارشناسی نرم‌افزار را دریافت نمود، سپس جذب فعالیت‌های کامپیوتر شد. اما در حوزه فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های قرآنی کاری نکرده است. او در طرح دانشگاه یک المپیاد دانشجویی در رشته کامپیوتر شرکت کرد و مقامی نیاورد. ولی رتبه‌اش از بین ۱۵۰ نفر بین ۵۰ تا ۶۰ بود. و الآن در حوزه کامپیوتر به فعالیت‌های فناوری اطلاعات، شبکه، مجازی سازی، امنیت، نرم‌افزار مشغول است.

محمدرضا خیرخواه

ضایعه نخاعی، کارشناسی کامپیوتر

در زمینه نرم افزار امور اداری، امور بایگانی مهارت دارد. ۶ سال سابقه کار در وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات قبل از سانحه تصادف دارد.

زهرا رابط

جسمی حرکتی، لیسانس کارگردانی انیمیشن

طراحی و صفحه بندی با نرم افزارهای Word و Zarnegar، اداره کردن خدمات کامپیوتری و...، صفحه بندی کتاب و مجله و... طراحی پوستر و بنر و جلد کتاب و...، از ناحیه دست چپ و پای چپ مشکل دارد که یک مقداری کج می‌باشد. بعد از تموم شدن درس و گرفتن دیپلم شروع کرد به کار کردن، کارهای مختلفی انجام داد از تایپ تا طراح، صفحه بند و...، تقریباً سال ۱۳۸۵ مغازه اش را با لطف و اعتماد به نفس بالایی که خدای مهربون عنایت کرده بود و البته پشتیبانی مادر و خواهرش باز کرد. سال‌های اول تنها و با یک نیرو و با یک دستگاه و با کلی مشقت و... شروع کرد که تا الآن به چند دستگاه و نیرو تبدیل شده است. البته به لطف خدا توانسته اعتماد مشتری‌هایش را بخوبی جلب کند که مشتری‌های ثابت و چندین ساله از قم و شهرهای مختلف برای تایپ و صفحه بندی و طراحی و... دارد و در سال ۱۳۹۰ با کمک خواهر در اداره کردن مغازه و لطف خداوند به دانشگاه راه یافت و در سال ۱۳۹۵ موفق به اخذ لیسانس کارگردانی انیمیشن شد.

رقیه رحمتی (متولد ۱۳۷۳)

ناشنوا، دیپلم رشته خیاطی

در زمینه خیاطی، گلدوزی، منجق دوزی، لباس کودک مهارت دارد. در نمایشگاه دبیرستان ادب نمایشگاه برگزار کرده است.

فاطمه رفیعی مقدم

نابینا، دانشجوی کارشناسی حقوق

او به رتبه ۱۷۳ در کنکور سال ۱۳۹۲ دست یافت.

زینت رمضان‌ی (متولد ۱۳۷۲)

نیمه شنوا، دیپلم خیاطی

بعنوان کمک مربی خیاطی فعالیت دارد و پیش‌تر هم مربی گروه سرود ناشنوایان بوده است و در دوران مدرسه زبان اشاره را فرا گرفته است. در حال حاضر با کانون ناشنوایان همکاری دارد. قرار هست که امسال به عنوان رابط فعالیت کند.

علیرضا زندخانه شهری

ضایعه نخاعی، دیپلم

در زمینه کامپیوتر و رشته حسابداری مهارت دارد.

ولی‌الله شاه محمدپور

نابینا، کارشناسی ارشد علوم سیاسی

دانشجوی کارشناسی روابط بین‌الملل و همچنین مدیر کانون نابینایان جلوه امید می‌باشد.

حاتم صدقی کریم (متولد ۱۳۵۰)

نابینا، زیردیپلم

در زمینه کامپیوتر برنامه نویسی مهارت دارد و گاهی اوقات شعر می‌سراید.

میثم صفری (متولد ۱۳۶۵)

ناشنوا، کاردانی کامپیوتر

من میثم صفری متولد ۱۳۶۵ که در تهران متولد شده‌ام. از همان ابتدای کودکی به طور مادرزاد ناشنوا بودم و این ناشنوایی مرا در امور تحصیل و فعالیت اجتماعی ناتوان نکرده است. بلکه به یاری پروردگار و حمایت پدر و مادرم موفق شدم تحصیلات خود را با موفقیت با مدرک دیپلم کامپیوتر سخت افزار و نرم افزار به

پایان برسانم. برای گرفتن مدرک فوق دیپلم در رشته کامپیوتر در دانشگاه آزاد واحد شهرستان قدس تهران به تحصیلاتم ادامه دادم. توانایی‌های من در رشته کامپیوتر عبارتند از: Adobe potoshap , ICDL, Gerapik, Mix, Premiere pro و میکس و تدوین و ... با توجه به مهارت‌هایی که از کامپیوتر کسب کرده بودم مدتی را به صورت حرفه‌ای در عکاسی مشغول به کار بودم. بعد از آن برای کار کردن در یک شرکت به شهر قم آمدم. شش ماهی بود که به شهر قم آمده بودم که با شخصیت بسیار متین و باوقاری به نام نسرین ابراهیمی آشنا شدم. ایشان را در برنامه شهر یا کریم دیدم و خیلی مشتاق بودم که از نزدیک ایشان را ملاقات کنم. با تلاش و پیگیری‌های فراوان توانستم آدرسی از ایشان پیدا کنم. با توجه به اینکه من هم مانند ایشان تبلور خاصی در نقاشی خواستم تا عکس مرا طراحی کنند، ایشان هم قبول کردند و بعد از آن... اینک ۳ سال است که از ازدواج ما می‌گذرد و من از اینکه با یک فرد هنرمند همچون همسر عزیزم در زیر یک سقف زندگی می‌کنم احساس خوشبختی دارم. همسر خانم نسرین ابراهیمی

مهدی ضیائی فر (متولد ۱۳۶۸)

نابینا، لیسانس زبان و ادبیات فارسی

حافظ ۱۵ جزء از قرآن کریم، در مسابقات دانشگاه در رشته پنج جزء شرکت کرده که مقام دوم کسب کرده است. کار با کامپیوتر و همچنین ادیت و تایپ هم انجام می‌دهد، تأسیس و طراحی سایت حال و هوا، در رشته وزنه برداری نابینایان فعالیت داشته که مقام اول استانی در وزن ۷۰ کیلوگرم را کسب نموده است.

جواد عباسقلی پور (متولد ۱۳۵۳)

جسمی حرکتی شدید، دیپلم اقتصاد

در زمینه کامپیوتر مهارت دارد. کارمند کتابخانه آیت الله نجفی، به مدت ۲۰ سال هست که به عنوان اپراتور در سالن مطالعه کتابخانه فعالیت دارد.

علی فرکی

کم شنوا، دیپلم

مسئول گروه سرود ناشنویان قم «دستان فرشته»، استخدام آموزش و پرورش،
منبت کاری عضو کانون ناشنویان استان قم می باشد.

معصومه محمدی (متولد ۱۳۶۰)

نابینا، کارشناسی رشته ادبیات

موفق در زمینه های شغلی و صنایع دستی - همسر آقای سیامک عباسی، در
زمینه ورزش قبلاً در رشته گلبال فعال بوده است. همچنین در زمینه کامپیوتر
دوره های ICDL1 و ICDL2 را گذرانده و مدارک مربوطه را اخذ کرده است. هم اکنون
بیش از ۸ سال است که کارمند سازمان نظام مهندسی می باشد و چند بار به دلیل
حسن انجام وظیفه در این سازمان از من تقدیر شده است، پشتیبان و مشوقین
اصلی او در تمامی مراحل زندگی و تحصیل پدر و مادرش می باشند.

غلامرضا نظری (متولد ۱۳۵۱)

نابینا، کارشناسی الهیات و معارف اسلامی

بیش از ۲۸ سال است که دبیر آموزش و پرورش می باشد و در دوره های
راهنمایی و دبیرستان تدریس می کند. در زمینه ورزش در رشته گلبال فعال بوده
است و در دوران دانش آموزی یک مقام دومی یا سومی را در مسابقات کشوری که
در ساری برگزار می شد را در کارنامه خود دارد. در زمینه قرآن فعالیت مختصری
داشته و ۲ مقام دومی و سومی را در رشته اذان در مسابقات استانی بهزیستی قم
کسب کرده است. در زمینه کاربری کامپیوتر دوره ICDL2 را گذرانده و مدرک
مربوطه را اخذ کرد. مشوق و حامی او در موفقیت هایش خانواده اش می باشند.

علی وهابی فردوئی

کم بینا، کاردانی کامپیوتر

در زمینه ویرایش و کار با نرم افزارهای حرفه‌ای صدا، طراحی صفحات وب، آموزشگاه کامپیوتر و تدریس تبحر دارد.

یوسف یزدانی (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، دیستروفی عضلانی، دوم متوسطه رشته انسانی
مربی معرق می‌باشد و تا حدودی تعمیر تلفن همراه را انجام می‌دهد و در تراش
سنگ‌های قیمتی مهارت دارد. در مجتمع امیرالمؤمنین واقع در خیابان شهید
محلاتی قم مشغول آموزش می‌باشد. در رشته تنیس روی میز فعالیت داشته است
که مقامی کسب نکرده است. از جشنواره بین‌المللی امید آفرین اصفهان لوح
سپاس دریافت کرده است.

امور مذهبی و اجتماعی

سمیه اسماعیلی (متولد ۱۳۶۴)

نابینا، دانشجوی رشته تفسیر قرآن در مقطع کارشناسی ارشد از سال ۱۳۸۳ وارد جامعه الزهرا شد و هم اکنون در رشته تفسیر قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در این دانشگاه مشغول به تحصیل می باشد. همچنین حافظ ۴ جز قرآن نیز می باشد. در زمینه مهارت کامپیوتر دوره ICDL2 را گذرانده و مدرک مربوطه را اخذ کرده است. مشوقین ایشان در درجه اول خانواده و سپس دوستان می باشند.

احمد رضا اشعری

نابینا

قاری قرآن می باشد و در زمینه تواشیح، مداحی، و کامپیوتر فعال است.

مریم بوستانی (متولد ۱۳۷۱)

نابینا، طلبه دانشجوی دانشگاه جامعه الزهرا

در زمینه مهارت کاربری رایانه دوره ICDL2 را گذراند و مدرک مربوطه را اخذ کرد. همچنین در زمینه قرآن در رشته قرائت نیز فعال می باشد. مشوقین او در موفقیت هایش پدر و مادرش می باشند.

نور خدا ترکاشوند (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، کارشناسی، سطح ۲ حوزه

فعال به مشاوره معارف احکام کارشناسی مسائل دینی معلولین.

عیسی توپا حیدری (متولد ۱۳۵۸)

جسمی دست چپ

در زمینه فرهنگی و تبلیغ معارف اسلامی فعالیت دارد و همچنین به عنوان مبلغ نمونه استان از طرف دفتر تبلیغات معرفی شده است.

حسن توکلی (متولد ۱۳۵۶)

کم بینا، دیپلم ادبیات

در رشته‌های قرائت قرآن، مداحی، تواشیح (گروه بصیر) و اذان کار می‌کند، در رشته اذان سازمان تبلیغات نفر دوم شد؛ نیز در رشته ترتیل نفر اول استان شد.

باقر جباری

ضایعه نخاعی

قاری قرآن کریم، مداح و خطاط می‌باشد و همچنین مهارت در موسیقی و آواز سنتی می‌باشد. در مسابقات پینگ پنگ مقام قهرمانی را کسب کرده است.

بیرامعلی جعفری (متولد ۱۳۴۴)

نابینا، دیپلم

حافظ ۲۲ جزء از قرآن کریم، در مسابقه قرآنی سازمان اوقاف قم سال ۹۱ رتبه ۲، مسابقات بهزیستی ۵ جزء و ۱۰ جزء رتبه اول در طی چند سال را کسب کرده است. کارهای تأسیساتی هم انجام می‌دهد مثل تعمیر و نصب تأسیسات فنی منزل و به عنوان اپراتور دفتر تبلیغات اسلامی قم فعالیت دارد. گلبال و دوچرخه سواری هم کار می‌کند.

فاطمه جعفری شمس آبادی (متولد ۱۳۵۴)

کم بینا، فوق لیسانس شیمی

حافظ ۱۲ جزء از قرآن کریم، در رشته کاراته قبلاً فعالیت می‌کرده است، مدرک

درجه ۱ و ۲ کامپیوتر هم دارد.

مهدی جلالی یزدی (متولد ۱۳۵۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی علوم آزمایشگاهی

دارای مدرک کارشناسی علوم آزمایشگاهی می باشد و مقطع کاردانی را در دانشگاه علوم پزشکی کاشان و کارشناسی را در دانشگاه اراک گذراند. در زمان دانش آموزی در زمینه قرائت قرآن فعال بود و در سطح استان هم مقام سومی را در سال ۶۵ هم کسب کرد. در دوران دبیرستان مدتی تنیس روی میز فعالیت داشت. مشوقین او در این سال ها خانواده اش بوده اند.

محمد چراغی (متولد ۱۳۶۵)

نابینا، کارشناسی الهیات

لیسانس الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، حافظ و قاری قرآن، گویندگی در رادیو، مداح، قاری قرآن کریم و مداح اهل بیت علیهم السلام می باشد.

عباس چراغی (متولد ۱۳۵۰)

نابینا، دبیرم

حافظ قرآن قرآن و دارای مدرک اپراتوری تلفن، ICDL، قالی بافی، آموزش حفظ و روخوانی و تجوید قرآن می باشد. در مسابقات استانی اوقاف ۱۰ جزء مقام های دوم و سوم، در مسابقات بهزیستی سال ۸۹ حفظ ۱۰ جزء دوم کشوری، در مسابقات ۲۰ جزء سال ۹۱ اول کشوری و حفظ کل سال ۹۳ سوم کشوری را کسب کرده است.

عباس چراغی (متولد ۱۳۶۷)

نابینا، دبیرم

در مسابقات اوقاف شهرستان رتبه اول مقام اذان و رتبه دوم قرائت تحقیق،

مسابقات آموزش و پرورش استثنایی در چندین سال مقام اول قرائت تحقیق، مسابقات بهزیستی سال ۹۳ رتبه سوم کشوری اذان، بهزیستی سال ۹۵ قرائت تحقیق و اذان شرکت کرده و مقام سوم کشوری اذان کسب کرده است.

بتول حاصلی (متولد ۱۳۴۷)

نابینا، پنجم ابتدایی

حافظ ۷ جزء از قرآن کریم می‌باشد. در مسابقات استانی شرکت داشته که مقامی کسب نکردم، مهارت در بافندگی و مکرمه بافی دارد و در رشته گلبال مقام و لوح تقدیر کسب کرده است.

مهدی حجازی فرد (متولد ۱۳۵۹)

کم بینا، دبیرم انسانی

حافظ ۴ جزء از آخر قرآن می‌باشد، در مسابقات سازمان بهزیستی به مدت سه سال هست که شرکت می‌کند ولی هنوز مقامی کسب نکرده، مدرک اپراتور تلفن را هم دریافت کرده و همچنین قبلاً در شرکت بسته بندی لامپ کار می‌کرده است.

اشرف حجازی فرد (متولد ۱۳۶۳)

نابینا، کارشناسی الهیات گرایش فلسفه

موفق به حفظ ۲۳ جزء از قرآن کریم شده است. گواهینامه حفظ ۱۰ و ۲۰ جزء را از اداره ارشاد دریافت کرده است. دوره تفسیر المیزان را در مؤسسه قرآنی نورالیقین قم گذرانده است. از طرف اداره اوقاف استان هم اکنون به عنوان مدرس حفظ انتهاب شده و با افراد عادی آموزش می‌دهد. در طرح مجازی قرآن کریم در استان و کشوری نمره حد نصاب را به دست آورده است، در مسابقات استانی اوقاف امتیاز ۹۸ را کسب کرده است. در مسابقات استانی اداره بهزیستی در حفظ ۱۰ جزء در سال ۹۵ مقام اول را به دست آورد و به مسابقات کشوری مشهد راه یافت اما در آنجا مقامی کسب نکرد. در استان رتبه اول را در حفظ ۵ جزء و ۱۰ جزء نیز

کسب کرده است. مشوقین اصلی او خانواده و شاگردانش بوده‌اند.

سید عبدالکریم حسینی (متولد ۱۳۲۴)

نابینا، طلبه درس خارج حوزه

از سال ۱۳۴۱ تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. در این راه از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله مکارم شیرازی کسب علم نمود و هم اکنون در درس آیت‌الله وحید خراسانی شرکت می‌کند. از دیگر فعالیت‌های ایشان تبلیغ می‌باشد که در ماه‌های رمضان و محرم و سفر برای این امر به ماهشهر می‌رود.

معصومه حسینی (متولد ۱۳۴۴)

نابینا، بیسواد

حافظ ۱۳ جزء از قرآن می‌باشد، کسب مقام در مسابقات بهزیستی و در مسابقات استان تهران مقام دوم یا اول را کسب کرد.

سید میرحسین حسینی (متولد ۱۳۲۸)

نابینا، پایه ۷ حوزه

در جنگ بین افغانستان و روسیه در سال ۱۳۶۰ در حادثه انفجار مین از ناحیه چشم مجروح شد. پس از این حادثه به ایران منتقل شد. در ایران از ابتدا شروع به تحصیل کرد و در مدت ۸ سال موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. سپس وارد حوزه شد و تا پایه ۷ به تحصیل ادامه داد. به علت کسالت و بیماری از پایه ۸ به بعد را به صورت غیر حضوری گذراند. در این راه از محضر اساتیدی چون آقای خسروشاهی، آقای ساکت و سایرین کسب علم نمود. در زمینه مهارت کامپیوتر دوره ICDL2 را گذرانده و مدرک مربوطه را اخذ کرد.

سید وحید حسینی (متولد ۱۳۶۰)

کم بینا، طلبه سال هشتم درس خارج حوزه از سال ۱۳۸۳ دروس حوزه را به صورت آزاد آغاز کرد و در سال ۱۳۸۸ به صورت رسمی وارد حوزه شد. دروس پایه را به سرعت گذراند و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله اراکی و آیت‌الله شب‌زنده دار کسب علم نمود و هم اکنون طلبه سال هشتم درس خارج می‌باشد. چندین مقاله فقهی و روایی دارد که هنوز به چاپ نرسیده‌اند. در زمینه فعالیت قرآنی قبلاً در دوره پیش دانشگاهی در رشته قرائت مقام اول را در کشور کسب کرد. در زمینه مهارت کاربری کامپیوتر دوره‌هایی را گذرانده است. مشوقین او در زمینه تحصیل حاج‌آقا میرباقری و حاج‌آقا عالی می‌باشند.

حسن حق‌شناس (متولد ۱۳۵۸)

جسمی حرکتی، تحصیلات حوزوی، لیسانس حوزه فعالیت‌های او در ورزش، قهرمانی نیست و آماتوری است از این‌رو مقامی هم کسب نکرده است. در فوتسال و شنا هم فعالیت داشته ولی فعالیتش در حد قهرمانی نبوده است. در دوره مهارت آموزی کامپیوتر رفته ولی به صورت تجربی یاد گرفته است. مشوق او در تحصیلات حوزوی، پدر و مادرش بودند. البته مشوق اصلی پدرش بود. اکنون در تبلیغ حوزه کار می‌کند، یعنی در بخش پاسخگویی به شبهات از طریق فضای مجازی و اینترنت و تلگرام و کل فضای مجازی. حدوداً بیش از دو سال است که آنجا کار می‌کند.

طیبه خداوردی (متولد ۱۳۶۰)

نابینا، فوق دیپلم علوم آزمایشگاهی حافظ کل قرآن کریم می‌باشد. از بهمن ماه سال ۹۰ شروع به حفظ قرآن در مؤسسه کریمه اهل بیت (ع) زیر نظر حرم حضرت معصومه (س) نموده است که سال ۹۳ به اتمام رساند و ۲/۵ طول کشید. در مسابقات تأمین اجتماعی سال ۹۲- ۹۱ شرکت کرده است ولی مقامی کسب نکرده است.

احمد دباغ (متولد ۱۳۵۳)

نابینا، حوزوی (پایه ۸ حوزه)

حافظ کل قرآن، علاوه بر تبلیغ و ترویج قرآن در بیرون از کشور در داخل نیز با برپایی کلاس‌های مختلف آموزش حفظ، و مفاهیم قرآن کریم، از عمر شریف و با برکت خویش استفاده مطلوب را می‌برند. کسب مقام‌های کشوری و بین‌المللی از سال ۷۱ تا ۷۸.

احمد دباغ در سال ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین متولد شد. و در سال ۱۳۶۰ به دو دلیل وارد کشور مقدس ایران شد: هم ایرانی الاصل بود و اینکه پدرش و برادرش از مبارزین ضد نظام عراق و نظام بعث بودند. در هفت‌سالگی وارد شهر مقدس قم شد. آن زمان، علاقه شدیدی به حفظ و قرائت قرآن داشت. در سال ۶۰، ۶۱ که به دلیل مسایل جنگی کمتر به مسائل قرآنی می‌پرداختند، نوار عبدالباسط، را گوش می‌داد. در سال ۶۲ و در نه سالگی وارد حوزه شد. در حوزه هم خیلی موفق بود. نمراتش ۱۹/۵ به بالا بود. بعد از گذشت یک سال و اندی علاقه‌اش به قرآن زیاد شد. لذا به دلیل سن کم از حوزه بیرون آمد. سال ۶۵، که دوازده ساله بود، با یکی از استادان حفظ، حاج آقای بهبهانی یک جلسه‌ای حفظ داشتند. هفته‌ای سه شب در جلسات قرآن ایشان شرکت می‌کرد. تقریباً دو سال و نیم به جلسه آقای بهبهانی می‌رفت تا سال ۶۸ حافظ کل قرآن شد. هم اکنون درس حوزه می‌خواند و در مدرسه علمیه امام جواد(ع) و دارالقرآن امام حسین(ع) تدریس می‌کند، در سطح استان تهران در مسابقات زیادی شرکت کرده و اول شده است. و همچنین در مسابقات مهم که در سطح کشور است، مسابقات بسیج، مسابقات بهزیستی دو بار اول شد. در مسابقات مطلع الفجر سازمان تبلیغات مقام اول را کسب کرد، در مسابقات ثامن الائمه کشوری در شهر اصفهان اول شد. در مسابقات اوقاف که مسابقات بین‌المللی در سال ۶۸ بود در ده جزء مقام دوم را به دست آورد، سال ۷۱ باز هم مسابقات بین‌المللی حفظ کل در بین چهل کشور اول شد، سال ۷۶ در مسابقات بین‌المللی عربستان حفظ کل با تفسیر، رشته حفظ اول شد و در تفسیر بین ۶۰ کشور جهان دوم شد. در سال ۷۸ در سالن کنفرانس اسلامی در تهران در میان سی و شش کشور در رشته حفظ کل اول شد. و این مقام‌ها را نیز به

دست آورده است: مسابقات کشوری سال ۷۱ مقام اول؛ مسابقات کشوری سازمان تبلیغات اسلامی سال ۷۲ مقام اول؛ مسابقات کشوری سازمان بهزیستی سال ۷۳ مقام اول؛ مسابقات کشوری اداره کل اوقاف و امور خیریه سال ۷۸ مقام اول؛ مسابقات کشوری در اصفهان سال‌های ۸۰ و ۸۱ مقام اول؛ مسابقات بین‌المللی سال ۶۸ در تهران مقام دوم؛ مسابقات بین‌المللی سال ۷۱ در تهران مقام اول؛ مسابقات بین‌المللی سال ۷۸ در تهران مقام اول.

هادی دین دار (متولد ۱۳۷۸)

نابینا، دیپلم

حافظ جزء ۳۰ قرآن می‌باشد. در سن ۱۲ سالگی بر اثر سانحه کوهنوردی نابینا شده است. کارهای ورزشی انجام می‌دهد.

روح الله ذوقی احسان (متولد ۱۳۵۳)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد علوم سیاسی

راه اندازی مؤسسه مددکاری پرتوروشن زندگی و همچنین در هیأت متوسلین به ائمه اطهار و شرکت خدمات پرتو ایرانیان فعالیت دارد.

معصومه رانی زنجانی (متولد ۱۳۵۴)

جسمی حرکتی، حوزوی

از کودکی و در زمان مدرسه در زمینه قرآن فعال بود و مسابقات متعدد شرکت کرد. بعد از دیپلم وارد حوزه علمیه شد و هم اکنون سطح ۳ حوزه مشغول تحصیل می‌باشد. حافظ ۷ جزء قرآن کریم می‌باشد و در زمینه قرائت ترتیل و تحقیق فعالیت دارد. همچنین ۷ سال در زمینه تفسیر در محضر اساتید آموزش دید و کارهای پژوهشی در این زمینه انجام داد. هم اکنون در جامعه الزهرا تفسیر را تدریس می‌کند و مسئول بخش اجرایی نیز می‌باشد. و در حرم حضرت معصومه (س) نیز

کلاس‌های تفسیر و شرح صحیفه سجادیه دارد. در زمینه قرائت مسابقات زیادی شرکت کرد و مقام‌هایی را کسب نمود. سال ۹۵ برای اولین بار در مسابقات بهزیستی که در مشهد برگزار شد شرکت کرد و توانست در رشته قرائت ترتیل مقام اول را در بین معلولان جسمی حرکتی به دست آورد، در زمینه تبلیغ و مداحی اهل بیت هم فعالیت دارد، در زمینه هنری هم در رشته‌های مروارید بافی و گلسازی فعالیت دارد.

منصور رضوانی (متولد ۱۳۴۸)

نابینا و جسمی حرکتی، دکترا

جانباز از دو چشم و دست راست، حوزوی پایه ده، دکترا در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، در زمینه ورزشی در رشته گلبال فعال می‌باشد که در سال ۱۳۸۴ مقام اول را در مسابقات جانبازان در کل کشور بدست آورد. در حال حاضر هم در کلاس‌های حوزه در دروس خارج شرکت می‌کند و در بحث مشاوره خانواده و جوانان نیز فعال است. در سال ۶۱ در اثر برخورد ترکش خمپاره از ناحیه دو چشم و دست راست جانباز شد. در طی این راه پرفراز و نشیب خانواده به ویژه پدر و مادرش و بعد از ازدواج همسرش بسیار او را یاری کردند.

فاطمه زند (متولد ۱۳۷۱)

نابینا، سیکل

پس از دریافت مدرک سوم راهنمایی (سیکل) یک دوره در جامعه الزهرا شرکت کرده ولی ادامه نداده است و نتوانسته دوره را به اتمام رساند. یک مقداری از دوره سطح یک مانده است. در زمینه ورزش و هنر فعالیتی نداشته است. در عرصه قرآنی مشغول حفظ قرآن است و تا کنون حافظ ۲۸ جزء می‌باشد. یک بار آزمایشی آن هم تمرین نکرده در مسابقات اوقاف شرکت کرده و رتبه نیاورده است. او در رشته قرائت قرآن یک دوره‌ای را در جامعه الزهرا گذرانده است. در مهارت آموزی کامپیوتری هم شرکت نکرده است.

معصومه زند (متولد ۱۳۵۸)

نابینا

او در زمینه ورزش و هنر فعالیتی نداشته است ولی حدود نوزده سال است که مربی قرآن است و سابقه تدریس دارد. فقط در حوزه مربیگری فعالیت می‌کند. ولی در زمینه حفظ قرائت، ترتیل و غیره فعالیت ندارد. از این‌رو در مسابقات هم شرکت نکرده است. فقط روخوانی و تجوید قرآنی تدریس می‌کند. محل تدریس او مسجد محل سکونت و نزدیک منزل خودشان است. در سال ۷۷ تدریس او مورد تأیید بهزیستی قم قرار گرفت و با هماهنگی با سازمان تبلیغات به او مدرک داده شد.

احمد رضا ساعدی (متولد ۱۳۷۶)

نابینا، دیپلم

حافظ ۱۵ جزء از قرآن کریم است. مهارت در تجوید و صوت و لحن، در سه دوره مسابقات اوقاف و امور خیریه در رشته حفظ ۵ جزء مقام اول استانی، مقام سوم ترتیل در مسابقات تأمین اجتماعی سال ۹۳، حفظ ۱۰ جزء مسابقات کشوری سازمان بهزیستی ۹۵، مسابقات استانی رشته ترتیل تأمین اجتماعی سال ۹۵ رتبه سوم ترتیل، در مسابقات کشوری مؤسسه جامعه القرآن سال ۹۴ رتبه اول و سال ۹۵ رتبه دوم، مسابقات اوقاف حفظ ۵ جزء رتبه اول سال ۹۳، را کسب کرده است. قبلاً در شطرنج هم فعالیت داشته است. در دبیرستان علوم و معارف صدرا تحصیل کرده و فعالیت‌های علمی و اینترنتی هم در این مدرسه داشته است.

قدرت الله شفیعی (متولد ۱۳۴۵)

نابینا، کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

در عملیات و انفجر مقدماتی اواخر سال ۱۳۶۱ در ناحیه فکه بر اثر اصابت ترکش از ناحیه هر دو چشم مجروح شد و بینایی خود را از دست داد. هم اکنون طلبه درس خارج حوزه می‌باشد و همزمان در حال آماده سازی رساله دکتری خود در

رشته حقوق می‌باشد. در رشته ورزشی گلبال فعالیت داشته و در این رشته مقام اول دسته ۳، مقام اول دسته ۲، ۲ بار مقام سوم دسته ۲ و مقام اول و سوم مسابقات جانبازان را با تیم مربوطه را کسب کرد. حافظ جزء ۳۰ قرآن می‌باشد و در این زمینه در مسابقات جانبازان نابینا مقام دوم کشور را به دست آورد. در مهارت کاربری کامپیوتر دوره‌های ICDL2 و ICDL1 را گذراند و مدارک مربوطه را اخذ کرد. همچنین در زمینه سرودن اشعار آئینی نیز مهارت دارد. مشوقین ایشان در زمینه تحصیل دیگر موفقیت‌ها به غیر از خانواده معلمین نیز بوده‌اند.

محمد رضا شکرانی (متولد ۱۳۸۴)

نابینا، محصل (چهارم ابتدایی)

در رشته اذان فعالیت می‌کند، و از دوران مدرسه شروع به آموزش کرده است زیر نظر آقای نظری، و در مسابقات مشهد بهزیستی سال ۹۵ مقام سوم را کسب کرده است، ۱۶ آیه از قرآن را حفظ می‌باشد.

کبری شمس (متولد ۱۳۵۸)

نابینا، لیسانس ادبیات فارسی

حفظ و قرائت، در سال ۹۱ یا ۹۲ در رشته قرائت شرکت کرده که حائز مقام و رتبه‌ای نشده است.

الله وردی شمع آبادی (متولد ۱۳۶۱)

نابینا، پایه ۷ حوزه

حافظ جزء ۱ و ۳۰ قرآن می‌باشد، طلبه و مبلغ می‌باشد.

حمیده شیخی (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، کارشناسی ادبیات عرب، دانشگاه تهران، سطح ۲ حوزه حدود ۵ سال می‌باشد که در زمینه حفظ و ترتیل قرآن فعال هست. در زمینه

حفظ حافظه جزءهای ۱ تا ۲۰ و ۲۶ تا ۳۰ می‌باشد و در این رابطه مقام اول مسابقات مشهد در سال ۱۳۹۵ و مقام اول مسابقاتی که در سطح کانون‌ها و مساجد استان برگزار می‌شد، را کسب کرد. همچنین دوره‌هایی را در زمینه حفظ قرآن در منزل خود برای بچه‌های محل برگزار می‌کند. در زمینه نویسندگی و شعر نیز مهارت دارد. در زمینه مهارت کامپیوتر دوره‌های ICDL را گذرانده و مدارک مربوطه را اخذ کرده است. همچنین در رشته ورزشی شنا نیز فعال می‌باشد. مشوق و حامی من در رابطه با فعالیت‌هایش مادرش می‌باشد که کارمند بازنشسته بهزیستی هست.

محمود صادقی کبیر (متولد ۱۳۷۳)

نابینا، دانشجوی کارشناسی

دانشجوی کارشناسی تفسیر قرآن کریم در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم می‌باشد. حدود ۶۰ صفحه از قرآن را قبلاً حفظ بوده و به مدت ۳ سال هم گلبال کار می‌کرده است. از سال ۱۳۸۸ به علت خونریزی شبکیه نابینا شده است.

محمد رضا صفایی صابر (متولد ۱۳۵۹)

کم بینا، دیپلم انسانی

در رشته اذان و تواشیح فعالیت دارم. فعالیت در رشته اذان را از سال ۹۰ و با شرکت در مسابقات سازمان بهزیستی و تأمین اجتماعی شروع کرد، هم اکنون عضو یک گروه تواشیح ۴ نفره به صورت خصوصی و با مدیریت آقای اشعری می‌باشد. مهارت در مداحی دارد و قبلاً در رشته وزنه برداری فعالیت داشته است. همچنین مدارک رایانه کار درجه ۱ و ۲ را هم کسب کرده است.

هادی ضیائی فر (متولد ۱۳۶۸)

نابینا، لیسانس زبان و ادبیات فارسی

حافظ ۱۲ جزء قرآن کریم می‌باشد. در مسابقات دانشگاهی شرکت می‌کرده که

جوایزی دریافت کرده است. مدارک ICDL درجه یک و دو و همچنین برنامه نویسی VB6 را هم دریافت نموده است. و در حال حاضر هم مشغول آموزش زبان و ترم تکمیلی زبان را پشت سر می‌گذارد، مسئول ساخت برنامه ادبیات در رمضان در برنامه رادیو رویش در رادیو جوان پخش شده است، قبلاً در رشته وزنه برداری فعالیت داشته و الآن در رشته گلبال مشغول است.

علاءالدین طاهری سیمکانی (متولد ۱۳۶۷)

نابینا، کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

اصالتاً اهل شهرستان بوانات استان فارس، حافظ ۱۰ جزء از قرآن کریم، مقام اول حفظ مسابقات استان فارس فرزندان کارمندان اداره برق، مقام اول ترتیل استان فارس، کسب مقام‌های دانش‌آموزی در سالهای ۸۰-۸۱ بازیگر برتر تئاتر مقام اول، سال ۸۱-۸۲ بازیگر برتر تئاتر، مقام دوم سرود، مقام سوم مسابقات علمی، ۸۲-۸۳ مقام اول سرود جشنواره نماز، مقام اول مسابقات علمی و مسابقات شعر، ۸۳-۸۴ مقام اول مسابقات علمی و مقام اول شعر، مقام دوم مسابقات مفاهیم قرآن، سال ۸۶-۸۷ مقام اول مسابقات اذان، مقام اول مسابقات حفظ، زبان انگلیسی تقریباً مسلط می‌باشد. مدرک مربیگری مقدماتی و پیشرفته قرآن از دانشگاه قم

مهدی طریقی احسن (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، دانشجوی ترم آخر رشته کشاورزی در مقطع کارشناسی ارشد در دوران دانش‌آموزی در زمینه قرائت قرآن فعال بود و در آموزشگاهی در خیابان صفائیه دوره مربوطه را گذراند. قرآن را به سبک عبدالباسط قرائت می‌کرد و در مقطع سوم راهنمایی در مسابقات استانی مقام دوم را کسب کرد. همچنین در همان دوران در رشته ورزشی تنیس روی میز فعال بود. مشوق او در موفقیت‌هایش مادرش می‌باشند.

محدثه ظفری (متولد ۱۳۷۴)

نابینا، دیپلم علوم انسانی

او در زمینه ورزش فعالیت خاصی نداشته، همین‌طور در فعالیت‌های هنری ورود نداشته است. اما فعالیت قرآنی در رشته حفظ داشته و طی دو تا سه سال جزء ۱ تا ۹ را حفظ کرده است. سال گذشته در مسابقات مشهد که از طرف اداره استثنایی برگزار شد، در رشته پنج جزء مقام اول کشور را کسب کرد. همچنین در انجمن ادبی صبح اشراق، در حوزه ادبیات و نقد کتاب و شعر فعالیت دارد.

ظریفه عابدی کوچکه قلعه (متولد ۱۳۶۰)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد حدود ۵ سال می‌باشد که به عنوان خادم در بخش ارشاد و انتظامات حرم حضرت معصومه سلام الله علیها افتخار خدمت دارم. علاقه و انگیزه شخصی و تشویق خانواده عامل پیشرفت او در تحصیل و دیگر فعالیت‌ها می‌باشد.

زهرا عابدینی (متولد ۱۳۷۵)

نابینا، دانشجوی حقوق

حافظ جزء ۱ و ۳۰ از قرآن کریم می‌باشد در سطح استان قم چند مقام قرآنی داشته است. مشوقین اصلی او هم در زمینه تحصیلی و قرآنی در درجه اول خانواده و در درجه دوم دوستانش بوده‌اند.

سیامک عباسی (متولد ۱۳۵۹)

کم بینا، لیسانس سطح ۲ حوزه و کارشناس ارشد فقه و حقوق
حوزوی و در زمینه شنا فعالیت دارد و همسر خانم معصومه محمدی است.

سید محمد عباسی کومله (متولد ۱۳۴۸)

ناشنا و معلولیت انگشتان دست و پا، کارشناسی تاریخ

او هم اکنون دبیر ادبیات و زبان فارسی و تاریخ مدرسه ناشنوایان ۲۰ سال سابقه آموزش ادبیات و تاریخ به ناشنوایان را دارد. وی در مسابقات تفسیر قرآن کریم بسیج قم شرکت کرد و مقام دوم را کسب نمود. در جشنواره تدریس کشوری مشارکت داشت و مقام اول را به دست آورد. در جشنواره تدریس استانی شرکت داشت و مقام اول را به دست آورد. در مسابقات فرهنگی معلمان استثنایی کشور در رشته معرق حضور داشت و مقام اول را کسب کرد. نیز در مسابقات تنیس معلمان استثنایی قم و ناشنوایان قم حضور فعال داشته و مقام‌های اول و سوم را به دست آورده است. از این‌رو عباسی کومله را باید ناشنوای فعال در رشته‌های مذهبی مثل آموزش قرآن کریم؛ در مربی بودن و حتی در ورزش مثل تنیس هم فعالیت داشته و موفق بوده است. بنابراین آقای عباسی در بسیاری از زمینه‌ها و رشته‌ها صاحب موفقیت شده است.

قاسم عطایی (متولد ۱۳۴۷)

کم شنوا، نابینا، حوزوی

۱۳۴۷

RP می‌باشد، ۱۲ سال درس خارج حوزه خوانده است.

رقیه عظیمی (متولد ۱۳۶۱)

جسمی حرکتی، کارشناسی حقوق

به عنوان خادم القرآن در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها فعالیت داشته است. در زمینه مهارت‌های کامپیوتر دوره‌های مبانی کامپیوتر، برنامه نویسی بیسیک و حسابداری مقدماتی و تکمیلی را سپری کرده است. مشوقین او در فعالیت‌هایش اعضای خانواده می‌باشند.

اعظم قاسمی (متولد ۱۳۵۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی روانشناسی

کارشناس روانشناسی عمومی، قاری قرآن، آشنایی با نرم افزار آفیس و طراحی سایت. تدریس قرآن به نابینایان (حفظ، روخوانی)، کسب چندین مقام کشوری در مسابقات قرآن معلولین و کسب مقام اول استانی، از سال ۸۴ در رشته قرائت ترتیل فعال می‌باشد و عضو انجمن بانوان فرهیخته سازمان تبلیغات استان قم.

محمد رضا قزوینیان (متولد ۱۳۶۱)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی در مقطع کارشناسی ارشد

در زمینه ورزش در رشته‌های تنیس روی میز و شطرنج فعالیت مختصری دارد. در زمینه قرائت قرآن مهارت دارد و در دوران دانش‌آموزی مقام پنجم استان، که آن زمان قم هم جزء استان تهران بود، را کسب نمود. همچنین در زمینه هنر در رشته خطاطی نیز فعال می‌باشد.

زهرا قنبری (متولد ۱۳۵۲)

نابینا، بیسواد

حافظ ۹ جزء از قرآن کریم است. در مسابقات بهزیستی استان قم شرکت داشته که موفق به کسب مقامی نشده است. فقط در رشته نماز در سال ۹۱ مقام دوم استانی را کسب نموده است. قبلاً در رشته گلبال فعالیت داشته است.

اعظم قهرمان شهرکی (متولد ۱۳۶۸)

نابینا، کارشناسی

حافظ ۱۰ جزء از قرآن می‌باشد.

حمیده کریمیان (متولد ۱۳۵۸)

جسمی حرکتی

حافظ کل قرآن، سابقه ۱۶ سال تدریس در رشته‌های روخوانی، مفاهیم و حفظ

و تربیت ده ها حافظ کل قرآن در مؤسسه قرآنی فرهنگی "بیت الاحزان حضرت زهرا (س)" واقع در شهر قم را دارد، مدیر مؤسسه بیت الاحزان حضرت زهرا(س)، حافظ نمونه و معلم توانمند قرآن کریم از سومین همایش بانوان قرآن پژوه بین الملل، بانوی نام آور و نان آور در همایش تجلیل از هفتاد زن نمونه کشور و دریافت ده ها لوح تقدیر با عناوین قرآن پژوه و معلم نمونه و نیز معلول نمونه کشور بانوی ایثار و استقامت و کسب عنوان معلول موفق کشور در ۱۲ سال پیاپی می باشد.

نرگس گل وردی (متولد ۱۳۶۲)

نابینا، لیسانس الهیات

در رشته قرائت تحقیق فعالیت می کند، از دوران ابتدایی در مسابقات بهزیستی و آموزش و پرورش شرکت می کرده که مقام سوم و چهارم کشوری و همچنین مقام دوم استانی در آموزش و پرورش را کسب نموده است. دارای مدرک تربیت معلم از سازمان تبلیغات و در رشته گلبال هم فعالیت می کرده که مقام استانی و کشوری را دارد، مهارت در توشیح، روخوانی قرآن و تحوید، مداحی، تایپ و اپراتوری کامپیوتری را دارد.

شهربانو گلستانی (متولد ۱۳۴۳)

نابینا، ششم ابتدایی

در زمینه فعالیت های قرآنی حافظ جزءهای ۱، ۲۹ و ۳۰ می باشد. در زمینه ورزش در رشته گلبال فعال بوده و یک مقام اولی و سومی مسابقات کشوری را در کارنامه خود دارد. همچنین در زمینه قالیبافی نیز فعال است. مشوق خود را در زمینه حفظ قرآن مربی خود خانم اعظم قاسمی می داند.

سید محمدرضا لاجوردی (متولد ۱۳۲۹)

نیمه شنوا، ششم ابتدایی

به عنوان رئیس کانون ناشنوایان استان قم فعال می باشد.

فاطمه محبی (متولد ۱۳۶۳)

کم بینا، دیپلم

حافظ کل قرآن می‌باشد، سال ۸۷ مسابقات رشته ترتیل که از طرف سازمان بهزیستی برگزار شد مقام اول استانی را کسب کرد، در سال ۸۳-۸۴ در رشته کاراته ۲ مقام استانی مدال برنز را کسب کرد.

زهرا محبی (متولد ۱۳۶۶)

کم بینا، سیکل

حافظ ۲۰ جزء از قرآن کریم می‌باشد، در مسابقات کشوری سه بار شرکت کرد که حائز مقامی نشد، در رشته کاراته از سال ۸۲ تا ۸۴ هم فعالیت می‌کرده که یک مدال برنز و یک مدال نقره دارد.

رضا محمودی (متولد ۱۳۶۸)

کم بینا، دانشجوی رشته حقوق خصوصی در مقطع کارشناسی ارشد

در زمینه قرآن در رشته تفسیر موضوعی فعال بوده و با کانون قرآن و عترت دانشگاه قم همکاری داشته است. در این رابطه شاخص‌ترین موضوعاتی که به آن پرداخته اعتدال و میانه روی در قرآن و تدبیر و اندیشه در قرآن می‌باشد. انگیزه و پشتکار فردی و تشویق اساتید عوامل پیشرفت من در تحصیل می‌باشد.

مریم مرادی (متولد ۱۳۵۸)

نابینا، دیپلم

تا کنون موفق به حفظ ۸ جزء از قرآن کریم شده است. در مسابقات متعددی شرکت داشته است و مقام‌هایی را به دست آورده است، از جمله در مسابقات بهزیستی استانی چندین سال مقام اول را آورده و به مسابقات کشوری راه یافته است. سال ۹۵ در مسابقات کشوری بهزیستی در مشهد در رشته حفظ ۵ جزء

توانست مقام سوم را در بین نابینایان کسب کند. همچنین در سال ۹۵ در مسابقات شهرستانی و استانی اوقاف شرکت کرده است. در مسابقات استانی جزء ۱ مقام دوم، جزء ۳ مقام دوم، جزء ۵ مقام اول را به دست آورده است. در زمینه قالی بافی نیز آموزش دیده است. در رشته گلبال نیز فعال بوده و در مسابقات که در مشهد برگزار شد مقام دوم را کسب کرد.

لیلا ملک زاده (متولد ۱۳۷۵)

کم شنوا، کارشناسی رشته دوخت تکنولوژی در رشته‌های ورزشی دومیدانی و آمادگی جسمانی فعالیت مختصری داشته است. همچنین در مسابقات دانش‌آموزی احکام که در شیراز در سال ۱۳۸۹ برگزار شده بود مقام دوم را کسب کرد. مشوقین من در موفقیت‌هایش در درجه اول خانواده و سپس معلمانش بوده‌اند.

محمدعلی ملک نژاد (متولد ۱۳۶۳)

کم بینا، دیپلم، تحصیلات حوزوی سطح یک در زمینه مداحی و تواشیح هم مهارت دارد. استاد مداحی ایشان آقای حاج عباس حیدرزاده و آقای فلاح و آقای داود چاوشی هستند. مسلط به بخش سخت افزار کارهای مخابراتی و تلفن، مدتی هم در جمکران مشغول به کار بوده است. از طرف آستان مقدس جمکران برای همکاری در بخش مخابرات تقدیرنامه دریافت کرده است.

زهرا موسوی (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد هوش مصنوعی او چند سال است به حفظ قرآن رو آورده و در زمینه‌های هنر و ورزش و امور اجتماعی ورود نداشته و تمام انرژی خود را در حفظ قرآن کریم گذاشته است. و توانسته جزءهای ۱ و ۲ و ۳۰ را حفظ کند.

عمار موسوی (متولد ۱۳۵۹)

کم بینا، سیکل

در قرائت ترتیل فعالیت دارد، حدود ۵ سال پیش در مسابقات قرآن در سازمان بهزیستی شرکت کرده ولی به علت اینکه در آنجا کتاب خط درشت نداشتند نتوانست در مسابقات حضور پیدا کند. قبلاً در رشته وزنه برداری فعال بوده است.

حسین مهجوریان (متولد ۱۳۱۴)

نابینا، حوزوی

از ده سالگی به علت فشار چشم نابینا شد. در کودکی به مدرسه نرفته و وارد حوزه شده است. از زمان آیت الله بروجردی وارد حوزه شده است. در شهر قم هم منبرهایی دارد و در ابتدا مستحبات، واجبات و بعد حدیث و ذکر مصیبت و احکام را هم می‌گوید.

محمدعلی نادری قمی (متولد ۱۳۸۰)

نابینا، محصل پایه هفتم

حافظ ۳ جزء از قرآن، از کودکی با رکورد حفظ می‌کرده است. سال قبل یک ماه دوره آموزشی صوت و لحن دیده است و امسال هم هفته‌ای ۲ بار آموزش می‌بیند. صوت به صورت عبدالباسط کار می‌کند. در مسابقات بهزیستی سال ۹۵ در مشهد در رشته اذان شرکت کرده است. وزنه برداری کار می‌کرده است که بعلت کم بودن سن فعلاً متوقف شده است.

مرتضی نصراللهی (متولد ۱۳۳۹)

کم بینا، طلبه درس خارج حوزه

در لشکر ۲۷ تهران مشغول جهاد در جبهه حق علیه باطل بود. در سال ۱۳۶۶ در عملیات بیت المقدس ۲ از ناحیه چشم مجروح شد و به درجه جانبازی نائل آمد.

از سال ۱۳۷۵ وارد حوزه شد و از محضر اساتید چون استاد میری، استاد خسروشاهی، استاد عابدی و سایرین کسب علم نمود. هم اکنون مشغول تبلیغ می‌باشد. لطف خدا عامل موفقیت‌های او در تمامی مراحل تحصیل و زندگی می‌باشد.

محمد واحیدیان پنبه زاری (متولد ۱۳۷۱)

نابینا، سطح ۲ حوزه

از ۶ سالگی حفظ قرآن را شروع کرد و هم اکنون حافظ کل قرآن می‌باشد. در سال ۱۳۷۸ در مسابقات بهزیستی کل کشور در شهر اهواز در رشته حفظ ۱۰ جزء مقام دوم را کسب کرد. در سال ۱۳۸۶ در مسابقات نیروی زمینی سپاه در شمال کشور در رشته ترتیل مقام اول را از آن خود کرد. در مسابقات دانش‌آموزی استثنایی کل کشور در سال ۱۳۸۸ در شهر کرمان رتبه اول کشور را کسب نمود و همچنین در سال ۱۳۹۱ در مسابقات بهزیستی کل کشور در شهر بابلسر در رشته حفظ ۲۰ جزء مقام دوم را کسب کرد. نیز در مسابقات مفاهیم قرآن که توسط نیروی زمینی سپاه پاسداران در شهر گرگان برگزار می‌شد مقام اول را به دست آورد. از دیگر فعالیت‌های او همکاری با جمعی از دوستان در تاسیس مؤسسه قرآنی روح الامین بود که این امر در شهر ساری در سال ۱۳۸۵ انجام پذیرفت. این مؤسسه به صورت تخصصی برای آموزش نابینایان فعالیت می‌کرد و شعبه‌های دیگری از این مؤسسه در شهرستان‌های اطراف برای این امر دایر شده بود. در زمینه نویسندگی در داستان نویسی و شعر طنز مهارت دارد و آثاری را هر چند محدود و مختصر خلق کرده است. در زمینه کاربری کامپیوتر دوره ویندوز را گذرانده و مدرک مربوطه را اخذ کرده است. مشوقین او در این راه پدر و مادرش می‌باشند که از دوران خردسالی تا امروز حامی و پشتیبان او بوده‌اند.

ناصر وکیلی (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، سوم راهنمایی

اینجانب در قرائت و روان‌خوانی قرآن مهارت دارد و در مسابقات بهزیستی استان قم مقام دوم را کسب کرد. مشوقین او در این زمینه پدر و برادرش می‌باشند که هر دو استاد قرآن هستند.

سید هاشم هاشمی (متولد ۱۳۲۷)

نابینا، دروس حوزه

دروس حوزه را از دوران کودکی در محضر پدر که روحانی بودند به صورت آزاد گذراند. پس از آنکه در سال ۱۳۵۸ از شهر نجف به قم نقل مکان کردند، وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتیدی چون آقای وجدانی و سایرین کسب علم نمود. و در زمینه تبلیغ، منبر، اقامه نماز جماعت و ... فعال می‌باشد.

تقی یوسفی مفید

جسمی حرکتی

مدیر عامل مؤسسه حامیان حقوق معلولان قم و همچنین رئیس مؤسسه نیکو تلاش سبز می‌باشد.

ورزش

اعظم آرزومند (متولد ۱۳۵۶)

جسمی حرکتی، دبیرم جامعه الزهرا

قهرمان کشوری در رشته شنا و دومیدانی پرتاب نیزه و والیبال نشسته. در زمینه قرآن هم قرائت تحقیق. مسابقات بسیج دو سال مقام اول استانی و ناحیه‌ای و در مسابقات استانی بهزیستی هم مقام دوم را کسب کرد. در زمینه قالیبافی هم فعال است. از سال ۱۳۷۵ ورزش را شروع کرد و ابتدا در رشته شنا فعال بود. از سال ۸۷ وارد رشته دو و میدانی شد و پرتاب نیزه کار می‌کند. در استانی مقام‌های اول، دوم و سوم را به دست آورد. در کشوری هم هر سال مقام اول را به دست آورد. اولین مسابقه کشوری در سال ۸۰ شرکت کردم و یک مقام دوم تیمی (۴*۵۰ متر تیمی) و مقام سومی انفرادی در رشته کراس سینه را کسب کرد. کسب مقام در مسابقات دوم دی ۹۵ مدال طلا (۱۰۰ متر آزاد) و مدال طلا (۵۰ متر آزاد) و مقام دوم کراس پشت و تیمی و طلا در ۴*۵۰ متر تیمی و مقام اول در مسابقات کشوری در رشته شنا ماده ۴*۵۰ متر آزاد تیمی کلاس S7-S10 در شهر قم سال ۱۳۹۵، مقام دوم در اولین دوره مسابقات باشگاهی در رشته شنا ماده ۴*۵۰ متر آزاد تیمی کلاس S1-S10 در شهر البرز سال ۱۳۹۰، مقام اول در مسابقات باشگاهی در رشته دو و میدانی ماده پرتاب نیزه کلاس F44 در شهر قم سال ۱۳۹۵، مقام اول در مسابقات کشوری در رشته شنا ماده ۵۰ متر آزاد کلاس S9-S10 در شهر قم سال ۱۳۹۵، مقام اول در مسابقات کشوری در رشته شنا ماده ۱۰۰ متر آزاد در شهر قم سال ۱۳۹۵، مقام دوم در مسابقات کشوری در رشته شنا ماده ۱۰۰ متر کراس پشت کلاس S9 در شهر قم سال ۱۳۹۵، مقام اول در مسابقات به مناسبت گرامیداشت ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها در رشته شنا ماده ۳۳ متر آزاد کلاس S8 در شهر قم سال ۱۳۹۵، مقام سوم در اولین دوره مسابقات جشنواره بزرگ میلاد کوثر در رشته شنا ماده ۴*۲۵ متر مختلط تیمی A کلاس S1-S10 سال ۱۳۸۲، مقام اول در مسابقات

به مناسبت گرامی‌داشت دهه فجر در رشته والیبال نشسته در شهر قم، مقام دوم در مسابقات کشوری در رشته دو و میدانی کلاس F44 در شهر البرز سال ۱۳۸۹، مقام سوم در مسابقات شهرداری تهران در رشته شنارده سنی آزاد، مقام سوم در مسابقات قهرمانی کشوری در رشته دو و میدانی ماده پرتاب نیزه کلاس F44 در شهر قم سال ۱۳۷۸، مقام سوم در مسابقات قهرمانی کشوری در رشته دو و میدانی ماده پرتاب نیزه کلاس F44 در شهر قم سال ۱۳۸۹، مقام دوم رده جوانان در مسابقات قهرمانی دهه فجر در رشته دو و میدانی ماده پرتاب نیزه در شهر قم سال ۱۳۷۷، مقام سوم در رشته شنای آزاد سال ۱۳۸۷، مقام سوم در مسابقات روز جهانی معلولین در رشته شنا ماده ۶۶ متر قورباغه سال ۱۳۷۸، دریافت لوح تقدیر از مدیر کل بهزیستی استان البرز برای فعالیت‌های ورزشی، دریافت لوح تقدیر از استاندار قم در سال ۱۳۸۷ برای فعالیت‌های ورزشی، گواهینامه پایان دوره آموزش فیلمبرداری مقدماتی در سال ۱۳۸۳، با پشتکار خود و تشویق‌های خانواده و بالاخص برادرش به این موفقیت‌ها دست یافته است.

خدیجه آقاپور (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، دیپلم (پشت کنکوری)

او در زمینه ورزش در رشته دو و میدانی کار کرده و بیش از دو سال است تلاش می‌کند. در مسابقات مشهد، مقام سوم ایران را به دست آورد و موجب افتخار قمی‌ها شد. نقاشی و معرق علاقه ذاتی به هنر دارد و قبلاً در رشته‌های نقاشی و معرق کار کرده و در حال حاضر در رشته تئاتر کار می‌کند. و الآن در گروه تئاتر در رعد فاطمیه قم کار می‌کند. یعنی نزدیک ۳ سال است در این تیم است.

امیرحسین آقایی (متولد ۱۳۵۸)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد رشته مدیریت امور فرهنگی، حوزوی
ایشان غیر از فعالیت علمی در زمینه ورزش هم فعال می‌باشد و عضو تیم والیبال نشسته استان قم و عضو تیم ملی جوانان هم بوده است و امسال برای تیم آمل

بازی می‌کند. بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ با تیم قم ۲ بار قهرمان ایران و ۱ بار هم قهرمان لیگ شد و در سال ۱۳۹۳ با تیم تدبیر پرداز اصفهان قهرمان کشور شد. در لیگ دسته ۱ و با تیم مازندران هم ۲ بار قهرمان ایران شد. یک بار در مسابقات زیر ۲۳ سال کشور و یک بار هم در مسابقات زیر ۲۵ سال کشور، در درجه اول حمایت‌های خانواده و همسرش و در درجه دوم دوستانش او را بسیار کمک کردند.

اسماعیل ابوطالبی (متولد ۱۳۶۵)

جسمی حرکتی، از ناحیه دو پا، کارشناسی علوم سیاسی او دارای کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه آزاد قم است. در مسابقات ورزشی توانست مقام در سطح استان قم و کشور و یا بین‌المللی کسب کند. تا کنون چهار مقام قهرمانی دارد. در رشته بسکتبال با ویلچر در ۱۳ سال گذشته عضو تیم استان قم است. در این ۱۳ سال چهار مقام قهرمانی با تیم بسکتبال با ویلچر ایثار قم در سوپر لیگ کشور و دو نایب قهرمانی به دست آورده است. یک مقام سوم قهرمانی کشور با خود تیم استان، یک مقام سوم بین‌المللی با بسکتبال با ویلچر تیم ایثار قم به دست آورده است. همه اینها سال گذشته و در اصفهان بوده است. از چهار تیم از باشگاه‌های ایران، از روسیه قزاقستان و خواهر خوانده اصفهان در این مسابقات شرکت داشتند. نیز در رشته‌های دو میدانی، ماده پرتاب وزنه و نیزه فعالیت داشته است. اما در حوزه فعالیت‌های هنری در رشته تئاتر یا تئاتری‌ها هم کار کرده است. آقای لاریجانی به عنوان نماینده قم و رئیس مجلس شورای اسلامی از تئاتری‌ها تقدیر کرد و لوح تقدیر داد. دو سال هم نخبه استانی انتخاب شده است.

سه سال پیش، یعنی از سال ۹۳ در ورزش، به عنوان نخبه قمی معرفی شده است. یعنی دو سال پشت سر هم به عنوان نخبه استانی معرفی شده و از آقای لاریجانی، لوح تقدیر گرفته است. همین موفقیت موجب شد تا برای شورای شهر قم کاندیدا شود.

او به اصرار دوستانش برای شورای شهر قم ثبت نام کرده و تأیید هم شده و به

پشتوانه همین دوستان شرکت کرده است. اگر بتواند راه پیدا کند و موفق شود، در زمینه اشتغال معلولین کار خواهد کرد. خودش معتقد است وضع اشتغال و مناسب سازی معلولان قم رضایت بخش نیست و با رفتن به شورا می‌تواند اقدامات مناسبی انجام دهد.

میثم اخوان ارمکی (متولد ۱۳۶۲)

ناشنوا، دانشجوی ارشد مدیریت ورزشی

در زمینه هنرهای تجسمی، گرافیکی مهارت دارد. در ورزش کاراته و والیبال فعالیت دارد. مقام‌های کسب شده توسط ایشان عبارتند از: مقام قهرمان کاراته جهان ناشنوا (المپیک)، مقام اول تیمی طلا کویت و ۲۰۱۳ در بلغارستان. از سال ۱۳۷۴ تا به امروز کاراته کار می‌کند. قبلاً مدیر کانون ناشنوایان قم بود. از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ مجله صدای ناشنوا خاموش را چاپ و تولید می‌کند.

سپهر ادیب زاده (متولد ۱۳۷۲)

ناشنوا، دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی معماری

غیر از بحث تحصیل در زمینه ورزشی هم در رشته تکواندو و بدنسازی فعالیت دارد که فقط یکبار در مسابقات استانی توانست مقام دومی را کسب کند. در انجام این کارها همیشه خانواده او باری کرده‌اند.

اسماعیل اسدی (متولد ۱۳۵۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد مهندسی عمران

او زمینه ورزش فعالیت‌های داشته مقام‌هایی در سطح استان و کشور کسب کرده است. در رشته شنا و رشته تنیس با ویلچر از حدود ۲۰ سال قبل کارش را شروع کرده و در هر دو رشته حدود ۲۰ مقام قهرمانی کشوری به دست آورده است. اما در رشته کامپیوتر دوره‌های ICDDL را گذرانده است. او با تلاش، پشتکار و تجربه‌آموزی از دیگران به این پیشرفت‌ها رسید و امید دارد در آینده پیشرفت‌های

مهم‌تری به دست آورد.

محسن اسکندری (متولد ۱۳۴۸)

جسمی حرکتی، سطح ۴ حوزه، درس خارج

او در زمینه ورزش رشته شنا کار کرده و حدود ده سال است فعالیت دارد. با شرکت در مسابقات، توانسته مقام دوم استان قم و مقام سوم تیمی در کشور را به دست آورد. نیز در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی طلبگی کار کرده است. در تحصیلات حوزوی و فعالیت‌های ورزشی با همت و پشتکار خودش و با راهنمایی بزرگان و استادان به موفقیت رسیده است.

احمد اسلامی (متولد ۱۳۵۶)

جسمی حرکتی، کاردانی حسابداری

در زمینه ورزش و مشخصاً رشته دو و میدانی فعالیت داشته است. از سال ۱۳۸۲ در رشته دو و میدانی ماده‌های دو ۴۰۰، ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر کار کرده است. توانسته مقام کشوری یک در فوتبال کسب کند. البته دوره‌ای بود که در رشته فوتبال هم کار می‌کرده است. و با تیم تهران، در فوتبال قهرمان ایران شد. در رشته فوتبال هفت نفره کار می‌کرده است.

او از سال ۸۲ به بعد مقام‌های مختلف در دو و میدانی دارد. بر اثر تلاش‌های مستمر و پشتکار توانسته طلا، نقره و برنز به دست آورد. در رشته کامپیوتری ICDL درجه دو و یک را مدرک دارد. و در فعالیت قرآنی مثل حفظ و قرائت، در حد متوسط، کار کرده است. او با تکیه بر استعدادها و ظرفیت‌های درونی خودش توانسته به مدارجی برسد.

حسین افتخاری (متولد ۱۳۶۱)

جسمی حرکتی، از ناحیه پای راست، دیپلم کامپیوتر

آقای افتخاری در دوره‌هایی مثل برنامه‌نویسی، فتوشاپ، گرافیک، فری هند و

کورل مهارت آموخته است. و در رشته‌های کامپیوتری تسلط کافی به دست آورده است. او در ورزش فعالیت‌هایی داشته و مقام‌هایی در سطح استان و کشور کسب کرده است. از سال ۷۹ تا سال ۸۶ عضو تیم والیبال نشسته استان قم بوده و نزدیک سه تا چهار سال هم عضو تیم ملی بوده است. در زمانی که در تیم ملی بود در مسابقه با بوسنی، تیم بوسنیایی را شکست دادند.

در حوزه قهرمانی کشور، با تیم استان قم، مقام‌هایی بسیار به دست آورده است. او در قهرمانی کل کشور بعد در لیگ و در سوپر لیگ و نیز همراه با تیم اراک جوانان قهرمان شده است. همچنین برای تیم مازندران بازی کرد و قهرمان شده است. او سال ۸۷ قهرمان قهرمانان در قم شد. در حوزه ورزش به دلیل علاقه ذاتی و نیز به دلیل تشویق مربی‌ها پیشرفت‌های خوبی کسب کرد. اما در رشته کامپیوتر با اینکه آن را دوست می‌داشت، ولی نتوانست ادامه بدهد. چون مجبور بود کار کند و مخارج زندگی و خانواده‌اش را تأمین نماید. به خاطر همین نتوانست تحصیل را ادامه بدهد. نهادهایی مثل بهزیستی که باید مساعدت کنند اما عملاً کاری نمی‌کنند.

لیلا الهی (متولد ۱۳۵۲)

جسمی حرکتی، کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت برنامه‌ریزی در زمینه قرائت ترتیل فعالیت دارد، تنها دو بار در مسابقات بهزیستی در سطح کشور شرکت کرد بار اول که در بابلسر بود مقامی کسب نکرد و بار دوم در سال ۹۳ که در مشهد برگزار شد در رشته قرائت ترتیل مقام سوم را کسب کرد. در مسابقات استانی هم پنج سال است که شرکت می‌کند که در این مسابقات هم حائز رتبه‌هایی نیز شده است، در نقاشی با مداد رنگی، رنگ روغن، آبرنگ و سیاه قلم فعال است. در زمینه خیاطی، در رشته شنا و دومیدانی و همچنین گلدوزی با دست هم مهارت دارد، در سال ۸۷ در رشته نقاشی تدریس خصوصی داشته است، بعضی از تابلوهای نقاشی را هم به فروش رسانده است، در رشته شنا از سال ۷۷ شروع به فعالیت کرده است و تا الآن ادامه دارد و حاصل فعالیتش ۳۴ مدال طلا، ۷

نقره و ۲ برنز در مسابقات کشوری و لیگ بوده است، سال ۸۱ و ۸۲ به عنوان قهرمان قهرمانان انتخاب و به شبکه سوم سیما دعوت شد. سال ۸۰ و ۸۳ به عنوان قهرمان قهرمانان شنا در کشور انتخاب شد، در رشته ویلچررانی ۲ برنز و ۱ نقره و در پرتاب دیسک مقام سوم کشوری در مسابقات معلولین را دارد، در رشته تیر و کمان استانی بین افراد سالم مقام‌های اولی و دومی داشته است. در مسابقات کشوری بین چند استان در ۳۰ متر در بین افراد سالم مقام دوم کسب کرد.

مصطفی امیرآبادی (متولد ۱۳۷۵)

جسمی حرکتی، دیپلم انسانی

در زمینه فوتبال و تئیس روی میز فعالیت دارد. مقام هم در زمینه دانش آموزی دارد.

سعید اویسی (متولد ۱۳۵۵)

جسمی حرکتی، فلج اطفال، کارشناسی دبیری

پس از دبیرستان به دانشگاه رشته دبیری رفت و با اخذ مدرک کارشناسی به تدریس در آموزش و پرورش اقدام کرد. ولی در نهایت به حسابداری روی آورد و سال‌ها است حسابدار است.

اما بیشترین دغدغه و فعالیت او در رشته ورزش و والیبال نشسته است. فکر کنم حدود بیست سالی عضو تیم والیبال نشسته استان قم می‌باشد. در طول فعالیت‌های ورزشی حدود سه یا چهار بار قهرمانی کشوری و مقام سوم کشوری معلولین را به دست آورده است. در سال ۸۳ و ۸۴ در شمال به مسابقات سوپر لیگ کشوری دسته یک وارد شد. در لیگ دسته یک، سوم شد، اول شدند، دوم شدند. البته تعداد مقاماتی که دریافت کرده بسیار زیاد است.

به جای فعالیت‌های هنری و مذهبی و اجتماعی، وقت و استعدادش را در ورزش مصرف کرد. الآن مربی است و اولین داور والیبال نشسته استان قم بوده است. از سال ۱۳۸۲ داوری خودش را شروع کرده است. او حدود دو سال سابقه مربیگری دارد.

محسن اهوز (متولد ۱۳۷۵)

نابینا، کارشناسی حقوق

در رشته وزنه برداری نابینایان چند سالی هست فعالیت دارد. که بهترین مقامی که موفق به کسب آن شد مقام دوم قهرمانی کشور در رده سنی جوانان در سال ۹۳ در گیلان با وزنه ۴۴۵ کیلوگرم بوده است. در سطح استانی در پاورلیفتینگ مقام اول و مقام دوم پرس سینه (رکورد ۱۱۵ کیلوگرم) در رقابت با افراد عادی در سال ۹۳ را دریافت کرد. در زمینه ساز و موسیقی هم به صورت غیر حرفه‌ای کار می‌کند. خانواده از بهترین مشوقین او بوده‌اند.

نرگس بابادی (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، سیکل

در زمینه شیرینی پزی و آرایشگری مهارت دارد. در زمینه منجق کاری فعالیت داشته است. و بسکتبال با ویلچر کار می‌کرده است و تقدیرنامه هم دریافت کرده است.

فاطمه بادی (متولد ۱۳۷۱)

روان و اعصاب، لیسانس حسابداری

تا قبل از دوران پیش دانشگاهی در زمینه‌های ورزشی و هنری و بسیج فعال بود. ولی به دلیل اوج گرفتن بیماری اعصاب فعالیت‌هایم را کنار گذاشته است.

مسعود باقری (متولد ۱۳۶۳)

کم‌بینا، کارشناسی علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری

کسب رتبه‌های برتر در گلبال، کسب مقام قهرمانی کشور در مسابقات NGOهای کشور در استان اصفهان رشته گلبال، نایب قهرمانی در رشته گلبال در مسابقات دانش آموزی کل کشور، مقام سومی رشته گلبال در رده نوجوانان، مقام

چهارمی در رشته پاورلیفتینگ نایب‌نایان کل کشور بزرگسالان پس از گذشت ۳ سال از زندگی‌م دچار عارضه بینایی شدم و به رغم پیگیری‌های زیاد نتوانستم نتیجه بگیرم. از این‌رو تصمیم گرفتم زندگی‌م را با این کمبود جسمی به بهترین روش ممکن ادامه بدهم. در سن ۷ سالگی ابتدا به مدرسه بچه‌های سالم رفتم اما پس از مدت کوتاهی فهمیدم که نمیتوانم در این مدرسه درس بخوانم و با راهنمایی معلم عزیزم آقای بهشتی به مدرسه نایب‌نایان رفتم؛ تا کلاس سوم راهنمایی را در قم و دوران دبیرستان را در مدرسه شبانه‌روزی شهید محبی تهران ادامه دادم. در سال ۱۳۸۲ موفق به قبولی در دانشگاه در رشته جامعه‌شناسی شدم که به آن بسیار علاقه داشتم اما به دلیل پاره‌ای مشکلات نتوانستم ادامه بدهم و مجدداً در سال ۱۳۸۸ در همان رشته به دانشگاه رفتم و توانستم مدرک کارشناسی بگیرم. هم‌اکنون مشغول آماده شدن برای کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی هستم. من در طول زندگی‌م به فعالیت‌های هنری و ورزشی هم پرداختم، در هنر و موسیقی، در رشته‌های ساز کوبه‌ای مانند تنبک و آواز سنتی فعال بودم که چندین اجرا هم داشتم اما بدلیل نارضایتی پدرم کنار گذاشتم و در ورزش نیز در رشته گلبال توانستم در مسابقات انجمن‌های کل کشور که در اصفهان برگزار شد مقام اول را کسب کنم. در مسابقات دانش‌آموزی زنجان مقام دوم و در مسابقات جوانان کشور در شهر قم مقام سوم را کسب کردم. باید بگویم که در تمامی این مراحل مادر و پدرم همیشه در کنار من بودند و تلاش‌های مادرم و پیگیری‌های وی باعث شد که من بتوانم درس بخوانم، اکنون مشغول خدمات رسانی فرهنگی به جامعه معلولین هستم و در دفتر فرهنگ معلولین و در بانک جامع اطلاعات معلولین با ارتباط با معلولین سراسر کشور، اطلاعات آنها را وارد می‌کنم. البته این کارها درآمد ندارد دو شغل محسوب نمی‌شود؛ صرفاً نوعی سرگرمی و خدمت است. البته در امور بانک اطلاعات، در امور ارتباطات و روابط عمومی تجارب خوبی کسب کرده‌ام و به راحتی می‌توانم اینگونه کارها را مدیریت کنم.

کم بینا، دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی در رشته ورزشی گلبال فعال است و توانست با تیم گلبال استان قم مقام سوم سوپرلیگ کشور را در مسابقات تهران کسب کند. در زمینه کاربری کامپیوتر دوره ICDL2 را گذرانده و مدرک مربوطه را اخذ کرد و هم اکنون در حال گذراندن دوره ICDL1 می‌باشد.

را حله براتی (متولد ۱۳۶۲)

جسمی حرکتی، فوق لیسانس مدیریت نیروی انسانی رشته دو میدانی پرتاب وزنه عضو تیم استان قم می‌باشد. مقام سوم کشوری در خرداد سال ۹۵ استان تهران و مقام چهارمی کشور در مهر ۹۵ را کسب کرده است. تئاتر کار می‌کند و رتبه سوم جشنواره تئاتر معلولین را در منطقه ۴ کشوری آفتاب اصفهان را کسب کرده است. به مدت ۱۵ سال از دوران راهنمایی والیبالی کار می‌کرده است. در برنامه‌های فرهنگی هم حضور دارد. مثل مراقب آزمون امتحانات، انتخابات و... دوره‌های مجری‌گری و خبرنگاری را هم آموزش دیده است. مشوق اصلی اراده خودم بوده است.

عصمت براتی (متولد ۱۳۵۶)

کم بینا، پنجم ابتدایی او در زمینه ورزش رشته دو و میدانی، پرتاب، گلبال، کاراته، ژیمناستیک، تکواندو فعالیت داشته است. با تیم گلبال استان قم مقام دوم و سوم کشوری کسب کرده است. نیز در دو و میدانی ماده دو ۴۰۰ و ۲۰۰ متر دوم و سوم شده است. در پرتاب دیسک سوم شد؛ در تکواندو تا کمربند نارنجی بیشتر پیش نرفته است. در کاراته دان دو مشکی دارد و یک مقام سوم هم کسب کرده است.

ابوالفضل بستان سرا (متولد ۱۳۷۸)

جسمی حرکتی، دانشجوی کاردانی حسابداری

دارای انحراف پا و دانشجوی دوره کاردانی رشته حسابداری می‌باشد. قبل از عمل پا کاراته کار می‌کرد که حائز مقام‌هایی هم شده است. در سال ۸۶ مدال نقره و سال ۸۴ برنز استانی را کسب کرد. و همان سال ۸۴ هم مدال طلای کشوری را در مسابقات کسب کرد. سال ۸۹ مدال طلای مسابقات کشوری در اصفهان را کسب کرد. مشوق اصلی او در این زمینه پدر و مادر و اساتید بوده‌اند.

ایمان بشیریان‌زاده (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی مدیریت جهانگردی

او از ۱۰-۱۲ سال پیش به ورزش رو آورد و در رشته دو و میدانی ماده پرتاب فعالیت داشته است. اما قبل از آن فوتبالیست بود. حتی الآن هم تیم خوزستان برای مسابقات آسیایی او را می‌خواهد. ولی شرایط مالی اش اجازه نمی‌دهد. با اینکه هیئت جانبازان و معلولین و اداره بهزیستی باید موانع را برطرف و راه موفقیت معلولان را هموار نمایند ولی چنین نیست. خدا شاهد است من از بهزیستی سر سوزنی راضی نیستم. چون هیچ کاری برایم نکرده است. فقط در حد، دادن معرفی نامه است، همین و بس.

او در پرتاب مقام کشوری دارد. یعنی در دو و میدانی ماده پرتاب، مدال طلا و برنز کسب کرده است. طلا را در سال ۹۴ در مسابقات مشهد به دست آورد. اما در هنر و رشته خوانندگی، سه یا چهار آهنگ خوانده است. استعدادش را دارد. در دوره دانش‌آموزی و نوجوانی صدایش حالت زیر داشته و در گروه سرود عضو گروه نمونه استان قم بوده است.

محمدرضا بهرامی (متولد ۱۳۵۵)

جسمی - حرکتی، دیپلم

او در حدود ۲۰ سال است در حوزه ورزش فعالیت دارد. تقریباً دوازده سال در رشته والیبال نشسته و هشت سال است که بسکتبال با ویلچر کار می‌کند. در والیبال با تیم استان قم در مسابقات قهرمانی کشور مقام دوم را به دست آورده

است. در بسکتبال هم در لیگ برتر هم مقام چهارمی، نایب قهرمانی و قهرمانی کشور را دارد.

مهدی بیات (متولد ۱۳۷۷)

ناشنوا، سیکل

عضو گروه سرود ناشنوایان قم، در زمینه کشتی کار می‌کند و مقام سوم کشوری را دارد. در آمادگی جسمانی ۲ مقام اول کشوری و یک مقام دوم کشوری را کسب کرده است. از سازمان بهزیستی استان قم هم تقدیرنامه دریافت کرده است.

خدیجه تجدد (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی ضایعه نخاعی، دیپلم

او در رشته پرتاب وزنه دو مدال نقره و یک طلای کشوری در دریافت کرده است؛ بنابراین در زمره معلولانی است که در عرصه ورزش قهرمانی فعال است. مدال‌های طلا و نقره را در تهران؛ مدال نقره را در مسابقات مشهد دریافت کرده؛ نیز در شنا هم مقام دوم استانی دارد. اما در رشته ورزش تفننی مثل تیراندازی و دارت هم فعال بوده است.

در هنر، مهارت‌آموزی ندارد و مدرکی دریافت نکرد ولی بر اثر تجربه شخصی در زمینه ساخت ظروف سفالی، کارهای زیبایی دارد. برای نمایش و فروش تولیدات سفالین خود کارها و اقداماتی انجام داده است. در زمینه قرآن رشته قرائت، چون صوتش خوب بود، پیشرفت‌هایی داشت؛ اما به خاطر اینکه تجویدش مشکل داشت، نتوانست پیشرفت چشمگیر داشته باشد. مهارت‌های کامپیوتر را تا دریافت مدرک ICDL درجه دو و یک را گذرانده است.

قربانعلی تقی‌لو (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، قطع نخاع، سیکل

او دارای مدرک سیکل است و در بسکتبال با ویلچر حدود پنج شش سالی است

که فعالیت دارد. در لیگ دسته یک و دسته دو توانسته موفقیت‌هایی به دست آورد و مقام اول کشوری را به دست آورد. قبلاً او به شغل بهیاری اشتغال داشته و کارش تزریقات و پانسمان بوده از این‌رو نمی‌توانسته کار دیگری انجام دهد. حادثه‌ای برایش رخ می‌دهد و نخاعش قطع شده و دارای معلولیت می‌گردد. پس از آن شغلش را از دست می‌دهد. او چون مدرک هلال احمر داشت، اجازه داشت کارهای تزریقات و پانسمان و اینها انجام دهد. اما هر جا مراجعه می‌کرد مناسب سازی نداشت و پله داشته و زیرزمین و طبقه بالا بوده و همکف پیدا نکرد که بتواند کارش را ادامه دهد. فعالیت‌های قرآنی‌اش به روحوانی منحصر است. با اینکه شرایط جسمانی سختی دارد ولی تشویق‌های خانم و حمایت‌های پدر خانمش باعث شده، مشکلات هموار گردد.

معصومه توحیدی دوست (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی معارف اسلامی

دارای کارشناسی معارف اسلامی از مؤسسه امام خمینی است. او به رشته ورزشی والیبال نشسته علاقه‌مند بوده و از سه سال گذشته در این رشته فعال بوده و چند مقام کشوری هم آورده است. در مشهد مقدس مدال طلا آورد. مربی او خانم نظریان انسانی خدوم و دلسوز است و توانست استعدادهای نهفته آنها را به فعالیت درآورد. او در سال ۱۳۸۰ در ماده پرتاب وزنه مقام دوم کشوری را به دست آورد. اما در امور هنری خیاطی و گلدوزی علاقه دارد و دوره‌هایش را گذرانده است و از فنی و حرفه‌ای مدرک گرفته است. در فعالیت قرآنی چون خواهرش حافظ کل قرآن است و مؤسسه هم دارد، از این‌رو در کنار خواهرش قرائت را فرا گرفته و نیز یک جزء قرآن را هم در حال حفظ کردن است.

حسین جفتانی (متولد ۱۳۷۲)

کم شنوا و جسمی، سوم راهنمایی

او از سال ۸۸ در رشته فوتسال فعالیت می‌کند. تمرینات تیم هفته‌ای یک بار

است. با تیم قم چند بار به مسابقات اعزام شده ولی مقام نیاورده است. در زمینه مهارت‌های کامپیوتری در دوره آموزشی گرافیک شرکت کرد و مدرک گرافیک را دریافت کرد.

مریم جوکار (متولد ۱۳۵۲)

جسمی حرکتی، ضایعه نخاعی، سیکل

او دارای سیکل (مدرک سوم راهنمایی) است. پس از گرفتن این مدرک به دلیل علاقه‌اش به ورزش به رشته شنا رو آورد. هم اکنون حدود هجده سال است در این رشته فعالیت داشته است. موفقیت‌هایی مثل مقامات کشوری از اول تا سوم در شهرهای مختلف است. معمولاً در ماده‌های کرال پشت و سینه و آزاد و قورباغه و پروانه و تیمی فعالیت نموده است. به عبارت دیگر در همه رشته‌های شنا تلاش و کار کرده است و در همه اینها هم مقام اول تا سوم کسب کرده است. آمار مدال‌هایی که در شنا دریافت کرده بیش از ۵۰ مدال است. به نظر می‌رسد رکورد را در مدال‌آوری شکسته است. اما در حوزه فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های قرآنی و مهارت‌آموزی کامپیوتر کاری نکرده است. در واقع تمام انرژی و توان خود را در فعالیت ورزشی و در شنا مصرف کرده است. او با راهنمایی‌ها و تشویق‌های مادر و خواهرش و نیز مربی و دلسوزش خانم نظریان به این مدارج رسید.

سید سعیدرضا چاوشی (متولد ۱۳۴۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی حقوق قضائی

او در رشته کارشناسی حقوق قضائی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در ورزش رشته پرتاب دیسک فعالیت داشته و مدال برنز مسابقات پارالمپیک سال ۱۹۸۸ میلادی در کره جنوبی در پرتاب دیسک، و مدال نقره پرتاب وزنه و مدال برنز پرتاب دیسک مسابقات جهانی سال ۱۹۹۰ میلادی در کشور هلند، و همچنین رتبه چهارم مسابقات پرتاب دیسک جهانی در سال ۱۹۹۱ میلادی در انگلستان. در عرصه بین‌المللی دریافت کرده است. در داخلی هم بسیار زیاد است.

او در رشته قرآن بیست سال سابقه حضور در رقابت‌های قرآنی در مسابقات کشوری دارد. دو رتبه اول کشور دارد، و همچنین در استان رتبه‌های زیادی دارد. یک بار به عنوان کارمند نمونه کشوری انتخاب شد، سه بار کارمند نمونه استانی انتخاب شد. همچنین در عرصه فعالیت‌های فرهنگی قرآنی، تشکیل گروه توانشیح جانبازان در سال ۱۳۷۳ به نام قمر بنی هاشم را بر عهده داشت. و این گروه توانشیح، سفرهای برون مرزی زیادی یعنی ۵۳ سفر خارج از کشور اجرا داشته است.

امیر چراغعلی گل (متولد ۱۳۶۷)

نابینا، سوم راهنمایی

او از پنج یا شش سال قبل بر اثر بیماری دیابت بینایی اش را کاملاً از دست می‌دهد. در رشته حصیر بافی آموزش دیده و قبلاً کار می‌کرده ولی اکنون رها کرده است. اما در رشته ورزشی وزنه برداری سنگین وزن تا کنون یک مدال نقره و یک برنز کشوری دریافت کرده و موفق بوده است. در مسابقات رشت شرکت کرد و در دسته ۱۲۵ کیلو حضور داشت و در حد خودش موفق بود. مربی او در رشته وزنه برداری آقای حبیبی است. استاد حبیبی مربی دلسوزی است و با توصیه‌ها و آموزش‌های او، توانسته به مراتب خوبی برسد.

قدرت الله چراغی (متولد ۱۳۴۱)

نابینای مطلق، دیپلم انسانی

در زمینه مداحی و قرآن مهارت دارد. رشته گلبال فعالیت دارد و تقدیرنامه از تربیت بدنی دریافت کرده است.

فاطمه چهره قانی (متولد ۱۳۷۳)

ناشنوا، سوم دبیرستان

در زمینه خیاطی مهارت دارد. در زمینه والیبال و تنیس هم فعالیت دارد. و مقام

سوم را در رشته تنیس کسب کرده است.

امین حاجی آقاجانی (متولد ۱۳۶۹)

کم توان ذهنی، سندرم داون، دیپلم معرق کاری
آقای آقاجانی علاقه ذاتی به معرق کاری دارد و در این رشته کارهایی انجام داده است. البته کارهایش در حدی است که از یک فرد دارای معلولیت ذهنی انتظار هست. اما در ورزش موفقیت‌هایش چشمگیرتر بوده و هم اکنون آماده است کمر بند آبی کونگ فو بگیرد. قبلاً مقام دوم استانی نانچیکو را دریافت کرده است. با اینکه ۷-۸ ماه است که شروع کرده، ولی پیشرفت چشمگیری داشته است. نکته مهم این است که او در باشگاه بچه‌های عادی می‌رود و با افراد عادی رقابت داده و مقام دوم را کسب کرده است. با اینکه در مهارت‌آموزی کامپیوتر شرکت نکرده ولی بر کامپیوتر مسلط است و می‌تواند با کامپیوتر کار کند. موفقیت‌های او به دلیل حمایت و پشتیبانی خانواده از او است. به هر حال تشویق‌های خانواده بسیار مؤثر بوده است.

مجتبی حداد (متولد ۱۳۴۷)

جسمی حرکتی، جانباز قطع عضو، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق
پس از تحصیلات متوسطه در دانشگاه آزاد قم پذیرفته شد و در رشته فقه و حقوق موفق به دریافت کارشناسی ارشد گردید. نیز در حوزه علمیه قم به تحصیل مشغول شد و با گذراندن سطوح به مرحله عالی دروس حوزوی رسید. او عضو تیم شنا جانبازان و معلولین است و در مسابقات به مقام استانی نائل شده است. همچنین در رشته شنا، مقام‌های اول، دوم و سوم را کسب کرده است. در فعالیت‌های قرآنی به دلیل ارتباط آن با فقه و احکام فعال بوده و در مسائل فرهنگی هم راوی دفاع مقدس است. و تقریباً شش سال است، در بخش دانش‌آموزی و دانشجویی راهیان نور فعالیت می‌نماید. درباره علل موفقیت و تشویق، دوستان، تیم جانبازان که نزدیک ده نفر از طلبه‌های جانباز می‌باشند و که تیم جانبازان را

تشکیل می‌دهند.

عباس حسنی (متولد ۱۳۷۳)

کم بینا، دانشجوی کاردانی رشته حسابداری در کانون فرهنگی و هنری کلاس قرآن و خوانی و فرهنگی شرکت دارد. و در کودکی کشتی کار می‌کرده است. در رشته تنیس هم فعالیت دارد و در مسابقات منطقه‌ای دانش آموزی در سال ۸۹ یا ۹۰ در همدان مقام دوم را کسب کرد. مشوقین او در این سال‌ها پدر و مادر و امام جماعت حسینیہ حاج آقای فکری و آقای نجفی بوده‌اند.

حسن حسینلو (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته تربیت بدنی گرایش جامعه‌شناسی ورزشی در مقطع کارشناسی ارشد

در زمینه ورزش حدود ۱۴ سال می‌باشد که در رشته والیبال نشسته فعالیت دارد. در این رابطه قهرمانی جوانان کشور با تیم تهران در سال ۱۳۸۶ یا ۱۳۸۷، قهرمانی کشور با تیم استان قم در سال ۱۳۸۷، قهرمانی باشگاهی کشور با تیم استان قم در سال ۱۳۸۹، نایب قهرمانی کشور با تیم استان مرکزی در سال ۱۳۸۴، مقام سوم کشور با تیم تبریز، مقام دوم و سوم با تیم ذوب آهن اصفهان در سوپرلیگ، و دیگر عناوین از موفقیت‌های ایشان در زمینه مسابقات کشوری می‌باشد. همچنین حضور در تیم ملی در سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ و قهرمانی در مسابقات جهانی اسلوونی در سال ۱۳۸۵ از موفقیت‌های او در عرصه بین‌المللی می‌باشند. همچنین در این رابطه مدرک درجه یک مربیگری را نیز اخذ کرد. انگیزه و پشتکار فردی عامل پیشرفت در زمینه تحصیل و تشویق و حمایت‌های مربیان عامل موفقیت در عرصه ورزش می‌باشد.

سید محمدحسین حسینی (متولد ۱۳۶۵)

جسمی حرکتی، دیپلم حسابداری او با اینکه در رشته حسابداری تحصیل کرده ولی اشتغال و شغل اصلی او خرید و فروش و تعمیرات کامپیوتر است. یعنی دوازده سال است که در این عرصه تلاش می‌کند. در کنار این فعالیت شغلی، در ورزش هم فعال است. او در فعالیت‌های ورزشی رشته والیبال نشسته در یازده دوازده سال اخیر تلاش کرده است. در سطح کشوری پنج تا شش مدال آورده است. دو تا طلا، یک نقره و دو تا هم برنز کسب کرده است. سه تا چهار سال عضو تیم ملی والیبال نشسته بوده و یک قهرمانی جهان را در کارنامه‌اش دارد. ابتدا یک قهرمانی در مشهد و در سال ۸۸ یا ۸۹ آورد؛ سپس قهرمانی دیگر بین قاره‌ای در چین سال ۲۰۱۶ را کسب کرد. در مجموع این فعالیت‌ها علاوه بر تلاش‌های شخصی و پشتکار خودش، و کمک خداوند منان، خانواده‌اش هم حمایتش می‌کردند.

محمد خان بیگی (متولد ۱۳۵۴)

جسمی حرکتی، پای چپ، کارشناسی ارشد تاریخ تشیع او توانسته در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ تشیع در دانشگاه باقرالعلوم پیشرفت کند. همچنین در تحصیلات حوزوی تا خارج فقه و اصول جلو برود. الآن در رشته والیبال نشسته و قبلاً در رشته کونگ‌فو و مدتی در شنا زیر نظر آقای زارعی فعالیت داشته است. الآن در باشگاهی در پردیسان، که دارای پنج رشته ورزشی است و آنجا فعالیت می‌کند. در این رشته‌ها که فعالیت دارد، دو تا حکم قهرمانی والیبال دارد، که استانی است.

با نرم افزار Word آشنایی دارد یعنی تایپ را کامل است و دوره برنامه نویسی C# یا C++ را هم گذرانده ولی سال‌ها از آن گذشته است. طراحی صفحات وب را هم گذرانده است. در حوزه فعالیت‌های قرآنی مجری طرح‌های قرآنی است. کلاس‌های روخوانی، روانخوانی، تجوید و حفظ قرآن در مسجد حضرت زینب پردیسان برگزار می‌کند.

ناصر خانزاده (متولد ۱۳۵۴)

نیمه شنوا، فوق دیپلم

مربی تربیت بدنی و فوتبال و شنا می‌باشد. دبیر هیئت ورزش‌های ناشنوایان قم و هیئت ناشنوایان عاشقان وفاداران کربلا و رئیس مؤسسه ناشنوایان وفاداران کربلا استان قم می‌باشد.

مجتبی خدایی (متولد ۱۳۷۶)

جسمی حرکتی، ضایعه نخاعی، سوم دبیرستان

او تا سوم دبیرستان تحصیل کرده و به دلیل علاقه به ورزش، به شنا رو آورده است. چهار سال است در شنا بیشتر ماده کمال سینه بوده، یک طلا، یک نقره و یک برنز کسب کرده است. البته مدال نقره کشوری بوده، طلا و برنز استانی بوده است. فعالیت هنری و فعالیت قرآنی نداشته است. در مهارت آموزی کامپیوتر، ICDEL درجه دو را گذرانده است.

داود خسروی نیا (متولد ۱۳۶۲)

ناشنوا، فوق دیپلم

در زمینه برق و الکترونیک، تئاتر و نمایش فیلم، کشتی و فوتبال و پرتاب وزنه، عضو کانون ناشنوایان استان قم تبحر دارد.

بهنام خلعتبری (متولد ۱۳۴۴)

جسمی حرکتی، جانباز، کارشناسی مدیریت دولتی

او در ۲۰ فروردین ۱۳۶۶ در شلمچه در عملیات کربلای هشت به جانبازی نائل آمد. در رشته شنا نزدیک بیست سال است فعالیت می‌کند. عضو تیم شنا جانبازان و معلولین استان قم می‌باشد. در مسابقات قهرمانی کشوری مدال برنز و در مسابقات جانبازان، طلا و نقره و برنز و در مسابقات منطقه‌ای مجموعاً حدود ۱۵ مدال دریافت کرده است.

او از ابتدای سال ۷۴ تا ۸۴ به مدت ده سال در پردیس فارابی (بهشتی) که آن زمان به نام مجتمع آموزش عالی قم بود، معاون دانشجویی، معاون اداری مالی و مدیر رفاهی بود. به مدت هشت سال مشاور مرحوم آیت‌الله قاضی رئیس دانشگاه قم بود و ده سال اخیر را هم مشاور رئیس دانشگاه دولتی حضرت معصومه سلام الله علیها است. ریاست این دانشگاه هم اکنون بر عهده دکتر باقری عضو هیئت علمی دانشگاه قم است و او مشاورش بوده است. برخی فعالیت‌های اجتماعی هم داشته است. او و استاد خانی بنیانگذاران هیئت تنیس خاکی استان قم هستند. از ابتدای تأسیس تا سال ۹۵ به مدت چهارده سال آقای خانی رئیس بود و آقای خلعتبری خزانه‌دار بودند. هیئت تنیس هم اکنون در ورزشگاه حیدریان فعالیت می‌کند.

احمد خوش سخن قمی (متولد ۱۳۷۹)

جسمی حرکتی، سوم دبیرستان رشته حسابداری ایشان با اینکه به کامپیوتر و رشته حسابداری علاقه داشته ولی به دلیل کمبود امکانات و منابع مالی نتوانسته ادامه دهد. گویا بهزیستی قم هم کمکی به او نداشته و بالاخره به ورزش رو آورده است. در رشته شنا حدود ده سال است با پشتکار و ممارست تلاش کرده است. این تلاش‌ها نتیجه داد و به مقام سوم کشوری در مشهد در کرال سینه دست یافت. خانواده محترم ایشان حمایت‌ها و تشویق‌هایی از او داشته ولی پشتکار و شناخت ظرفیت‌های ذاتی خودش و پیگیری تمرین‌ها در موفقیت‌هایش نقش اصلی داشته است.

راضیه داورپناه (متولد ۱۳۶۵)

جسمی حرکتی، لیسانس مدیریت و برنامه ریزی آموزشی در زمینه نویسندگی، خطاطی، آموزش تجوید و روانخوانی در مساجد و کلاس‌های آموزشی و در منزل، بازیگری تئاتر، تدریس درس عربی دبیرستان و

پیش دانشگاهی مهارت دارد. دریافت تقدیرنامه از رییس سازمان بهزیستی قم دکتر سلیقه برای همکاری با گروه تئاتر معلولین در سال ۹۴ و ۹۵، لوح یادمان چهارمین جشنواره تئاتر منطقه‌ای معلولین آفتاب در استان مرکزی، تیرماه ۹۵، دریافت لوح یادمان از چهارمین جشنواره تئاتر منطقه‌ای معلولین آفتاب در استان مرکزی برای کسب مقام دوم در رشته بازیگری بخش صحنه‌ای در نمایش کم‌دی ارتفاعات در تیرماه ۹۵، دریافت لوح تقدیر از سومین جشنواره تئاتر منطقه‌ای معلولین آفتاب.

در استان اصفهان برای کسب مقام سوم در رشته بازیگری (جسمی حرکتی) در نمایش کم‌دی اکتشافات در اردیبهشت ۹۴، لوح یادمان سومین جشنواره تئاتر منطقه‌ای معلولین آفتاب در اصفهان، اردیبهشت ۹۴، لوح سپاس از انجمن هنرهای نمایشی استان قم برای حضور در جشنواره بین‌المللی تئاتر امیدآفرین اصفهان در سال ۹۵، دریافت لوح سپاس از ریاست فرهنگی دانشگاه آزاد واحد قم برای سرودن شعر. مقام‌های ورزشی: لوح تقدیر برای شرکت در مسابقات شنا از طرف اداره تربیت بدنی استان قم، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام اول در رشته ۲۵ متر آزاد کلاس S1-S4 در مسابقات قهرمانی کشوری در سال ۱۳۸۹، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام اول در رشته ۵۰ متر آزاد کلاس S1-S3 در مسابقات باشگاهی شنا بانوان در سال ۱۳۹۲، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام دوم در رشته ۵۰ متر آزاد کلاس S1-S5 در مسابقات گرامیداشت هفته تربیت بدنی در سال ۱۳۹۲، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام اول در رشته ۵۰ متر آزاد کلاس S2-S3 در دومین لیگ شنای بانوان در سال ۱۳۹۱، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام دوم در رشته ۲۵ متر کراال پشت کلاس S1-S3 در مسابقات قهرمانی کشوری در سال ۱۳۸۹، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام اول در رشته ۵۰ متر کراال پشت کلاس S2-S3 در دومین لیگ شنای بانوان در سال ۱۳۹۱، دریافت حکم قهرمانی برای کسب مقام اول در رشته ۵۰ متر کراال پشت A کلاس S1-S8 در جشنواره بزرگ میلاد کوثر در سال ۱۳۸۲

فاطمه درگاهی هشتروود (متولد ۱۳۶۵)

ناشنوا، فوق دیپلم رشته هنرهای تجسمی به مدت ۳ سال در رشته والیبال فعال بوده است، همسر آقای میثم اخوان می‌باشد.

مهدی دهقانی (متولد ۱۳۵۹)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مهندسی باغبانی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته کشتی قبلاً فعال بوده است و ۶ سال عضو باشگاه صنایع مکانیک تهران بود. نیز هم اکنون در رشته تنیس روی میز فعالیت دارد. تلاش و پشتکار خود باعث موفقیت در مراحل تحصیل و ورزش شده است.

بهزاد رحمان دوست (متولد ۱۳۶۰)

ناشنوا، دیپلم

به عنوان کارمند آموزش و پرورش ناحیه ۳ فعالیت دارد، به عنوان رئیس هیئت مذهبی یا صاحب الزمان، رئیس کمیته کشتی و مربی کشتی انتخاب شد. از سال ۱۳۹۲ فعالیت هیئت یا صاحب الزمان (عج) شروع کرده و سال ۹۳ مجوز گرفت برای برنامه صدایم‌ها، رئیس همایش امام زمان (عج) و ...، مقام‌های کسب شده توسط ایشان: قهرمان کشور ۱۳۷۶ و مقام اول و سال ۱۳۷۷ مقام اول کرمانشاه، سال ۱۳۸۰ مقام دوم کشور و ۱۳۸۱ مقام اول کشوری در تبریز و چهارمی در سال ۱۳۸۱.

اکبر رحمانی (متولد ۱۳۴۲)

جسمی حرکتی، شدید، کاردانی علوم ثبتی

او دانشجوی رشته علوم ثبتی حقوق در مقطع کاردانی است. در زمینه ورزشی و رشته شنا فعال بوده است. او شناگر تیم شنا جانبازان و معلولین است، تیم تنیس هم کار می‌کند. از سال ۱۳۷۶ به عنوان شناگر کار کرده و قهرمان کشوری شده و

مقام استانی، اولی و دومی دارد. نیز مقام کشوری هم اولی تا سومی دارد. در سال ۱۳۸۹ مقام کشوری به دست آورد و قهرمان ایران شد. این مسابقات در قم بود و او بین جانبازان معلولین قهرمان ایران شد. نیز مسابقات قهرمانی کشوری، مقام سومی تنیس با ویلچر را دریافت کرد. البته دو سال است که تنیس را شروع کرده است. ولی شنا را سه چهار بار قهرمان استان شده است. در شنا دو بار قهرمان کشور شده؛ نیز یزد مقام سوم آورده است و در تهران دوم شده است. در رشته نوازندگی هم فعالیت‌هایی دارد؛ نیز در ساز چوگور، بالابان. چوگور ساز ترکی و بالابان هم یک ساز بادی است. اینها را در سطح استادی کار کرده است. در اصل او کارمند دولت است و دارد بازنشسته می‌شود. در اداره راه و شهرسازی کار می‌کند.

فهیمة رسولی (متولد ۱۳۶۵)

ناشنوای شدید، فوق دیپلم

رشته والیبال مهارت دارد. به مدت دو سال ورزش والیبال کار می‌کرده است. در رشته شطرنج مقام دوم و سومی استان قم را دارد.

محمد رضایی (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، قطع عضو از ناحیه دست راست از آرنج به پایین

ولی در زمینه ورزش فعالیت می‌موفق داشته باشد و مقام‌های ورزشی زیاد کسب کند. کاپیتان تیم ملی تکواندو معلولین ایران است؛ مربی ووشو استان قم است. دو سال است تکواندو را شروع کرده و در مقام مربی تلاش نمود و معلولین را برای پارالمپیک آماده کند. از این‌رو با تیم ملی ایران همکاری می‌کند. در تکواندو شش مقام اولی، چهار تا دومی و نه تا سومی دارد. با تیم ملی در اردوی یک ماهه برای مسابقات مجارستان شرکت کرد. در حوزه ووشو به عنوان مربی فعالیت می‌کند. یعنی مربی معلولین و نیز سالم‌ها است. او از سال ۷۵ ورزش رزمی را شروع کرده است، در آن زمان معلولی نبود و مجبور بود با سالم‌ها مبارزه کند. الآن در ووشو دو مقام کشوری طلا، یک مقام نقره و سه مقام برنز دارد. پنج سال است او به عنوان

مربی تیم قم است و ۲۱ سال است که ورزش می‌کند، و از هفت سالگی ورزش را شروع کرده است. در حوزه فعالیت‌های هنری و قرآنی و کامپیوتر فعالیت ندارد. وقتی رهبری معظم آیت الله خامنه‌ای در سال ۸۶ به قم تشریف آوردند، به عنوان ورزشکار نمونه به دیدار ایشان رفت و از دستشان لوح تقدیر دریافت کرد و همین مشوق آینده او شد.

سید محمد روشنایی (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، سیکل

او در ورزش، رشته وزنه‌برداری جانبازان و معلولین در نه سال گذشته فعالیت‌هایی داشته است. در این سال‌ها توانسته مقام استانی اول را کسب کند؛ نیز مقام چهارم را به دست آورده است.

علاوه بر پشتکار و باور به آینده و ایمان به ارزش‌های متعالی اخلاقی که موجب سرافرازی اش شده خودش معتقد است که آقای محمدرضا حقیقی هم در پیشرفت او مؤثر بوده است.

سیاوش زینل وند (متولد ۱۳۷۰)

کم شنوا، دانشجو

او به تازگی در دانشگاه پذیرفته شده است. در زمینه ورزش هم در رشته فوتبال و فوتسال کار می‌کند. بازیکن تیم ملی است و با پشتکار توانسته به این سطح برسد و مقام‌های جهانی به دست آورد. مقام اول در رشته فوتسال کشور سوئد؛ مقام اول در رشته فوتبال بازی‌های آسیایی، کشور تایوان؛ مقام اول بازی‌های آسیایی در رشته فوتسال کشور کره جنوبی و مقام اول بازی‌های آسیایی، تهران را به دست آورده است.

علی زینل وند (متولد ۱۳۷۵)

شنوایی، دیپلم

او در زمینه ورزش فقط فوتبال کار می‌کند و از سال ۱۳۹۲ شروع به ورزش کرده نیز دو مقام آسیایی به دست آورده است. عضو تیم ملی است. مقام اول آسیایی فوتبال را در سال ۹۲ در کیش، و مقام اول آسیایی را در سال ۹۴ کشور در چین و مسابقات فوتبال آسیایی ناشنوایان را به دست آورده است. برای تأمین مخارج زندگی در صحافی کار می‌کند.

مصطفی ساعدی (متولد ۱۳۷۳)

کم بینا، دانشجوی کارشناسی فیزیک مهندسی در رشته ترتیل قرآن مهارت دارد. در پایگاه نزدیک محله برای بچه‌های دوران ابتدایی آموزش روخوانی داشته است، در مسابقات تأمین اجتماعی پارسال و ۲ سال پیش شرکت کرد که مقامی کسب نکرد، در مسابقات استانی بسیج سال گذشته مقام سوم در رشته ترتیل کسب نمود، در رشته شطرنج و جودو کار می‌کند. که در رشته شطرنج ۴-۵ سال هست که فعالیت دارد ولی در رشته جودو از سال ۹۲ فعالیت خود را آغاز کرده است، در مسابقات جام رمضان در رشته شطرنج سال ۸۸ مقام دوم و در سال ۸۹ رتبه اول را کسب نمود.

حسن سعادت مزین (متولد ۱۳۷۷)

ناشنوا، محصل کلاس دهم در زمینه کشتی فعالیت دارد. و مقام سوم کشوری را کسب کرده است. از سازمان بهزیستی و مؤسسه وفاداران کربلا تقدیرنامه دریافت کرده است.

زهرا سلیمانی (متولد ۱۳۵۵)

جسمی حرکتی، لیسانس الهیات در قرائت ترتیل فعالیت می‌کند، در مسابقات استانی در چندین سال مقام اول در قرائت را کسب کرد، در مسابقات کشوری که در سال ۹۰ در بابلسر برگزار شد و همچنین در مسابقات سال ۸۸ در استان تهران رتبه اول را در رشته قرائت کسب

کرد، کارمند آموزش و پرورش می‌باشد، در زمینه ورزش در رشته شنا حدود ۵ سال مقام اول یا دوم تیمی در کشور را در کارنامه خود دارد و چندین سال در رشته‌های کراول سینه و پشت، پروانه و قورباغه مقام‌های متعدد اول تا سوم را کسب کرد، در تنیس روی میز نیز رتبه دوم کشوری در مسابقات تنکابن را کسب کرد. تا حدودی در رشته‌های والیبال نشسته و دومیدانی هم فعال بوده است، یک سال مربی قرآن مدارس ابتدایی بود و در مدارس قرآنی آموزش قرآن داشته است.

صغری سلیمانی (متولد ۱۳۵۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی یا سطح ۳ حوزه، جامعه الزهرا او در ورزش تقریباً تمام رشته‌ها مثل والیبال نشسته، تنیس روی میز، دو و میدانی و شنا فعالیت داشته است. در رشته شنا پانزده سال تلاش کرده و حائز مقام اول تا سوم در ماده‌های پروانه، قورباغه، کراول پشت، کراول سینه هم شده است. در رشته تنیس هم فقط یک مقام دومی را در مسابقات شهرستان تنکابن کسب کرده است.

او به حوزه هنر هم علاقه دارد و دارای دیپلم خیاطی می‌باشد و بافندگی قالی، و بافندگی با قلاب و میل هم انجام می‌دهد
فعالیت قرآنی هم انجام داده است و در رشته ترتیل مقام اول را کسب نموده است. مهارت آموزی کامپیوتر داشته است و مدارک آن را هم کسب نموده است و در حال حاضر معاون پرورشی در مدرسه‌ای در کهک می‌باشد. علاوه بر پشتکار و علاقه خودش معتقد است مربی‌اش خانم نظریان و خانواده در پیشرفت او مؤثر بوده‌اند.

ساجده سید احمدیان (متولد ۱۳۶۶)

جسمی حرکتی، کاردانی مددکاری خانواده او در رشته تنیس روی میز فعالیت داشته و نزدیک سه چهار سال در این رشته کار می‌کند و به مقام کشوری دست یافته است. و در ایران اول شد. در مسابقات

سال ۸۹ در مشهد به این مقام رسیده است. مهارت آموزی کامپیوتر داشته ولی نتوانسته مدرکش را بگیرد. در این فعالیت‌های مختلف مشوقش در درجه اول خواهرش و در مرحله بعد بهزیستی به او مساعدت نموده است.

اسماعیل شاه زید (متولد ۱۳۷۱)

ناشنا

در زمینه فوتسال مهارت و فعالیت دارد. کسب مقام مقام نخست مسابقات جهانی فوتسال ناشنوایان، فوتسالیست ناشنوی قمی است که موفق شد در مسابقات قهرمانی جهان در تایلند با پیراهن تیم ملی کشورمان در شکست حریفان سهیم شده و جام قهرمانی جهان را بالای سر ببرد. این موفقیت در ادامه موفقیت‌های گذشته ایشان اتفاق افتاد زیرا او در دوره قبلی مسابقات جهانی و نیز مسابقات قهرمانی آسیا توانسته بود عنوان قهرمانی را از آن خود کند و بخشی از تیم ملی مقتدر ایران در رشته فوتسال و در بخش ناشنوایان باشد.

سید مجتبی شریعت زاده (متولد ۱۳۶۴)

کم شنوا، دانشجوی رشته مدیریت امور اداری در مقطع کاردانی

در زمینه ورزش در رشته‌های کاراته و والیبال فعال است. در رشته کاراته مقام دوم مسابقات کشوری تهران در سال ۱۳۹۴ را کسب کرد. در زمینه قرآن در رشته قرائت فعال می‌باشد.

محمد رضا شعبانی (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی، دانشجوی مهندسی تکنولوژی نرم‌افزار در مقطع کارشناسی در زمینه ورزش در رشته تکواندو فعال می‌باشد و توانست در مسابقات کشوری سال ۱۳۹۵ که در اصفهان برگزار می‌شد مقام سوم را کسب کند. همچنین در سال ۱۳۹۳ به مدت ۴۵ روز در اردو انتخابی تیم ملی برای مسابقات چین تایپه حضور داشت که به علت آسیب دیدگی از ادامه کار باز ماند. مشوق او در زمینه تحصیل و

ورزش و موفقیت‌هایی که کسب کرده مادرش می‌باشد.

مجید شکوری (متولد ۱۳۴۸)

ضایعه نخاعی، سطح دو حوزه، دیپلم ساختمان
مؤسس و مسئول انجمن ضایعات نخاعی استان قم، اولین روحانی با ویلچر
برای تبلیغ، خاتم کاری، ماکت‌سازی، معرق کاری، اولین روحانی قهرمان شنا،
مربی تیم شنا جانبازان و معلولین استان قم، مربی شنای معلولین، ۵ سال قهرمانی
شنا، ۱ بار اعزام به خارج از کشور، ساخت هیئت مذهبی مساجد و تأسیس حوزه
علمیه در شهرستان حاجی آباد استان هرمزگان از فعالیت‌های ایشان می‌باشد.

محمد شمسی (متولد ۱۳۷۲)

کم شنوا، کارشناسی رشته مهندسی مکانیک خودرو
در زمینه ورزش در رشته‌های فوتبال و کاراته فعالیت دارد و یک بار در سال
۱۳۸۲ یا ۸۳ در رشته کاراته مقام دوم استان قم را کسب کرد. تلاش و پشتکار خود
و حمایت‌های خانواده باعث پیشرفت او در همه زمینه‌ها شده است.

مینو صاحب الداری (متولد ۱۳۷۱)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی
در زمینه ورزش شنا در سطح مقدماتی فعال است. همچنین دوره زبان
انگلیسی آموزشی را تا Intermediate گذرانده است. مشوق او در موفقیت‌هایش
مادرش می‌باشد.

رضا صفا (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، پنجم ابتدایی
او در رشته فوتبال هفت نفره بازی کرده و در استان قم، مقام کسب کرده است.
ولی مقامی در کشور آن هم در سطح قهرمانی کسب نکرده است. اما در رشته‌های

هنری، کامپیوتر و قرآن مشارکت نداشته و کاری انجام نداده است.

کاظم صفری (متولد ۱۳۶۴)

کم بینا، کاردانی ادبیات فارسی

با فعالیت و تلاش خودش و مساعدت خانواده توانسته محلی برای کسب و کار و درآمد داشته باشد و سوپرمارکت ایجاد نماید. غیر از اشتغال شغلی از سال ۷۶ یعنی ۲۰ سال است در ورزش گلبال فعالیت دارد. در سال ۸۴ با تیم استان قم در تورنمنت ایتالیا، مقام سوم را کسب کردند. و سال ۸۷ در تورنمنت مالزی قهرمان شدند. نیز در داخل کشور هم به موفقیت‌هایی رسیده‌اند. سال ۹۶ سوم دسته دو شدند. سال ۸۶ قهرمان دسته یک ایران شدند. ۸۷ سوم دسته یک کشور شدند. سال ۸۰ یا ۸۱ در مسابقات جوانان در قم سوم شدند. سال ۸۶ باشگاه‌های ایران سوم شدند. سال ۸۷ باشگاه‌های ایران دوم شدند. سال ۹۲ هم باشگاه‌های ایران سوم شدند. اما در فعالیت‌های قرآنی و هنری ورود نداشته و کاری نکرده است. مهارت آموزی او در کامپیوتر، گذراندن دوره ICDL درجه دو بوده است.

روح الله طالبی آتونی (متولد ۱۳۷۱)

کم شنوا، کاردانی معماری

در رشته ورزشی فوتبال فعالیت دارد و در این رابطه عضو یک باشگاه دسته یک در قم بوده است. مشوق او در زمینه تحصیل پدرش می‌باشند.

خدیجه طراوتی (متولد ۱۳۶۴)

کم شنوا، دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی در مقطع کارشناسی

در زمینه ورزش در رشته کاراته فعال بوده و در مدت ۴ سال فعالیت در این رشته ورزشی توانست کمر بند قهوه‌ای را دریافت کند. بند الف آژانس هواپیمایی به علاوه دوره رجا را گذرانده و منتظر دریافت مدرک آن می‌باشد تا بتواند در شرکت‌های آژانس هواپیمایی مشغول به کار شود. در حال حاضر فعالیت اقتصادی ایشان

خیاطی می‌باشد که دیپلم این دوره را نیز اخذ کرده است. تلاش و انگیزه شخصی عامل پیشرفت من در تحصیل و دیگر زمینه‌ها می‌باشد.

رضا عاصم آبادی (متولد ۱۳۷۴)

کم بینا، دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع کارشناسی از فعالیت‌های فرهنگی ایشان طراحی و پشتیبانی سایت پایگاه بسیج در مسجد امام حسین علیه السلام می‌باشد. در زمینه ورزش در رشته‌های فوتسال و دومیدانی فعال است و در دومیدانی مقام سوم استان را در مسابقات دانش‌آموزی کسب کرد. مشوقین او در تحصیل و دیگر فعالیت‌ها دوستان می‌باشند.

زهرا عبدلی (متولد ۱۳۷۵)

کم بینا، دانشجوی رشته علوم تربیتی گرایش مشاوره در مقطع کارشناسی حدود ۱۲ سال می‌باشد که در رشته ورزشی شطرنج فعال می‌باشد و در این رابطه مقام دوم کشور در مسابقات قزوین سال ۱۳۸۹ و مقام اول استان از موفقیت‌های او می‌باشد. همچنین به مدت ۷ سال در رشته گلبال فعالیت داشته است. در دوران دبستان عضو گروه سرود و تئاتر بود و یک مقام اول استان را در زمینه تئاتر به همراه گروه در همان دوران کسب کرد. مشوقین او در موفقیت‌هایش خانواده می‌باشند.

عباس عجلی (متولد ۱۳۴۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی هنر، کارشناسی ارشد تاریخ او در دانشگاه هنر تهران کارشناسی هنر را به پایان رساند. با تمام ظرفیت، تلاش کرد تا به دانشگاه برود و بالاخره در کارشناسی ارشد تاریخ در دانشگاه علوم تحقیقات تهران پذیرفته شد. هم‌اکنون هنر تدریس می‌کند. البته در رشته موسیقی تحصیل کرده است و در نواختن نی تبحر لازم دارد. بیشتر کار تدریس انجام می‌دهد و به اجرای کنسرت و نوازندگی نمی‌پردازد. اما در زمینه ورزش در

رشته تیر و کمان شانزده سال فعالیت داشته است. مسابقات کشوری جانبازان و کشوری سال ۸۲ و دومی ایران را دارد. چند تا مقام تیمی دیگر هم داشت است. برای مسابقات بسیج، سومی کشوری و کشوری برای نیروهای مسلح و برای جانبازان هم چند بار مقام دومی و سومی کسب کرده است. ولی در سال‌های بیشتر مربیگری کار کرده است. پیشرفت‌هایش را مدیون بیشتر علاقه شخصی خودش می‌داند؛ ولی می‌گوید خیلی‌ها زحمت کشیده‌اند، راهنمایی کرده و کمک کرده‌اند، تا به اینجا رسیده‌ایم.

مه‌دی عرب خراسانی (متولد ۱۳۶۶)

جسمی حرکتی و ذهنی، سوم راهنمایی

پس از سوم راهنمایی به دلیل علاقه به ورزش در رشته دو و میدانی کار و فعالیت کرده است. او از سال ۱۳۸۲ فعالیتش را آغاز کرده و موفقیت‌هایی کسب کرده است. در مسابقات کشوری و مسابقات استان قم چند بار اول شده است. گواهی از فنی و حرفه‌ای در رشته منبت کاری دارد. ولی چند سال اخیر ادامه نداده است.

عبدالله عزتی (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی، کاردانی مهندسی الکترونیک

در دوران راهنمایی در رشته ورزشی بدمینتون فعال بود و توانست مقام دومی ناحیه ۳ قم را در این رشته کسب کند. همچنین در رشته ورزشی بدنسازی نیز فعالیت مختصری داشته است. در زمینه تحصیل در هنرستانی که مشغول به تحصیل و آموزش بود در مجموع نمرات دوره‌های دوم و سوم با معدل بالای ۱۸ در بین بیش از ۵۰۰ دانش‌آموز نفر سوم شد. مشوقین او در زمینه تحصیل و زندگی پدر و مادرش می‌باشند.

رضا علوی راد (متولد ۱۳۷۴)

جسمی حرکتی

در رشته پرتاب نیزه و دومیدانی کار می‌کند.

حسین علیزاده (متولد ۱۳۷۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مدیریت دولتی در مقطع کارشناسی حدود ۵ سال در رشته ورزشی شنا فعال است و در این زمینه حدود ۱۵ مدال کشوری را در کارنامه دارد. حضور در پایگاه و کانون بسیج از فعالیت‌های فرهنگی ایشان می‌باشد که در این رابطه در جشنواره حضرت علی اکبر در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ به عنوان توانمند خاص در فعالیت‌های ورزشی از او تقدیر شد. مشوقین ایشان در فعالیت‌های خانواده می‌باشند.

محمد غلامی (متولد ۱۳۴۵)

جسمی حرکتی، قطع پا، کاردانی ادبیات فارسی پس از اخذ دیپلم به دانشگاه رفت و کاردانی ادبیات فارسی دریافت کرد. ولی در زمینه ورزش در رشته شنا فعالیت داشته و حدود بیست سال است در این رشته فعالیت دارد و موفقیت‌هایی کسب کرده است. در استان مقام‌های اول و دوم، و در سطح کشوری باشگاه فجر دوم شد. در ماده کراال سینه بود و کراال پشت مقام آورده است. ولی در هنر و فعالیت‌های قرآنی و کامپیوتری فعالیت نداشته است.

یعقوب فانی (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، دیپلم پس از اخذ دیپلم به دلیل علاقه به ورزش، جذب فعالیت‌های ورزشی شد. در این زمینه مقام‌هایی در سطح استان و کشور به دست آورد. در سطح استان در رشته وزنه برداری معلولین در سال‌های ۷۹، ۸۰ و ۸۱ سه بار پشت سر هم مقام قهرمانی آورد. و در سطح کشوری هم یکی دو بار شرکت کرد، ولی تا مقام هفتم و چهارم بیشتر نتوانست جلو برود. فعالیت‌های ورزشی را از هفت سال قبل به خاطر کار و زندگی رها کرد. اما فعالیت‌های قرآنی، کامپیوتری و هنری هم ندارد؛

چون سر کار می‌رود دیگر به این کارها نمی‌رسد. الآن در شرکت ایزینه گر در شکوهیه کار می‌کند.

علی فراقی (متولد ۱۳۷۷)

ناشنوا

در زمینه کشتی کار می‌کند و مقام دوم کشوری را کسب کرده است و چهارم جهانی را کسب نموده است.

مهرداد فلاح (متولد ۱۳۵۶)

جسمی حرکتی، کارشناسی مهندسی کشاورزی

دارای کارشناسی مهندسی کشاورزی از دانشگاه آزاد ساوه است. او در زمینه ورزش رشته والیبال نشسته استان قم از هفت سال پیش فعالیتش را آغاز کرده و توانسته مقاماتی کسب کند. در سطح کشوری یک بار اول شد. و این مسابقات در مشهد برگزار شده بود. فعالیت‌های هنری و کامپیوتر و قرآنی نداشته است.

عباس قرنلی (متولد ۱۳۶۱)

ناشنوا و جسمی حرکتی، فوق دیپلم گرافیک

در ورزش فوتسال به صورت حرفه‌ای مهارت دارد. به عنوان قهرمان مقام اول و دوم فوتسال انتخاب شد، مقام سوم در مسابقه فوتبال سالنی ناشنوایان دهه فجر سال ۷۸ و کسب لوح قهرمانی، تقدیرنامه در سال ۹۰ به عنوان مسئول کانون، کسب حکم قهرمانی در رشته شطرنج و مقام سوم در سال ۸۷، کسب حکم قهرمانی در مسابقات فوتسال دسته دوم سال ۸۱ و مقام دوم در این رشته، کسب عنوان نایب قهرمانی المپیاد فرهنگی - ورزشی ناشنوایان کشور در مشهد سال ۹۴، سرپرست تیم فوتبال دسته یکم ناشنوایان کشور در سال ۸۶ در شهرستان دزفول، کسب مقام سوم در مسابقات فوتسال جوانان دسته دوم سال ۷۹ و کسب مقام سوم از جمله مقام‌های کسب شده توسط ایشان می‌باشد.

محمد قلندریان (متولد ۱۳۶۲)

جسمی حرکتی، دیپلم

او دارای دیپلم کامپیوتر و دیپلم انسانی است و پس از اخذ دیپلم به دلیل علاقه شخصی به ورزش جذب فعالیت‌های ورزشی شد. او در زمینه ورزش به موفقیت‌هایی رسید مقام‌هایی در سطح استان و یا سطح کشور دریافت کرد. در دو و میدانی رشته پرتاب نیزه و پرتاب وزنه مقام اول کشوری برای پرتاب وزنه مقام سوم، پرتاب نیزه به دست آورد. اما در حوزه فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های قرآنی فعالیت نداشته است.

علی کاشانی راد (متولد ۱۳۴۵)

جسمی حرکتی، قطع پا، دیپلم انسانی

او در دو و میدانی و والیبال نشسته، هفت یا هشت سال است کار کرده و انتخابی تیم ملی هم بوده است. در مسابقات زیاد شرکت کرده و مقام‌های کشوری اول و دوم زیاد دارد. در دو و میدانی ماده دو ۱۰۰ متر و نیز پرش و والیبال نشسته هم مقامات اولی و دومی و سومی دارد. در والیبال نشسته حدود پانزده سال سابقه دارد. در دو و میدانی انتخابی هلند بوده که نرفته است. در زمینه قرائت قرآن فعالیت داشته است. در مسابقات قرآن در قم شرکت کرده یک بار سوم شده است. از بچگی در جلسات قرائت قرآن شرکت می‌کرده تا وقتی که معلم شده و در آموزش و پرورش، کلاس قرآن برگزار می‌کرده است. سال‌ها در آموزش و پرورش معلم بوده و اکنون بازنشسته آموزش و پرورش است.

محسن کرم‌پور (متولد ۱۳۶۹)

نابینا، کارشناسی علوم سیاسی

او در رشته وزنه برداری نابینایان یا پاورلیفتینگ فعالیت داشته و تقریباً از حدود سال ۱۳۸۴، یعنی دوازده سال است در این رشته کار می‌کند. او در سطح استان دو

مدال طلا و یک مدال نقره آورده و در کشوری هم یک مدال نقره و یک مدال برنز کسب کرده است. نقره را در سال ۹۱ در شهر رشت و برنز را در سال ۸۸ آن هم در شهر رشت به دست آورد. اما در حوزه فعالیت‌های هنری یکی دو سالی کلاس آرگ رفته و آموزش نوا دیده و پیشرفت‌هایی داشته است. ولی در زمینه کامپیوتر و قرآن پیشرفت قابل توجه نداشته است.

علیرضا کهندانی (متولد ۱۳۶۳)

نابینا، فوق دیپلم کامپیوتر

مهارت در موسیقی کیبورد (حدود ۲۰ سال)، عضو هیئت رئیسه کانون نابینایان جلوه امید، عضو هیئت رئیسه شورای هماهنگی معلولین استان، دبیر هیئت ورزش‌های نابینایان استان، مشاور رئیس فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم بینایان کشور، مسئول امور استان‌های فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم بینایان کشور، عضو هیئت رئیسه باشگاه ونکور گلبال کانادا، دبیر انجمن روشندانان قم، در رشته گلبال حدود ۲۰ سال فعالیت دارد، در سال ۸۰ مسابقات جوانان کشوری مقام سوم، سال ۸۰ مسابقات دانش‌آموزی زنجان مقام دوم، سال ۸۴ جام باشگاه‌های کشور مقام دوم، ۸۴ جام باشگاه‌های اروپا در ایتالیا مقام سوم را کسب کرده است. سال ۸۶ مسابقات قهرمانی کشور مقام اول، سال ۸۷ جام باشگاه‌های آسیا - مالزی مقام اول سال ۹۱ مقام اول جام بین‌قاره‌ای اسلونی، سال ۹۲ جام باشگاه‌های سوپرلیگ کشور نایب قهرمان شده است. حکم قهرمانی از کنفدراسیون آسیا را دریافت کرده است.

حسین گلستانی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، دیپلم ریاضی فیزیک

او حدود ۹ سال است که در ورزش در رشته والیبال نشسته فعال است و حدود چهار سال است که به عضویت تیم ملی بزرگسالان درآمده است. در مسابقات برون مرزی، قهرمانی جوانان آسیا در تیم ملی بوده و در مسابقات پارا آسیایی کره جنوبی

در سال ۲۰۱۴ مقام قهرمانی به دست آورد. نیز در جام بین قاره‌ای در چین قهرمان شد، قهرمانی المپیک ریو در برزیل را پارسال به دست آورد؛ قهرمانی مسابقات آسیا اقیانوسیه را در سال ۲۰۱۴ در ایران و قهرمانی مسابقات آسیا اقیانوسیه در چین را همین چند روز پیش و قهرمانی باشگاه‌های جهان و قهرمانی باشگاه‌های آسیا را تا کنون کسب کرده است. البته تیم استان قم را فراموش نکرده و برای این تیم در سطح کشور در مسابقات قهرمانی کشوری جوانان یک سال بازی کرد. و سال گذشته رتبه دوم را در ایران به دست آورده است.

متأسفانه اکنون استان قم تیم لیگ برتری ندارد؛ اما در گذشته، حدود دو سال برای لیگ دسته یک برای قم بازی کرده است. در همین بازی‌ها بود که در سال دوم، مقام سوم را به دست آورده و سال بعد برای تیم‌های دیگر لیگ برتر بازی کرده است. در تیم‌های نفت و گاز گچساران، تیم ذوب آهن و ثامن الحجج مشهد بازی کرده است.

غیر از ورزش در حوزه هنر مثل تئاتر و موسیقی، کارهایی انجام داده است. دوران مدرسه در رقابت با مدارس کشور، در گروه سرود و در تئاتر در قم اول، شدند. مشوق اصلی او، خانواده‌اش بوده‌اند. اما بعد از اینکه در این مسیر افتاد، با سعی و تلاش خودش به پیش رفته است.

مهدی محمدپور بایرام کندی (متولد ۱۳۷۸)

ناشنوا، دانشجوی رشته برق

عضو گروه سرود ناشنوایان استان قم، در زمینه کاراته کار می‌کند که مقام سوم را کسب کرده و والیبالی و بدنسازی هم فعالیت می‌کند. از سازمان بهزیستی تقدیرنامه دریافت کرده است.

یاسین محمدی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی

او چند سالی است که فوتبال و والیبالی نشسته کار می‌کند. در والیبالی نشسته در

یک مسابقات چهار جانبه که در قم بود اول شدند. تیم‌هایی از اراک و قم و چند شهر دیگر بودند. برای مسابقات فوتبالی معلولین به بوشهر رفتند ولی مقام نیاوردند. اما چرخکاری کاور لوازم آشپزخانه می‌کند. و کاور لوازم آشپزخانه تولید می‌کند. اما فعالیت قرآنی و مهارت آموزی کامپیوتر ندارد. او از پانزده سالگی درس را رها کرد و به کار مشغول شد. بیشتر به چرخکاری علاقه داشت. و الآن ده سالی است که در این کار اشتغال دارد.

سعیده محمدی نیا (متولد ۱۳۵۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی ادبیات فارسی

او در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور ساوه فارغ التحصیل شد. در زمینه ورزش و والیبال نشسته و شنا فعالیت داشته و در مسابقات هم شرکت کرده است. مربی یعنی خانم نظریان بیشتر از بچه‌هایی که مدال آور بودند استفاده می‌کردند. ماها را جزء دسته دومها استفاده می‌کرد. اما در والیبال نشسته با تیم استان قم در مسابقات شرکت کرد و مقام‌هایی هم آورده است. غیر از ورزش، تایپیست هم هست، نیز در یک دفتر انتشاراتی هم اشتغال دارد. نیز اوقات بیکاری را خیاطی و ترمه دوزی و قالیبافی می‌کند.

فاطمه محمودی حکمت (متولد ۱۳۶۰)

جسمی حرکتی، کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی

پس از دوره متوسطه به دانشگاه راه یافت و کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی را از دانشگاه آزاد قم دریافت نمود. در زمینه ورزش عضو تیم شنای بانوان معلول بوده است. تقریباً دوازده سیزده سال در این زمینه فعالیت دارد. در مسابقات مختلف شرکت کرده و یک طلا و یک نقره کشوری آورده است. در مسابقات تهران، مدال طلا در ماده قورباغه و مدال نقره هم در ماده پروانه دریافت کرده است. این مسابقات در سال ۹۲ بود. در حوزه فعالیت‌های هنری، هنرهای دستی قالیبافی و قلاببافی انجام می‌دهد و تجاری اندوخته است. دوره‌های کامپیوتری در

حسابداری مقدماتی، حقوق و دستمزد و حسابداری با کامپیوتر را فرا گرفته و می‌تواند کار کند.

ابوالفضل مختاری ورزش (متولد ۱۳۵۶)

جسمی حرکتی از ناحیه پای راست، دیپلم

او در زمینه ورزش فعالیت داشته که منجر به کسب مقام در سطح استان و کشور شده است. حدود بیست تا سی تلالی کشوری در رشته تنیس روی میز دارد. به طور حرفه‌ای از سال ۸۰ تا کنون کار کرده است. اگر دوره آماتوری حساب شود از سال ۱۳۷۲ تا کنون تلاش نموده یعنی ۲۵ سال است مدام در تلاش است. از سال ۸۰ در عرصه قهرمانی، چند مدال طلا برای خود به‌زیستی آورد، چند مدال تلالی کشوری در اردو و تیم ملی کسب کرد و در سال ۸۲ هم قهرمان قهرمانان استان قم شد خودش معتقد است با اینکه در تیم ملی بوده ولی عمدتاً به خارج اعزام نشده است. و با اینکه پاسپورتش را گرفته بودند تا اعزام کنند، اما با بهانه‌هایی نکردند؛ چون به قول خودش، نورچشمی‌ها زیاد بودند. آقای پیروزمش رئیس هیئت جانبازان در جریان کارش هست. دو بار پیشنهاد تیم‌های تهرانی را رد کرده است. با اینکه در تیم‌های تهران فعال می‌شد موقعیت بهتر پیدا می‌کرد. اما باور دارد باید برای قم تلاش کند، دوست دارد اسم قم بالا بیاید، اسم حضرت معصومه سلام الله علیها باشد. در حوزه فعالیت‌های هنری بعضی وقت‌ها در رشته مداحی در جمع‌های کوچک به دلیل عشق به امام حسین علیه السلام شعر خواند. مشوق او، بیش از دیگران آقای پیروزمش بود. چون بین آنها رفاقت دیرینه‌ای هست. قبل از اینکه ایشان رئیس هیئت بشود با آقای مختاری دوستی داشته است. مشوق دیگر او، آقای خاتمی رئیس هیئت تنیس خاکی قم است. ایشان قبلاً مربی مختاری بود.

مریم مرادی عجل (متولد ۱۳۶۱)

جسمی حرکتی، کاردانی جغرافیا

او دارای مدرک کاردانی در رشته جغرافیا از دانشگاه پیام نور ساوه است. وی در زمینه ورزش و رشته شنا فعالیت‌های گسترده داشت و به موفقیت‌های بزرگی نائل آمد. و بیش از هفتاد عنوان کشوری در رشته شنا آن هم به عنوان مقام اول به دست آورد. ده سال است در رشته شنا سابقه فعالیت دارد. در سال ۹۵ مسابقات کشوری در تهران دو مقام اولی در رشته‌های پروانه و کرال سینه چهار در بیست و پنج بود. البته دقیقاً ماده‌هایش ثبت نشده ولی دو مدال طلا و دو مدال نقره بود. غیر از فعالیت ورزشی در مرکز فیزیوتراپی، اتاق پذیرش اشتغال دارد و نمی‌تواند در هنر یا مسائل مذهبی و دیگر امور فعالیت داشته باشد.

سید مرتضی جدائی

ناشنوا

دیپلم کامپیوتر

مربی کاراته ایران و به مدت ۶ سال کاپیتان تیم ملی کاراته ناشنوایان هست. سال ۲۰۱۳ قهرمان المپیک وزن آزاد با حریف اسرائیل کناره‌گیری کرد و هیچ کمکی نکردند. به عنوان بهترین مربی کاراته ناشنوا بوده و نفر اول کشور ایران شده است. به مدت ۲۸ سال هست که کاراته کار می‌کند و ۱۸ مقام قهرمانی کشور و مدال طلا و ۶ مدال نقره و ۴ مدال برنز دارد.

محسن مردانی (متولد ۱۳۶۷)

ناشنوا، دیپلم رشته نرم‌افزار کامپیوتر

محسن مردانی متولد ۱۳۶۷ ناشنوا و دارای دیپلم نرم‌افزار کامپیوتر می‌باشد. حدود ۱۱ سال است که در زمینه ورزشی رشته والیبال فعالیت دارد و در مدرسه مقام سوم را کسب نموده است. به مدت ۲ سال است که در زمینه بازیگری فعال است و یک فیلم کوتاه در مورد ناشنوایی ساخته است و کارهایش را در کانال‌ها نمایش می‌گذارد ولی لوح و تقدیرنامه‌ای دریافت نکرده است. او در کانون ناشنوایان حضور و مشارکت فعال دارد.

عادل مسرور (متولد ۱۳۶۴)

کم بینا، دیپلم

در رشته گلبال مهارت دارد و همسر خانم فاطمه امانی می‌باشد.

سمیه معصومی (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، کارشناسی علوم تربیتی

او کارشناسی علوم تربیتی را در دانشگاه پیام نور ساوه به پایان رساند. در زمینه ورزش و رشته والیبال نشسته کار کرده و از دو یا سه سال گذشته در این رشته فعال بوده است. با تیم خرم‌آباد، به مشهد و تبریز اعزام شده است. در این مسابقات مقام‌های سوم، پنجم را کسب کرده است. غیر از والیبال نشسته مدتی تنیس روی میز هم کار کرده است. البته در تنیس روی میز به کسب مقام منجر نشد چون یک سال بیشتر طول نکشید.

در فعالیت‌های هنری مثل داستان نویسی در مدرسه اول شد، و در ناحیه یا استان اصفهان دوم شد. البته چند وقتی ساکن اصفهان شده ولی ذاتاً قمی است. نیز در حوزه فعالیت‌های قرآنی و مذهبی مثلاً در احکام و نهج البلاغه در خود قم مقام اول و دوم را آورد. در بسیج بانوان قم هم فعال بوده و به عنوان نمونه انتخاب شده است.

علی مغفوری (متولد ۱۳۴۹)

جسمی حرکتی، دیپلم

در تیر و کمان و تیراندازی با تفنگ تبحر دارد. در امور فرهنگی و ورزشی فعالیت دارد.

علی ملاباقری (متولد ۱۳۴۷)

جسمی حرکتی، دیستروفی عضلانی، دیپلم

او در زمینه ورزشی رشته تنیس روی میز حدود ۱۵ سال فعالیت دارد و مقام‌های

متعدد انفرادی استانی و همچنین مقام کشوری از جمله طلای کشوری، نقره و برنز را کسب نموده است. تقدیرنامه‌هایی از شورای شهر و تربیت بدنی استان قم و بهزیستی و همچنین هدایایی از بهزیستی دریافت کرده است. او با تلاش و پشتکار و طی کردن سختی‌ها به این درجه رسیده است و به علت پیشگیری از عوارض ناشی از دیستروفی عضلانی و تحلیل رفتن عضلاتش و پیشنهاد دوستان و پزشک‌اش به ورزش روی آورده است. به خاطر همین ورزش است که الآن موفق است و می‌تواند حرکت کند.

اسماعیل ملامحمدی (متولد ۱۳۳۶)

جسمی حرکتی، دیپلم

او را پدر تیر و کمان استان می‌دانند و از زمانی که معلول شده است مسئول کمیته بسکتبال با ویلچر و بنیانگذار این رشته در سالم‌ها و غیره بوده است. حدود ۹ سال رئیس هیئت تیر و کمان استان بوده است. در قسمت معلولین و جانبازان تیم آنها به عنوان سه سال متوالی نایب قهرمان کشور انتخاب شده است و خود او هم در رشته ریکرو از تیر و کمان قهرمان کشور شده است. به خانواده خود هم آموزش داده و همسر او هم به عنوان مربی تیم ملی جانبازان فعال است و در پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن زهرا نعمتی شاگرد ایشان اولین مدال طلای تیر و کمان را آوردند. ایشان مربی برتر کشور شدند. تا به حال حدود ۶۰۰ مربی و داور در کشور تربیت کرده است. و سابقه مربیگری برای فدراسیون را هم در کارنامه خود دارد. در رشته وزنه برداری هم در ماده پرس سینه فعالیت داشته است که موفق بوده است و در رده وزنی خود اول شده است.

از جمله فعالیت‌های اجتماعی می‌توان به این موارد اشاره کرد: بنیانگذار جامعه معلولین نیکوتلاش، اولین رئیس هیئت مدیره، برگزاری اولین همایش در سالن معصومیه استانداری، برگزاری کلاس آموزشی و کارگاه‌های آموزشی.

او معتقد است که بهترین روش برای پویا کردن معلولین کشاندن آنها به محیط ورزشی است و بعد خودشان را پیدا می‌کنند. او از سال ۹۲ به علت بیماری سرطان تیروئید کم کار شده است و از بی مهری مسئولین نسبت به خود گله‌مند است.

سید محمد موسوی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، ضایعه نخاعی، سیکل

او در ورزش رشته بسکتبال با ویلچر از حدود شش تا هفت سال قبل فعالیت داشته است. در لیگ دسته دو کشور سال گذشته، مقام اول را به دست آورده است. و در سال ۹۵، در لیگ دسته دو کشور، مقام اول را کسب کرد.

او به حوزه هنر هم علاقه دارد و در طراحی و نقاشی و خوشنویسی فعالیت‌هایی داشته است. هر چند موفقیتش محدود بوده است. در دوران مدرسه فعالیت قرآنی داشته و در عرصه برگزاری نماز و جلسات احکام فعال بوده است. در انشای نماز در مسابقات منطقه‌ای چهارم شده است. مهارت آموزی کامپیوتر داشته است ولی مدرکی ندارد. او با پشتکار و تلاش‌های مداوم فردی و نیز تشویق‌های خانواده به مدارج مطلوبش رسیده است.

سید حسن موسوی زاده (متولد ۱۳۴۷)

جسمی حرکتی، راهنمایی

او از شهر قنات در استان قم است. و در رشته تیر و کمان، ۱۳ سال سابقه دارد. مقام اول، دوم و سوم کشوری را دارد. الآن هم در باشگاهشان فعالیت دارد. پنج دوره هم در اردوی تیم ملی بوده است. خودش معتقد است به دلیل نداشتن حامی، چند بار تا آستانه موفقیت پیش رفته ولی او را کنار زده‌اند. مثلاً می‌گوید برای اردوی کیش رکوردی زده و رکوردش خوب بوده، ولی متأسفانه پارتی بازی شده و او را از دور خارج کردند.

اما در مسابقات کشوری تختی در تهران مختص جانبازان معلولین، دوم شد؛ مسابقات تهران در شهریور ماه ۸۶، مقام اول کشوری را کسب کرد؛ و یک مقام سوم را در مسابقات کیش دارد. شانزده حکم قهرمانی استان هم دارد.

در فعالیت هنری و اجتماعی هم ورود داشته و کار کرده است. در بسیج علمی جزء مخترعین است و دستگاه‌هایی را با بچه‌های دیگر و گروه اختراع می‌کنند. نیز در جوشکاری و کارهای سنگین دیگر هم شرکت می‌کند. همچنین در کارهای

فکری مثل نقشه‌برداری مشارکت دارد. نهایتاً دستگاهی خیابان رو داخلی در دست تولید دارند که هشتاد درصد آن با موفقیت انجام شده است. او بچه قنوات است و قنوات معلول ندارد که او با آنها همفکری و همکاری کند. لذا مجبور است با افراد سالم همکاری کند و همکارانش هم اصلاً فکر نمی‌کنند که معلول است.

سید مهدی موسوی مقدم (متولد ۱۳۴۷)

جسمی حرکتی، دیپلم

او در زمینه ورزش و رشته تنیس روی میز و شنا در ده سال اخیر فعال بوده است و به مقامات تیمی دست یافته است. او یک بار سوم شد و بار دیگر دوم و بار سوم هم اول شده است. در شنا هم یک بار در مسابقه بین جانبازان اول شده است. او از تجارب دوستان و راهنمایی‌های آنها بهره بسیار برده و خودش معتقد است دوستان مهم‌ترین عامل در پیشرفت او است.

مهدی مولایاری (متولد ۱۳۶۴)

ذهنی، سوم راهنمایی

او در زمینه ورزش رشته فوتسال فعالیت داشته است. نزدیک هجده سال است که فوتسال کار می‌کند. و حدود سیزده سال است که عضو تیم ملی فوتسال است. همراه با تیم ملی در مسابقات خارج از کشور رفته است. تا کنون یک مدال طلا، یک مدال نقره و دو تا برنز آورده است. در کشور ایتالیا طلا دریافت کرد. و در عربستان نقره و در فرانسه و پرتغال برنزها را دریافت کرده است. در عربستان به عنوان کشورهای اسلامی و در ایتالیا به عنوان بازی‌های جهانی و در فرانسه و پرتغال به عنوان جام جهانی شرکت کرده است. اما در ایران هم یک مقام قهرمانی و سه تا مقام نایب قهرمانی دریافت کرده است. قهرمانی در اصفهان بوده است.

محمد رضا میرحائری (متولد ۱۳۷۳)

ناشنوا، فوق دیپلم گرافیک در فوتسال، والیبال، تنیس روی میز فعالیت دارد. در سال ۹۰ مسابقات فوتسال دانش‌آموزان مقام سوم کشور را کسب کرد.

هادی میرزاجانی (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته معماری در مقطع کارشناسی علاوه بر تحصیل در زمینه ورزش بدنسازی فعال است و موفق به اخذ مدرک مربیگری بدنسازی از فدراسیون بدنسازی تهران شده است. همچنین در حرفه لوله کشی آب، گاز و تاسیسات فعال می‌باشد و ۶ ماه دوره آن را در سازمان فنی حرفه‌ای گذرانده و مدرک مربوطه را دریافت کرده است. مشوق من در تمامی مراحل زندگی در درجه اول پدر و بعد خانواده می‌باشند.

سیدمحمد میرقیصری (متولد ۱۳۶۶)

ناشنوا، فوق دیپلم طراحی صفحات وب حدود یک سال و نیم هست که در رشته کاراته فعالیت می‌کند. در مسابقات کشوری مقام سوم، یک بار مقام سوم کاراته، فوتبال چندبار قهرمانی، فوتبال مقام قهرمانی یک بار، فوتسال مقام قهرمانی دوبار، فوتسال مقام دوم یک بار، فوتسال مقام سوم سه بار، فوتسال مقام پنجم دوبار را کسب کرده است.

مریم میزانی (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مددکار اجتماعی و خانواده در مقطع کارشناسی

در رشته ورزشی تنیس روی میز فعال است و در مسابقات مشهد در سال ۱۳۸۹ مقام دومی را کسب کرد. همچنین دوره عکاسی را گذرانده و مدرک مربوطه را اخذ کرده و چندین سال در این زمینه فعال بوده است. نیز تسلط کامل به حرفه یا هنر قالببافی دارد. تلاش و پشتکار خود باعث موفقیت من در زندگی و تحصیل و ...

می‌باشد. به نظر من هرکس باید خودش خویشتن را توانمند سازد.

علی اصغر نادری (متولد ۱۳۵۹)

جسمی حرکتی، خفیف، سوم ابتدایی

در رشته دو و میدانی و پینگ پنگ پیشرفت داشته و در دو ۱۰۰ متر قهرمان ایران و دو ۲۰۰ متر هم قهرمان ایران شده است. این مسابقات در مشهد برگزار شد. در پینگ پنگ دوم و سوم شد. مسابقاتش در مشهد و تهران بود.

محمد ناصری (متولد ۱۳۷۶)

ناشنوا، دانشجوی رشته تربیت بدنی در مقطع کاردانی

در رشته ورزشی فوتسال فعال است که در آزمون ورزشی آمادگی جسمانی که برای رشته فوتبال برگزار می‌شود، در سال ۱۳۹۳ در شهر مشهد در دو مرحله موفق بود که یکی رتبه سوم و در دیگری رتبه اول را کسب نمود. همچنین در مسابقات فوتسال بین استان‌ها یک مقام سومی و یک مقام چهارمی را دارد. علت موفقیت ایشان در تمامی مراحل تحصیل و ورزش تلاش و پشتکار خودش می‌باشد.

فردین ناصری (متولد ۱۳۷۱)

ناشنوا، فوق دیپلم گرافیک و هنرهای تجسمی

او دارای دیپلم گرافیک رایانه و فوق دیپلم گرافیک و هنرهای تجسمی از دانشگاه علمی کاربردی فرهنگ و هنر استان قم است. در هفت سال گذشته که به ورزش اشتغال داشته این لوح‌ها و مقام‌ها را کسب کرده است:

کسب لوح برای شرکت در مسابقات دو و میدانی قهرمانی کشور ناشنوایان سال ۸۹؛ کسب مقام دوم برای شرکت در مسابقات طناب کشی سال ۹۰؛ کسب رتبه دوم رشته مشبک در دومین جشنواره هنرهای دستی - تجسمی سال ۸۸؛ کسب لوح تقدیر به علت بالاترین معدل در بین دانشجویان رشته گرافیک سال ۹۳؛ کسب لوح تقدیر و کسب حکم قهرمانی رشته فوتبال؛

کسب مقام سوم در مسابقات سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی رشته آمادگی جسمانی؛ کسب لوح تقدیر به عنوان پرسنل نمونه سال ۹۲.

عباس نمازی (متولد ۱۳۴۶)

جسمی حرکتی، جانباز قطع پا، دیپلم

او به شغل بنگاه و املاک مشغول است و در پردیس قم دفتر دارد. او در رشته والیبال نشسته بیست سال سابقه دارد. همراه تیم استان قم نایب قهرمانی را به دست آورده است. نیز ۶-۷ سال پیش در دزفول نیز در مسابقات مشهد دوم شد. در رشته دو و میدانی ماده پرش ارتفاع، سال‌های ۶۸ یا ۶۹ فعالیت داشته و در ایران اول شد.

محمد نوروزی (متولد ۱۳۷۷)

جسمی حرکتی، از ناحیه پا، سوم دبیرستان

او پس از سوم دبیرستان به دلیل علاقه به ورزش جذب شنا شد و در رشته شنا ۲-۳ سال است فعالیت دارد و به موفقیت‌هایی رسیده است. در مرحله استانی، مقام سوم آورده و در سطح کشوری مقام دوم آورده است. مقام کشوری را در مشهد در سال ۹۳ در کراال سینه و قورباغه به دست آورد. در مقام استانی در سال ۹۱-۹۲ سوم شد. در ماده کراال سینه بود. در حوزه فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های قرآنی و مهارت‌های کامپیوتر، کار و فعالیت خاصی نداشته است.

الهه وزیرنیا (متولد ۱۳۷۳)

جسمی حرکتی، از ناحیه دست راست، کارشناسی علوم کامپیوتر

او با رتبه هفت هزار در دانشگاه قبول شد و هر چند رشته تحصیلی اش کامپیوتر است ولی علاقه فردی او و فعالیت عملی اش ورزش می‌باشد. او در رشته شنا معلولین فعالیت دارد، و در مسابقات کشوری شرکت کرده است. حدود ده سال است که شنا کار می‌کند. و مقام‌هایی در قهرمانی کشور و در لیگ کسب کرده

است. آخرین مسابقه‌ای که شرکت کرد، تابستان پارسال و در تهران و مسابقات کشوری بود. تا کنون سه مدال طلا و دو مدال نقره به دست آورده است. در ۱۰۰ متر کرال پشت و در مسابقه تیمی؛ نیز بعد در رشته پنجاه متر آزاد شرکت کرد و در همه اینها موفق به گرفتن طلا شد. اما در صد متر کرال سینه و در پنجاه متر قورباغه نقره گرفته است. او غیر از شنا در رشته کوهنوردی هم کار می‌کند. جاهای مهم مثل توچال و قله کلک‌چال، قله لَجَوَر اراک، قله شاه تختی در اراک، قله برف انبار در قم رفته است. به دلیل علاقه شخصی به ویولن از چهار سال قبل، آموزش آن را نزد استاد نامداری شروع کرده است.

در پایان بر این نکات تأکید می‌کند که مربیان و هم خانواده و نیز محیط و اطرافیان در سرنوشت و موقعیت معلولان نقش کلیدی دارند. همچنین دوستان و استادان و معلمین هم اهمیت دارند.

خلیل یزدانی (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، پایه نُه حوزه

او اصالتاً مازندرانی است و در رشته والیبال نشسته برای تیم قم بازی می‌کند. بازی در تیم استان قم موجب شده که چند مقام ورزشی به دست آورد. قهرمان لیگ شد؛ یک بار قهرمانی کشور سوم شد. تا کنون مقام به دست آورده است. فعالیت قرآنی در رشته قرائت داشته و در مسابقات قرآنی شرکت کرده و مقام‌ها و موفقیت‌هایی به دست آورده است.

در دروس حوزه هم فعال بوده و تحصیلات حوزوی، ورزش، قرائت قرآن را با پشتیبانی و تشویق والدین و پشتکار خودش به پیش رفته است.

محمد یوسفی بزچلوبی (متولد ۱۳۷۱)

کم شنوا، کاردانی کامپیوتر

در زمینه ورزش در رشته والیبال فعال می‌باشد و یک بار مقام اول استان را کسب کرد. همچنین در رشته‌های فوتبال و فوتسال نیز فعالیت مختصری دارد. حامی و

مشوق او در تمامی مراحل زندگی مادرش است.

پزشکی، توانبخشی و مشاوره

ملیحه چراغی (متولد ۱۳۵۹)

نابینا، کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش عمومی
پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی به مدت ۸ سال است
که در بهزیستی مشغول به کار مشاوره است و سال ۹۰ هم با عنوان شنونده برتر
رادیو جوان انتخاب شد. مشوقین او در پیمودن این راه ابتدا خانواده مخصوصاً پدر
و مادرش بودند و دوماً دوستانش هم بسیار او یاری کرده‌اند.

حیدر دوست کافی (متولد ۱۳۵۰)

جسمی حرکتی، دانشجوی دکترا روانشناسی بالینی
به عنوان مدرس دانشگاه، مشاوره خانواده و کارمند درمانگاه ۱۹ دی و
بهزیستی فعالیت می‌کند. همچنین تألیف و ترجمه، نگارش مقاله مهارت دارد. در
ورزش بستکتبال هم مهارت دارد.

مجله توان‌نامه (شماره ۲-۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴) با ایشان گفت‌وگویی درباره
وضعیت معلولان قم منتشر کرده است. متن این مصاحبه در ادامه آمده است:

حیدر دوست کافی

بنیانگذار جامعه معلولین نیکوتلاش

حیدر دوست کافی متولد ۱۳۵۰ است. در یک‌سالگی بر اثر فلج اطفال از ناحیه
دوپا فلج و هم اکنون ویلچر نشین است. ولی با روحیه عالی مثل یک فرد عادی
بلکه بهتر و کارآمدتر از افراد عادی به امور روزانه مشغول است.
او با همت و تلاش توانست در رشته روانشناسی بالینی، کارشناسی را طی کند؛
در رشته راهنمایی و مشاوره، کارشناسی ارشد بگیرد و هم اکنون در رشته
تخصصی مشاوره مشغول گذراندن دروس دکتری است.
کارنامه علمی و فرهنگی مطلوب و قابل قبولی دارد چند عنوان مقاله و کتاب

دارد، در دانشگاه‌های آزاد اسلامی قم و دانشگاه غیرانتفاعی طلوع مهر قم تدریس داشته است. تا کنون در پُست‌ها و سمت‌های بسیار خدمت کرده است؛ مثل عضویت نظام روانشناسی و مشاوره؛ رئیس مجتمع روانشناسی و خدمات مشاوره‌ای بهزیستی قم؛ عضو کمیته ازدواج و طلاق؛ عضو کمیته بازتوانی توانبخشی. از این رو ده‌ها نهاد و ارگان به تقدیر از خدمات او پرداخته و هدایایی به ایشان اعطا شده است.

از جمله خدماتش تأسیس جامعه معلولین نیکوتلاش است و به همین دلیل، گفت‌وگویی با ایشان داشته‌ایم که تقدیم می‌شود:

* شمه‌ای از زندگی و فعالیت‌های جنابعالی با هدف معرفی به مخاطبان داشته باشید.

- در سال تیر ماه ۱۳۵۰ متولد شدم و در سن یک‌سالگی به علت بیماری فلج اطفال، دچار معلولیت از ناحیه اندام تحتانی گردیدم.

* جنابعالی تشکلی به نام جامعه معلولین نیکوتلاش تأسیس کردید درباره این تشکل اطلاعاتی بفرمایید؟

- فکر می‌کنم سال ۱۳۸۰ بود که با تعدادی از دوستانم که معلول هستند جامعه معلولین نیکوتلاش را تأسیس کردیم. هدف این تشکل، بیشتر رسیدگی به امور فرهنگی معلولین بود. از جمله کارهایی که انجام دادیم عبارت بود از برگزاری دوره‌های مهارت‌های زندگی ویژه معلولین، آموزش پیش از ازدواج، مشاوره‌های گروهی، دیدار با افرادی که به علت حادثه یا بیماری یا ... به تازگی به جرگه معلولین پیوسته بودند تا بتوانند روحیه از دست رفته خود را بازیابند، برگزاری جشن روز جهانی معلولین، استعدادیابی و راهنمایی معلولین به سمت رشته‌های ورزشی و شغلی متناسب.

* غیر از جنابعالی چه کسانی در راه‌اندازی و اداره آن حضور داشتند؟

- در این تشکل، ۴ نفر معلول جسمی حرکتی و یک نفر نابینا حضور داشتند.

* انگیزه و هدف شما از تأسیس این تشکل چه بود؟

- هدف از تأسیس این تشکل، ارتقای سطح فرهنگ و دانش معلولین و تغییر دیدگاه جامعه و مسئولین نسبت به پدیده معلولیت بود.

* چه تجربه‌هایی از تأسیس تاکنون این تشکل می‌توانید به دیگران منتقل کنید؟

-تجارب قابل انتقال: برگزاری دوره‌های آموزشی، ارتباط مؤثر با مسئولین، کمک به تقویت شرایط روحی معلولین و غیره.
* جنابعالی الآن چه نوع فعالیت‌هایی دارید؟
-در حال حاضر تحصیل در دوره دکتری مشاوره، انجام مشاوره خانواده، تدریس در دانشگاه، پژوهش و تألیف و ترجمه کتاب مشغول هستم.

رضا شفیعی سورگ (متولد ۱۳۵۵)

ضایعه نخاعی، کارشناسی ارشد فیزیولوژی ورزشی
کارشناس فنی دام و طیور، مهارت در ماساژ ورزشی و دارای مدرک ماساژ از
فدراسیون پزشکی ورزشی، آشنایی مختصر با آب درمانی، در رشته شنا، تیر و کمان
مهارت دارد.

امور علمی و فرهنگی

فاطمه آذری (متولد ۱۳۷۳)

جسمی حرکتی، کارشناسی علوم آزمایشگاهی

فاطمه آزادی‌فر (متولد ۱۳۶۶)

ناشنوا، دانشجوی کارشناسی رشته روانشناسی

خیریه آسیا (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق

در زمینه قرائت قرآن کار کرده است. در رشته تیر و کمان و والیبال نشسته فعالیت داشته است. در رشته معرق، ساقه گندم، قالبیافی، قلاب بافی هم فعالیت دارد.

فاطمه آقا زیارتی (متولد ۱۳۷۵)

کم شنوا، دانشجوی کارشناسی رشته معماری

در زمینه قرآنی هم سوره‌هایی از جز ۳۰ را حفظ می‌باشد، در کسب موفقیت‌های ایشان در درجه اول تلاش و کوشش خود و در درجه دوم حمایت‌های خانواده و کمک‌هایشان بسیار سازنده بوده است.

مهدی آل امین (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه شاهد تهران می‌باشد. در پایگاه محل عضو بسیج است. حافظ جزء ۳۰ قرآن می‌باشد. مربی قرآن ایشان آقای محمدی به او بسیار کمک کردند و خانواده هم از مشوقین او بودند.

محمود آهنگران (متولد ۱۳۶۶)

گفتاری لکنت زبان، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته حسابداری

مریم ابراهیمی (متولد ۱۳۵۶)

جسمی حرکتی، کوتاهی در یک پا، لیسانس مدیریت دولتی
مادر دوفزند معلول دیستروفی عضلات و قبلاً در یک شرکت کار می‌کرده است.

امیرعلی احمدی (متولد ۱۳۸۹)

دیستروفی، اول ابتدایی

محمد مهدی احمدی (متولد ۱۳۸۵)

دیستروفی، پنجم ابتدایی

الهه اکبری (متولد ۱۳۷۳)

جسمی حرکتی، دانشجوی کارشناسی مهندسی پزشکی
در طول زندگی تمام تلاشم را برای تحصیل گذاشت و توانست به دانشگاه راه
پیدا کنم و هم اکنون در رشته مهندسی پزشکی مشغول به تحصیل می‌باشد به
کارهای هنری و ورزشی علاقه‌مند هست اما تاکنون نتوانسته حضور فعالی داشته
باشد، در طول دوران تحصیلات خانواده بسیار او را یاری کرده‌اند.

عرفان اکبری (متولد ۱۳۷۸)

کم شنوا، دانشجوی برق صنعتی
اینجانب در بحث ورزشی در رشته‌هایی چون هندبال، فوتسال، والیبال، فعالیت
داشته اما موفق به کسب مقامی نشدم. مشوقین او خانواده بودند.

محمود اکبری (متولد ۱۳۵۳)

ضایعه نخاعی، کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی، سطح دو حوزه او در دانشگاه در رشته اخلاق کاربردی تحصیل کرده است و در زمینه علوم دینی هم تحصیلات دارد. مدرک رسمی سطح دو حوزه را دارد و تا سال اول درس خارج هم تحصیل کرده است. هم اکنون حدود پنج سال است که کارمند قراردادی قسمت تدوین کتب درسی حوزه است و با استانداردهای کتب آموزشی آشنا است. در زمینه‌های مشاوره، اخلاق و روانشناسی فعالیت دارد. در زمینه فعالیت‌های قرآنی تجوید و روخوانی قرآن را تدریس می‌کند و به گفته خودش توانایی تدریس تفسیر را نیز دارد. در حوزه ورزش در رشته‌های تکواندو، والیبال، شنا، تنس روی میز، فوتبال و... فعالیت داشته است ولی مقامی در این رشته‌ها کسب نکرده است. در زمینه هنر نیز در سرود و تئاتر فعال بوده و کمی هم کار هنری روی کاغذ کالک داشته است.

کبری الوند (متولد ۱۳۷۵)

کم بینا، دانشجوی کارشناسی روانشناسی در دوران مدرسه در مسابقات داستان نویسی شرکت کرد، در زمینه حفظ قرآن که سوره‌هایی از جزء سی بود مقام سوم را به دست آورد. بیشتر در دبیرستان دانش آموز نمونه بود. مشوق اصلی او مادرش بوده که بسیار روی درس خواندن حساس هستند.

حمیدرضا امینی (متولد ۱۳۵۰)

جسمی حرکتی، فوق لیسانس مهندسی الکترونیک دارای معلولیت جسمی حرکتی پا می‌باشد. فوق لیسانس مهندسی الکترونیک و فعلاً کارمند مخابرات استان قم می‌باشد. و به صورت غیر حرفه‌ای بدمینتون بازی می‌کند. قبلاً در کرمانشاه برای مسابقات پارالمپیک در رشته وزنه برداری آماده

می شده است که به دلایلی ادامه نداده است. خطاطی و نقاشی و کاردستی با مقوا کار می کند.

نرگس انصاری (متولد ۱۳۶۶)

جسمی حرکتی Cp، کارشناسی حقوق

زهرا بازیار (متولد ۱۳۷۷)

جسمی حرکتی، دانشجوی کارشناسی روانشناسی

در زمینه ترتیل فعال می باشد. در مسابقات استانی شرکت کرده است. رشته شنا هم به مدت سه سال کار می کرده است. مشوق اصلی ایشان خانواده به ویژه پدر و مادرش بوده اند.

فاطمه بهمنی (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد IT

مدرک کارشناسی رشته IT و کارشناسی ارشد امنیت شبکه می باشد. مشوق اصلی اش انگیزه و اراده خودش بوده است.

محمد امین بیات (متولد ۱۳۷۷)

کم بینا و ناشنوا، دانشجوی کاردانی برق صنعتی

محمد رضا پورنجف (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، کاردانی رشته فناوری اطلاعات

اسماعیل تارپوردی (متولد ۱۳۵۴)

جسمی حرکتی، کارشناسی علوم آزمایشگاهی

دارای کارشناسی علوم آزمایشگاهی از دانشگاه آزاد چالوس زا ناحیه پا جسمی حرکتی می‌باشد. در حال حاضر در بیمارستان ایزدی قم مشغول به کار هست. مدت دو سال هم عضو تیم بستکیال با ویلچر استان قم بوده است. مشوق اصلی ایشان پسرعمویش بوده است که در حال حاضر خودش دانشجوی دوره phd علوم آزمایشگاهی هست.

نقیسه تقی زاده (متولد ۱۳۵۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی دکتری حسابداری

مؤسس آموزشگاه در رشته حسابداری، رتبه یک کشوری تدریس، ۱۵ سال سابقه مدیریت و تدریس، مولف دو جلد کتاب حسابداری، ۲ سال سابقه تدریس دانشگاه آزاد، مسلط به نرم افزارهای مالی، تدریس، مدیریت آموزشی، خدمات مالی و مشاوره مالی، مدیر و مؤسس آموزشگاه چرتکه (در زمینه‌های حسابداری، کامپیوتر، عمران، مدیریت، کارآفرینی، گردشگری، بازاریابی)، مدرس دانشگاه‌های آزاد و پیام نور، تنظیم مقالات علمی، پژوهشی در زمینه حسابداری، کارآفرین برتر استان در یازدهمین جشنواره کارآفرینان (قابل تقدیر در حوزه خدمات)، مدرس نمونه کشوری در بخش آموزش‌های مهارتی، شنا، تدریس و امور مدیریتی.

محمدهادی جلودار

کارشناسی ارشد کشاورزی

ساخت و ایجاد گلخانه و به نوعی گلخانه دار می‌باشد.

سجاد جوکار (متولد ۱۳۷۴)

کم بینا، دانشجوی کارشناسی روانشناسی

دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد واحد قم می‌باشد. خانواده

مشوق اصلی او بوده است.

مریم جوهری (متولد ۱۳۷۱)

جسمی حرکتی، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی
ایشان دارای مدرک کارشناسی روانشناسی بالینی و دانشجوی کارشناسی ارشد
روانشناسی عمومی می‌باشد و در حال حاضر در دانشگاه آزاد اسلامی قم مشغول
به تحصیل می‌باشد. مشوقین او خانواده اش بودند که او بسیار کمک کردند.

سمانه چراغی (متولد ۱۳۶۱)

نابینا، فوق لیسانس فلسفه
حافظ جزء ۳۰ قرآن می‌باشد، در مسابقات خاصی شرکت نکرده است. دارای
لیسانس فلسفه از دانشگاه آزاد قم و همچنین فوق لیسانس فلسفه از دانشگاه قم،
سال ۸۶ وارد دانشگاه شده است و سال ۹۳ به اتمام رساند.

محبوبه حاجی مرتضایی (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
پس از گذراندن دوره متوسطه و اخذ دیپلم به دانشگاه اراک راه یافت و در رشته
کارشناسی ادبیات فارسی تحصیل کرد، پس از آن کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
را از دانشگاه پیام نور تهران جنوب دریافت کرد. او در زمینه ورزش فعالیت نداشته و
در امور علمی و فرهنگی به دلیل علاقه ذاتی اش به این حوزه پیشرفت داشته است.
داستان نویس به ویژه داستان کوتاه می‌نویسد. و داستان‌هایش تا الآن در چند
جشنواره برنده شده است. از جمله مقام اول جشنواره یوسف سال ۸۹، مقام اول
جشنواره یوسف سال ۹۲، نفر اول جشنواره اشراق سال ۹۳، نفر چهارم جشنواره
طریق تبریز، مراغه مقاله‌اش برنده شده است. به ویژه به موضوع نقد کتاب و
گزارش کتاب علاقه بیشتر دارد و در نقد کتاب مقام کشوری به دست آورده است.
آثارش را به ناشری برای چاپ سپرده ولی به دلایل اقتصادی هنوز منتشر نکرده
است. ولی در مجله ماهنامه انتظار نوجوان داستان‌هایش چاپ شده است. این
مجله متعلق به استان قم است. یعنی این مجله کشوری و سراسری است، منتها

دفتر مجله قم است. مدتی کلاس تدبر قرآن می‌رفته ولی نتوانست دوره مربیگری تدبر در قرآن را طی کند. در رشته کامپیوتر ICDL در جه دورا گذرانده است. نیز در رشته وبلاگ نویسی فعال است.

از سال ۱۳۹۰ در کتابخانه نابینایان آیت‌الله خامنه‌ای انجمنی تشکیل شده به نام انجمن ادبی صبح اشراق؛ در این انجمن در حوزه ادبیات و نقد کتاب و شعر فعالیت دارد. ماهی یک بار بچه‌ها دور هم جمع می‌شوند و هم اکنون هم ادامه دارد. او مجری این انجمن است.

زینب سادات حسین آقایی (متولد ۱۳۷۷)

کم شنوا، دانشجوی کارشناسی روانشناسی در دانشگاه طلوع مهر قم می‌باشد. در پایگاه دانشجوی کارشناسی روانشناسی در روابط عمومی هست. مشوقین من در این سالها خانواده و همسرش بوده است.

حمیده حسین نژاد

جسمی حرکتی Cp، دانشجوی دوره کارشناسی رشته کتابداری

مهدی حسینی (متولد ۱۳۶۹)

ناشنوا، لیسانس مهندسی صنایع دارای معلولیت شنوایی از گوش چپ و دارای مدرک کارشناسی مهندسی صنایع از دانشگاه پیام نور واحد قم می‌باشد. در دوران دبیرستان ورزش پینگ پونگ بازی می‌کرده است که یکبار مقام اول را کسب نموده است.

فریده خانعلی زاده (متولد ۱۳۷۲)

ناشنوا، لیسانس حسابداری در رشته حسابداری در دانشگاه آزاد واحد قم در مقطع کاردانی به کارشناسی

تحصیل می‌کند. دریافت لوح تقدیر از دانشگاه برای مقاله قرآنی و مذهبی که در رابطه با امام سجاد علیه السلام نوشته بود دریافت کرد. یک دوره در مسابقه تنیس هم شرکت داشته ولی مقامی کسب نکرد. دوران نوجوانی نقاشی را انجام می‌داد. مشوقین او در این سالها پدر و مادر و همسر بوده است. مدتی در اداره صنعت و معدن و تجارت به عنوان کارآموز مشغول بوده است.

حدیثه خلیج (متولد ۱۳۷۶)

جسمی حرکتی، کارشناسی روانشناسی عمومی
دانشجوی کارشناسی روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد قم می‌باشد. یک مدت تنیس روی میز کار می‌کرده است.

محمد رضا دین پرور (متولد ۱۳۶۸)

نابینا، کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی
مهارت در کامپیوتر (نرم افزار و سخت افزار)، پژوهش‌های حقوقی، لیسانس حقوق
از دانشگاه بین المللی قزوین، ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی از دانشگاه قم

سپیده رحیمی (متولد ۱۳۷۶)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته حسابداری در مقطع کاردانی
مشوق او در زمینه تحصیل مادرش بوده است.

حسن رضایی

نابینا، دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآنی و حدیث
او دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته الهیات و معارف اسلامی
گرایش علوم قرآنی و حدیث با معدل ۱۷ در دانشگاه تهران با موفقیت به پایان
رساند. همچنین در دانشگاه قم از دوره دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی
گرایش علوم قرآنی و حدیث را با معدل ۱۹ فارغ التحصیل شد. استاد دانشگاه

پردیس فارابی تهران می‌باشد.

از دیگر افتخارات و سوابق علمی به این موارد می‌توان اشاره کرد: شرکت در کارگاه آموزشی ویژه استادان دوره‌های مجازی و دریافت گواهینامه پایان دوره؛ کسب رتبه دوم در ششمین دوره المپیاد دانشجویی کشور؛ کسب رتبه دوم در آزمون کارشناسی ارشد؛ کسب رتبه اول در دوره دکتری؛ عضویت در بنیاد ملی نخبگان؛ دریافت جایزه دکتر کاظمی آشتیانی ویژه پژوهشگران جوان؛ کسب رتبه دوم در نخستین همایش سراسری توانمندی‌های علمی - پژوهشی نابینایان و کم بینایان کشور. همچنین مقالات بسیاری را در مجلات مختلف به چاپ رسانده است و هفتاد مقاله را ترجمه کرده است.

زینب السادات رضوی (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته ژئومورفولوژی در مقطع کارشناسی مشوق او در زمینه تحصیل خانواده می‌باشند.

میثم روشن فکر (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد کامپیوتر گرایش هوش مصنوعی به مدت ۱۳ سال است که به عنوان عضو فعال بسیج فعالیت دارد. مشوقین ایشان در موفقیت‌هایش اعضای خانواده می‌باشند. سوابق پژوهشی، مقالات و افتخارات، مقالات عبارتند از: ۱- طراحی سیستم خبره برای پاسخگویی به سوالات شرعی ۲- طراحی سیستم خبره فازی برای استعدادیابی مهارت افراد جویای کار، ۳- انتخاب کارآفرینان برتر کشور با استفاده از شبکه عصبی مبتنی بر روش فراابتکاری کلونی زنبور عسل مصنوعی، ۴- بهبود دادن ویژگیها در طراحی سیستم خبره فازی برای تشخیص بیماری دیابت، دارنده مدال نقره کشوری در مسابقات ملی مهارت در رشته کامپیوتر (عضو بنیاد نخبگان)، مدارک: روش تدریس نوین CBT از مرکز تربیت مربی کرج، مدیریت آموزشگاه فنی و حرفه ای از سازمان سنجش مهارت‌های فنی و حرفه ای تهران، ICDL 1, ICDL 2 از سازمان سنجش

مهارت‌های فنی و حرفه ای قم، شبکه - اینترنت از سازمان سنجش مهارت‌های فنی و حرفه ای قم، دارای مدرک مربیگری و آزمونگری ICDL و نرم افزارهای اداری و طراحی صفحات وب سایت، Asp.net از مرکز تربیت مربی کرج، شبکه network+ از مرکز تربیت مربی کرج، زبان انگلیسی (۲ مدرک) از مرکز تربیت مربی کرج، سوابق شغلی: مرکز فنی و حرفه ای امام رضا پردیسان قم = مربی حق التدریسی دوره‌های کامپیوتر، سازمان فنی و حرفه ای استان قم = آزمونگر دوره‌های ICDL و نرم افزارهای اداری، هنرستان فنی و حرفه ای خواجه نصیر = مدرس دروس برنامه نویسی رایانه‌ای، آموزشگاه تداعی = مدیریت آموزشگاه و مدرس مهارت‌های کامپیوتری، هنرستان کاردانش محمدی کاشانی = مدرس کامپیوتر (میکس رایانه)، مجتمع آموزشی رسانه = آزمونگر و مربی نرم افزارهای اداری و دوره‌های کامپیوتر، مؤسسه فرهنگیان (فن آوا) = مدرس ICDL و نرم افزارهای اداری، مجتمع آموزشی پیوند و سبز = مربی دوره ICDL.

امید رومندیان (متولد ۱۳۷۷)

کم شنوا، دانشجوی رشته معماری در مقطع کاردانی مشوقین او در زمینه تحصیل پدر و مادرش می‌باشند.

کلی زعفرانی (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی پشتکار و انگیزه شخصی باعث پیشرفت او در زمینه تحصیل می‌باشد.

صادق زینی

جسمی حرکتی، حوزوی

دارای ۵ جلد کتاب احکام زیر نظر آیت الله فلاح زاده، چاپ کتاب زبان سوره‌ها، مسئول انتشارات زینی، دارای مؤسسه تحقیقاتی پژوهش کاربردی راه اهل بیت علیه السلام، چاپ کتب متعدد و تألیف مقالات.

فاطمه سلطانی شیرازی (متولد ۱۳۳۹)

جسمی - حرکتی، دیپلم اقتصاد اجتماعی

او در زمینه ورزش فعالیت داشته و عضو تیم والیبال نشسته بوده است ولی در کشوری به مقام خاصی دست نیافته است. در زمینه ورزش شنا هم فعالیت داشته است که در مسابقات داخلی و دوستانه مدال کسب کرده است. همچنین در زمینه فعالیت‌های هنری هم مهارت دارد از جمله: خیاطی، گلدوزی، کارهای پته دوزی، کارهای قلاب بافی، بافتنی با دست، بافتنی با چرخ. بهمدت چند سال در اوقات فراغت تابستان برای مشتری‌ها این کارها را انجام می‌داده است و به فروش می‌رسانده و کسب درآمد می‌کرده است. البته بعضی از کارهایش را که خاص است مثل پته دوزی و ... را به عنوان هنرهای خاص نگه داشته است.

در مهارت‌های کامپیوتر مدرک ICDL درجه دو و یک را دارد. به مدت ۳۰ سال سابقه معلمی در آموزش و پرورش دارد و در حال حاضر بازنشسته شده است. در مقطع آموزش ابتدایی تدریس می‌کرده است. در حال حاضر به مدت ۱۶ سال است که با جامعه معلولین نیکوتلاش همکاری دارد و مسئول نشریه جامعه و همچنین عضو هیئت مدیره می‌باشد و به خاطر نقش و فعالیت در جامعه معلولین با خود بهزیستی هم همکاری دارد. با بهزیستی زیر نظر آقای فتح‌الله بیگی برای مناسب سازی و برنامه ریزی سطح شهر، طرح راهنمایی و رانندگی همکاری دارد. او با حمایت‌های خانواده به این مدارج رسیده است و همچنین تلاش و اراده خودش که سعی کرده همیشه موفق باشد و معلولیت برایش محدودیت نباشد.

امیر سلطانی فرید (متولد ۱۳۷۵)

دانشجوی رشته معماری در مقطع کارشناسی

در زمینه ورزش در رشته‌های فوتبال و والیبال فعال بوده است. در هنر نقاشی مهارت دارد و در زمینه کامپیوتر دوره مقدماتی را گذرانده است. حامی و مشوق او در فعالیت‌هایش مادرش بوده است.

زهرا شفیعی اقدم (متولد ۱۳۷۵)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته علوم تغذیه در مقطع کارشناسی
مشوقین او در زمینه تحصیل پدر و مادرش می‌باشند.

نیره شهبازی‌نیا (متولد ۱۳۷۱)

کم بینا، دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی
مشوق ایشان در تمامی مراحل تحصیل خانواده بوده‌اند.

شیرین شهرایی (متولد ۱۳۷۲)

کم شنوا، دانشجوی رشته نقاشی در مقطع کاردانی
مشوقین او در زندگی و تحصیل پدر و مادرش می‌باشند.

محمد مهدی شیخ زاده

نابینا، دانشجو

فاطمه شیرین (متولد ۱۳۷۱)

کم شنوا، دانشجوی رشته IT در مقطع کاردانی
در زمینه ورزش در رشته والیبال فعالیت مختصری داشته است. و همچنین در
زمینه هنر دوره عکاسی و فتوشاپ را گذرانده و مدرک مربوطه را اخذ کرده است.
مشوق او در موفقیت‌هایش مادرش می‌باشد.

کبری صفایی صابر (متولد ۱۳۶۱)

کم بینا، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
او در زمینه هنری مثل گویندگی و اجرا، مقاله نویسی و نویسندگی مهارت دارد و

همچنین در زمینه ورزش هم فعال است که در رشته گلبال مقام دوم و سوم در مسابقات لیگ کشوری را کسب نموده است. عضو گروه توافیح می‌باشد و دوره‌های کامپیوتر را مهارت‌های آن را کسب نموده است. قلم زیبا و جذابی دارد؛ سلیس و ساده می‌نویسد؛ بهطوری که زود با خواننده ارتباط برقرار می‌کند. سبک نویسندگی او به گونه‌ای است که اگر نویسندگی را ادامه دهد و با تمرین قلمش را ارتقا دهد، حتماً یکی از نویسندگان بزرگ خواهد شد.

مهناز صوفی سویری (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی cp، کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات گرایش تجارت الکترونیک

راه اندازی و مدیریت فروشگاه تجهیزات معلولین به نام به توان کالا، عضو انجمن صنفی رایانه‌ای شهرداری قم. استفاده از تکنیک‌های داده کاوی برای پیش بینی بستری بیماران همودیالیز بیمارستان کامکار قم (پروژه پایان ترم)؛ تعیین راهبردها و استراتژی‌های سازمان بهزیستی (پروژه پایان ترم)، در حال نوشتن کتاب رمانی در زمینه معلولین، در زمینه موسیقی، نوازندگی ساز هارمونیکا برای خانه هارمونیکای اصفهان (از هنر جوه‌های آنلاین)، حدود ۲۰ قطعه شعر آماده دارد و دکلمه این کارها را (اجتماعی و عاشقانه) خودشان بر عهده دارند. کسب تقدیرنامه از فناوری اطلاعات برای فروشگاه اینترنتی در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۵ و همچنین کمپین مناسب سازی راه اندازی کرده است. از سال ۱۳۸۶ تاکنون: تدریس خصوصی زبان انگلیسی و عربی دوره راهنمایی و متوسطه؛ سال ۱۳۹۱: طراحی سایت favarenema.ir به سفارش شرکت فواره نما؛ سال ۱۳۹۳: برگزاری دوره رباتیک دانش آموزی به نمایندگی از شرکت آزاد در کانون امام خمینی قم؛ سال ۱۳۹۴: کار در شرکت ماشین‌های اداری آرایه؛ سال ۱۳۹۴: راه اندازی و مدیریت فروشگاه تجهیزات معلولین Behtavankala.com، تسلط بر سیستم مدیریت محتوای تحت وب Joomla، تسلط بر سیستم مدیریت محتوای تحت وب WordPress، تسلط بر CMS متن باز و فروشگاه ساز اینترنتی Magento، تسلط بر نرم افزار اداری office

و ++C و #C و C نویسی Word-Power Point-Excel-visio))، تسلط بر زبان برنامه نویسی HTML و CSS، تسلط بر نرم افزار Matlab، تسلط بر نرم افزار SPSS، تسلط بر پلت فرم هوش تجاری QlikView، تسلط بر نرم افزار sql server، تسلط نسبی بر نرم افزار ماشین مجازی VMware Workstation، تسلط به نرم افزار طراحی وب Dreamweaver، تسلط بر نرم افزار Rapid Miner، تسلط کامل بر وبلاگ نویسی، آشنا به سیستم‌های تصمیم یار و روش‌های AHP, TOPSIS, FUZZY, SAW, VIKOR, ANP, ELECTERE، آشنایی با سیستم‌های تحلیل امنیت اتوماتیک و نفوذپذیری برای کامپیوتر یا برای شبکه‌های سازمان، تسلط نسبی به زبان عربی و انگلیسی و تسلط کامل به ترجمه متون انگلیسی.

منصوره ضیائی فر (متولد ۱۳۵۹)

نابینا، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
در کار با دستگاه بریل تخصص و تبحر دارد. قبلاً در گروه تواشیح نابینایان هم فعالیت داشته است.

سید حسین طباطبایی

نابینا، کارشناسی ارشد علوم سیاسی

طیبه عبدلی (متولد ۱۳۵۶)

نابینا، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی
مسئول اولین و تنها کتابخانه نابینایان استان قم، کارشناس ارشد ادبیات، کتابدار بخش نابینایان، آموزش قرآن و خط بریل، آشنایی با نرم افزار چاپ کتب بریل

رقیه عبدی (متولد ۱۳۷۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته زیست شناسی در مقطع کارشناسی
در زمینه مهارت‌های کامپیوتر دوره ICDL2 را در مؤسسه رعد فاطمیه قم گذرانده

و مدرک مربوطه را اخذ کرده است. همچنین دوره‌های ICDDL و حسابداری را در همین مؤسسه گذرانده و در حال اخذ مدارک مربوطه می‌باشد. تلاش و علاقه شخصی عامل پیشرفت در زمینه تحصیل و دیگر فعالیت‌هایش بوده است.

محمدجواد علیان (متولد ۱۳۷۵)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مدیریت امور اداری در مقطع کاردانی پدر و مادرش مشوق و پشتیبان او در زمینه تحصیل و زندگی و در زمینه هنر خطاطی استادش آقای عزیزی می‌باشند.

یگانه غفرانی وصال (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی MS، دانشجوی علوم سیاسی در مقطع کارشناسی مشوق او در موفقیت‌هایش مادرش می‌باشد.

زهرا فردوسی (متولد ۱۳۷۳)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته حسابداری در مقطع کارشناسی مشوقین او در زمینه تحصیل خانواده می‌باشند.

محمد محسن فکور (متولد ۱۳۶۸)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مهندسی برق در مقطع کارشناسی ارشد از فعالیت‌های علمی ایشان تدوین ۲ مقاله، یکی در زمینه اجتماعی که در مجله پاسدار اسلام چاپ شد و دیگری در زمینه علمی که در مجله سلام بچه‌ها به چاپ رسید. پشتیبان و مشوق او در موفقیت‌هایش خانواده می‌باشند.

فهیمه فهیمی (متولد ۱۳۵۹)

نابینا، کارشناسی روانشناسی

در زمینه سرودن شعر مهارت دارد. در سال‌های گذشته در همان زمینه فعالیت‌هایی داشته که توانسته در چند جشنواره هنری در تهران شرکت کند. برای مثال در سال ۱۳۸۰ در جشنواره رادیو جوان توانستم مقام سوم را بدست بیاورد و در سال ۷۹ در جشنواره فرهنگسرای اندیشه مقام دوم و در سال ۷۸ نیز در جشنواره رادیو جوان مقام اول را کسب کند و لازم به ذکر است در سال ۸۰ موفق به چاپ یک اثر در روزنامه رسالت شد. مشوق‌های او در سرودن اشعارش شرایط محیطی بود که در آن زندگی می‌کرد و دوستانی چون خانم مریم حیدرزاده بسیار او کمک کردند.

علیرضا قنبری (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی cp، دانشجوی رشته علوم آزمایشگاهی در مقطع کارشناسی تلاش و انگیزه فردی باعث پیشرفت او در زمینه تحصیل می‌باشد.

ریحانه قنبری نائینی (متولد ۱۳۶۳)

نابینا، کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی به عنوان مترجم، مدرس زبان انگلیسی فعالیت دارد.

فاطمه کاظمی (متولد ۱۳۶۱)

نابینا، کارشناسی ارشد علوم ارتباطات مهارت در نویسندگی دارد و همچنین به عنوان کارمند استانداری استان قم فعالیت می‌کند.

فیروزه گائینی منش (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته پرتو پزشکی در مقطع کارشناسی مشوق او در زمینه تحصیل خانواده می‌باشند.

محمد رضا لاری پور (متولد ۱۳۵۱)

جسمی حرکتی، دانشجوی ارشد عمران سازه و مدیریت بازاریابی
مجری فعالیت‌های ساختمانی در ایران و عراق، توانمند نمونه کشوری، فعال در
امور بازاریابی، امور بازاریابی در ایران و عراق.

سمیرا محمدنژاد (متولد ۱۳۷۱)

کم بینا، دانشجوی رشته مهندسی منابع طبیعی در مقطع کارشناسی ارشد
در دوران مدرسه در رشته ورزشی فوتسال فعال بوده است. در زمینه هنر دوره
عکاسی را گذرانده و مدرک آن را اخذ کرده است. مشوق و حامی او در موفقیت‌هایش
در تحصیل مادرش می‌باشد.

محسن محمدی (متولد ۱۳۷۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مدیریت امور بانکی در مقطع کارشناسی
مشوق و حامی ایشان در تحصیل و زندگی مادرشان بوده‌اند.

محمد علی محمدی (متولد ۱۳۶۴)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته معماری در مقطع کارشناسی
در زمینه ورزش در رشته شنا فعالیت مختصری داشته است. همچنین در زمینه
کاربری کامپیوتر به واسطه رشته تحصیلی‌اش به نرم‌افزارهای AutoCAT و 3DsMax
تسلط کامل دارد.

سعید محمدیاری (متولد ۱۳۶۴)

نابینا، سیکل
مهارت در برنامه نویسی کامپیوتر، به عنوان ناظر فنی استودیو تولید کتاب گویا،
مسئول کتابخانه گویا، کسب مدرک ویژوال بیسیک و 2, ICDL1، مهارت تدوین و

ویرایش فایل‌های صوتی، کارمند دفتر فرهنگ معلولین به مدت ۵ سال می‌باشد.

علی محمدیان (متولد ۱۳۷۵)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته مهندسی صنایع در مقطع کارشناسی پشتکار و انگیزه فردی باعث پیشرفت او در زمینه تحصیل می‌باشد.

لیلا محمودآبادی (متولد ۱۳۷۱)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته حسابداری در مقطع کارشناسی مشوق او در زمینه تحصیل پدر و مادر می‌باشند.

علی محمودی (متولد ۱۳۵۷)

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی

درس سال ۸۵ و ۹۰ در سرشماری عمومی نفوس و مسکن به عنوان کارشناس آماری فعال بوده است، مدیر فروش، کار در دفتر آیت الله سبحانی روابط عمومی، آشنایی به زبان استانبولی، تسلط متوسط به کامپیوتر.

فهیمه مرادی (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی MS، کارشناسی رشته حقوق

اینجانب علاوه بر تحصیل در زمینه قرآن دوره‌های تجوید و قرائت را گذرانده است. مشوق او در موفقیت‌هایش در درجه اول اعضای خانواده به ویژه پدرش که تاکید بر توانایی او داشت و بعد یکی از دوستانش می‌باشند.

معصومه مظفری (متولد ۱۳۷۰)

کم بینا، دانشجوی رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی علاقه و پشتکار خودش و حمایت‌های خانواده باعث موفقیت او در زمینه

تحصیل می‌باشد.

مهديه ملكى (متولد ۱۳۷۲)

کم‌شنوا، دانشجوی رشته ارتباط تصویری در مقطع کارشناسی مشوق و حامی ایشان در تمامی مراحل تحصیل برادرشان می‌باشند.

جلال موسوى (متولد ۱۳۷۲)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته تصویر سازی در مقطع کارشناسی مشوقین او در زمینه تحصیل خانواده می‌باشند.

رقیه میرزایی (متولد ۱۳۶۲)

کم‌بینا، کارشناسی ادبیات فارسی مشوقین او در زمینه تحصیل خانواده می‌باشد.

رقیه ندیری (متولد ۱۳۵۸)

نابینا، شاعر

در تابستان ۹۴ مجموعه اشعار رباعی‌اش در مجموعه‌ای کوچک به نام «تنهایی من زنی جوان است هنوز» منتشر شد. مشخصات مأخذشناسی این کتاب اینگونه است: تنهایی من زنی جوان است هنوز، رقیه ندیری، مشهد، سپید باوران، ۱۳۹۴، ۶۴ص، جیبی.

اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان قم برای تکریم این شاعر و ترویج شعر اجتماعی او نشست‌های روز یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ در رستوران توسکا واقع در مرکز تجاری باران قم برگزار کرد.

در این جلسه خانم ندیری چند قطعه از اشعارش را قرائت کرد و حجت الاسلام والمسلمین امیرعطاءاله جباری مدیر کل کتابخانه‌های عمومی استان قم از کتاب بریل و گویا این اثر که توسط بخش نابینایان کتابخانه آیت‌الله خامنه‌ای آماده و

تکثیر شده، رونمایی کرد.

زینب نقی پور آددرسی (متولد ۱۳۶۰)

کم بینا، کارشناسی ارشد تاریخ

مشوقان او در زمینه تحصیل در درجه اول خانواده و سپس اساتید دانشگاه بودند.

حسین یاری (متولد ۱۳۶۸)

جسمی حرکتی، دانشجوی رشته حسابداری در مقطع کارشناسی

در زمینه ورزش فعالیت محدودی در رشته‌های تنیس روی میز، شنا، شطرنج و

بدمینتون داشته است.

فعالیت عمومی

معصومه بیک وردی (متولد ۱۳۵۸)

جسمی حرکتی، پنجم ابتدایی

او دارای مدرک پنجم ابتدایی است ولی به ورزش در رشته‌های دو و میدانی و والیبال نشسته علاقه داشت و فعالانه می‌کوشید؛ هر چند مقامی نیاورد. اما در هنر و امور قرآنی مثل حفظ و ترتیل و قرائت و مهارت‌آموزی کامپیوتری به دلیل سکونت در روستایی دور افتاده و فقدان منابع و امکانات نتوانست شرکت کند و پیشرفت نماید.

محمدحسین پورمند (متولد ۱۳۶۵)

چهارم ابتدایی

وی در ورزش در رشته دو و میدانی فعالیت‌هایی داشته و مقام و مدال هم آورده است. او در مسابقات دو و میدانی تهران دوم شده است. اما در هنر، کامپیوتر و قرآن فعالیت نداشته است.

محمدجواد تیموری (متولد ۱۳۶۶)

جسمی حرکتی، نخاعی، دیپلم حسابداری

او به علت تصادف ضایعه نخاعی شده و از ویلچر استفاده می‌کند. آشنایی کامل با کامپیوتر و تایپ و اینترنت دارد. و به مدت ۷ ماه در قسمت حسابداری شرکت می‌ماس کار می‌کرده است. در زمینه فعالیت‌های هنری در روفوکاری فرش دستبافت مهارت دارد.

فاطمه حاجی حسینعلی (متولد ۱۳۶۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی زبان انگلیسی

او در سال ۸۹ یا ۹۰ در رشته پرتاب وزنه در مسابقات مشهد شرکت کرد ولی چون هم سطح او کسی نبوده یک نفره کار کرده و مشخص نشده برنده شده یا نه؟ در سال‌های بعد هم پیگیری کرد و متأسفانه در قم کسی نبوده که هم سطح او باشد و این مسابقات را رها می‌کند. فعالیت‌های قرآنی و فعالیت هنری در سطح رقابتی نداشته است. فقط موفقیت او در زمینه، گذراندن مقطع کارشناسی و دریافت لیسانس زبان است. پس از آن تدریس می‌پردازد. یک سال کلاس تقویتی تدریس کرده؛ در کنار آن هم در منزل تدریس خصوصی داشته است. مشوق اصلی او از ابتدا، پدر و مادرش بودند. اما بعداً مجبور بود با پشتکار و تلاش‌های فردی به پیش برود، مشکلات را از سر راهش بردارد.

فاطمه حسینی (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، نخاعی، کارشناسی مترجمی زبان

او دانشجوی کارشناسی مترجمی زبان است. به علت تصادف نخاعی شده است و با ویلچر حرکت می‌کند. دوره‌های کامپیوتر، مثل فتوشاپ، ICDL مقدماتی و پیشرفته و ... را گذرانده و مدارک آن را از فنی و حرفه‌ای کسب کرده است. کار فیلمبرداری و حسابداری هم قبل از تصادف انجام می‌داده است. و تایپ هم در حد متوسط مهارت دارد.

حمیده حسینی نژاد (متولد ۱۳۶۵)

جسمی حرکتی، کارشناسی کتابداری یا علم اطلاعات

او به ورزش مثل شنا علاقه دارد و در دوره‌ای که مشکلات جسمی - حرکتی‌اش شدید نشده بود، به شنا می‌رفت و به تمرین مشغول بود و هنوز به مدارج قهرمانی و آوردن مقام رسیده بود که مشکلات او حادثتر و شدیدتر گردید. در فعالیت‌های هنری، مهارت‌های گل‌سازی و عروسک‌سازی را فرا گرفته است. نیز داستان‌های کوتاه می‌نویسد و اگر مهارت‌های او در زمینه نویسندگی ارتقا پیدا

کند، آینده مطلوبی در انتظارش است. در مهارت‌های کامپیوتر، دوره‌های ICDL درجه یک درجه دورا گذرانده است.

در خانواده، مادرش همیشه در کنارش بوده و موجب دلگرمی و پیشرفت و تشویقش شده است. اما معمولاً اینگونه اقدامات باید با اقدامات دیگری تکمیل شود و نهادهای مرتبط چون بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی هم تشویق و مساعدت نمایند. اما در مورد ایشان نبوده است.

حسن ذاکری (متولد ۱۳۷۳)

جسمی حرکتی، کاردانی نقشه کشی صنعتی

آقای ذاکری به فعالیت‌های ورزشی خیلی علاقه دارد ولی هیچ‌گاه فعالیت‌های قهرمانی و حتی فعالیت‌های وسیع آماتوری نداشته است. در امور هنری هم کار قابل توجه نداشته است. مهارت‌های کامپیوتری که مربوط به رشته‌اش می‌شده را گذرانده است؛ مثل اتوکد، (مکانیکال).

در فعالیت‌های قرآنی هم با اینکه شخصی قرائن قرآن به ویژه در ماه مبارک رمضان دارد اما در مسابقات شرکت نکرده است. بالاخره در هیچ فرضیه‌ای از سطح متوسط به مرحله نخبه‌گرایی عبور نکرده است.

علیرضا رنجکش (متولد ۱۳۶۵)

جسمی حرکتی، قطع عضو از ناحیه مچ پای راست، کارشناسی حسابداری

پس از گذراندن دوره متوسطه وارد دانشگاه علمی کاربردی قم شد و در رشته حسابداری مدرک کارشناسی دریافت نمود. و به عنوان حسابدار مشغول به کار شد. در زمینه ورزش فعالیت قابل توجه و قهرمانی نداشته، فقط در دو و میدانی و پرتاب نیزه مدتی بوده و حتی مقام چهارم را به دست آورده ولی ادامه نداده است. در حوزه هنری و عرصه قرآنی فعالیتی نداشته است. فعالیت‌های کامپیوتری را در حد اکسل، ورد، تایپ مهارت آموخته است. او به خاطر مشغله کاری آنقدر فکرش مشغول بوده که وقت کارهای دیگر نداشته است.

به نظر او در ایران وضع به گونه‌ای است که باید خودت پیگیر باشی؛ از این‌رو با اینکه ذوق حضور در مسابقات را داشته ولی چون وقت پیگیری نداشته کسی دیگر هم پیگیر کارش نبوده، از این‌رو پیشرفت نکرده است.

مه‌دی زال (متولد ۱۳۵۷)

جسمی حرکتی، پنجم ابتدایی

او پس از پنجم ابتدایی به دلیل علاقه به ورزش در رشته‌های دو و میدانی و پرتاب نیزه و پینگ پنگ توانست پیشرفت‌هایی کسب کند. در پینگ پنگ تیمی دوم شدند. اما در مهارت‌های کامپیوتر و قرآن و هنر فعالیت نداشته است.

نسرین سلم آبادی فرحانی (متولد ۱۳۶۳)

جسمی حرکتی، کارشناسی ارشد شیمی

او دارای کارشناسی شیمی از دانشگاه اراک و کارشناسی ارشد شیمی تجزیه از دانشگاه پیام نور دلیجان است. در زمینه ورزش مدتی عضو تیم والیبال نشسته استان قم بوده و با انحلال این تیم، عضویت او هم از بین رفت. فعالیت‌های هنری او در زمینه‌های خیاطی، قالببافی بوده و آثاری تولید کرده ولی در حد ارائه در نمایشگاه نبوده است. اما در حوزه فعالیت‌های قرآنی کاری نکرده است. در عرصه کامپیوتر تایپ را فرا گرفته است و در هم اینها بر پشتکار و توانایی‌های خودش متکی بوده است.

ولی شادکام نژاد (متولد ۱۳۵۵)

جسمی حرکتی، دیپلم

او دارای دیپلم انسانی است. ایشان در زمینه ورزش فعالیت‌هایی نداشته، همچنین در زمینه هنر و قرآن کار مهمی نکرده است. فقط مدتی تن پوش عروسک بودن را یاد می‌گرفته و تمرین می‌کرده است. این هنر نوعی تئاتر است و خود تئاتر هم مدتی کار کرده است.

زهرا شجاع (متولد ۱۳۶۹)

کم بینا، کارشناسی حقوق

او با رتبه ۶۳۶ در کنکور قبول شد. و در مقطع کارشناسی رشته حقوق وارد دانشگاه گردید. اما در رشته‌های هنری، ورزشی و قرآنی نه ورود داشته و نه کاری انجام داده است. مهارت آموزی کامپیوتر داشته و ICDL درجه یک و دورا دریافت کرده است.

انگیزه برای ورود به کارشناسی ارشد ندارد و بالاخره تا کنون ۲۷ سال از عمرش می‌گذرد، اشتغال هم نداشته و در رشته خاصی پیشرفت مطلوب ندارد و باید به علل و عوامل آن پرداخت.

علی اکبر صالحی (متولد ۱۳۶۱)

جسمی حرکتی، از ناحیه دست چپ، سیکل

شغل اصلی او رنگ کاری چوب بوده اما ده سال به سیم پیچی اشتغال داشت. ولی به خاطر یک تصادف نتوانسته ادامه بدهد. با اینکه به همان کار چوب علاقه بسیار دارد. اما در زمینه‌های هنر، کامپیوتر و ورزش مهارت آموزی نداشته و عملی هم کار نکرده است.

سکینه عبدلی (متولد ۱۳۵۲)

جسمی حرکتی، کارشناسی الهیات

او به ورزش شنا علاقه داشته و قبلاً شنا می‌رفته است؛ یک بار هم مسابقات کشوری شرکت کرده، ولی مقام نیاورد. فعالیت‌های هنری، اجتماعی، مذهبی نداشته است. فقط در کامپیوتر مهارت آموزی داشته و کلاس مبانی کامپیوتر را گذرانده و ICDL درجه دو دریافت کرده است.

فاطمه عزیز خانی (متولد ۱۳۵۹)

جسمی حرکتی، ضایعه نخاعی، کارشناسی حسابداری با تلاش فراوان و به رغم مشکلات دوره متوسطه را گذراند و به دانشگاه راه یافت. کارشناسی حسابداری را از دانشگاه آزاد تهران جنوب دریافت کرد. اما در زمینه ورزش و در قرآنی فعالیت نداشته است. اما دوره‌های کامپیوتر را گذرانده و الآن شاغل است. هم اکنون در حوزه مالی در درمانگاه قرآن و عترت قسمت حسابداری مشغول است.

او سی ساله بوده که بر اثر حادثه‌ای ویلچر نشین می‌گردد. در آن موقع درسش را خوانده بوده، و شاغل هم بوده است. بعد از آن اتفاق یک سالی از کارش دور بوده و بعد از اینکه توانسته روی ویلچر بنشیند، مجدداً به کارش برگشته است. او کوهنورد بوده بر اثر سقوط از ارتفاع این مشکل برایش اتفاق افتاد. قبل از اینکه معلول شود، مربی درجه دو کوهنوردی و سنگ‌نوردی بوده است و شرایط عالی برای کار و شغل و پیشرفت داشت.

مرتضی عزیزی (متولد ۱۳۶۸)

جسمی حرکتی

قبلاً به تعمیرات کفش اشتغال دارد و دارای مدرک از فنی و حرفه‌ای است. او در ورزش، قرآن و کامپیوتر فعالیت خاصی نداشته است و موفقیتی در زندگی اش نداشته است. خودش معتقد است هیچ کس حمایتش نکرده و مشوق هم نداشته است.

حسن عمو سلطانی (متولد ۱۳۳۹)

جسمی حرکتی از ناحیه پای راست، کارشناسی مدیریت آموزشی

او قبلاً در زمینه ورزش فعالیت داشته ولی الآن ورزش نمی‌کند. قبلاً در تنیس روی میز فعال بود و مقام‌هایی هم در کشور و یا سطح استان قم آورده بود. یعنی در سطح کشور دو بار مقام سوم و در سطح استانی، همیشه اول می‌شده است. قبلاً فعالیت قرآنی هم داشت و در مسابقات قرائت، تفسیر، مفاهیم شرکت می‌کرده است. حتی در این مسابقات مقام‌هایی هم آورده بود.

در رشته کامپیوتر هم ده - پانزده سال است، کار می‌کند و گواهینامه‌هایی گرفته است. هم اکنون در نمایندگی بیمه اشتغال دارد.

عبدالله فرجی (متولد ۱۳۴۳)

جسمی حرکتی، شدید، پنجم نششم ابتدایی
دارای شغل تعمیر کیف و کفش است. قبلاً در رشته بدن‌سازی مدتی به باشگاه
جانبازان و معلولین دخانچی می‌رفته ولی بر اثر تصادف آن را تعطیل کرده است.

مهدی قاریان (متولد ۱۳۵۳)

جسمی حرکتی، از ناحیه دست راست
او از شش سال قبل در پرتاب وزنه فعالیت داشته ولی مقام به دست نیاورده بود.
در قرآن فقط در جلسات خانگی برای روخوانی می‌رود.

مسعود کریمی صادق آبادی (متولد ۱۳۷۰)

جسمی حرکتی (CP)، پنجم ابتدایی
او دارای مدرک پنجم ابتدایی است. به دلیل علاقه به تنیس روی میز، در این
زمینه تمرین و فعالیت می‌کند. در کارهای هنری مثل مشبک‌کاری، کیف‌دوزی و
گل‌سازی هم فعالیت‌هایی دارد. نیز به حفظ قرآن پرداخته و سوره کوثر و آیت
الکرسی را حفظ کرده است.

محدثه مرادی

جسمی حرکتی، قطع پای راست، کارشناسی علوم سیاسی
پس از گذراندن دوره متوسطه به دانشگاه راه یافت و کارشناسی علوم سیاسی را
از دانشگاه آزاد قم دریافت کرد. در زمینه قرآنی و کامپیوتر و ورزش فعالیت‌هایی نداشته
است. اما در عرصه تئاتر کار می‌کرده است. در تئاتر یک لوح تقدیر دریافت کرده و
در تهران اجرا داشته، ولی از لحاظ بازیگر و نور و غیره مقام نیاورد.

فاطمه سادات مظفریان (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، انحراف ستون فقرات، کارشناسی مهندسی صنایع
پس از متوسطه با تلاش فراوان به دانشگاه راه یافت و توانست کارشناسی
مهندسی صنایع را از دانشگاه آزاد قم دریافت کند. او در زمینه ورزش ده سال پیش
بدمینتون می‌رفته، ولی نه به طور حرفه‌ای و فقط برای سرگرمی می‌رفته است. اما
فعالیت‌های هنری و فعالیت‌های قرآنی نداشته است.
در فعالیت‌های کامپیوتر دوره‌های ICDL درجه دو و یک هر دورا گذرانده است.
مدرک درجه دورا از فنی و حرفه‌ای دارد و درجه یک را فرصت نشده بگیرد.
حسابداری هم دوره‌اش را رفته و کار کرده و بر این رشته مسلط است.

آرزو نجاری طاهری (متولد ۱۳۶۷)

جسمی حرکتی، کوتاهی پای راست، کارشناسی حقوق
او دارای کارشناسی حقوق از دانشگاه آزاد و دانشجوی رشته حقوق خصوصی
در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه آزاد است. در رشته شنا از دوران دبیرستان
فعالیتش را شروع کرد. البته در والیبال و سایر رشته‌ها هم سابقه فعالیت دارد. او در
آشپزی هم مهارت دارد و در خوابگاه دانشگاهی رتبه کسب کرده و دوم شد. در
مدح اهل بیت ورود دارد. مثلاً زیارت عاشورا، دعای توسل و قرآن را با ترتیل
می‌کند.

اینها فعالیت فرهنگی است. در خانه‌داری و آشپزی مادرش مشوقش بود؛ در
قرآن و مسائل مذهبی خواهرش مشوقش بود. چون خواهرش قاری قرآن است و از
بچگی مشوقش بوده است.

مهدی نظری (متولد ۱۳۶۹)

جسمی حرکتی، از ناحیه دست راست، دیپلم
او دارای دیپلم تجربی است و در زمینه ورزش در رشته‌های شنا، فوتبال و

فصل ششم: شخصیت‌های موفق ۳۲۷

تکواندو فعالیت داشته است. اما در امور هنری و قرآنی و کامپیوتر هیچ فعالیتی نداشته است. اما دوره‌هایی را گذرانده است.

پیوست

ظرفیت‌ها و توانمندی‌های قم

قم از شهرهای مهم ایران و منطقه و جهان اسلامی است. این شهر به دلیل موقعیت و جایگاه استراتژیک و سوق الجیشی که دارد و نیز به دلیل جایگاه فرهنگی و علمی در جهان اسلام و داشتن معادن فراوان می‌تواند در سرنوشت معلولین داشته باشد. قم پایگاه نخبگان مذهبی است که از جهات مختلف صاحب نفوذ اجتماعی و جهانی می‌باشند که معلولان با راهنمایی یا تأثیر آنان می‌توانند موانع را برطرف و راه پیشرفت را هموار نمایند.

اما چرا معلولین و تشکل‌های معلولیتی مستقر در قم نتوانسته‌اند از ظرفیت‌های این شهر استفاده نمایند؟ و چرا در برخی جهات، معلولین قومی نسبت به معلولان بعضی شهرها عقب‌تر می‌باشند؟

پاسخ این است که قم و ظرفیت‌های آن را به درستی نمی‌شناسند؛ همچنین شیوه صحیح بهره‌برداری از توانایی‌ها و امکانات قم را نمی‌دانند.

در اینجا به اجمال درصدد بر آمده‌ایم شناختی از قم عرضه کنیم و بعضی از استعدادها و امکانات بالقوه و بالفعل این شهر را معرفی نماییم. از این‌رو دو مقاله از دانشنامه دانش‌گستر و دائرة المعارف تشیع تقدیم می‌نماییم.

شهر و استان قم^۱



۱. برگرفته از دانشنامه دانش‌گستر، ج ۱۲، ص ۴۰۶-۴۰۸.

قم کوچکترین استان در ایران و در مرکز شمالی کشور است که بین استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی قرار دارد. این استان از سه ناحیه متمایز تشکیل شده است. کوه‌های نه چندان مرتفع شمالی، دشت مرکزی، و کوه‌های نسبتاً بلند جنوبی که بخشی از رشته کوه‌های مرکزی ایران است. کوه پلنگ آبی، با ارتفاع ۳۱۵۴ متر واقع در جنوب استان، بلندترین کوه آن است و کوه‌های خستک، گلستان، و کوربلاغ از دیگر ارتفاعات مهم آن محسوب می‌شوند. شهر مذهبی قم و اراضی کشاورزی و قسمتی از روستاها و آبادی‌های استان در دشت مرکزی جای دارند و دریاچه نمک، واقع در مرز شرقی، و دریاچه حوض سلطان، که هر دو شوره‌زارهای وسیعی اند، همراه با قمرود و قره‌چای، که به دریاچه نمک ختم می‌شوند، مهم‌ترین عارضه‌های آبی این استان را تشکیل می‌دهند. اقلیم این استان، به استثنای بخش‌های کوچکی از کوهستان جنوبی که تا اندازه‌ای معتدل اند، گرم و خشک است و بارندگی سالانه اندکی دارد. استان قم سرزمینی کشاورزی است و فرآورده‌های آن عبارت‌اند از انار، صیفی‌جات، غلات، و میوه‌های فصلی. نساجی، چاپ و صحافی، تولید سنگ‌های ساختمانی و شیرینی‌جات سنتی، و کنسرو و کمپوت بخشی از فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی آن است. سنگ‌های آهکی و گچی و بعضی کانی‌های غیر صنعتی و نفت و گاز از منابع زیرزمینی آن به شمار می‌آیند؛ صنعت توریسم نیز اهمیت فراوانی دارد. استان قم با ۱۰۴۰۶۸۱ نفر (۱۳۸۵) جمعیت، از یک شهرستان و پنج بخش با مرکزیت اداری شهر قم تشکیل شده است. در تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ قم جزئی از استان دوم بود و در سال‌های بعد نیز از شهرستان‌های استان تهران محسوب می‌شد. این استان در ۱۳۷۷ به استانی مستقل تبدیل شد.

شهر قم: واقع در استان قم، مرکز اداری شهرستان قم و استان مذکور، با ارتفاع ۹۳۰ متر. در دشتی در ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی تهران، سر راه تهران اهواز، تهران شیراز، تهران بندرعباس، و تهران زاهدان و نیز کنار خط آهن تهران خرمشهر قرار دارد. قمرود از کنار این شهر می‌گذرد. اقلیم آن معتدل مایل به گرم و خشک و جمعیت آن بالغ بر ۹۵۹۱۱۶ نفر است (۱۳۸۵). شهرت قم از دوره بعد از اسلام شروع می‌شود، ولی سابقه شهر مزبور به روزگار پیش از اسلام نیز می‌رسد. در ۲۳ق، اعراب مسلمان به فرماندهی ابوموسی اشعری این شهر را تصرف کردند. ساکنان این شهر در زمان مأمون، خلیفه عباسی، از دادن خراج امتناع ورزیدند که

علی بن هشام، سردار مأمون، آنان را سرکوب و باروی آن شهر را ویران کرد و غرامت بسیاری نیز از آنان گرفت. این عمل در زمان معتز، خلیفه عباسی، نیز تکرار شد و مردم آن، به سختی، گوشمالی شدند و شمار زیادی از آنان به قتل رسیدند. حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه، دختر امام موسی کاظم علیه السلام، در ۲۰۱ ق، سر راه خود به مشهد، در این شهر درگذشت و در همان محل مدفون شد و بدین سان شهر قم از شهرهای زیارتی و مقدس شیعیان شد. در فتنه مغول و امیر تیمور، به سختی، آسیب دید و شمار زیادی از ساکنان آن به قتل رسیدند. در زمان صفویه رو به آبادانی نهاد و بر حرمت و قداست آن افزوده شد. چند تن از شاهان صفوی مانند شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان حسین، و به روایتی شاه عباس صفوی اول در آنجا مدفون شدند. این شهر در فتنه افغان آسیب دید و دوباره ویران شد؛ ولی در عهد قاجاریه مجدداً رونق گرفت و فتحعلی شاه قاجار در آنجا مدفون شد. قم از حوزه‌های علمی عالم تشیع است و مدارس مذهبی فراوان دارد. علاوه بر آن از مراکز مهم مواصلاتی، کشور است و از پرفت و آمدترین شهرهای ایران محسوب می‌شود. تبدیل قم به استان مستقل بر روند توسعه و رونق آن، کمک شایانی کرده است.

دریاچه قم^۱

حوض سلطان یا دریاچه حوض سلطان یا دریاچه قم که به نام‌های دریاچه شاهی و دریاچه ساوه هم شهرت دارد، دریاچه‌ای با وسعت ۳۳۰ کیلومتر مربع در شمال غربی دریاچه نمک و شمال استان قم قرار دارد. این دریاچه از دو چاله مجزا تشکیل شده که حوض سلطان و حوض مره نام دارند، اما نام حوض سلطان برای کل مجموعه به کار می‌رود و حوض مره کاربرد کلامی خود را از دست داده است. در ۱۲۶۲ ش دو نیمه دریاچه حوض سلطان به هم وصل شد و دریاچه بزرگی را به وجود آورد. از آنجا که ورودی‌های آب به این دریاچه دائمی نیستند و از لایه‌های نمکی می‌گذرند علاوه بر شور بودن، دوره‌های گوناگونی از خشکی و پرآبی را پشت سر گذاشته است. هنگام افزایش آب، دریاچه گسترش می‌یابد و زمین‌های پست و باتلاقی اطراف را می‌پوشاند. این دریاچه تا قرن ۱۹ بر اثر تغییرات مختلف در

مجرای رودهای شور یا مسیله بخش‌های باتلاقی و کویری جدیدی را در دل خود به وجود آورده است. از روزگار صفویه با ساخت سدی بر فراز پل دلاک ارتباط دریاچه حوض سلطان و دریاچه نمک قطع شد. در ۱۲۹۹ ق با تخریب سد موجود در برابر مسیله، دریاچه کوچک شد و تعمیر سد ساوه هم موجب خشکی باتلاق‌های پیرامون دریاچه و جلوگیری از ورود آب به دریاچه حوض سلطان شد.

رودخانه قُمرود^۱

واقع در استان‌های اصفهان، مرکزی، و قم با طول ۲۸۸ کیلومتر. از کوه‌های ۴۰ کیلومتری غرب خوانسار (استان اصفهان) سرچشمه می‌گیرد و روبه سوی شمال روان و به شهرستان گلپایگان وارد می‌شود و پس از پر کردن دریاچه سد گلپایگان به سوی شرق شمالی متوجه می‌شود و با پشت سر گذاشتن استان اصفهان، شهرستان‌های خمین، محلات، و دلیمان از استان مرکزی را طی می‌کند و از جنوب غربی به استان قم وارد می‌شود و از میان شهر قم می‌گذرد و سرانجام به دریاچه نمک قم می‌ریزد. میانگین آبدهی سالانه قُمرود ۱۵۰ میلیون متر مکعب و وسعت حوضه آبرگیر آن ۱۴۲۰۰ کیلومتر مربع است.

منطقه قُمرود^۲

قُمرود دشتی حاصل خیز در شمال شرقی شهر قُمرود است. کوه‌های منفرد بی‌پَر رُستَم و کوه سفید، دشت قمرود را احاطه کرده‌اند و رودهای ساوه و قَرَه‌چای آنجا را آبیاری می‌کنند. نام قم رود از روستای بزرگ قم رود گرفته شده است. دشت قمرود به علت موقعیت ممتاز جغرافیایی آن، از پیش از تاریخ محل تجمع و اسکان جوامع انسانی بوده است. از آغاز دهه ۱۳۷۰ ش میرعابدین کابلی، از باستان‌شناسان سازمان میراث فرهنگی کشور، آثار باستانی قمرود را شناسایی و معرفی کرد: الف) محوطه‌های باستانی هزاره پنجم پم: قَرَه تپه، سیاه تپه، تپه اَلْبُرز؛ ب) محوطه‌های تاریخی پیش از اسلام: آق تپه البرز و قلعه گلی؛ ج) محوطه‌های باستانی عصر سلجوقی: قلعه تپه، هفت گنبد، قِلمان خانه، نَقاره‌خانه، تپه

۱. دانشنامه دانش‌گستر، ج ۱۲، ص ۴۱۰.

۲. دانشنامه دانش‌گستر، ج ۱۲، ص ۴۰۹-۴۱۰.

سرگردان، تپه تنوره، تپه سُرخ؛ د) کاروان‌سراها: محمدآباد، کاروان‌سرا گلی پُل
 دَلاک؛ ه) قلاع دوران اسلامی: قلعه قُمُرد، قلعه قَنبر علی؛ و) قلاع دوره
 قاجاری: مُظفَرآباد، مَلک آباد، سام آباد، شیرین قلعه یا منصور آباد؛ ز) میل‌های
 راهنمای کاروانیان: میل صَفَر علی، میل بابک؛ ح) شانزده بَقعه و امامزاده؛ ط)
 پل‌های تاریخی دَلاک، شکسته؛ ی) بنداب‌های بَنَد جَنگَل و بند عامِر یا عَمَر.

قم شهر تاریخی و مذهبی^۱

قم دومین شهر زیارتی، مذهبی و مقدس ایران در فاصله ۱۴۷ کیلومتری جنوبِ غرب تهران، که به جهت وجود زیارتگاه‌هایی از جمله آستانه معصومه علیه السلام - خواهر امام رضا علیه السلام - در آن، آن را «قُم مقدسه» یا «عُش (آشپانه) آل محمَد صلی الله علیه و آله و سلم نیز می‌نامند. قم شهری است باستانی و مدت‌ها پیش از ظهور اسلام وجود داشته است و چند دلیل، این دعوی را تأیید می‌کند.

نخست آنکه، در فاصله‌ای کم در مغرب شهر، بقایای آتشگاهی موجود است که خود دلیل بر آباد و مسکون بودن آن پهنه قبل از اسلام می‌باشد. در کتاب باستان‌شناسی ایران باستان (۱۲۴) تألیف لوئی واندنبرگ آمده: «در حدود ۱۵۰۰ متر در مغرب شهر قم، روی تپه‌ای که بین راه سلطان آباد (اراک) و رودخانه واقع است، خرابه‌های قلعه دختر مشهود است. این ویرانه شامل یک تالار مربع گنبد داری است که از چهار طرف باز است. این نوع ساختمان چهارطاقی نام داد. یک راهروی زانودار این چهارطاقی را به اطاق در بسته‌ای که همان آتشگاه است متصل می‌نماید. زیر گنبد چهارطاق، محرابی است که روی آن آتشی را که از اطاق سربسته آورده می‌شده می‌افروختند».

دوم آنکه نام قم در اساطیر کهنه باستانی دیده می‌شود، و هر چند که این اساطیر را اساسی نیست لکن قدیمی بودن قم را برهانی تواند بود: از این نوع است قول ابن فقیه که گفته: وَيُقَالُ إِنَّ الَّذِي بَنَى قُمًّا، قُمَسَارٌ = و گفته می‌شود: کسی که شهر قم را بنا نهاده قُمَسَار نام داشته است (مختصر کتاب البُلدان، ۲۶۳)؛ و قول حمدالله مُستوفی که نوشته: «قم از اقلیم چهارم است... طهمورث (آن را) ساخت» (نزهة القلوب، مقاله ثالثه، ص ۶۷)؛

سوم آنکه، اگر محل اصلی شهر قم که خرابه‌های آن اکنون در یک کیلومتری

مشرق شهر مشهود است، و نیز نام قُرّای اطراف شهر، مورد توجه و دقت قرار گیرد به ثبوت می‌رسد که این شهر مدت‌ها پیش از ظهور آیین مقدّس اسلام، وجود داشته است؛ منتهی بعداً به تدریج به سمت صحن مطهر در مغرب متحول شده است (قم را بشناسید، مقاله علی اصغر فقیهی ۳۷). بنابراین قول ابی دُلّف در الرّسالة الثّانیة، و یاقوت حَمَوی در مُعْجَمُ البُلدان، که قم را از شهرهای مستَحَدَثَه دوره اسلام دانسته و در ذکر آن نوشته‌اند: وَ هِیَ مَدِیْنَةٌ مُسْتَحَدَثَةٌ اِسْلَامِیَّةٌ لَا اَثَرَ لِلاَعْجَمِ فِیْهَا = و آن (شهر قم) شهری است به وجود آمده در اسلام، که اثری از عجم در آن نیست (الرّسالة الثّانیة، ۳۰؛ معجم البلدان، ۱۷۵/۴)، خطاست. همچنین یاقوت در معجم البلدان گفته: ابتداء بناء این شهر به سال ۸۳ق در زمان حَجّاج بود؛ بدین قرار که عبدالرحمن بن محمّد بن اشعث بن قیس که از سوی حَجّاج، امیر سیستان بود، بر وی خروج کرد، و در لشکر او هفده تن از علماء تابعین عراق بودند. چون ابن اشعث مُنْهَزِم شود و به کابل رفت آن جماعت به ناحیه قم افتادند؛ از آن جمله چند برادر بودند به نام‌های: عبدالله و اُحوص و عبدالرحمن و اسحاق و نُعیوم - پسران سعد بن مالک بن عامر اشعری. در آن موضوع هفت قریه بود و یکی از آنها کُمندان نام داشت. این برادران در آن قُرّی نزول کردند و آنجا را به قهر و غلبه بر والیان جور به دست آوردند و وطن گرفتند، و بنی اعمام ایشان نیز بدیشان پیوستند. آن هفت قَبّه به صورت هفت محله در آمد و بهم اتصال یافت، و نام یکی از قُرّی را که کُمندان بود بر آن نهادند (به حکم: اَعْجَمِیٌّ فَالْعَبُّ بِهٖ مَا شِئْتُ = و به حکم اینکه عجمی (ایرانی) است، پس هر گونه می‌خواهی با او بازی (رفتار کن)، به تعریب، آن را قم نام نهادند. مقدّم این برادران، عبدالله بن سعد بود و او پسری داشت که در کوفه پرورش یافته و آیین تشیع داشت، و از کوفه به قم آمد و تشیع را در آنجا رواج بخشید (معجم البلدان، ۱۷۵/۴).

نامگذاری قم: معروف‌ترین و رسمی‌ترین نام همان قم است و در منابع روایی به همین شکل از آن سخن گفته شده است. در حدیثی می‌خوانیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج، شیطان را مشاهده کرد که در قم نشسته بود خطاب به وی فرمود: «قُم یا ملعون» برخیز ای لعنت شده، بعد از آن به این ناحیه قم گفته شد، با این وصف نام‌گذاری قم و معرفی آن توسط جبرئیل و خاتم پیامبران بوده است (بحار، ۲۱۷/۵۷). امام هادی علیه السلام فرموده‌اند: قم را از این جهت بدین نام، نامیده‌اند که کشتی نوح هنگام طوفان به آنجا رسید، آن‌گاه متوقف گردید (همان، ۲۱۳/۵۷، حدیث ۲۴). حضرت صادق علیه السلام به عَفّان بعدی

فرمودند: می‌دانی که چرا قم بدین نام موسوم گردیده است، عرض کرد: خدا و رسولش و شما بهتر می‌دانید اما ششم توضیح دادند، زیرا اهلیش به یاری قائم آل محمد برمی‌خیزند و همراهش اجتماع کرده و قیام می‌نمایند (همان، ۲۱۶/۷۵، حدیث ۳۸).

دانشوران متبحر در نقشه برداری جغرافیایی بر این باورند که قم همان شهری است که بطلمیوس آن را «گونا» یا «گورینا» (*Gauna = GURINA*) خوانده است و برخی محققین محل فعلی قم را همان هکاتوم پیل باستان (*Hecatompile*) دانسته‌اند (فصلنامه وقف میراث جاویدان سال ششم پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ۱۶۲).

برای قم در منابع روایی لقب‌هایی را ذکر کرده‌اند: زهرا (درخشان)، مجمع انصار قائم، قطعه‌ای از بیت المقدس، ارض جبل، معدن شیعیان، حرّم اهل بیت، بلده ائمه، مطهره، مقدّسه، آشیانه آل محمد، مأوای شیعیان، پایگاه فاطمین، مکان آرامش، حجتی بر بلاد دیگر شهر علم و اجتهاد، شهر فضیلت، بحر (موضعی در بلاد جبل)، مختار البلاد، دربی از درب‌های بهشت، شهر امان الخائفین، شهر دور از بلاها، شهر امن از بلاها... (بحارالانوار، ۵۷، ۲۱۱؛ همان، ۱۸، ۴۰۷؛ دلائل الامامة، طبری، ۳۰۷؛ معارف و معاریف، حسینی دشتی، ۱۰۶/۵؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۲۰۵). در ادوار تاریخی و آثار مورخان، مکاتبات حکام و کارگزاران و دهه‌های اخیر نیز این لقب‌ها را برای قم درج کرده‌اند: دارالمؤمنین، دارالعبادة، دارالموحدين، خیر المقدمین، دارالعلم، خاک فرج، مدینه المؤمنین، بلدة المؤمنین، دار مدینه المؤمنین، شهر حضرت فاطمه معصوم سلام الله علیه قُبّة الاسلام و... (مجموعه مقالات، گروهی از نویسندگان، ۳۱۲/۲؛ پرتو ولایت در قیام قم، روابط عمومی دفتر تبلیغات، ۲، ۹، ۱۰؛ تاریخ مذهبی قم، ۱۸). قم به انگلیسی *Qum, Kum, Kom* نوشته می‌شود.

چگونگی پیدایش: قم شهری باستانی است و در دوران ساسانیان از شهرهای نسبتاً بزرگ و مهم ایران بوده است و روشن‌ترین دلیل قدمت آن، انشعاب راه‌های تجاری از آن است و به حکم اقتضای مکانی دوره‌ای که ری و اصفهان آباد گردیده‌اند، این شهر نیز معمور شده است، برخی بنایش را به طهمورث پادشاه پیشدادی نسبت داده‌اند و در شاهنامه فردوسی سه بار نامش ذکر شده است، بنا به قول اصطخری در یک منزلی قم در قریة المجوس مردمی با کیش زردشتی زندگی می‌کرده‌اند، یاقوت حموی نیز آثار قلعه‌های کهن ایرانی را در قم مشاهده

کرده است. در قریه‌ای به نام مزيجان آتشکده کهنی به نام آذر چشمنف بوده، که جزو آتشگاه سه‌گانه‌ای بوده که ایرانیان درباره آنان بی‌نهایت غلومی کردند (گنجینه آثار قم، عباس فیش، ۷۰/۱؛ قم در قرن نهم هجری، مدرس طباطبایی، ۱۰۹).

قم در محل جمع شدن آب رودخانه انار بار بوده و چراگاه‌های اطرافش مرتع مرکب‌های فرمانروایان پیشدادی بوده است. کیخسرو کیانی با مشارکت بیژن پورگیو زمین بایری را که بین قم و قم رود بود شکافته و نه‌ری از آب برایش ساخت. این محوطه شهر و اطرافش زمین زراعتی گردید، چهل نفر از رؤسای لشکر چهل کلاته در اراضی قم بنا نمودند و چهل بند از رودخانه را جدا ساخته و به مزرعه‌های خود بردند و به همین دلیل به چهل حصاران معروف گردید، اکنون هم بسیاری از محلات قم نام فارسی اصیل دارند مانند سفید آب، میان شهر، سر بازار، سرپل، چهارمردان و سنگ سیاه (تاریخ و جغرافیای قم، ادیب کرمانی، ۷۸؛ مجموعه مقالات، گروهی از نویسندگان، ۴۴۸/۳).

از منابع تاریخی چنین استنباط می‌گردد که قم رود، در طول تاریخ به عنوان مایه حیات شهری و روستایی دشت قم عمل کرده است و مردم برای آبیاری کشتزارها و آب‌رسانی به روستاها از آن استفاده می‌کرده‌اند و با ایجاد انشعابات گوناگون هر شاخه‌ای از آن را برای بخشی از مزارع و آبادی‌ها جاری می‌نموده‌اند و این شیوه منظم آبیاری بر شکل‌گیری شهر قم دخالت داشته است و در ناحیه‌ای که اکنون لب چال نامیده می‌شود قم پدید آمد. این محل در روزگار باستان با عنوان مسنجان نامیده شده و طی ده قرن همچنان کانون شهر بوده است. بازار کهنه، میدان کهنه، مسجد جامع و دیگر بناهای قدیمی مرکز شهر در این محل واقع بوده‌اند و محله‌های دیگر گرد این کانون بیضی شکل به وجود آمده‌اند.

برخی گفته‌اند شهر جدید قم در دوره اسلامی و در نقطه باستانی شارسنان تکوین یافته است (جغرافیای تاریخی قم، ۷۷؛ نشریه گزارش، همان ۸).

بنا به دلایل متعدد قم مقارن یورش مسلمانان به ایران، شهری معتبر و پر جمعیت بوده و از هنگام آمدن اشعریان آثار قبل از اسلام در آن وجود داشته است، قلعه گبری و قلعه دختر، شهرستانک در نواحی غربی از آن جمله است و بنابراین، گفته سمعانی و یاقوت حموی مبنی بر اینکه قم از شهرهای جدید اسلامی است که توسط آل اشعر در زمان حجاج بن یوسف ثقفی بنا شده، درست نمی‌باشد، و به تصریح بلاذری و ابن اعثم کوفی و نویسنده تاریخ قم، هنگام آمدن اشعریان آثار قبل از اسلام در آن وجود داشته است، قلعه کبری و قلعه دختر، شهرستانک در نواحی غربی از آن جمله است و بنابراین، گفته سمعانی و یاقوت حموی مبنی بر

اینکه قم از شهرهای جدید اسلامی است که توسط آل اشعر در زمان حجاج بن یوسف ثقفی بنا شده، درست نمی‌باشد. به تصریح بلاذری و ابن اعثم کوفی و نویسندگان تاریخ قم این شهر در سال ۲۳ هجری به دست مسلمانان و با فرماندهی ابوموسی اشعری فتح شده است با این وصف در زمان ساسانیان قم آباد بوده است. حمزه اصفهانی درباره بنای قبل از اسلام قم شرحی نوشته و برخی منابع هم یادآور شده‌اند که در جنگ قادسیه نیروهایی از قم به سرداری شیرازی که والی آن بود به کمک سپاه ایران آمدند. در جنگ نهاوند نیز هزاران سوار قمی حضور داشته‌اند و با شکست سپاه ایران امیر قم نزد پادشاه ساسانی رفته است. دینوری هم گفته است که یزدگرد پس از عقب نشینی از برابر سپاهیان اسلام به قم و کاشان فرود آمده است. با فتح قم از ناحیه مسلمانان امیر و نیز عامل خراج تعیین شده‌اند تا به اداره شهر بپردازند، در آن حال جمعی اسلام را پذیرفته‌اند و عده‌ای دیگر پرداخت جزیه را عهده‌دار شده‌اند (فتوح البلدان، بلاذری، ۳۸۴؛ الفتوح، ابن اعثم، ۳۴؛ تاریخ قم، ۲۱؛ تاریخ یعقوبی، ۱/۱۳۴؛ بسنی مملوک الارض و الانبیاء، حمزه اصفهانی، ۲۶؛ أخبار الطّوال، دینوری، ۱۲۸؛ تاریخ جامع قم (بخش مذهبی)، ۶۹؛

مقارن ظهور اسلام قم به صورت هفت محله جدای از یکدیگر بوده که هر کدام قلعه‌هایی با بارو و برج‌های مخصوص خود، هویت خویش را آشکار می‌کرده‌اند و البته به وسیله مجاری زیرزمینی و راه‌های مخفی به یکدیگر ارتباط داشته‌اند و این نوع شهرسازی برای حفظ امنیت سیاسی و افزایش توان دفاعی در مقابل مهاجمان دشمنان بوده است، این قلعه‌ها عبارت بوده‌اند: منیجان، گُمندان، قزدان، مالون، جمر، سکن و جلنبادان. در زمان یعقوبی (قرن سوم هجری) قم از این حالت بیرون آمد و از دو قسمت تشکیل شد که رودخانه قمرود یا انار بار آنها را از هم جدا می‌کرد، بخش بزرگتری منیجان (مجان) دارای یک هزار خانه بوده که قلعه‌ای از ایرانیان قدیم در آن قرار داشته است؛ بخش دیگر گُمندان بوده که توسط پل‌های سنگی این دو بخش به هم متصل بوده‌اند: در سنوات اخیر گُمندان به زمین مزروعی تبدیل گردیده و البته در شمال غربی خاک فرج وادی السلام واقع است، منیجان در سمت شرقی رودخانه و حدود چهار امامزاده و اطراف امامزاده شاه سید علی بوده است و در واقع قم قدیم تا قرن سوم هجری دو کیلومتری شرق شهر کنونی واقع بوده است. با وقوع سیل در همین ایام قم به شدت تهدید و تخریب شد و در ساختمان جدید، تغییر شکل یافت.

هنوز محله‌هایی در قم وجود دارد که از قدمت آن حکایت می‌نمایند مانند چل اختران (چهل دختران) محله مسجد جامع، محله دروازه ری، محله درخت پیر،

محلّه پنجه علی و چهار مردان، محلّه کمدون، محلّه عربستان، محلّه سیدان، پیرون دروازه، دروازه کاشان. در انتهای جنوب شهر محلّه‌هایی با عناوین چاله لؤلؤ، سه حوض، سفیداب و سنگ سیاه وجود دارد که می‌توان آثار باستانی و فرهنگ کهن را در آن مشاهده کرد. محلّه ارک در زمان قاجار به وجود آمد، محلات شاه حمزه، میدان میر، الوندیه، گذر صادق، لب چال، پشت بازار کهنه، حاج سید حسن و عشقلی، میدان کهنه، باغ نظر، باغ پنبه و آلوچو نیز قدمت قابل توجهی دارند، اما محلات کوچک حرم، جوی شور، صفائیه، شهر نو و ابرقو جدیدترند (جغرافیای تاریخی شهرستان قم، ۸۵ به بعد؛ البلدان، یعقوبی، ۲۷۳؛ تاریخ مذهبی قم، ۶۸؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ۲۰).

تحولات شهری در شکل‌گیری، توسعه و گسترش قم وابسته به چند عامل است که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها هجرت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه و دفن وی در باغ بابان قم می‌باشد، مهاجرت سادات و علویان، علما و مشاهیر شیعه، تأسیس حوزه علمیه، جاری شدن سیل‌های متعدد، تغییر مجرای رودخانه در زمان شاه صفی (۱۰۴۴ ق). احداث خیابان‌ها، میادین و معابر جدید نیز در این تحولات تأثیرگذار بوده‌اند (جغرافیای تاریخی قم، ۱۱۴). هم‌اکنون این شهر حدود یکصد کیلومتر مربع مساحت دارد که تراکم نسبی جمعیت در آن متجاوز از ۸۰۰۰ نفر است.

قم اولین کانون تشیع در ایران: با توجه به قرائن متعدّد و مدارک معتبر و اقوال مورخان می‌توان به طور یقین گفت قم نخستین کانون تشیع در ایران بوده است، زیرا در رُبّع آخر قرن اول هجری که ایران هنوز گرفتار کشمکش بین پذیرش اسلام و باقی ماندن بر آیین قبلی خود قرار داشت، قم گرایش به تشیع را آشکارا نشان داد، منابعی خاطر نشان نموده‌اند قبل از اشعری‌ها گروهی از عرب‌ها که موالی ابن عباس بودند در نیمه اول قرن اول هجری به قم آمدند و در آنجا ساکن شدند، بعد از قیام مختار در سال ۶۷ هجری عده‌ای از طایفه بنی اسد به قم عزیمت نمودند و در این شهر سکونت اختیار کردند، بنی مذحج و تیره قیس هم به سوی این دیار کوچ کرده‌اند (تاریخ مذهبی قم، ۴۸؛ تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ۱۱۸). از گزارش‌های تاریخی بر می‌آید که خاندان اشعری در پایان قرن اول و در زمان امام باقر علیه السلام به قم مهاجرت کردند، اختناق زمامداران اموی و مروانی و شرایط مساعد قم سبب این کوچ با برکت گردید، آنان پس از ورود به قم در دامنه کوه یزدان (میان تقروود و قم) ساکن گردید (قم در عصر حضور ائمه علیه السلام) غلامعلی

عباسی، ۶۲). اشعریان رفته رفته قدرتی به دست آوردند و دایره نفوذشان تا همدان کشیده شد، خلفای بنی عباس تا زمان خلافت مکتفی (۲۸۹ق) از فرستادن قاضی به قم امتناع می کردند و اگر هم والیانی برای این شهر مشخص می کردند از اشعریان بودند چون آنان جز به هم کیش خود رضایت نمی داند، حمزه فرزند یسع که در حدود ۱۸۹ق والی قم بود با هماهنگی هارون عباسی قم را از اصفهان مستقل کرد. اشعریان چنان با نفوذ فراوان در این دیار زندگی می کردند که گاهی با حاکمان وقت درگیر می شدند و در ۲۱ق قسی ها به رهبری یحیی فرزند عمران از دادن خراج به مأمون اجتناب کردند، در زمان برخی خلفای دیگر عباسی نیز این طایفه به عصیان خویش علیه زمامداران مزبور ادامه دادند (پیشگامان تشیع در ایران رضا فرشچیان، ۴۴).

شیخ جلیل عبدالله بن سعد فرزند مالک اشعری قمی که از بزرگان اصحاب امام باقر علیه السلام و معروف و از روای حدیث بود همراه با فرزند بزرگترش موسی، در قم مؤسس مکتب تشیع شناخته شد. او موفق گردید افرادی را پرورش دهد که هر کدام در شمار مشاهیر محدث شیعه، مایه افتخار دنیای تشیع شدند. با کوشش آنان در سراسر قم حتی یک نفر غیر مسلمان وجود نداشت و این در حالی است که در آن ایام کسی شهامت ابراز مذهب تشیع را نداشت و از افتخارات اشعری این است که مزارع فراوانی را در اطراف قم بر ائمه طاهرین وقف کرد و این طایفه از اولین افرادی بودند که خمس درآمد سالیانه خود را برای ائمه اطهار علیهم السلام از حضرت رضا علیه السلام تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرستادند، به دلیل چنین خدماتی است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: اکثر اهل قم از اشعریین هستند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم درباره آنان دعا و طلب آمرزش نموده است و از ناحیه آن امام و حضرت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام برای بسیاری از شیوخ اشعری هدیه ها و تحفه های شایسته فرستاده می شد، حتی برای عده ای از آنان از جمله ابو جریب زکریا بن ادریس، زکریا بن آدم و عیسی بن عبدالله، بلکه برادرش موسی بن عبدالله سعد و احمد بن اسحاق اشعری و غیره هنگام رحلت کفن فرستاده شد؛ علوم اهل بیت با مساعی این خاندان تدوین و به جامعه تشیع اهدا شد و با تدابیر خردمندانه ایشان مذهب تشیع از قم به سایر نقاط ایران انتشار یافت (گنجینه دانشوران، احمد رحیمی، ۲۳).

با آنکه شهادت امام کاظم علیه السلام در زندان بغداد قدری در هاله ابهام بود ولی اهل قم با یقین به شهادت آن حضرت به دست هارون، با حاکمانی که از سوی

این خلیفه بر قم گماشته شده بودند مخالفت ورزیدند. قرائتی نشان می‌دهد با وجود آنکه مأمون دستور داد امام هشتم علیه السلام در مسیر مدینه تا خراسان، از قم عبور نکند، آن حضرت به این شهر آمده‌اند، از جمله محله شاه خراسان در اواسط خیابان آذر (طالقانی) که مسجدی هم در این مکان وجود داشت که به یمن ورود امام علیه السلام به قم و توقف در این محله ساخته بودند؛ در محله مزبور مدرسه رضویه دیده می‌شود که مردم از قدیم عقیده داشته‌اند حضرت رضا علیه السلام در همین محل فرود آمد و از چاه آن آب نوشید و غسل کرد و وضو ساخت.

ابن طاووس از علمای شیعه می‌نویسد: چون امام رضا علیه السلام روانه قم گردید اهل شهر به دیدنش آمدند و در اینکه کدام یک میزبان حضرت باشند به بحث و مذاکره پرداختند، امام فرمود: مرکبم می‌داند کجا توقف کند، پس شتر در برابر خانه‌ای زانو زد که صاحبش شب قبل در عالم رؤیا دیده بود، فردا حضرت مهمان او خواهد بود، دیری نپایید که خانه مزبور مقامی شامخ یافت و به احتمال قوی محل فعلی آن همان مدرسه رضویه است (فَرْحَةُ الْعَرَبِيِّ، ابن طاووس، ۱۰۵؛ تاریخ قم، ۹۱؛ مختصر البلدان، ابن فقیه، ۲۶۴؛ تاریخ مذهبی قم، ۸۳).

وقتی دعبل خزاعی در محضر امام رضا علیه السلام در خراسان آن قصیده معروف را خواند و امام یکی از لباس‌های خویش را به وی اهدا کرد، چون او در بازگشت به مدینه از قم عبور کرد، مردم این شهر قسمتی از آن جامه را به مبلغی گزاف از وی گرفتند تا بدان تبرک جویند (سفینة البحار، ۴۴۷/۲). آن حضرت در هنگام ولایت عهدی فرمود: در این راه کسی را به منظور یاری خویش نمی‌یابیم و اکنون تصمیم قطعی گرفته‌ام که اهل قم را یار خویش قرار دهم (مجموعه مقالات، گروهی از نویسندگان ۹۱/۲). یونس بن عبدالرحمن وکیل امام رضا علیه السلام بود و هنگامی که ابن المتهدی از امام می‌خواهد اگر شما را ندیدم مسائل را از چه کسی بپرسم؟ امام یونس را معرفی کرد که او از اشعری‌های قمی است (رجال نجاشی، ۳۱۲). امام رضا علیه السلام خطاب به زکریا بن آدم قمی که فرزند عبدالله بن سعد اشعری قمی است فرمود: خداوند توسط تو بلاها را از قم برمی‌دارد، همچنان که به واسطه امام کاظم علیه السلام اهل بغداد در امان بودند (بحار الانوار، ۲۱۷/۵۷). زکریا بن ادريس قمی اشعری از بزرگان صحابه امام رضا علیه السلام است که از آن حضرت و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام حدیث نقل کرده است. در شأن او همان بس که در ایام رحلتش امام حالات او را از زکریا بن آدم می‌پرسید و از اول شب تا طلوع صبح صحن این مکالمه حضرت برایش رحمت می‌فرستاد.

حضرت امام جواد علیه السلام به مردم قم مهر می‌ورزید و آنان را مورد لطف خویش قرار می‌داد و چون توسط نامه علی بن مهزیار از وضع نابسامان مردم این دیار آگاه شد، در پاسخ آن مکتوب برای مردم قم از خداوند نجات و رهایی درخواست کرد و فرمود: از گرفتاری مردم قم مطلع شدم خداوند برایشان گشایش به وجود آورد و از این رنج خلاصشان کند (مَجَالِسُ الْمُؤْمِنِينَ، ۴۲۲/۱). امام جواد علیه السلام مقام مُحدَثان و مشایخ قم را می‌ستود و در هنگام رحلت برایشان طلب رحمت می‌کرد. ابوطالب قمی می‌گوید: به حضور امام نهم شرفیاب شدم و شنیدم که می‌فرمود: خداوند از سوی من به صفوان بن یحیی، محمد بن سنان، زکریا بن آدم و سعد بن سعد جزای نیکو عطا کند، آنان نسبت به من وفادار بودند (کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ۲۲۱).

در زمان امام هادی علیه السلام نیز مرکز تشیع در ایران قم بود و بین شیعیان این شهر و حضرت هادی علیه السلام ارتباطی تنگاتنگ وجود داشت، به ویژه هر چه در عراق تمایلات غلو آمیز و انحرافی دیده می‌شد در قم اعتدال و ضدیت با افراط حاکم بود و در این باره شیعیان پافشاری می‌کردند، در ۲۵۵ق احمد بن محمد عیسی، از مُحدثین معروف قم تعدادی از روایات را به دلیل نقل احادیثی غلو آمیز، از قم تبعید کرد (تاریخ تشیع در ایران، ۱۲۹؛ مفاخر اسلام، علی دوانی، ۴۰۰/۱). محمد بن داود قمی و محمد الطّاحی از شهر قم اموال و اخباری را به امام هادی علیه السلام می‌رسانیدند (مشارق الانوار، ۱۰۰). امام هادی علیه السلام از پدران بزرگوارش، از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است. چون در شب معراج مرا به آسمان بردند، بارگاه گنبد داری از مروارید دیدم که چهل ستون داشت و چهار درب که همه از دیبای ستبر سبز بودند، گفتم: جبرئیل، این قبه که از آن زیباتر ندیدم چیست، پاسخ داد این صورت (ملکوتی) شهر قم است که در آن بندگان مؤمن خدا که انتظار قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را می‌برند و برای قیامت و حساب خود، توقع شفاعتش را دارند، جمع می‌شوند و بر آنان اندوه زمانه و حوادث ناگوار پیش می‌آید (فرهنگ جامع سخنان امام هادی علیه السلام، ۱۱۳). یکی از اتهاماتی که از سوی خلیفه عباسی به امام هادی وارد گردید این بود که با مردم قم در ارتباط بوده و از آنها اموالی را دریافت می‌کند، مردم این شهر در همان ایام برای زیارت امام رضا علیه السلام به مشهد می‌رفته‌اند و به همین دلیل امام هادی آنان را آمرزیده شده دانسته‌اند (مُسْنَد امام هادی علیه السلام، ۳۷؛ عُیُون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/۲۶۰).

در همان ایام اختناق عباسیان، قمی‌ها در قالب کاروان‌هایی به سامرا می‌رفتند و به فیض حضور امام علی التقی علیه السلام می‌رسیدند، مأموران متوکل در کمین این کاروان‌ها بودند تا اموالشان را مصادره کرده و نزد خلیفه ببرند، وحشت متوکل در حدی بود که گاه تصور می‌کرد از قم برای حضرت سلاح فرستاده می‌شود به همین دلیل شبانه به محل اقامت حضرت یورش بردند همان‌گونه که اهالی قم به ساحت امام دهم علیه السلام ارادت می‌ورزیدند، آن حضرت نیز نسبت به شیعیان این دیار مهربان بود و برایشان دعا می‌کرد کاروانی از شاگردان و اصحاب آن حضرت که در زمره محدثان عالیقدر بودند، به شهر قم تعلق دارند (قم در عصر حضور ائمه علیهم السلام، ۱۳۴).

در هنگامه اختناق شدید عباسیان و عصر امام حسن عسکری علیه السلام قم پاسدار مکتب امامت بود و کاروان‌های قمی به سوی سامرا در حرکت بودند، که محدثانی عالیقدر قافله سالار آنان به شمار می‌رفتند. در بین محدثان و شاگردان و اصحاب امام که از قم برخاسته‌اند احمد بن اسحاق قمی از همه برتر است؛ او از خواص حضرت بود و آن بزرگوار به وثوقش تصریح نموده و دیگران وکالت او را از سوی امام صریحاً ذکر کرده‌اند. از جانب امام هادی علیه السلام خطاب به وی نامه‌هایی صادر گردیده و در یکی از آنها به وی گفته شده بود از وجوه مقاسمه و خراج قم مسجدی در این دیار بنا نهد که آثاری از آن هنوز هم پابرجاست (همان مأخذ، ۱۵۲). در نامه‌ای که آن حضرت برای مردم قم نگاشت از خداوند متعال برایشان آرزوی رحمت، عمر طولانی رشد و هدایت نمود (بحار الانوار، ۲۲۹/۸۵؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۴/۴۲۵).

مردم قم در اولین روزهای غیبت صغری به محضر امام دوازدهم رسیدند، از جمله آنان احمد بن اسحاق، حسن به نصر، محمد بن محمد، علی بن محمد بن اسحاق و پدرش حسن بن یعقوب به زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب گردیدند مادلونگ می‌گوید: شیعیان قم در وفاداری به امامت دوازده امام باقی ماندند و هیچ‌گونه انشقافی، اعم از فطحی یا واقفی، در میان محدثان امامی این شهر مشاهده نگردید (کیهان اندیشه، ش ۱۵۲/۱۵۳). قمی‌ها با فرا رسیدن عصر غیبت با شناخت کامل و معرفت تمام از مقام نیابت پیروی کردند، نخستین سفیر امام، عثمان بن سعید، احمد بن اسحاق اشعری را از قم به بغداد فراخواند تا با حضور او تردید گروهی را که نسبت به مقام نیابت ابراز می‌داشتند بزداید؛ او معاون عثمان بن سعید در امور مالی بود و در کنارش در بغداد باقی ماند، در همین دوران برای احمد بن اسحاق و جمعی از کارگزاران توقیعی از

سوی ناحیه مقدسه صادر گردید که طی آن، افراد مذکور مورد تقدیر و ستایش قرار گرفتند عبدالله بن جعفر حمیری نیز وکیل امین مقام سفارت در قم بود و مقام نیابت را درج می‌نهاد (قم در عصر حضور ائمه، ۱۸۲) حسین بن روح، نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، با علمای قم مکاتبه کرد و در آن نامه‌ها نظر ایشان را درباره مسائل دینی جويا گردید، همچنین از محدثان و راویان این شهر خواست اگر خطایی و لغزشی در کتاب «التأدیبه» وجود دارد اصلاح کنند (کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ۳۹۰؛ الکنی واللقاب، محدث قمی، ۷۸/۳). به نظر می‌رسد این نکته سندی گویا برای شرافت اهل قم و تأیید آنان از جانب نایب خاص حضرت و حتی خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

شهر امامزادگان و سادات، با توجه به اینکه قم پناهگاهی برای علویان و فاطمیان بود و اهل این شهر نسبت به خاندان عترت علیه السلام علاقه‌ای عمیق و ویژه داشتند و نیز از سوی دیگر فشار خلفای اموی و بیشتر از آن عباسی، موجب گردید کاروان‌هایی از طالبیان به این شهر مهاجرت کرده و در چنین جایگاه امنی سکونت اختیار کنند، چنین مکانی با آن خصالی که ائمه هدی علیهم السلام در وصف مردمش ذکر نموده‌اند و با توجه به اعتقاد خاص اهالی آن، با میل باطنی از این میهمانان استقبال شایان توجهی کرد به نحوی که بیش از شهرهای دیگر ایران مقابر و مراقد اولاد ائمه علیهم السلام در آن دیده می‌شود.

در فاصله کوتاهی بسیاری از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام، فرزندان محمد حنفیه و زید فرزند امام چهارم علی بن الحسین علیه السلام و اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام به قم روی آوردند، هنگامی که حسن بن زید معروف به داعی را دستگیر کردند، ابوالقاسم احمد بن محمد (از نوادگان امام مجتبی علیه السلام) از طبرستان بیرون آمد و به قم توجه کرد و چون به این شهر رسید، اهلیش در تکریم و تجلیل وی مبالغه کردند. نقل نموده‌اند که اهالی قم به کاشان رفتند و ابو جعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام را که در آنجا اقامت گزیده بود با عزت و احترام فراوان به قم آوردند و وقتی ابوالحسن موسی بن احمدی علی به سفر حج رفت، هنگام بازگشت اهل قم در معابر و محلات آذین بستند و ورودش را به یکدیگر مژده دادند، کثرت مهاجرت امامزادگان و سادات به قم در حدی بود که برخی از سیاحان آن را شهر سادات نامیده و مورخی گفته است: علویای ری و خراسان فرع و شاخه‌ای از سادات قم هستند، چنانچه سید نقیب امیر شمس الدین محمد در زمان شاهرخ میرزای تیموری از این دیار به مشهد

رفت، در وضع کنونی نیز کثرت سادات قم به خوبی مشهود است و خاندان‌هایی از سادات بُرقعی، رضوی، چاوشی، حسینی، حسنی، علوی، طباطبایی، موسوی و لاجوردی در این شهر زندگی می‌کنند و محلاتی چون سیدان، موسویان و مبرقع را به خود اختصاص داده‌اند (تاریخ قم، ۲۱۵؛ تاریخ مذهبی قم، ۱۰۷؛ تاریخ تشیع در ایران، ۱۲۶).

مردم قم همان‌طور که در بزرگداشت اولاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگام حیاتشان کوشیدند پس از رحلت یا شهادت آنان، مزارشان را محترم داشتند و بناهای عالی، گنبد‌های مجلل و انواع آجرکاری، کاشی‌کاری، مقرنس‌کاری و دیگر جلوه‌های هنری را در آرامگاه‌های این خاندان به نمایش گذاشتند. آنان به این امور بسنده نکردند و برای تعمیر و مرمت این بناها و نیز فراهم آوردن امکاناتی دیگر موقوفه‌هایی از اموال منقول و غیر منقول خویش را در نظر گرفتند، همچنین به عنوان خدمه‌ای افتخاری نسل اندر نسل به مراقبت، نظافت و تقویت شکوه ظاهری و معنوی این اماکن مبادرت نموده‌اند. جوار ضریح این امامزادگان مکان مناسبی برای ادای نذر، درد دل کردن مردم، شفا گرفتن، کاستن از غم‌ها و غصه‌ها، ذکر و عبارت قربانی گوسفند، سوگند یاد کردن برای حل اختلافات و منازعات بوده است. هم چنین شکل گرفتن قیام‌ها و اعتراضات مردم علیه حکام جور و ستم‌بی‌تأثیر از مراقبت مذکور نبوده است.

از همان ایام ورود اولاد ابی طالب به قم، برای اینکه به مسائل آنان رسیدگی شود افرادی که مشهورترین آنان بودند و اصالت نسب و خانوادگی آنان معتبر و مستند بود به عنوان نقیب برگزیده می‌شدند. از جمله ابوعبدالله احمد از فرزندان موسی مبرقع که در نیمه اول قرن چهارم هجری نقیب علویان قم بود، در نیمه دوم همین قرن ابوالحسن موسی بن احمد که مردی دانشور و فروتن بود، در آغاز جوانی نقابت سادات و علویان را عهده‌دار شد، علی بن حمزه بعد از ابی‌علی احمد بن علی شجری این سمت را پذیرفت، ابوالقاسم فرزند جعفر بن حمزه بعد از عمویش علی بن حمزه پیشوا و مقدم سادات گردید. ابوالقاسم علی بن محمد بن حمزه از فرزندان امام سجاد علیه السلام، ابوعبدالله احمد بن محمد بن احمد اعرج از اولاد موسی مبرقع محمد بن موسی فرزند ابی‌عبدالله احمد رضوی مبرقعی، حمزه بن محمد، علی بن شرف الدین محمد، عزالدین ابو محمد یحیی بن محمد علوی، عزالدین مرتضی نقیب نیز جزو نقبای قم بوده‌اند (تاریخ مذهبی قم، ۱۲۰).

در قرن ششم، آل ارقط از فرزندان عبدالله باهر فرزند امام سجاد علیه السلام در ری و قم چنین مقامی را عهده‌دار بودند، به موجب فرمان جهان‌شاه قره‌قویونلو در

تاریخ جمادی الاول ۸۶۷ هجری سید احمد نظام الدین رضوی نقابت سادات قم و تولیت آستانه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه را پذیرفته بود، در فرمان مزبور تصریح شده که اجداد وی از سوی امیر تیمور گورکانی و شاهرخ میرزا این دو سمت را دارا بوده‌اند (همان، ۱۲۰).

علویان ضمن آنکه با علامات و شعارهایی شناخته می‌شدند، نامشان در دفتر مخصوص نقیب ثبت می‌گردید و به مردم معرفی می‌شدند، اما اینکه به نشانه سیادت پارچه سبز رنگ به سوراخ سیاه بر کمر می‌بسته‌اند تا قرن هشتم هجری متداول نبوده است، بعد از رسمی شدن عمامه سبز برای علویان چنین معمول گردید که وقتی سیادت هر کسی از سوی نقیب سادات ثابت و مسلم می‌گشت نقیب اجازه می‌داد که آن را به سر خویش ببندد یا خود این کار را می‌کرد. جمعی از علمای نسابه نیز در میان علوی‌ها بودند و مراقبت می‌کردند که کسی به دروغ خود را علوی نخواند. اما در خصوص بستن عمامه سیاه بر سر به نشانه سیادت به نظر می‌رسید این رسم از زمان صفویه که مذهب شیعه در ایران رسمی گردید و شیعه خود را به طور علنی سوگوار امام حسین علیه السلام اعلام کرد، اولاد علی به یاد شهیدان کربلا عمامه سیاه بر سر افکنده و شال سیاه به کمر بستند (همان، ۱۲۶).

هجرت تحول آفرین حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه، تعداد

امامزادگان شایسته تجلیل در دارالایمان قم که بر فراز قبورشان گنبد و بارگاه مشاهده می‌گردد به متجاوز از چهارصد مورد می‌رسد، در میان این اختران تابناک، یک ستاره پیش از همه فروزنگی و درخشندگی دارد، او دختر گرامی و با کرامت حضرت موسی بن جعفر، کریمه اهل بیت، شفیعه محشر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه می‌باشد، در فضیلت و شرافت او همین بس که حضرت امام صادق علیه السلام هنگام بحث از اهمیت قم فرموده‌اند: بانویی از تبار من، در این شهر دیده از جهان فرومی‌بندد که با شفاعتش شیعیان به بهشت گام می‌نهند (مجالس المؤمنین، شوشتری، ۸۳/۱). و این سخن را امام ششم علیه السلام قبل از تولد آن بانو فرموده‌اند، قریب به این مضمون از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام نقل گردیده است (وسائل الشیعه، ۵۷۶/۱۴؛ کامل الزیارات، ابن قُلوویه، ۳۲۴؛ مُستدرک الوسائل، محدث نوری، ۳۶۸/۱۰؛ جامع احادیث الشیعه، بروجردی، ۶۱۷/۱۲).

به دلیل مقامات معنوی، پرهیزگاری و پارسایی، لقب‌هایی برای این امامزاده چون معصومه، طاهره، حمیده، رشیده، تقیه، نقیه و مرضیه ذکر کرده‌اند (أنوار

السَّعْشِيعِينَ، ۲۱۱/۱). وی در اوایل ذیقعدة الحرام ۱۷۳ق در مدینه دیده به جهان گشود و تحت تربیت پدر و برادرش به شکوفایی شکوهمندی رسید و در ایام هجرت امام رضا علیه السلام به خراسان در دفاع از حریم، امامت، زحمت وافر را تحمل کرد و نقش تأثیرگذاری ایفا نموده از این روی و به دلیل نقل برخی احادیث، شأن و منزلت این بانو در میان خاندان عترت ارتقا و مقامش اشتهار یافت (مُستدرک سفینه البحار، ۲۵۸؛ گنجینه آثار قم، ۳۸۶/۱؛ کریمه اهل بیت علیه السلام، علی اکبر مهدی پور، ۱۰۰).

حضرت فاطمه معصومه به جُرم حمایت از حریم امامت در معرض آزار و اذیت مأموران خلیفه عباسی قرار داشت، با این وجود، در ایام حبس پدر در زندان‌های بغداد و هجرت برادرش به مرو با زنان علوی در ارتباط بود و همراه آنان در معرض فضایل خاندان وحی و افشای تهدیدها و فشارهای سیاسی زمامداران خودسر کوشا بود.

آن بانوی گرامی به دلیل اشتیاق فراوان به برادرش، امام رضا علیه السلام، اعتراض به عملکرد حاکمان وقت و مشروعیت نداشتن غاصبان خلافت و پیش‌بینی وضع اسفبار زنان حریم اهل بیت پس از شهادت فروغ هشتم و درک اوضاع سیاسی حاکم بر مدینه و نیز نشر و معرفی آیین علوی و اثبات مظلومیت اهل بیت پیامبر علیه السلام افشای نفاق عباسیان و روشن ساختن اذهان مردم نواحی گوناگون نسبت به برخی حقایق و وقایع، همراه برادران و برادرزادگان در قالب کاروانی، یک سال پس از هجرت حضرت امام رضا علیه السلام یعنی در ۲۰۱ق مدینه را به قصد ایران ترک نمود، برخی منابع یادآور شده‌اند که امام رضا علیه السلام در نامه‌ای خواهر را به خراسان دعوت کرد و او به اشتیاق زیارت حضرت رضا علیه السلام رنج سفری دور و دراز را تحمل کرد، آنان در آبادی‌های مسیر مورد استقبال علاقه‌مندان قرار گرفتند و چون در هر منزلگاهی که توقف می‌نمود پیام مظلومیت و غربت برادر گرامی خود را به آگاهی مردم می‌رسانید و مخالفت خویش را با نیرنگ بنی عباس علنی می‌ساخت تا کاروان به شهر ساوه رسید عده‌ای از افراد مُسلح که از حمایت عوامل حکومتی برخوردار بودند سر راه آنان قرار گرفته و با همراهان آن بانو وارد نبرد شدند و تقریباً تمام برادران به نام‌های فضل، جعفر، هادی، قاسم و زید و تعدادی از برادرزادگان و غلامان او به شهادت رسیدند. حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه با مشاهده این صحنه‌های حزن‌آور و در غم از دست دادن عزیزان خویش به شدت متأثر و رنجور گردید؛ در منابع دیگر مندرج است که افراد آن کاروان به بیست و سه نفر بالغ می‌گردیده‌اند در حوالی ساوه مشغول تناول

غذا بوده‌اند که با یورش ناگهانی دشمن مواجه می‌گردند و در طعام آن حضرت نیز زهر ریخته‌اند که بر اثر مسمومیت، بیمار و بستری می‌گردد (حیات امام رضا علیه السلام، جعفر مرتضی عاملی، ۴۲۸؛ ریاض الانساب، ۱۶۰؛ قم در عصر ائمه علیه السلام، ۸۱). در این حال از برخی مطلعین پرسید از این جا تا قم چقدر فاصله است، پاسخ دادند: ده فرسخ؛ پس تقاضا کرد او را به قم ببرند، بزرگان شهر وقتی این خبر را شنیدند با شادمانی از وی استقبال شایان توجهی به عمل آوردند.

در روز ۲۳ ربیع الاول ۲۰۱ ق کجاوه حضرت به قم وارد گردید. موسی بن خزرج، از بزرگان و منتقدین شهر، سربند شتر حامل خواهر امام رضا علیه السلام را بر دوش می‌کشید و عده زیادی سواره و پیاده گرداگرد آن مرکب در حال حرکت بودند، تا در محلی که امروز میدان میر نامیده می‌شود ناقه حامل حضرت زانو بر زمین زد و افتخار میزبانی آن بانو نصیب بزرگ اشعریان قم یعنی موسی بن خزرج گردید، فاطمه معصومه سلام الله علیه مدت هفده روز در سرای موسی به عبادت و راز و نیاز با خداوند مشغول بود که محل عبادتش به بیت النور معروف و از نقاط مقدس قم به شمار می‌رود، همچنین محل اقامت هفده روزه‌اش به صورت مدرسه‌ای در آمد و به سئیه موسوم گشته است (بحار الانوار، ۲۱۹/۶۰۰؛ خاک پاکان، حسینی جلالی، ۲۲۶).

بنا به روایتی رحلت شهادت گونه آن بانو در دهم ربیع الثانی ۲۰۱ ق و در سن ۲۸ سالگی روی داد؛ پس از مراسم متداول شرعی بدن مطهرش را با شکوه تمام به سوی باغ بابلان که در خارج شهر بود، تشییع کردند و در کنار سردابی که از قبل برای آن حضرت مهیا کرده بودند بر زمین نهادند. بین آل سعد در خصوص دفن آن بدن پاک گفتگوهایی صورت گرفت، که در این میان دو سوار از جانب بیابان رسیدند و از مرکب پیاده شده بر آن پیکر نماز گزارند و فاطمه را دفن و سپس آن محل را ترک کردند و کسی متوجه نشد آنان چه کسانی بودند (تاریخ مذهبی قم، ۹۵؛ تاریخ قم، ص ۲۳۱ و ۲۱۴). پس از دفن جسد مطهر، موسی بن خزرج سایبانی از بوریا بر فراز قبر شریف قرار داد تا آنکه زینب دختر امام جواد علیه السلام که برای زیارت مرقد عمه‌اش به قم آمده بود، قبر را تجدید بنا و بر فرازش گنبدی ساخت، در سال ۳۵۰ ق ابوالحسین زید بن احمد بن بحر اصفهانی حرم را مرمت و بازسازی کرد، در اعصار بعد نیز چندین بار حرم مطهر تجدید بنا و ضمائی بر آن افزوده شد، گنبد فعلی مربوط به سال ۱۲۱۸ ق است، تعویض ضریح، طلاکاری گنبد و آراستن رواق و صحن‌ها و دیگر اجزای حرم به جلوه‌های هنری و معماری نفیس، همچنان استمرار داشته تا حرم به وضع کنونی در آمده است (خاک پاکان،

ص ۲۲۷؛ و پژوهش‌های نگارنده).

بنا به نقل علامه مجلسی، ثه نفر از افراد این خاندان در کنار مرقد آن بانو آرمیده‌اند، سه تن از فرزندان امام جواد، چهار نفر دختران موسی مُبرقع و دو نفر از خادمین اهل بیت علیه السلام. از آن تاریخ، شخصیت‌های بسیاری از علمای شیعه، مراجع تقلید، شهدای فضیلت، اهل ادب و فرهنگ و رجال اجتماعی در جوار این بارگاه دفن گردیده‌اند.

پس از دفن حضرت فاطمه معصومه علیه السلام شهر قم به دلیل امتیاز دفن جسد مطهر حضرت فاطمه معصومه در آن به طور اساسی دچار تحول گردید و به تدریج شهر از شمال شرقی به سوی جنوب غربی کشیده شد به طوری که حرم شریف که در فاصله‌ای از شهر قرار داشت اکنون نه تنها در کانون اصلی شهر قرار دارد بلکه بر سیمای قم، جلوه‌های معماری، فرهنگ، روابط اجتماعی و مناسبات این دیار با نقاط دیگر اثر گذاشته است، و سالانه میلیون‌ها نفر از نواحی گوناگون ایران و دیگر مناطق جهان اسلام به منظور زیارت این بارگاه، به قم سفر می‌نمایند، مهاجرت علمای تشیع به قم و تشکیل محافل درسی و علمی در این شهر، در پرتو جلوه‌های معنوی حرم مطهر دختر موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد که برخی از آنان حتی با توسل به این بانو مشکلات فکری خود را حل کرده‌اند. هم چنین هزاران نفر از زائران به برکت کریمه اهل بیت مورد عنایت خداوند متعال قرار گرفته و از مشکلات لاینحل، امراض صعب‌العلاج و گرفتاری‌های رنج‌آور، رهایی یافته و سلامتی، آرامش و توانمندی خود را به دست آورده‌اند.

به حرم مطهر موقوفات متعددی اختصاص یافته که رقبات آن توسط متولیان نظارت و مراقبت و از طریق درآمد و منافع آنها و نیز از نذورات مردم برای توسعه، احیاء و مرمت حرم و مسائل دیگر فرهنگی و اجتماعی اهتمام شده است.

فرمان تولیت آستانه مقدسه را در قرون گذشته فرمانروایان صادر می‌کرده‌اند و نخستین آنها مربوط به قرن نهم هجری و ایام حکمرانی سلسله قره قویونلوها بوده است، هنگام درگذشت شاه صفی به سال ۱۰۵۳ هجری و حمل جنازه‌اش به قم، متولی این بارگاه میرزا محمد مهدی بوده است (عالم آرای عباسی، ۲۵۷).

قم در گذر تاریخ، از زمان ساسانیان اقوام دیلمی پیوسته به بلاد جبل (عراق عجم شامل اصفهان، همدان، ری و قم) یورش می‌بردند مردم قم مشغول برگزاری مراسم نوروز بودند که مورد تهاجم این قوم قرار گرفتند، در این موقع احوص بن سعد اشعری که از شرّ حجاج بن یوسف، از کوفه گریخته و به قم پناه آورده بود با

نیروهای خود دیلمی‌ها را غافلگیر کرد و آنان را پراکنده ساخت (تاریخ قم، ۲۴۲). همچنین در سال ۷۷ق مُطَرِف بن مُعْبِرَة بن شُعْبَة در مقابل مروان بن قیام کرد و به قم و کاشان آمد و از اهالی این نقاط استمداد کرد که مردم گردش اجتماع کردند و به روایت تاریخ بلعمی در همان موقع که پانزده سال قبل از ورود اشعری‌ها به قم است، مردم این شهر شیعه بوده‌اند و دلیل همکاری با مُطَرِف دشمنی اهالی قم با بنی امیّه و عبدالملک مروان بوده است و اصولاً این فرد از گرایش‌های مردم این سامان آگاهی داشته که به کمک آنان اقتدار خود را فزونی داده است. در سال ۱۳۱ هجری در قم جنگی میان قحطبه سردار ابومسلم با این صُبارَة از عُمّال امویان رخ داد که به شکست دومی منجر گردید (تاریخ طبری، ۵۶/۶).

پیشینه تاریخی قم، بعضی قائل به قدمت شهر قم بوده و آن را از بلاد باستانی دانسته و به شواهد و قرائنی هم استدلال نموده‌اند، از قبیل ذکر «زعفران قمی» در کتابی که مربوط به عصر ساسانیان است و نیز آمدن نام قم در شاهنامه فردوسی ضمن بیان حوادث سال ۳۲ق هم آن سرزمین به همین نام بوده است. در اسناد تاریخی و گزارش فتوحات ایران به خلیفه مسلمین از سرزمین قم به عنوان (شق ثیمرة) نام برده‌اند. بنابراین، شهر قم هم مانند شهر نجف و کربلا و مشهد مقدس از شهرهای نو ظهور اسلامی است که موجودیت آن را باید در جهات مذهبی - سیاسی جست و جو کرد.

پیشینه فرهنگی، سیاسی قم، با ورود اعراب اشعری به قم در سال ۸۳ و برپیده شدن آیین زرتشت، و ایجاد عمران و آبادی‌های بسیار، مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند که گویی در کشور نیمه مستقل کوچکی در «قلب دارالاسلام» زندگی می‌کردند، چنان که از آغاز ظهور خلفای عباسی در ۱۳۲ق تا اواخر دوره خلافت هارون از دادن خراج به حکومت وقت خودداری می‌کردند و هیچ یک از خلفا توان و جرأت مقابله با آنان را نداشتند. در زمان هارون عباسی که فرمانروایی اسلامی حداکثر توسعه را یافت (سال ۱۸۴ق) هارون تصمیم گرفت صحابه و دوستان اهل بیت علیه السلام را تحت فشار قرار دهد و قم، این کانون ضد ظلم و ستم را سرکوب نماید. لذا هارون «عبدالله بن کوشید قمی» را به حکومت اصفهان (که قم از توابع آن بود) گماشت تا مالیات پنجاه و چند ساله قم را وصول نماید. او هم برادر خود «عاصم» را عامل قم قرار داد. عاصم پس از شکنجه و اذیت و آزار مردم، حتی یک درهم از مالیات معوقه را وصول نکرد، ولی همچنان بر

فشار خود افزود تا اینکه عده‌ای از اهالی و بزرگان شهر زبان به شفاعت گشودند، اما به نتیجه نرسیدند. بعد از بی نتیجه بودن این وساطت‌ها «عاصم» به دست عده‌ای از جان گذشته به هلاکت رسید. همین حادثه باعث عزل عبدالله از حکومت اصفهان شد، ولی عبدالله به دارالخلافه شتافت و با پرداخت یک میلیون درهم خواستار بازگشت به سمت قبلی خود شد، به شرط اینکه قم از تابعیت اصفهان خارج شود. سرانجام با توضیحات قانع کننده او بیانات «حمزه بن الیسع» - از بزرگان قم - و عهده دار شدن خراج شهر، هارون استقلال شهر قم را پذیرفت و بدین سان این شهر استقلال سیاسی یافت و پس از تعیین حدود آن، مسجد جامع با منبری برای امام جمعه (که نشانه استقلال هر ناحیه بود) در آن ساخته شد هنگام استقلال در این سرزمین دو شهر وجود داشت؛ یک شهر جدید اسلامی به نام «قم» و دیگری شهر زرتشتیان به نام «کُمیدان» که عمال حکومتی و زندان شهر در آنجا بودند؛ چرا که اهل قم عمال حکومت را به شهر خود راه نمی دادند.

تاریخ مبارزه بی امان مردم قم با ستمگران، مردم قم با حاکمان ستمگر زمان خود همیشه سر ناسازگاری داشتند، در زمان‌های مناسب در برابر آنان دست به شورش و انقلاب می زدند و از پرداخت مالیات و حمایت اقتصادی حکومت مرکزی خودداری می کردند. بعد از شهادت حضرت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ق و پی بردن مردم قم به جنایت مأمون و دستگاه خلافت، به عنوان اعتراض به این فاجعه عظیم و اعلان حمایت از حریم مقدس ولایت و امامت، مردم در برابر حاکمان عباسی دست به تمرد زدند، و از دادن خراج و مالیات سالانه شهر خودداری کردند. این انقلاب همگانی حدود ده سال ادامه داشت و سرانجام با یورش سپاهیان حکومتی به فرماندهی «علی بن هشام» به شهر، عده‌ای از سران شهر همراه «یحیی بن عمران» - بزرگ قمی آنکه این نهضت عظیم مردمی را سازماندهی می کرد - کشته شدند و قسمتی از شهر خراب گردید و مالیات‌های گذشته وصول شد. مردم به تدریج به عمران شهر پرداختند و تا سال ۲۱۶ق شهر اوضاع آرامی داشت. در همین سال که همزمان با خلافت معتصم بود، مردم به دارالحکومه قم حمله کردند و عامل حکومت «طلحی»، را از شهر بیرون راندند و علم مخالفت برداشتند. معتصم به تحریک «طلحی» سپاهی را به فرماندهی «وصیف ترک» مأمور سرکوبی اهالی کرد، و او همراه حاکم رانده شده - قم به هر حیل‌های بود به داخل شهر رخنه نمود و سپاهیان به قتل و غارت اهالی پرداختند و خانه‌ها و باغ‌های افراد انقلابی را آتش زدند و شهر را به تلی از خاکستر مبدل نمودند. ولی این همه،

نتیجه‌ای جز برافروخته شدن خشم عمومی مردم نداشت. لذا پس از مواجه شدن سپاه با اعتراض و مخالفت مردمی، فردی به نام «محمد بن عیسی بادغیسی» فردی خوش‌خو و صدیق بود به حکومت قم گماشته شد؛ حاکم جدید با درایت خاصی که داشت رضایت مردم را جلب نمود و بذر مودتی بین آنها پاشید که تا سال ۲۴۵ق در این شهر حادثه خونینی پیش نیامد. سرانجام در زمان خلافت متوکل، که فردی لایبالی بود و از اهانت به مقدسات دین و بزرگان اسلام هراسی نداشت، مردم عاشق ولایت و امامت قم با دیدن این جسارت‌ها و اهانت‌ها به ساحت مقدس بزرگان دین، آن چنان برآشفتنند که در فرصت مناسب با تقویت معارضات حکومت عباسی همچون حسین کوبکی که از اشراف سادات علوی بود دولت علوی کوچکی تشکیل دادند و عمال حکومتی را خلع ید کردند و تا سه سال این حکومت برقرار بود. سرانجام معتمد عباسی، حاکم «بلاد جبل» را مأمور براندازی حکومت علویان و سرکوب نهضت قمیون کرد و او با سپاهی فراوان پس از سرنگون کردن حکومت حسین کوبکی، اهالی قم را سرکوب و سران آنها را کشت و عده‌ای زندانی کرد و در ظلم و ستم تا آنجا پیش رفت که آنها برای در امان ماندن از شر او به امام حسن عسکری علیه السلام پناهنده شدند و حضرت برای رهایی از این شر عظیم، دعایی به آنان تعلیم فرمود که در نماز شب بخوانند. این سرکوب‌های خونین هیچ تأثیری در خاموشی شعله‌های انقلاب و قیام علیه ظلم و ستم نداشت؛ لذا مردم قم به مجرد درگیری معتمد با یعقوب لیث (در سال ۲۶۳ق) و ضعف نیروهای تهاجمی او مجدداً در برابر او به قیام برخاستند. این انقلاب و شورش گاه و بیگاه وجود داشت تا اینکه در زمان معتضد عباسی، «یحیی بن اسحاق» که شیعه بود، به عنوان حاکم قم منصوب شد و او که شخصی ملایم و پر تجربه بود، کوشش کرد تا از بغض و کینه مردم نسبت به خلفا بکاهد و از به وجود آمدن شورش‌های متوالی جلوگیری نماید. او در این راه موفق شد و با آرامش نسبی شهر و با همکاری او، اقدامات اساسی در شهر صورت گرفت که از آن جمله: خاموش کردن آخرین آتشکده این سرزمین و بنای مأذنه و مناره عظیمی در کنار مسجد «ابوالصدیم اشعری» بود که صدای اذان را به هر در قسمت شهر می‌رساند.

مردم قم والیان غیر شیعه از طرف خلفای عباسی را بر نمی‌تاییدند؛ چنان که در زمان مُعْتَزَّ عباسی و به سال ۲۵۲ق مردم قم معتز یکی از سرداران ترک را که موسی بن بقا نام داشت و عامل بلاد جبل بود مأمور فتح قم ساخت که او در یورش به این شهر موفق شد و جمعی را به قتل رسانید و از خلیفه خواست گروهی را به بغداد تبعید کنند (الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ۲۳۹/۵؛ مأخذ قبل، ۳۸۶).

چهار سال بعد یعقوب لیث صفاری به قصد تسخیر بغداد، به نواحی مرکزی ایران هجوم آورد و چند روزی را در قم به سر بُرد و با علماء سادات این شهر گفتگوهایی داشت (جغرافیای تاریخی قم، ۲۳۵).

به سال ۲۹۱ق و در زمان خلافت المکّنفی بالله کوتکین بن ساتکین ترک به قم حمله کرد و خساراتی بر این شهر وارد کرد به طوری که اثری از باروی آن باقی نگذاشت و مردم آن را بازسازی کردند در چهار سال بعد که امیرعباس بن عمرو غنوی والی قم بود، بر اثر بارندگی های رگباری، سیل مهیبی قم را چنان تهدید کرد که بر خانه های اعراب مهاجر آسیب جدی وارد ساخت (همان، ۲۳۵).

سابقه انقلاب فرهنگی - سیاسی قم، پس از به حکومت رسیدن «یحیی بن اسحاق» و استقرار حکومت اشعریان و موالیان اهل بیت علیه السلام، «علی بن بابویه» با ریاست و مرجعیت عامه خود، مکتب پر برکت و بی نظیری را در قم تأسیس کرد که آمار تربیت شدگان آن مرکز بزرگ علمی و محدثان عصر ایشان، تا دویست هزار تن نقل شده است. با طلوع ستاره «بویهی» بود که روش مبارزه مردم با دستگاه خلافت تغییر کلی یافت و آنها به مبارزات اصولی پرداختند. از طرفی، پسران «بویه» را تقویت کرده و با قدرت ایشان خلفا را یکی پس از دیگری بر کنار می کردند و حکومت هایی از آل علی علیه السلام را در طبرستان به نام ناصر کبیر و ناصر صغیر روی کار آوردند. از طرف دیگر، گروهی از دانشمندان اسلامی برای تبلیغ و ترویج مبانی و معارف دینی، از قم به خدمت امرای شتافتند و اکثر ایشان به مقام وزارت و امارت و ریاست رسیدند و نام وزرای قمی، زینت بخش تاریخ سیاست و حکومت شد. وزارت «ابن العمید» در حکومت «رکن الدین دیلمی» پس از مشورت با ابن بابویه و صلاح دید آن بزرگوار بود، که هجرت علمی مرحوم شیخ صدوق از قم به ری (بنا به دعوت استاد ابن العمید) و آثار گرانقدر علمی - فرهنگی این هجرت مقدس، همه از برکات این اقدام سیاسی زعیم بزرگ شیعه در آن دوران است. چنان که سفر مرحوم «ابن قولویه» به تعداد و تأسیس مکتب فقه جعفری در مسجد «برائا» و ده ها اقدام علمی - فرهنگی که در سراسر عالم اسلام صورت گرفت، همه و همه از برکات مکتب «ابن بابویه» در قم بود. سرانجام این مکتب پربار بود که انقلاب عظیم فرهنگی - سیاسی را جایگزین انقلاب های محلی کرد و پست های کلیدی سیاست و فرهنگ جامعه را در اختیار تربیت یافتگان مکتب اهل بیت علیه السلام قرار داد، تا بشری تشنه حکومت عدل و معارف شیعه را به سرچشمه گوارای اسلام حقیقی و تشیع علوی رهنمون سازند. امروز این ستاره نورانی با درخششی بیشتر

دلیل راه میلیون‌ها مسلمان و پایگاه امید‌برندگان از مکاتب بیگانه است، و به راستی قم، ام‌القرای عالم اسلام و حرم اهل بیت و عشق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

با قدرت یافتن آل بویه زمینه مناسبی برای ورود قم به عرصه‌های سیاسی فراهم آمد. قمی‌ها به این سلسله برای به دست آوردن قدرت حکومتی و تسلط بر دستگاه خلافت کمک کردند، در ضمن گروهی از دانشوران و بزرگان قم به خدمت زمامداران این سلسله شتافتند و ضمن دستیابی به مقامات بالایی حکومتی و فرهنگی توانستند بر مسائل سیاسی و اجتماعی قلمرو آنان تأثیرگذار باشند، از صاحب بن عبّاد وزیر فخرالدوله و مؤید الدوله نامه‌هایی در دست است که در آنها از سوی پادشاه آل بویه سفارش قمی‌ها شده است حسین بن محمد قمی به سفارش صاحب بن عبّاد تاریخ قم را تألیف کرد و چون مردم قم از قاضی خویش شکایت کردند صاحب بن عبّاد او را عزل کرد، همچنین وی یکی از اشخاص مورد توجه خود را به نام محمد بن حامد، متصدی برید قم کرد، نقل کرده‌اند صاحب بن عبّاد در زمان وزارت فخرالدوله به قم آمد و سال مالی خراج را منظم و معین ساخت و مردم را از برخی تعدّی‌ها و بی‌عدالتی‌ها رها کنید (بیتیمّة الدّهر، ثعالبی، ۱۹۱؛ تاریخ قم، ۱۴۵).

در سال ۳۴۵ق بین اهالی اصفهان که به مذهب اهل سنت گرایش نشان می‌دادند و قمی‌های شیعه نزاعی شدید رخ داد؛ رکن الدوله دیلمی از ماجرای مزبور عصبانی شد و ضمن مجازات افرادی که مردم قم را به قتل رسانیده و اموالشان را غارت نموده بودند، دارایی آنان را مصادره کرد و از بهای این اموال، خسارات وارد شده به قمی‌ها را جبران نمود (قم علی معصومی، ۴۰).

با وجود توجه آل بویه به قم، چنین به نظر می‌رسد که قم از نیمه دوم قرن چهارم هجری رونق علمی خود را از دست داده است؛ تا آنجا که نویسنده گمنام کتاب حدود العالم (تألیف در سال ۳۷۲ هجری) قم را شهری بزرگ، اما ویران معرفی می‌کند؛ و مؤلف تاریخ قم (تألیف ۳۸۷ق) قم را شهری مندرس وصف می‌نماید که اهلس منقرض گشته‌اند (حدود العالم، ۱۴۲، تاریخ قم، ۱۳). رحلت محدثی چون ابن بابویه قمی (۳۲۹ق) مهاجرت کاروانی از مشاهیر قم به ری، بغداد، همدان، شیراز، نیشابور به دعوت رجال حکومت و یا اقلیت‌های شیعه در این شهرها و یا به قصد ترویج مذهب و قوت گرفتن کانون‌های تشیع در کرخ بغداد و ری، اقتدار مکتب کلامی و فکری شیعه بغداد به مدد شیخ مفید و شاگردانش می‌تواند از دلایل این رکود باشد. با این حال حیات علمی در این شهر توسط کاروانی از محدثان،

فقها و متکلمان، جانی تازه گرفت و موقعیت و اهمیت علمی خود را حفظ کرد (مجموعه مقالات، ۲/۲۰۵).

از نیمه قرن پنجم هجری قم چنان رو به پیشرفت نهاد و رشد همه جانبه‌ای را آغاز کرد که در اواسط قرن ششم در دو جای آن نماز جمعه برگزار می‌گردید (النقض، عبدالجلیل رازی قزوینی، ۴۳۰).

از کارگزاران سلجوقی که به قم نظر نیک داشته و آنان را تکریم نموده است امیر غازی عادل صاتمار پسر قایماز، از امیران با نفوذ سلجوقی است که در طلبه نامه‌ای خطاب به قمی‌ها می‌نویسد: اهل قم از سوی خدای تعالی نزد ما ودیعت‌اند و ما را رعیتی (مراعات کننده) مبارکند تا قم را نامزد دیوان ما کرده‌اند (خراج و در آمد قم در اختیار وی بوده است) هر روز ما منزلتی و مرتبتی پدید آمده است و ما ایشان را به فال کرده ایم (به فال نیک گرفته‌ایم) عبدالجلیل قزوینی که این نامه را در کتابش ذکر کرده است می‌افزاید وقتی چنین پادشاه حنفی متعصب ملحد کش در حق قمی‌ها چنین نویسد جز از روی بصیرت و حقیقت نباشد زیرا پادشاه از رعیت پروا نکند و بیهوده نمی‌نویسد (النقض، ۱۶۷).

در حمله مغول و به سال ۶۱۷ هجری قم قربانی تعصب‌های مذهبی گردید و به سختی ویران شد و مردمش قتل عام شدند، در یورش اول و دوم مردم تسلیم مهاجمان گردیدند ولی در نوبت سوم با تحریک مخالفان شیعه که در سپاه مغول بودند، امیر جبّه نویمان فرزند چنگیز خان کشتار خونین در قم به راه انداخت؛ از جمله مقتولین ابوالمعالی اسماعیل نقیب الثقبای سرزمین خوارزمشاه معروف به سید سربخش بود که بقعه‌اش اکنون زیارتگاه مردم است، شهر قم در این فتنه به تلی از خاک مبدل گشت و بعد از این حمله، محل شهر به دو سوی رودخانه قم رود و مجاورت آستانه حضرت فاطمه معصومه علیه السلام انتقال یافت و شهر اسلامی براوستان به نام «قم درویش» خوانده شد و احدی حاضر نگردید به منزل سابق برگردد، به همین دلیل قزوینی آن را به عنوان ویرانه‌ای معرفی می‌کند و حَمْدُ اللَّهِ مُسْتَوْفَى در اوایل قرن هشتم هجری درباره قم می‌نویسد: اکثر آن شهر اکنون خراب است، البته در سالی که غازان خان مغول، قبل از رسیدن به مقام ایلخانی، حاکم قم بود، این شهر تا حدود زیادی تجدید حیات یافت و به همین جهت ابوالفداء قم را در قرن هشتم هجری از شهرهای بزرگ و معتبر عراق عجم بر شمرده است ولی تا آخر قرن نهم هجری قم هرگز موقعیت و اهمیت گذشته را به دست نیاورد (رَوْضَةُ الصَّفَا، خواندمیر، ۹۸؛ تاریخ مغول در ایران، بر تولد اسپولر، ۲۳۹؛ آثار البلاد، قزوینی، ۴۴۲).

گروهی از مورخان نوشته‌اند امیر تیمور گورگانی مردم قم را از دم تیغ گذرانید و برخی از لوازم حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیه السلام را به یغما برد و چون مخالف شیعه بود این شهر را کاملاً ویران ساخت؛ اما مؤلف کتاب قم در قرن نهم هجری یادآور شده است اصولاً تیمور قم را ندیده و از آن عبور نکرده است، البته او در سال ۷۸۴ق نامه‌هایی به امیران نواحی مرکزی ایران نوشت و همگی را به حضور طلبید که آنان جز امیر مازندران اطاعت کردند، امیر قم، ابراهیم قمی، جزو تابعین بود. بر این اساس قم در اوایل حمله تیمور جزو قلمرو وی به حساب می‌آمد و کارگزارانش بر آن حکمرانی می‌کردند.

اولاد تیمور از آنجا که به حضرت امام رضا علیه السلام ارادت می‌ورزیده‌اند، به قم توجه شایانی نمودند و شاهرخ پسرش به زیارت خواهر آن حضرت در قم می‌آمد، او فرمان تولیت این آستانه و نقابت سادات قم را صادر کرد. در ۸۴۶ق میرزا سلطان محمد بهادر، پسر بایسنغر چون از طرف جدش شاهرخ میرزا به حکمرانی عراق منصوب شد، قم را تختگاه خویش قرار داد به همین مناسبت سید ظهیرالدین مرعشی قم را دارالسلطنه نامیده است (جامع مفیدی، ۲۹۹؛ تاریخ گیلان، ۲۵۱). در تاریخ جدید یزد آمده است: سلطان محمد صادر با امیرزادگان متوجه قم شد و چون به حوالی شهر رسید سادات، قضات، مشایخ و اکابر قم، کاشان، ساوه و ری با نثر پیشکش به استقبال آمدند و قم خراب معمور گردید و اهالی آن به رفاه رسیدند، سلطان محمد، شرف الدین علی یزدی را از یزد به قم فرا خواند و او با عزت و احترام وارد قم گشت و از مردم خواست حکومت شاهزاده محمد بهادر را گردن نهند، کارگزاران قم اظهار انقیاد کردند (تاریخ جدید یزد، ۲۳۰).

در اواخر دهه دوم قرن نهم هجری قم جزو شهرهای پر جمعیت، آباد و معتبر ایران به شمار می‌آمد به جز موارد فوق در بعضی سال‌های دیگر این قرن نیز قم محل اقامت زمستانی پادشاهان وقت بوده است.

حسن بیک روملو می‌گوید پیربوداق (فرزند جهان شاه) برای ملاقات پدر از شیراز به قم آمد؛ به گفته این مورخ اوزون حسن در سال ۸۷۴ق از شیراز متوجه قم گردید و در منزل الیاس خواجه نزول اجلال کرد و هر چهارشنبه بر سریر سلطنت که در پیشگاه خانه می‌زدند، نشسته بار عام می‌داد تا دادخواهان ممالک محروسه در آن روز، عرض حاجات می‌کردند در زمستان و دو ماهی از بهار بر این منوال مقدر بود و هر شب جمعه سادات، علما و اشراف به مجلس وی می‌آمدند و لطائف، مواعظ و ذکر صلحاء و ابرار بیان می‌کردند، کنتارینی هم گفته است در سال ۸۷۸ هجری با اوزون حسن وارد قم شدیم و به زحمت موفق شدیم خانه‌ای برای خود و

همراهان بیابیم، او می‌افزاید حداقل چهارصد نفر هر روز بر سر سفره این حاکم در قم غذا می‌خورند (تشکیل دولت ملی در ایران، والتر هینتس ۱۷۹، احسن التواریخ، حسن بیک روملو، ۳۲۸؛ سفرنامه ونیزیان، ۴۲؛ تاریخ مذهبی قم، ۱۷۲). با روی کار آمدن صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، قم به عنوان اولین کانون و خاستگاه شیعیان مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت و این شهر با تسلط کامل سپاهیان شاه اسماعیل در سال ۹۰۹ ق بر قم، در ابعاد گوناگون پیشرفت‌هایی نمود و از مراکز مهم فرهنگی و فقهی شیعه گردید. قم در دوره صفویه سهم وافر از عمران و آبادانی به دست آورد به طوری که بسیاری از آثار تاریخی این شهر مربوط به این دوره است. شاه عباس برای تضعیف بنیه اقتصادی دولت عثمانی که یکی از راه‌های درآمد آنان زیارت عتبات عراق بود، مردم را تشویق به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه می‌نمود و به مشهد و قم جنبه زیارتی بیشتری بخشید تا مردم برای زیارت کمتر به عراق بروند سیاحان خارجی که در این دوره به ایران آمده‌اند از قم به عنوان شهری بزرگ با انبوهی از جمعیت و بناهای عالی و باغ‌های زیبا که بارگاه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه را احاطه کرده‌اند، همچین از فراوانی نعمت، بازارهای بزرگ و خوب، مساجد متعدد، و زهد و پارسایی مردمش آگاهی‌هایی ارائه داده‌اند.

شاهان صفوی هر یک به نوعی در زیباسازی و تزیین بناهای حرم مطهر قم تلاش کردند و اموالی را وقف این بارگاه نمودند، موقعیت معنوی قم سبب گردید که مشاهیری چون عبدالرزاق لاهیجی قمی، ملا محمدطاهر قمی، قاضی سعید قمی، سید صدرالدین رضوی قمی و ملاصدرا در این شهر مشغول تدریس و تربیت شاگردان گردیده و در علوم معقول و منقول آثاری ارزشمند به نگارش درآوردند.

شاه عباس در سال ۱۰۰۴ ق سفیران ازبک‌ها و عثمانی‌ها را در این شهر به حضور خود پذیرفت. شاه عباس دوم نیز مدتی از سال را در قم توقف داشت. در یکی از سال‌ها که در این دیار به سر می‌برد آزمایش توپخانه در حضورش صورت گرفت و نیز وی به مولا محسن فیض کاشانی در نماز جماعت اقتدا کرد، حکمرانان و داروغه‌های قم و سفرا و فرستادگان فوق‌العاده ایران در عصر صفویه از میان رجال برجسته قم برگزیده می‌شدند. پادشاهان و وابستگان حکومتی بنا به وضعیت خودشان در قم دفن می‌شدند. و به گفته سیاحان این عصر آبادانی واقعی قم از زمانی آغاز گردید که شاه صفی در این شهر مدفون شد (مجموعه مقالات، گروهی از نویسندگان، ج سوم، ۴۰۲).

افغان‌ها برای تصرف اصفهان، قم را خط مقدم مقاومت‌ها و حملات خود قرار

دادند، این امر سبب گردید که افراد زیادی از سربازان افغانی در قم مستقر باشند و به آزار اهالی این شهر بپردازند، در این روزگار مهاجمان مذکور تمام مدارس قم را انبار غله و علوفه اسبها و سربازان چند هزار نفری خود کردند و از نظر اقتصادی مردم را تحت فشار قرار دادند، وقتی اشرف افغان از نادرشاه در مهماندوست دامغان شکست خورد به اصفهان گریخت؛ اما هنگام عبور از قم برخی زیورآلات و اشیای گرانبهای آستانه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه را به غارت برد (قم، علی معصومی، ۵۲؛ مجموعه مقالات، ۴۰۳/۳).

نادرشاه افشار در دوران نیابت سلطنت سران سپاهی مقیم دربار صفوی را با نیرنگ به قم دعوت کرد تا تدارک امر برکناری شاه عباس سوم را بی حضور هواداران وی ببیند. وقتی نادر به قدرت رسید و به این شهر گام نهاد، گروهی را کشت و عده‌ای را زندانی نمود، بسیاری افراد هم در پی آشفته‌گی‌های مزبور، این دیار را ترک کردند. چند سال بعد اهالی قم علیه یکی از جانشینان نادر که ابراهیم شاه نام داشت شوریدند، این خیزش به رهبری یکی از بازماندگان صفوی به نام میر سید محمد متولی صورت گرفت؛ آنان موفق شدند سازمان لشکری و تدارکاتی این حاکم را بر هم بریزند و وی را به قتل رسانیدند.

افغان‌هایی که در سپاه نادر بودند به دنبال قتل وی در ایالات گوناگون پراکنده شدند. کریم خان زند از ناحیه این افراد احساس خطر کرد و در عید نوروز سال ۱۱۷۲ق دستور داد تا عده‌ای از افغان‌های مقیم قم، را به قتل برسانند که اموال آنان از طرف کارگزاران حکومتی ضبط گردید (مختصر تاریخ ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، ۱۸۲).

پیشینه درخشان مذهبی قم، جایگاه ممتاز و بی نظیر قم از نظر مذهبی و روحانی غیر قابل انکار است؛ چرا که این شهر از آغاز موجودیت تا امروز، در طول سیزده قرن پایتخت شیعه امامیه خوانده شده و مهد دانش و فضیلت و سرچشمه جوشان مکتب و معرفت بوده است. خدمات برجسته و مساعی ارزنده دانشمندان قم در راه احیای آیین تشیع و نشر معارف دینی و فرهنگ پرپار اسلامی، به حدی بود که تاج کرامت ابدی دینی بر تارک شریف آنان نهاده شد که: «لولا القمیون لصاع الدین» آری، قم شهری است که خشت اول معنویت آن را گروهی از صحابه و دوستان ائمه علیهم السلام از اعراب اشعری، با مصالح ایمان و ملامت تولی به کار گذاشتند و شالوده این شهر مقدس را از سال ۸۳ق و در دوران امام باقر و امام صادق علیه السلام طرح‌ریزی نمودند. این شهر در میان فرمانروایی اسلامی، چون

کشوری مستقل و با مقرراتی خاص اداره می‌شد و از مزایا و ویژگی‌هایی برخوردار بود و حتی در دوران اختناق حاکم بر امامیه هم مردم قم بدون تقیبه با کمال آزادی عقیده در این دیار مقدس به جمع‌آوری آثار و اخبار آل محمد علیه السلام و تدوین آنها پرداختند و در سرود آسمانی اذان، بر فراز ارتفاعات با صدای رسا بر ولایت علی علیه السلام شهادت می‌دادند. مکتب امامیه اولین بار به دست اعراب اشعری در قم افتتاح گردید که فقه شیعه به طور رسمی و علنی در آن تدریس می‌شد و مشعل هدایت و ارشاد در این شهر فروزان گردید و تربیت یافتگان این مکتب الهی بر سایر بلاد اسلامی نورافشانی کردند.

وضع شهر قم مقارن آمدن حضرت معصومه سلام الله علیه، گویا آوازه
 تشیع مردم قم در آن زمان تا مدینه رسیده بوده و حضرت معصومه سلام الله علیها از وجود آن شهر و ارادت و محبت مردم آن نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اطلاع داشته‌اند، زیرا چون به ساوه رسید و بیمار شد، پرسید از اینجا تا قم چند فرسنگ فاصله است؟ و دستور فرمودند: وی را بدان شهر برند. مردم قم در آن وقت نسبت به خلفا نافرمان بودند و از این رهگذر خسارات فراوان دیدند. این نافرمانی در صورتی شدت می‌یافت که والی غیر شیعه برای قم معین می‌شد؛ طبق مدارک موجود، مردم قم والی و قاضی‌ای را که دارای مذهب ایشان نبودند نمی‌پذیرفتند، حتی در زمان شاه اسماعیل صفوی که سلطان مراد عثمانی مدتی بر ایران غلبه کرده و یک نفر به نام اسلمس بیک را حاکم قم قرار داده بود، آن مرد به علت مخالفت اهالی، مذهب شیعه را پذیرفت و کلمه یا علی را بر روی سینه خود نقش کرد... طبق نوشته بلاذری، مردم قم در زمان مأمون نافرمانی کردند و از پرداخت خراج سرباز زدند. مأمون، علی بن هشام مروزی را فرستاد و با سپاه او را مدد داد تا با قمی‌ها بجنگد. یحیی بن عمران را که حاکم قم بود به قتل رسانید، باروی شهر را با خاک یکسان نمود و خراج قم را (که از زیادی آن شکایت داشتند) بیش از سه برابر کرد (دو میلیون درهم را تا شش میلیون بالا برد) این موضوع را ابن اثیر نیز در ضمن وقایع سال ۲۱۰ آورده است. چهل پنجاه سال بعد، باز در زمان معتز عباسی پسر متوکل، مردم قم نافرمانی کردند، موسی بن بغا عامل بلاد الجبل (بلاد الجبل تقریباً همان عراق عجم است که قم هم جزء آن بود) به قم حمله کرد، جمع کثیری را کشت و جمعی دیگر را به فرمان معتز، تبعید کرد. اما وضع قم از نظر شهری آن طور که یعقوبی در حدود پنجاه سال بعد از آمدن حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه نوشته است، دو قسمت بوده که به مجموع این دو قسمت

قم می‌گفته‌اند (در حالی که مقارن آمدن اشعری‌ها، هفت قسمت بوده) و رودخانه از میان آن دو می‌گذشته (امروزه هم رودخانه شهر قم را به دو قسمت کرده) و پل‌های سنگی آن دو را به یکدیگر مربوط می‌ساخته است. قسمت بزرگ‌تر به نام منیجان قلعه‌ای از آن ایرانیان قدیم وجود داشته است؛ قسمت کوچک‌تر به نام کمیدان در سمت چپ رودخانه واقع بوده است. مردم قم در آن وقت دو دسته بودند: یک دسته عرب‌های بنی‌الاشعر و آل‌مذحج، دیگری مردم بومی که از نژاد ایرانی بودند. منیجان همان شهر اصلی قم است و در تاریخ قم به نام بلده ممجان آمده و تصریح شده به اینکه ممجان نفس قم است و در جای دیگر چنین ذکر شده که کمیدان قصبه قم است.

حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام در قم، درباره عبور علی بن موسی‌الرضا علیه السلام از قم به هنگام رفتن به مرو (بنا به دعوت مأمون) در بیشتر مأخذها اشاره‌ای نشده است، اما قرائن و مدارکی، آمدن آن حضرت را به قم تأیید، بلکه ثابت می‌کند، نخست آنکه در قم محله‌ای به نام شاه خراسان در اواسط خیابان آذر وجود دارد، که در همین محل مدرسه‌ای به نام مدرسه رضویه بنا شده است. مردم قم از قدیم معتقد بوده‌اند که علی بن موسی‌الرضا علیه السلام زمانی که به قم آمد، در همین محل نزول اجلال فرمود و از چاهی که هم اکنون در آن مدرسه موجود است، آب نوشید و غسل کرد و وضو ساخت و این امر سینه به سینه تا به امروز رسیده است. دیگر اینکه روایتی است که ابن‌الفرقیه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده و در ضمن آن آبی در قم وصف شده که حضرت رضا علیه السلام در آن غسل خواهد کرد دلیل سوم، نوشته تاریخ قم است که امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام از آب مزبور نوشید و در آن غسل کرد در تاریخ قم همچنین نوشته شده است که حضرت رضا علیه السلام در صحبت رجاء بن ضحاک، به راه بصره و فارس و اهواز (ظاهراً صحیح اهواز و فارس باشد) به طوس آمد اما از چه راهی به قم آمد و آمدن او به چه نحوی بود؟ متعرض نشده است. دلیل چهارم این است که ابن‌طاووس از علمای معروف شیعه در قرن هفتم، کیفیت ورود علی بن موسی‌الرضا علیه السلام را به قم در کتاب «فَرَحَةُ الْعُرَى» شرح داده و چنین نوشته است:

«چون مأمون از خراسان، حضرت رضا علیه السلام را صلب کرد، آن حضرت از مدینه به بصره آمد و در راه خود به کوفه نرسید و از بصره از راه کوفه به بغداد رفت و از آنجا روانه قم شد. اهل قم به دیدن ایشان آمدند و در آنکه کدام یک افتخار

مهمانداری آن حضرت را پیدا کند، با یکدیگر به بحث و نزاع برخاستند. امام فرمود: شتر من خود مأمور است که در کجا فرود آید؛ شتر در مقابل خانه‌ای زانو زد. صاحب آن خانه در خواب دیده بود که فردا امام رضا علیه السلام مهمان او خواهد بود، دیری نپایید که خانه مزبور مقام شامخی پیدا کرد و امروز (قرن هفتم) مدرسه‌ای است که رهگذر است». به احتمال قوی مدرسه مزبور همین مدرسه رضویه فعلی است که در اثر مرور زمان، بنای اصلی به کلی از میان رفته و تجدید بنا شده و قسمتی از آن جزء خیابان گردیده است. قرائتی که ذکر شد، همه دلالت دارد که علی بن موسی الرضا علیه السلام به قم آمده و شاید چند روزی در این شهر اقامت فرموده، ولی شیخ صدوق تصریح کرده است به اینکه مأمون دستور داده بود که حضرت رضا در راه خود به خراسان، از کوفه و قم عبور نکند. عبارت صدوق در این باره چنین است: «مأمون به رضا علیه السلام نوشت که از راه کوفه و قم نیاید، بنابراین از راه بصره و اهواز و فارس به مرو رسید».

ظاهراً مقصود مأمون این بوده که علی بن موسی الرضا علیه السلام از کوفه و قم - یعنی دو مرکز عمده شیعه و دوستداران اهل بیت - عبور نکند. حضرت از کوفه عبور نکرد و به همین جهت، بنابر نوشته ابن طاووس به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام نایل شد. ولی آیا طبق دستور مأمون به قم هم نیامد یا رجاء بن ضحاک که مأمور بردن آن حضرت از مدینه به مرو بود، نگذاشت که از قم عبور کند؟ گویا در این باره سندی در دست نباشد. بنابراین و با توجه به دلایلی که قبلاً ذکر شد، تشریف فرمایی علی بن موسی الرضا علیه السلام به قم تقریباً مسلم می‌شود. قم در مسیر راه‌های اصلی نبوده است.

راه‌هایی که در قدیم از اطراف به قم منتهی می‌شد، همچنین راه‌هایی که از قم به شهرهای مجاور قم می‌رسید، در کتب مسالک و ممالک ذکر شده، اما آن طور که معلوم می‌شود، قم مانند امروز سر راه نبوده است. که مثلاً هر کس از خراسان یا از ری می‌خواست به فارس و خوزستان و کرمان و عراق برود، ناگزیر باشد از قم عبور کند، کسی به قم می‌آمد که یا مقصدش قم بود یا به مناسبت و علتی ترجیح می‌داد از این شعر عبور نماید. از ری به اصفهان راهی بود که گویا از حاشیه کویر می‌گذشت و کاشان و قم در کنار این راه قرار نداشت. از جمله قرائن این امر داستان خروج «مُطَّرِف بن مُعِیْرَة بن شعبه» بر «حَجَّاج بن یوسف» در سال ۷۷ هجری است، که مطرف، قم را پایگاه خود قرار داده بود، حجاج به «عُدَی بن وتاد» فرمانروای ری نوشت که با سه چهارم از سپاهی که در اختیار دارد به جی (اصفهان) برود و از آنجا با سپاه «بَرَاء بن قَبِیصَه» رهسپار جنگ با مُطَّرِف (در قم) بشود. مسلم

است که «عدی» هنگام رفتن از ری به اصفهان از قم عبور نکرد و نمی‌توانست عبور کند، زیرا قم و کاشان و این حدود در اختیار مطرف قرار داشت. راهی که «عدی» از آن عبور کرد، احتمالاً تا زمان صفویه هم باقی بوده است و بنا بر احتمالی، شاه عباس اول در سفر پیاده خود به مشهد از همین راه رفته و از کاشان و قم گذشته است و مورخان دوره صفویه (از جمله اسکندر بیگ منشی در عالم آرای عباسی) عبور وی را از قم، متعرض نشده‌اند. عبور «شاه عباس» از طبس و ترشیز (کاشمر فعلی) تقریباً مسلم است، اما آیا از راه یزد بوده، که با خرابی و دشواری آن راه بعید به نظر می‌رسد، یا از راه معمولی که از سمنان و دامغان می‌گذشته، است؟ به تازگی سندی جغرافیایی به دست آمده که شهرها و نواحی مسیر شاه عباس را در سفر مشهد (ظاهراً همین سفر پیاده) معین کرده است؛ به موجب این سند، وی از قم نیز گذشته است. سند مزبور، نقاط بین راه شاه عباس را در سفر مشهد چنین نوشته است: کاشان، قم، ساوه، قزوین، خار (خوار از توابع ری)، سمنان، ییلاق، دامغان، سبزوار، مزینان ملک جام کریلو، طبس، خراسان (مشهد). از این گذشته، در نقشه و صورتی که «ابن حوقل» از ناحیه جبال رسم کرده، کاملاً مشخص است که قم و کاشان در سر راه معمولی ری به اصفهان نبوده است. و ابن رسته و ابن خرداد به نیز در شرح منازل میان راه بغداد به ری، نامی از قم نبرده‌اند.

علاقه شدید مردم قم به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، مردم قم از آغاز فتح آن شهر به دست مسلمانان و پذیرفتن دین مبین اسلام، به دوستداری اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهره بودند و قمی همواره مثال کاملی بوده است برای یک شیعه متعصب و علاقه‌مند به مذهب خود و این علاقه و محبت در طول تاریخ یک‌هزار و سیصد ساله قم در عصر اسلام، پیوسته در آنان وجود داشته و با وسایل و کیفیات گوناگون آن را به ثبوت رسانیده است. قمی‌ها در زمان ائمه اطهار علیه السلام، آنچه از ملک و عقار داشتند، حتی خانه و بعضی از ایشان تمام مایملک خود را وقف ائمه کردند و هر سال خمس اموال خود را برای امامان علیه السلام می‌فرستادند دیگر آنکه اولاد علی علیه السلام را گرمی داشتند و به آنان مقام و مسکن دادند و آب و ملک به ایشان بخشیدند شهرت مردم قم در دوستداری اهل بیت در زمان ائمه به حدی بود که به گوش مأمون خلیفه معروف عباسی نیز رسیده بود. زیرا وی در ضمی جریان مفصلی که در آن از علت تفویض ولایت عهدی به علی بن موسی الرضا علیه السلام برای زین بن الصلت شرح داده، گفته است: کسی را نمی‌یابم که در این کار (تفویض خلافت به آل

علی) مرا یاری دهد، به راستی تصمیم گرفتم که اهل قم را شعار و دثار خود (یعنی یاران باطنی و ظاهری خود) قرار دهم.

تاریخ معاصر، قم عرصه نبرد خاندان زند و قاجارها برای تسلط بر ایران بود. در سال ۱۲۰۸ ق توسط آغا محمدخان قاجار فتح گردید و او در این شهر به قتل عام مردم و آتش زدن خانه‌ها پرداخت؛ اما جانشین وی، فتحعلی‌شاه قاجار نذر کرد که اگر بر مخالفان غلبه یابد به عُمران حرم مُطهر و این شهر بپردازد، او گنبد آستانه مقدسه را مطلقاً کرد و اقدامات دیگری نیز در قم انجام داد، در زمان قاجاریه قم محل ضرب سکه بود چنانچه این برنامه در قرن سوم هجری در این شهر صورت می‌گرفته است. برخی افراد خاندان قاجار از جمله فتحعلی‌شاه، محمد شاه (پدر ناصرالدین شاه)، مهد علیا (مادر ناصرالدین شاه)، و تعدادی از شاهزادگان و رجال سیاسی این عصر در صحن‌های حرم حضرت فاطمه معصومه علیه السلام دفن گردیده‌اند (تاریخ مذهبی قم، ۱۷۷؛ قم، علی معصومی، ۵۶).

بعد از به چوب بستن تُجّار توسط علاء الدوله حاکم تهران به پنهان‌گران شدن قند، بازرگانان و دو تن از علما (سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی) در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام بست نشستند. آنان خواهان برخی اصلاحات و برکناری علاء الدوله بودند، بعد از چندی تقاضای عدالت‌خانه کردند که مظفرالدین شاه موافقت کرد ولی با پایان یافتن این تحصن به خواسته‌های علما و مردم توجه نکرد. این بار علما و دیگر مخالفان برای تحقق خواسته‌های خود به قم رفتند و در این شهر تحصن اختیار کردند، روز به روز بر تعداد معترضین و این جمع افزوده می‌شد تا آنکه شاه تسلیم خواسته‌های آنان گردید. مهاجرت کبری از ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۴ ق تا ۲۴ جمادی الثانی همین سال یک ماه طول کشید (تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، ۵۷۶/۱؛ انقلاب مشروطه، مهدی ملک‌زاده، ۷۵/۱ به بعد؛ تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، بخش اول، ۱۰۶).

در جنگ جهانی اول اگر چه ایران موضع بی‌طرفی نشان داد ولی درگیری به مناطقی از این کشور کشیده شد قشون روس که حوالی تهران بودند قصد اشغال مرکز ایران را داشتند، به پیشنهاد آیت الله مدرس مقدر گردید دولتی موقت تشکیل شود تا جدای از دولت مرکزی به اقداماتی برای خنثی کردن نقشه‌های متفقین (روس و انگلیس) بپردازد، این دولت سیار توسط متحدین (آلمان، اتریش و دولت عثمانی) به رسمیت شناخته شد، قشون روس برای در هم کوبیدن این تشکیلات مردمی به سوی قم و ساوه حرکت کرد و در حوالی شهر قم با نیروهای کمیته دفاع

ملّی به نبرد پرداخت، قوای مهاجر پس از تحمل تلفات و از دست دادن جنگ افزار شکست خورد و قم به اشغال روس‌ها در آمد و سران مهاجر به سوی نواحی غربی ایران رفتند، بدین گونه قم از ۱۴ دی ۱۲۹۴ ش چند سالی در تصرف قوای نظامی و اداری روس قرار داشت (شهید مدرس ماه مجلس، غلامرضا گلی زواره؛ مدرس قهرمان آزادی، حسین کلی، ۱۱۳).

آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (متولد ۱۲۷۶ ق) که دانش آموخته حوزه نجف و سامرا و در فقه و اصول دارای مبانی متقن و مستحکم بود، در سال ۱۲۹۳ ش (۱۳۲۳ ق) به ایران بازگشت و در اراک حوزه علمیه‌ای بنیان نهاد و بعد از هشت سال در ۲۲ رجب سال ۱۳۴۰ ق (۱۳۰۱ ش) به قصد زیارت بارگاه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه به قم آمد و مورد استقبال اقشار گوناگونی از مردم قرار گرفت، علمایی چون شیخ محمدتقی بافقی، شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی، حاج میرزا محمد ارباب و شیخ محمدرضا شریعتمدار وی را تشویق به اقامت در قم نمودند که او پذیرفت و حوزه علمیه این شهر را تأسیس نمود. پس از ورود آیت الله حائری به قم، رجال سیاسی به دیدارش رفتند و احمدشاه قاجار به قم رفت و بنیانگذاری حوزه علمیه قم را به وی تبریک گفت (آثار الحجّة، محمد شریف رازی، ۱۵؛ تشیع و مشروطیت در ایران، عبدالهادی حائری، ۱۸۰).

از نقطه نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأسیس حوزه علمیه قم یک خواست درونی و روش به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی و حتی برخی جریان‌های ضد اسلامی و سوء استفاده برخی جناح‌ها و تحرکات بیگانه و حملات بیگانگان و انحراف فکری تجددطلبان بود. و از آنجا که این حوزه درست بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش تأسیس گردید، این واقعه و دخالت اجانبی چون انگلیس در امور داخلی ایران و تهدید استقلال فرهنگی مردمان شیعه این سرزمین، علمای ایران را به مقابله همه جانبه فراخوانده و در فراهم ساختن زمینه‌های مهاجرت آیت الله حائری به قم و استقرار در این شهر تسریع کرده باشد (علما و رژیم رضا شاه، ۲۳۶؛ تشیع و مشروطیت در ایران، ۱۸۰).

تشکیل حوزه و انتقال مرجعیت شیعه به قم، این شهر را به عنوان مرکز ثقل کشور پس از تهران در آورد به گونه‌ای که احمدشاه و حکام بعدی ناگزیر به کنار آمدن با مراجع تقلید و جلب رضایت آنان و یا برخورد قهری و نظامی با آنان بودند، علمای عتبات عراق از این پس به حوزه قم چشم دوختند (تاریخ قم، ناصر الشریعه، ۲۷۴؛ مجموعه مقالات، ۷۷/۳). در چنین ایامی در پی مخالفت علمای عراق با حکومت ملک فیصل، وی فرزند آیت الله خالصی و سید محمد صدر را به ایران

تبعید نمود، آیات عظام میرزا محمد حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی به عنوان اعتراض به این رفتار، آهنگ ایران کردند و روز چهارم محرم الحرام سال ۱۳۴۲ ق وارد قم شدند که آیت الله حائری به گرمی از آنان استقبال کرد و به احترام ورود آنان به قم، درس خویش را تعطیل کرد و شاگردان خود را وادار کرد در درس این شخصیت‌ها حاضر گردند (مجموعه مقالات، ۷۸/۳؛ علما و رژیم رضاشاه، بصیرت منش، ۷۸). احمدشاه قبل از ترک ایران و در ربیع الاول ۱۳۴۲ ق سفری به قم نمود و به امید کسب حمایت علما به دیدار علما شتافت و هدایایی به آیت الله حائری و شیخ مهدی خالصی (عالم مهاجر از عتبات عراق) تقدیم کرد، به هنگام اقامت وی در اروپا، رضاخان در راه برقراری یک رژیم جمهوری به سبک ترکیه به همکاری علما نیاز داشت، که علمای مهاجر قم و مرحوم حائری تصمیم گرفتند که سردار سپه (رضاخان) را قانع کنند از سوی احمدشاه خطری برای کشور وجود ندارد و چون وی به قم رفت علما از او خواستند این قضیه جمهوری را متوقف سازد، این ملاقات در ششم فروردین ۱۳۰۳ ش صورت گرفت و آیات عظام نائینی و اصفهانی به همراه آیت الله حائری یک هفته بعد در تلگرامی به علمای تهران اعلام نمودند از رئیس الوزرا (رضاخان) نقض جمهوری را خواستم که پذیرفت و مقّرر گردید دیگر دنبال آن نباشد (تشیع و مشروطیت در ایران، ۱۸۴؛ شرح زندگانی من، مستوفی، ۶۰۱/۳).

مشی ملایم رئیس حوزه علمیه قم با رضاخان از آن جهت بود که چهره تهاجمی وی علیه علما و روحانیان را تا حدی کنترل کند و حس اعتماد او را در آن اختناق شدید جلب کند و به این طریق حوزه علمیه قم را از آسیب‌های جدی و حتی انهدام و تعطیلی حفظ نماید، در حالی که کارنامه مرحوم آیت الله حائری نشان می‌دهد، ایشان نسبت به امور مسلمانان ایران و جهان و مسائل سیاسی و اجتماعی بی تفاوت نبوده است. اعتراض به ماجرای کشف حجاب در کارنامه این شخصیت وارسته و با فراست درخشندگی فوق العاده‌ای دارد. او با خون دل خوردن‌های فراوان و مهار کردن یورش‌های گستاخانه رژیم رضاخان، موفق گردید از حوزه علمیه قم پاسداری کند و با تربیت طلاب و علمایی بزرگ میراث گران‌بهایی به یادگار باقی گذارد و آینده فکری و مذهبی تشیع را در ایران تضمین نماید (علما و رژیم رضاخان، ۲۴۶؛ مؤسس حوزه، ۱۹۰).

دولت مخبر السلطنه در شهریور ۱۳۰۶ ش طی اعلامیه‌ای اقدام به امر به معروف و نهی از منکر را ممنوع کرد، انتشار این اعلامیه عکس العمل شدید روحانیت را به دنبال داشت، در قم علما و برخی اقدار متدین در جلساتی به

چاره جویی پرداختند اما آیت الله شیخ محمدتقی بافقی که همواره از تظاهر به گناه در قم جلوگیری می کرد در این زمینه پیش قدم شد (علما و رژیم رضاخان، ۲۶۲؛ کاروان علم و عرفان، از نگارنده، ۴۹/۲).

با رحلت آیت الله حائری آیات ثلاث (سید محمد حجت کوه کمره ای، سید صدرالدین صدر و سید محمدتقی خوانساری حوزه علمیه قم را از خطر نابودی نجات دادند و تا سر حد امکان در برابر اقدامات رژیم رضاخان ایستادگی کردند (همان منبع).

در بهار ۱۳۲۱ ش/۱۳۶۱ ق و در همان اوقاتی که متفقین اطراف قم را محاصره کرده بودند و بخش هایی از قم مملو از چادرهای نیروهای آنان بود، قم دچار خشکسالی گردید و مردم خصوص کشاورزان چشم انتظار باران بودند ولی خبری از ریزش های جوی نبود، سرانجام مردم در بیرون شهر (حوالی خاک فرج) و جلو چشم نیروهای بیگانه به امامت آیت الله سید محمدتقی خوانساری نماز باران خواندند که دعای آنان اجابت گردید و بارانی شدید زمین ها را سیراب کرد، متفقین که نخست تصور می کردند این جمعیت انبوه قصد شورش دارند با مشاهده این وضع دچار شگفتی شدند و برخی از آنان به مرحوم خوانساری پیغام دادند شما که با خدای متعال ارتباط دارید در حق ما دعا کنید تا به سرزمین خویش باز گردیم (شرح احوال آیت الله اراک، رضا استادی، ۳۱۵).

در ۱۴ سال ۱۳۶۴ ق، نهم دی ماه ۱۳۲۳ ش مرحوم آیت الله بروجردی در میان استقبال پرشور علمای اعلام طلاب و مدرسین عالی مقام حوزه و اقشار گوناگون مردم، رهسپار قم گردید، با ورود وی به این شهر قم از نظر فرهنگی، عمرانی و اجتماعی متحول گردید و طی شانزده سال قامت وی در این دیار، اصلاحات مهمی در حوزه و نظام آموزشی آن صورت گرفت. نهضت تألیف، تصنیف و ترجمه در قم به وجود آمد، دانشورانی برجسته از نقاط گوناگون به قم مهاجرت کردند و در این شهر در رشته های گوناگون علوم اسلامی کرسی تدریس تشکیل دادند، نشریات مذهبی در قم مسائل دینی و فرهنگی را به زبان روز برای مردم بیان می کردند، کتابخانه هایی در این شهر تأسیس یا توسعه یافت، مدارس بنیان نهاده شد یا تعمیر اساسی شدند.

ویژگی های جغرافیایی قم، استان قم با وسعتی حدود ۱۱۲۳۸ کیلومتر مربع در بخش مرکزی ایران واقع شده است. این استان از طرف شمال به استان تهران، از شرق به استان سمنان، و از جنوب به استان اصفهان و از طرف جنوب غربی تا

شمال غربی به استان مرکزی محدود می‌گردد. این استان کمتر از یک درصد کل مساحت کشور، بیست و هشتمین و در واقع کوچک‌ترین استان کشور محسوب می‌شود. ارتفاع مرکز شهرستان از سطح دریا ۹۲۸ متر و ارتفاع بلندترین نقطه استان در مناطق کوهستانی (کوه ولیجا) با ۳۳۳۰ متر ارتفاع و پست‌ترین نقطه آن در حاشیه دریاچه نمک قم حدود ۷۰۰ متر است. جمعیت فعال استان قریب به یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود. استان قم از نظر تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۹ دارای یک شهرستان، ۴ بخش، ۵ شهر و ۹ دهستان و ۹۳۶ آبادی بوده که از این تعداد ۳۵۶ آبادی دارای سکنه و ۵۸۰ آبادی بدون سکنه بوده است. قم تا زمان هارون الرشید از نظر تقسیمات کشوری تابع اصفهان بود ولی از این زمان به صورت آبادی جداگانه‌ای در آمد، در حدود نیم قرن بعد از دفن حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه در قم، این شهر شامل دو بخش قابل تفکیک بوده که رودخانه اناربار از میان آن دومی گذشته است و پل‌های سنگی ارتباط دهنده این دو سمت بوده است، در سمت راست رودخانه منطقه مینجان و در سمت چپ ناحیه گمیدان قرار داشته است. اعراب بنی الاشعر، آی مدحج و مردمان بومی ایرانی در این دو قسمت ساکت بوده‌اند اما منابع تاریخی، مینجان را شهر اصلی یا کانون اساسی قم دانسته و گاهی به عنوان بلده ممان از آن سخن گفته‌اند و گویا کمیدان نقش اقماری و تابعی آن را داشته است (البُلدان، ۴۰؛ تاریخ قم، ۲۳؛ تاریخ مذهبی قم، ۸۱؛ جغرافیای تاریخی شهرها، ۱۶۸).

بعد از تفکیک قم از اصفهان، تفرش، فراهان، خلجستان و کاشان از توابع قم محسوب می‌شد و بنابراین قم از شرق و جنوب به اصفهان، از غرب به همدان و از شمال باری محدود می‌گردید (راهنمای جغرافیای تاریخی قم، مدرسی طباطبایی، ۲۱۵/۱). قم را از بلاد جبل و در زمره شهرهای عراق عجم و داخل در اقلیم چهارم معرفی کرده، قلمرو قم در قم چهل فرسخ در چهل فرسخ بوده است حد اول از سوی همدان ساوه حد دوم از ری آبادی دیر حص (دیر گچ) حد سوم از ناحیه فراهان دیزآباد، حد چهارم از طرف اصفهان راوند کاشان. تا اوایل روی کار آمدن سلسله پهلوی حدود آن به این شرح بود: از طرف تهران علی آباد، از جانب سلطان آباد عجم (اراک) منتهای خلجستان در حوالی آبادی پوگرد و از طرف کاشان روستای پاسنگان که در چهار فرسخی قم است از جانب اصفهان دلیجان و محلات و از سوی قهستان منتهای خاک جاسب و اردهال (تاریخ قم، ناصر الشریعه، ۳). در تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ ش قم یکی از چهل و نه شهرستان ایران و جزء استان دوم بود و حوزه وسیعی داشت؛ در فروردین ۱۳۲۵ ش، شهر

محلات، دلیجان و نراق از قم جدا گردید؛ در این زمان قم شامل شهر مرکزی (قم کنونی) و چهار بخش به نام‌های خلیجستان در غرب با ۲۲۵۰ کیلومتر مربع و شامل چهار دهستان دستجرد، راهجرد، و زوار و طغرود؛ بخش حومه با مساحت ۱۰۴۰ کیلومتر مربع شامل دهستان‌های قنوات، قم رود، بخش قهستان یا کهک در جنوب قم با وسعت هزار کیلومتر مربع، دهستان‌های جاسب و اردهال جزو این بخش بود که اولی به شهرستان محلات و دومی به کاشان منضم گردید، اراضی کنار رودخانه (چهارمین بخش) در جنوب غربی قم و تقریباً در طول رودخانه قم و در مسیر راه قم - اصفهان با مساحت ۵۵۰ کیلومتر مربع (جغرافیای تاریخی قم، فصل دوم). قم تا سال ۱۳۵۶ ش جزء استان تهران بود و با تشکیل استان مرکزی تا سال ۱۳۶۵ ش جزء آن بود و در این سال به استان تهران ملحق گردید. در سال ۱۳۷۴ ش در روز سیزده رجب که مصادف با سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام بود، دستور استان گردیدن این قلمرو صادر شده و سپس با پیگیری دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی قم در سال ۱۳۷۵ ش رسماً به عنوان استان اعلام گردید (جزوات آماری قم). در آن موقع استان قم وسعتی معادل ۱۱۲۳۸ کیلومتر مربع و دارای یک شهرستان به نام قم، سه کانون شهری به نام‌های قم، جعفریه و کهک، چهار بخش، نه دهستان، ۲۹۲ آبادی دارای سکنه و ۶۵۲ آبادی بدون سکنه بود (بروشورهای آماری مرکز آمار قم و سایر مراکز اداری).

طبق شناسنامه آماری برگرفته از آمارگیری رسمی آبان ۱۳۸۵، قم ۱۱۵۲۶ کیلومتر مربع وسعت دارد و دارای یک شهرستان (قم)، پنج بخش به نام‌های بخش مرکزی شامل دهستان‌های قم رود و قنوات، بخش نوفل لوشاتو متشکل از دو دهستان کهک و فردو، بخش خلیجستان حاوی دهستان‌های دستجرد و قاهان، بخش جعفرآباد شامل دهستانی به همین عنوان، بخش سلفچگان شامل راهجرد شرقی و نیزار و پنج نقطه شهری به نام‌های قم، کهک، جعفریه، قنوات و دستجرد ۳۵۶ روستا (شبکه اینترنت، سایت مرکز آمار ایران).

استان قم که ۷/۰٪ مساحت کل ایران است در بخش مرکزی این سرزمین بین مختصات جغرافیای ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه و ۳۵ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی نسبت به خط استوا و ۵۰ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار مبدأ (گرینویچ) قرار دارد که کوچکترین استان ایران می‌باشد، از شمال به استان تهران (شهرستان‌های ری و ورامین)، از غرب به استان مرکزی (شهرستان‌های تفرش، آشتیان و ساوه)، از شرق به استان سمنان (شهرستان گرمسار)، از جنوب به استان اصفهان (شهرستان کاشان) محدود است. بیشترین

وسعت این استان به بخش مرکزی اختصاص دارد که مرکز استان یعنی شهر قم در آن واقع است و به علت جنبه‌های زیارتی، فرهنگی، تحصیل طلاب علوم دینی در این شهر، قرار گرفتن بر سر راه‌های ارتباطی مرکزی و جنبه‌هایی از مهاجری، بیشترین تراکم جمعیت را دارد (جغرافیایی تاریخی قم، ۲۱۰؛ شناخت شهرهای ایران، سعیدیان، ۶۴). شهر قم در فاصله ۱۴۰ کیلومتری جنوب تهران، ۱۳۰ کیلومتری شمال شرقی اراک و یکصد کیلومتری غرب کاشان و در ارتفاع ۹۲۰ متری از سطح دریای آزاد قرار دارد (گیتاشناسی ایران، جعفری، ۵۶/۲).

قدیمی‌ترین طبقات زمین‌شناسی که در اراضی قم نمایان است مربوط به دوران ائوس می باشد؛ رسوبات دوران سوم زمین‌شناسی در یک حوزه ممتد در جهت شمال غربی - جنوب شرقی قابل مشاهده می باشد، در بین طبقات رسوبی مذکور سنگ‌های آذرین دیده می شود، رسوبات اواسط دوران سوم در منطقه بیشتر حاصل تبخیر دریاهای کم عمق گذشته بوده و تحت عنوان تشکیلات قرمز زیرین نامگذاری شده است. جوان تر از این رسوبات آهک‌های مردابی مرجان دار است که بر اثر پیشروی دریا به وجود آمده است قسمت فوقانی این طبقه، تشکیلات قرمز بالایی نامیده می شود، این رسوبات و ته‌نشین‌ها غالباً در اطراف کوه شاه جمال، نرده داغی، دوبرادران، خضر، کیکویه و برخی ارتفاعات دیگر انباشته گردیده که شامل مارن، کالکر (آهک) و گاهی سنگ‌های گچی و نمکی متعلق به دوران سوم میوس می باشد (مجموعه مقالات، ۳/۳۷۱؛ قم از نظر اجتماعی و اقتصادی، سید حسین ابن الرضا، ۲۴).

سیمای استان به لحاظ پستی و بلندی و ناهمواری شامل نواحی کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشت‌ها می باشد، حدود یک چهارم وسعت این منطقه را منطقه کوهستانی و پایکوهی تشکیل می دهد که به طور میانگین پیش از ۲۵۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارند، این ناهمواری‌ها غالباً در غرب، جنوب غربی و شمال غربی استان واقع اند، قُلل ارتفاعات اردهان در نواحی جنوب غربی ارتفاع بیش از سه هزار متر دارند و بلندترین نقطه استان یعنی کوه ولیجا با ۳۳۳۰ متر از سطح دریای آزاد در این ناحیه واقع است، نقاط پایکوهی به دلیل رسوبات حاصل خیز، منابع آب زیرزمینی و آب و هوای ملایم و معتدل و امکان حفر قنات محل استقرار کانون‌های روستایی و مزارع کشاورزی می باشد. ارتفاع متوسط دشت‌های استان قم حدود ۱۵۰۰ متر از سطح دریای آزاد است، مرتفع‌ترین آنان دشت خلجستان و پست‌ترین آنها دشت مسیله است (جغرافیای استان قم، ۵؛ پژوهش‌های نگارنده).

اگر چه استان قم در منطقه بیابانی با بارش کم، گرمای قابل توجه و تبخیر فراوان، قرار گرفته است ولی علاوه بر عرض جغرافیایی، ارتفاعات و جهت آنها، فاصله از دریاها، مجاورت با دشت کویر و توده‌های آب و هوایی به همراه وزش انواع بادهای سرد و گرم در تنوع آب و هوایی دخالت دارند، آب و هوای نیمه بیابانی بیشترین وسعت استان را در بر گرفته است، در اطراف دریاچه نمک و در شرق استان غلبه با آب و هوای گرم خشک است، در ارتفاعات غربی، آب و هوای معتدل کوهستانی محسوس می‌باشد و در بخش کوچکی از نواحی جنوبی می‌توان ناظر آب و هوای سرد کوهستانی بود بر اساس همین تنوع اقلیمی امکان کشت بسیاری از محصولات زراعی و باغی در این استان وجود دارد.

میانگین ریزش‌های جوئی استان قم بین ۱۱۵ تا ۱۴۵ میلی‌متر در نوسان است. بخش عمده‌ای از بارش به صورت تبخیر و نفوذ در لایه‌های زمین از دسترس خارج می‌گردد، بیشترین بارندگی در بهار و زمستان صورت می‌گیرد، حداکثر متوسط بارندگی به ماه دی اختصاص دارد که به ۴۰ میلی‌متر بالغ می‌گردد، متوسط رطوبت نسبی استان سالیانه ۴۲٪، که در بهمن‌ماه ۶۹٪ و در مردادماه ۲۶٪ می‌باشد. متوسط درجه حرارت در تیرماه معادل ۴۲/۵ درجه و در دی‌ماه معادل ۳/۲ درجه می‌باشد حداکثر مطلق درجه حرارت هوا ۴۹ درجه در ماه‌های تیر و مرداد و حداقل مطلق ۱۲ درجه سانتی‌گراد در بهمن‌ماه است. بادهای شدید از نواحی شرقی کشور به سوی نقاط مرکزی و شرقی استان می‌وزند که گرم و خشک‌اند و با گرد و غبار توأم هستند؛ اما بادهایی که از جنوب غربی می‌وزند باران‌زا و مناسب بوده و در فصول پاییز و زمستان سبب بارندگی در سطح استان می‌گردند.

رودخانه‌های قم، رود (اناربار) از ارتفاعات خوانسار سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از اراضی گلپایگان و آب رودخانه خمین و الیگودرز از سمت جنوب غربی وارد استان قم می‌شود و پس از سیراب نمودن دشت سلفچگان و شیراز، رودهای فرعی زواریان، قره‌سو، سلمان و درّه باغ را دریافت می‌دارد و پس از عبور از شهر قم، در ۲۲ کیلومتری شمال شرقی آن با رودخانه قره‌چای یکی می‌گردد. رودخانه قره‌چای از ارتفاعات شازند اراک منشأ می‌گیرد و پس از دریافت شعباتی از ارتفاعات تفرش چون دستجرد، سولقان و مروارید، جلگه ساوه و بخش جعفرآباد، را مشروب می‌نماید این رودخانه از شمال غرب وارد استان گشته و با پیوستن قم رود به آن با

عنوان رود مسیله وارد دریاچه نمک در شرق استان قم می‌گردد (جغرافیای استان قم؛ و مشاهدات شخصی و تحقیقات نگارنده).

سد ۱۵ خرداد در حوالی روستای عباس آباد و در ۱۲ کیلومتری دلیجان بر روی قم رود با هدف تأمین آب آشامیدنی قم، مشروب نمودن هشت هزار هکتار اراضی کشاورزی و مهار سیلاب احداث گردیده که از نوع خاکی غیر همگن با هسته رُسی می‌باشد و از کف رودخانه ۵۴/۳۰ متر ارتفاع دارد. سد ساوه هم بر روی قره چای ساخته شده و این دو سد میزان ریزش آب این رودخانه نمک کاهش داده است. دریاچه نمک با مساحت ۱۸۰۶ کیلومتر مربع بین استان‌های قم، سمنان و اصفهان قرار دارد، تخییر زیاد سبب شوری آب دریاچه و ایجاد لایه قابل توجهی از نمک در آن گردیده در بخش شمال غربی که دریاچه نمک رودهای کرج و شور را دریافت می‌کند حالات باتلاقی دارد. دریاچه حوض سلطان در شمال شرقی قم و در کناره شرقی بزرگ راه قم - تهران قرار دارد، در تابستان خشک اما در زمستان در عمقی کم دارای آب می‌باشد، مساحت آن ۱۰۶ کیلومتر مربع است حجم قابل توجهی از آب شرب مورد نیاز شهر قم، و نیز آب لازم برای بخش کشاورزی، دامپزشکی و فعالیت‌های صنعتی و ساختمانی از ۱۸۴۰ چاه عمیق و نیمه عمیق، ۷۳۲ رشته قنات و ۳۳۵ چشمه تأمین می‌گردد. شرایط جوئی و اقلیم بیابانی موجب گردیده پوشش گیاهی جنگل در استان قم فقیر باشد. ۷۷/۵٪ وسعت این استان به مراتع اختصاص دارد که ۶۰٪ آن از انواع مراتع فقیر است (اقتباس از جزوه نگاهی به استان قم و فضای سبز آن، و نیز نشریه کشاورزی قم در یک نگاه).

آثار خشکسالی در مناطق غربی استان قم همچون خلجستان و کهک بیشتر مشهود است و اکثر قنات‌های این منطقه از ۳۰ تا ۱۰۰٪ خشک شده‌اند اما در برخی دشت‌ها که از منابع آب زیرزمینی استفاده می‌گردد این مخاطرات با تأخیر صورت می‌گیرد، در عین حال با کاهش چشم‌گیر آب قنات و چشمه‌ها و کم شدن ذخیره آب سد ۱۵ خرداد یک تهدید جدید برای بخش کشاورزی محسوب می‌شود، از حوادث دیگر که می‌تواند خطری مهم برای قم به شمار آید بروز سیل است که در برخی ادوار تاریخی شهر قم را در معرض تخریب قرار داده است و بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ش حدود یکمصد سیل در استان جاری شده که شدیدترین آنها در سال ۱۳۵۴ش رخ داد. در بخش جعفرآباد (گازران) بیش از دیگر مناطق سیل جاری می‌شود و هر ساله خساراتی به باغات، زمین‌های کشاورزی و منازل مسکونی وارد می‌سازد. گسل‌های لنگرود، دو چاه، قم، خضر، نبیل، گنداب و قیز تختی قم

را از نظر وقوع زلزله با خطراتی مواجه می‌سازد، زلزله سال ۱۳۵۹ و سال ۱۳۸۶ ش با مقیاس حدود شش ریشتر که مرکز آن بیست کیلومتری قم بود اگرچه تخریب جدی و خسارات جانی به بار نیاورد اما آسیب‌هایی به برخی مناطق مسکونی و اماکن عمومی وارد ساخت.

طبق آمارگیری رسمی آبان ۱۳۵۸ ش جمعیت استان قم به ۱۰۴۶۷۳۷ بالغ می‌گردیده که ۹۸۳۰۹۴ نفر آن در نقاط شهری و ۶۳۶۳۹ نفر در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند از ۹۴۰۰۰۰ جمعیت شش ساله و بالاتر ۸۱۰۰۰۰ نفر باسواد بوده‌اند؛ تعداد دانش‌آموزان مشغول به تحصیل طبق این آمار ۲۲۰۶۵۳ نفر گزارش گردیده است، غالب جمعیت استان را کودکان، نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند و متأسفانه پدیده منفی مهاجرت بر رشد سکنه این استان اثری مشهود گذاشته است (جغرافیای استان قم، ۶۰؛ گزارش آماری آبان ۱۳۸۵).

میراث معنوی، فرهنگی و هنری قم، پس از آنکه اشعریان در اواخر قرن اول هجری به قم هجرت کردند، آتشکده این شهر را خراب کرده و به جایش مسجدی بنا کردند که در حوالی خاک فرج قرار داشت و چون در آن موقع قم از لحاظ خراج تابع اصفهان بود، در این مسجد منبری نبود که به مسجد جامع اختصاص می‌یافت و شهری می‌توانست از چنین مسجدی برخوردار باشد که تابع شهر دیگری نباشد، در سال ۱۸۹ق با کوشش حمزه بن یسع اشعری قم از اصفهان منفک و به صورت کوره (شهرستان) در آمد و در سال ۱۹۵ق در مسجد دزیل یا درپیل (یعنی همان مسجد اولیه) - منبر قرار دادند (تاریخ قم، ۳۸؛ تاریخ مذهبی قم، ۱۲۸).

مسجد امام حسن عسگری علیه السلام، از کهن‌ترین مساجد قم است و برخی گفته‌اند آن را احوص بن اسعد اشعری بنا کرده و گروهی دیگر بر این باورند که ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری آن را در سال ۲۶۵ق بین قم اصلی و گمیدان بنیاد کرد و در هنگام عامل گردیدن یحیی بن اسحاق در سال ۲۹۱ق برایش مناره‌ای ساخته‌اند؛ اما منابعی دیگر و نیز اقوال اهالی متذکر می‌شوند احمد بن اسحاق اشعری استاد شیخ صدوق و نماینده امام یازدهم علیه السلام در قم به دستور آن حضرت و از محل وجوهات شرعی و در آمد موقوفات ائمه علیه السلام این مسجد را احداث کرد (خلاصة الثلثان، صفی الدین قمی، ۱۶۹). پس از آن تاریخ، این بنا را بارها مرمت و نوسازی گردیده و بناهایی بر آن اضافه شده

است، چنانچه در محراب ایوان بزرگ عبارتی دیده می‌شد که نشان می‌دهد کلب علی فرزند استاد سلطان قمی به سال ۱۱۲۹ ق مصادف با حکمرانی شاه سلطان حسین صفوی به تعمیر آن اقدام کرده است. در دوره قاجار نیز نوسازی و بازسازی گردید؛ و در سالیان اخیر به همت دفتر مرحوم آیت الله گلپایگانی بناهای قبلی تخریب و مسجدی با مساحت حدود ۲۵۰۰ متر مربع و اجزاء جدید، احداث گردید که عملیات ساختمانی آن هنوز به طور کامل پایان نیافته است (تربت پاکان، ۱۱۵/۲؛ تاریخ قم، ناصرالشریعه، ۱۴۲؛ آثار تاریخی و فرهنگی استان قم، آقا بابایی، ۱۶۷).

در پنج کیلومتری جنوب شرقی قم مسجد ممتاز، مهم و با برکت و مقدسی وجود دارد که به مسجد مقدس جمکران موسوم است که به سبب انتساب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مسجد صاحب الزمان موسوم بوده و در گذشته از آن به عنوان مسجد قدمگاه هم یاد کرده‌اند. البته این مکان مبارک غیر از مسجدی است که قبل از مهاجرت اشعریان از کوفه در اوایل قرن دوم هجری توسط خطاب اسدی بنا گردید و به تنهایی در آن نماز می‌گذارد. در مکان کنونی مسجد جمکران بر روی سنگ مرمر جای پای بزرگی بوده که گفته‌اند قدمگاه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و زیر آن گودالی است چاه مانند که آن سنگ را بر رویش انداختند وجود دارد. قول مشهور درباره ساخت این بنا آن است که حسن به مسلم جمکرانی در پی رؤیایی که مشاهده می‌کند در سه شنبه ۱۷ رمضان ۳۹۳ هجری خدمت حضرت ولی عصر می‌رسد و در این دیدار دستور ساخت مسجد در مکانی که برگزیده و در آن نشانه‌هایی قرار داده و نماز خاصی دارد، به وی ابلاغ می‌گردد، سپس سید ابوالحسن نامی، از درآمد زمین مزبور که در اختیار حسن بن مسلم بوده، به اضافه وجوهی از اراضی رَهَق ناحیه اردهال کاشان مسجدی را با سقف چوبی احداث می‌کند منشی قمی یادآور شده است میر غیاث الدین میرمیران به هنگام توقف در قریه لنگرود قم در مقام احترام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جمکران اعتکاف می‌کرد، شعری با ماده تاریخ ۱۶۷ ق در دسترس است که به تعمیر مسجد در همین سال اشاره دارد. در اواخر دوره قاجاریه و اوایل روی کار آمدن رضاخان مسجد قدیمی نیمه ویران بود. در برخی ادوار تاریخی عده‌ای از اهل علم و افراد مطلع برای شب زنده‌داری به مسجد جمکران می‌رفتند؛ اما رونق آن در سال‌های اخیر مدیون توجه آیت الله محمدتقی بافقی است که هر شب چهارشنبه به همراه گروهی از طلاب،

پیااده از قم به مسجد می‌رفت و نماز مغرب و عشاء را آنجا اقامه می‌کرد و تا اذان صبح در آنجا مشغول عبادت و تهجد بود و بدین ترتیب توجه مردم را به این مسجد جلب کرد. به استناد اشاره قاضی احمد قمی و کتیبه مورخ ۱۶۷۱ ق مسجد قبل از دوران افشاریه ساخته شده است، در عصر قاجاریه این بنا تعمیر و حجرات، ایوان‌ها و صحن‌هایی بر آن افزوده شد، آیت الله بافقی هم تعمیراتی در آن انجام داد. در سال ۱۳۳۲ ش مسجد جمکران به همت سید محمد آقازاده تعمیر و بعضی قسمت‌های آن تجدید بنا شد و تالاری در جنوب صحن احداث گردید. پس از تشکیل نخستین هیئت امنای مسجد در سال ۱۳۴۹ ش تحت نظارت سازمان اوقاف توجه افزون‌تری به این مکان شد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شورای مدیریت حوزه علمیه قم، اعضای هیئت امنای معرفی کرد و اداره اوقاف نظارت بر امور مسجد را عهده‌دار شد. با توجه به افزایش زیارات و لزوم گسترش بنا، هسته تاریخی مسجد تخریب و با اشراف آیت الله مرعشی نجفی به شکل مربعی علامت‌گذاری گردید، پس از آن با خریداری اراضی زراعی اطرافش، چهل هکتار زمین در اختیار مسجد قرار گرفت، در وضع موجود، مسجد دارای شش ورودی به صحن از شش جهت است که در شمال شرقی آن در محور شبستان اصلی مسجد قرار دارد و در طرفین آن دو مناره به ارتفاع هشتاد و پنج متر دیده می‌شود. مجموعه مسجد جمکران دارای چند حسینیه، بازارچه، زائرسرا، کتابخانه، کتابفروشی، مرکز تبلیغی و فرهنگی و ساختمان اداری است، در طرح مصوب سال ۱۳۸۲ ش برای مجموعه مسجد ۲۵۰ هکتار زمین در نظر گرفته شده که ۳۰۰۰۰ متر مربع آن به مسجد با پنج شبستان اختصاص می‌یابد و بقیه شامل صحن‌ها، ساختمان‌های اداری، خدماتی، فرهنگی و ضمائم دیگر خواهد بود، در طرح جدید تمام ساختمان‌های قبلی جز مسجد مقام (مسجد مرکزی) تخریب می‌گردد. این مسجد سالانه پذیرای حدود پانزده میلیون زائر از سراسر کشور است و معمولاً اغلب علاقه‌مندان در شب‌های چهارشنبه به جمکران می‌آیند (خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، ۳۸؛ نجم الثاقب، ۲۹۴۵؛ تربت پاکان، ۱۶۳/۲؛ دانشنامه جهان اسلام، ۷۴۷/۱۰؛ تاریخ مذهبی قم، ۲۷۲).

مسجد جامع قم از بناهایی است که کمال ثابت قمی، وزیر سلطان مسعود سلجوقی در درون شهر قم آن را احداث کرده است، منابعی دیگر گفته‌اند امیر ابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل سلجوقی شخصیت مقرب و محترمی بود، او باروی قم را بنا کرد و دستور احداث مسجد جامع عتیق قم و بناهای اطراف را

داد. برخی مورخان معاصر گفته‌اند مسجد کمال ثابت در قرن ششم در میان شهر بود که حوادث طبیعی از قبیل سیل و زلزله آن را از بین برده است و یا هجوم قبایل و طوایف موجب ویرانی آن گشته است. صفی‌الدین حسین قمی بنای اولیه مسجد را مربوط به سال ۵۲۸ ه‍.ق می‌داند. بعضی متون تاریخی ضمن آنکه مسجد جامع قم را از مساجد سلوه و سمنان معتبرتر دانسته‌اند بنای آن را به ابوالصّدیق حسنی بن علی بن آدم اشعری به سال ۲۶۵ ه‍.ق نسبت داده‌اند اما قدیمی‌ترین بخشی که اکنون در این مکان قابل مشاهده است از بناهای عصر سلجوقیان می‌باشد؛ دلیل تعدد اقوال این است که مسجد جامع فعلی را با مسجد عتیق یا ابوصدیم یکی دانسته‌اند، در مسجد جامع قم نمونه زیبایی کاشی‌کاری و کتیبه نویسی در (نیمه جنوبی آن) هویدا است که تزئینات مربوط به سال ۱۲۴۸ ه‍.ق می‌باشد؛ جلوه‌های جالب مقرنس‌کاری را می‌تواند در ایوان جنوبی دید که از آثار قرن هشتم هجری است که در عصر صفویه و قاجاریه تعمیر شده است، این ایوان که در جانب قبله است مرتفع‌ترین و عریض‌ترین ایوان مسجد جامع می‌باشد که با قاب خود، گنبد شبستان مسجد را برای کسی که در صحن مسجد ایستاده مخفی می‌سازد، گنبد این مسجد که از نوع یک پوسته و اثری از عصر سلجوقی است از سطح صحن یا میان سرا حدود ۳۰ متر ارتفاع دارد، شبستان‌هایی از عصر صفویه و قاجاریه جزو این مسجد می‌باشد (تاریخی مذهبی قم، ۱۳۶-۱۲۸؛ تاریخ مسجد جامع قم، رضا آقا بابایی و سید حسین قریشی، ۲۵-۲۰).

دیگر مساجد قم عبارتند از مسجد سلماسی، مسجد پنجه علی، مسجد حاج سید صادق، مسجد فیض.

از دیگر بناهای قم که ارزش فرهنگی و تاریخی دارند مجموعه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌باشد؛ در این حرم نیز اماکنی با عنوان مسجد وجود دارند، معروف آنها مسجد بالاسر است که در دوران صفویه از آن به عنوان میهمان‌سرای آستانه استفاده می‌کردند، در دوره قاجارها تجدید بنا گردید و به صورت مسجدی از آن بهره‌برداری شد، در سال ۱۳۳۸ با ضمیمه شدن زمینی که در جهت غربی مسجد بود فضایش افزایش یافت، مسجد طباطبایی دارای گنبدی پنجاه ستونی که به جای صحن زنانه قدیم در جنوب روضه مطهره ساخته شده است، این بنا به همیت فرزند مرحوم حاج آقا حسن قمی بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ ه‍.ق احداث گردید؛ مسجد شهید مطهری به جای موزه قدیم ساخته شده که کاشی‌کاری‌های جالبی دارد.

اولین گنبدی که بر فراز تربت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه بنا گردید، قُبّه برجی شکل از آجر، سنگ و گچ بود که در اواسط قرن سوم هجری زینب دختر امام جواد علیه السلام بر فراز مزار آن بانو ساخت، پس از دفن برخی از بانوان علوی در جوار فاطمه معصومه دو گنبد دیگر در کنار گنبد اول ساخته شد که این سه بنا تا ۴۴۷ ق برقرار بودند؛ در این سال میر ابوالفضل عراقی (وزیر طغرل) به تشویق شیخ طوسی به جای آنها گنبد رفیعی آراسته به تزئینات آجری و کاشی (فاقد ایوان و حجره) بنا نهاد. در سال ۹۲۵ ق به همت شاه بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی، تجدید بنا و سطح خارجی گنبد با کاشی‌های معرق آراسته شد و ایوان رفیع با دو مناره در صحن عتیق بنا گردید. در سال ۱۲۱۸ ق گنبد مَطهر با خشت‌های طلائی تزئین گشت که تا سال ۱۳۸۰ ش باقی ماند که طبق طرحی از این سال تا ۱۳۸۴ ش گنبد تعمیرات اساسی صورت گرفت. مرقد مطهر در اوایل قرن هفتم هجری به فرمان امیر مظفر احمد بن اسماعیل (بزرگ خاندان سلسله مظفری) و با کوشش بزرگ‌ترین استاد کاشی‌ساز آن عصر به کاشی‌های نفیس و زرقام آراسته گردید که در سال ۱۳۷۷ ش با آمیخته‌ای از کاشی و سنگ تجدید بنا شد. در سال ۹۶۵ ق شاه طهماسب صفوی برای مرقد ضریحی آجری همراه منافذی، مزین به کاشی‌های هفت رنگ و کتیبه‌های معرق بنا کرد که در سال ۱۲۳۰ ق فتحعلی شاه قاجار همان ضریح را نقره پوش کرد. در سال ۱۲۸۰ ضریحی از نقره به جای قبلی تهیه و نصب گردید که چندین مرتبه اصلاح و بازسازی شد؛ این ضریح در سال ۱۳۸۰ ش تعویض گردید.

اولین صحنی که در این بارگاه مبارک ساخته شد صحن عتیق نام دارد که شاه بیگی دختر شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ ق بنا نمود، این صحن چهار ایوان دارد: ایوان طلا در جنوب (ورودی صحن به روضه مطهره) با دو مأذنه که به دستور محمدحسین خان شاهسَوَن شهاب الملک در سال ۱۲۸۵، این مأذنه‌ها هم طلاکاری گردید، ایوان شمالی که ورودی مدرسه فیضیه به صحن می‌باشد و ساختمان نقاره‌خانه بر رویش بنا گردیده است، ایوان غربی (ورودی مسجد اعظم به صحن)، ایوان شرقی (رابط صحن اتابکی با صحن عتیق) صحن اتابکی (صحن نو) که دارای چهار ایوان می‌باشد که در هر کدام آنها جلوه‌های هنری و معماری دیده می‌شد. احداث آن به دستور میرزا علی اصغر خان صدراعظم (اتابک اعظم) صورت گرفت که از سال ۱۲۹۵ ق تا ۱۳۰۳ ق طول کشید، ایوان زیبای آینه در جانب غربی آن قرار دارد.

رُواق‌های حرم عبارتند: رواق بالاسر، رواق دارالحفاظ، رواق آینه (شهید بهشتی) و رواق پیشرو. در سمت غرب حرم مسجد اعظم واقع است که کلنگ اول آن در یازده ذیقعد ۱۳۷۳ق به دست توانای مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله علیه بر زمین زده شد، مرقد ایشان در همین مکان قرار دارد، موزه آستانه مقدسه که در سال ۱۳۱۴ش تأسیس شده و ساختمان جدیدش در میدان آستانه واقع گردیده است (پیام آستانه، نشریه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیه، ش ۱۸، فروردین ۱۳۸۵).

از دیگر اماکن مذهبی و زیارتی قم بقعه و بارگاه امامزادگان می باشد که معروفترین آنها عبارتند از: مرقد موسی مُبرِّق فرزندان امام جواد علیه السلام، واقع در ضلع شرقی صحن چهل اختران؛ او نخستین کسی از سادات رضویه است که در سال ۲۵۶ق در قم رحل اقامت افکند و در سال ۲۹۶ق رحلت و در منزل خویش (مزار کنونی) دفن گردید، برخی فرزندان، نوادگان و وابستگان موسی مبرق که به چهل نفر بالغ می گردند در جوار وی در بقعه‌ای با عنوان چهل اختران دفن شده‌اند. این بنا مربوط به عصر صفوی است که به دستور شاه طهماسب صفوی و با هنرمندی استاد سلطان قمی به سال ۹۵۰ق ساخته شده است (انوار پراکنده، محمدمهدی فقیه محمدی، ۴۲۰؛ تاریخ قم، ناصرالشریعه، ۱۱۴).

در خیابان آذر (طالقانی) مقابل مجموعه چهل اختران بقعه امامزاده سید سربخش قرار دارد که از بناهای قرن هشتم هجری است که به دستور غیاث الدین امیر محمد از بزرگان خاندان علی صفی احداث گردیده و تزیینات گچ‌بری آن را علی بن محمد بن ابی شجاع انجام داده است، نام اصلی این امامزاده بنا به نوشته کتیبه درون بقعه، اسماعیل بن محمد بن جعفر صادق علیه السلام می باشد؛ اما منابعی نوشته‌اند نامش محمد بن عبدالله بن حسین بن علی بن محمد بن جعفر صادق علیه السلام است، که گفته‌اند در بغداد به شهادت رسید و پیکرش را به قم انتقال دادند و در این جا دفن کردند. نقل دیگر این است که وی از فضلالی سادات خراسان بود که در زمان سلطان محمد خوارزمشاه مقام نَقیبُ التُّقَبائی را به دست آورد و در یورش مغول‌ها به نیشابور از خود مقاومت نشان داد و با تصرف این شهر توسط آن قوم وحشی به قم آمد اما یکی از فرماندهان مغولی بعد از تخریب باروی قم، وی را به شهادت رسانید و سرش را به دربار حکام مغولی تقدیم کرد به این دلیل به سید سربخش معروفست (تربت پاکان، ۳۶/۲؛ تاریخ قم، ۱۲۰).

در قم چهار امامزاده با عنوان شاهزاده احمد شهرت دارند: (۱) احمد بن اسحاق

در مقابل میدان کهنه (میدان زکریا بن آدم) و در جوار امامزاده شاهزاده حمزه، که بنای اصلی از آثار عصر صفوی است و هنگام سلطنت مظفرالدین شاه بازسازی گردیده است (گنجینه آثار قم، ۲/۴۵۹: ۲) شاهزاده احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام، واقع در بافت قدیم قم و فلکه شاه احمد قاسم، که بنایش از آثار خاندان علی صفی است و آرایش ظریف گچ‌بری آن اثر علی بن محمد بن ابی شجاع است؛ و در واقع گچ‌بری‌های زیبای آن مربوط به سال ۷۸۰ هجری می‌باشد. مرقد امامزاده در میان بنا با کاشی‌کاری نو آراسته گردیده است (بناهای آرامگاهی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۵۲: ۳) شاهزاده ابو احمد، در بیرون دروازه ری در شمال شرقی قم و در میانه بقاع چهار امامزاده و شاه سید علی، واقع، و مدفن ابو احمد محمد بن محمد حَنْفِیَه از احفاد حضرت علی علیه السلام است که در سال ۹۳۲ق تجدید بنا و تزیین شده و دارای بقعه‌ای حاوی آثار هنری از گچ‌بری و کاشی‌کاری است (همان، ۱۵۱: ۴) امامزاده شاهزاده احمد (خاک فرج)، مرکب از سه بنای نزدیک به یکدیگر است و نشانه‌هایی از دوران قبل از صفویه دارد که در سال ۱۲۳۲ق توسط منوچهر خان معتمدالدوله مرمت یافته است. شکل درون بقعه نخست چهار ضلعی، سپس با پیش آمدن گوشواره‌ها هشت گوشه است که در بالا شانزده ضلعی می‌شود، آرایش سقف مقرنس رنگ‌آمیزی و آرایش بدنه گچ‌بری رنگین است (تربت پاکان قم، ۲/۱۳۳۵: همان، ۱۱۶). در جنب آن امامزاده صفورا قرار دارد که می‌گویند از اولاد حضرت علی علیه السلام است (گنجینه آثار تاریخی قم، ۲/۱۳۵۰).

امامزاده شاهزاده احمد و علی حارث در مزار خاک فرج قم شامل بقعه، دو ایوان با چندین حجره، غرفه و صحن است، قاعده بنا از بیرون هشت ضلعی و بدون الحاقات ولی از داخل چهار ضلعی است، این بنا تزئیناتی از عصر صفویه و قاجاریه دارد (بناهای آرامگاهی، ۱۵۳).

امامزاده شاه سید علی فرزند ابراهیم بن ابی جعفر حسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس، واقع در بلوار ۱۵ خرداد که دارای بقعه شامل گنبد، رواق، ایوان صحن و الحاقات دیگر است، از داخل به صورت هشت ضلعی ولی از بیرون گنبدی شلجمی شکل با کاشی دارد. مرقد که داخل ضریحی واقع شده دارای کتیبه و کاشی‌کاری متعلق به عصر قاجاریه است (همان، ۱۶۳: گنجینه آثار تاریخی قم، ۲/۶۲۹).

بقعه چهار امامزاده شهره (ملا بابا) که در کنار امامزاده ابو احمد و شاه سید علی

واقع است، و محل دفن چهار امامزاده به نام‌های ابو عبدالله حسین و سه پسرش ابو محمد حسن، ابو علی محمد و ابوطالب محسن است، نقشه بنا از خارج هشت ضلعی ساده و آجری و داخل به صورت چهار ضلعی است که اصل بنا متعلق به دوره صفویه می‌باشد و در ادوار بعد از آن تعمیراتی صورت گرفته است (بناهای آرامگاهی ۲۶۸).

بقعه شاهزاده ابراهیم در مزدی جان (غرب قم و در خیابانی به نام همین امامزاده) از آثار دوره ایلخانی و مدفن دو تن از فرزندان امام هفتم به نام‌های ابراهیم و محمد است. اصل بنا به قرن هفتم و هشتم هجری تعلق دارد که در دوره‌های بعد تعمیر و گسترش یافته است، گنبد آن کروی شکل می‌باشد (همان، ۱۵۰).

در محل دروازه کاشان و در بخش شرقی شهر، نزدیک مزار درب بهشت و در محوطه محصوره که به عنوان گورستان از آن استفاده می‌شود، ابراهیم مذکور از نوادگان امام هفتم است که با احمد بن موسی (شاه چراغ) اشتراک نَسَب دارد. در این بقعه ابوالعباس احمد از نوادگان امام سجاد نیز مدفون است، نقشه بنا از خارج به صورت هشت ضلعی با طاق نماهایی در هر ضلع است، اما در داخل شکل مربعی دارد، از گچ‌بری و کتیبه کمربندی به خط ثلث برجسته در زمینه گل و بوته بر می‌آید که بانی بنا از بانوان دودمان صفی و گویا همسر خواجه ابراهیم صفی از امرای خاندان صفی و فرمانروای قم و اطراف بوده است (همان، ۱۴۹).

امامزاده ابوالعباس احمد در مجاورت درب بهشت واقع و از آثار قرن هشتم هجری است که شامل بقعه و چهار ایوان کوچک است، تزیینات و کتیبه‌های بنا در گذشته بر اثر عوامل جوّی و مانند آن، از بین رفته است. شخصیت مدفون در این بقعه از سادات حسینی سجادی بوده و جدش ابوالفضل حسین از صحابه امام حسن عسکری علیه السلام و از راویان عادل و مورد اعتماد است، ولی علیه مقتدر عباسی در سال ۳۱۴ هجری قیام کرد ولی موفق نشد (گنجینه آثار تاریخی قم، ۹۴/۱، ۱۳۵۰/۲).

امامزاده علی بن جعفر علیه السلام، قبلاً در بیرون دروازه کاشان و بر جانب شرقی قم واقع بود و بر اثر توسعه شهر و قرار گرفتن گلزار شهدا در کنارش به این بقعه توجه افزون‌تری گردید؛ برخی آن را تربت علی بن جعفر عَرَبِیّی تلقی کرده‌اند که نمی‌تواند درست باشد و او در عَرَبِیّ در حوالی مدینه مدفون شده است و احتمالاً در این جا نواده اش علی بن حسن بن عیسی علوی عَرَبِیّی به خاک رفته

باشد. در برخی منابع، از قُبه علی بن عیسیٰ طلحی نزدیک «دروازه اصفهان» سخن گفته‌اند که همین «دروازه کاشان» بوده و با این مقبره تطبیق می‌کند. در پاره‌ای منابع آمده است حسن بن عیسیٰ از نوادگان امام صادق علیه السلام از مدینه به قم آمد و پسرش علی با او بود که منظور همین شخص می‌باشد. البته محمد بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم العسکری بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر در کنار او دفن گردیده است. فضای داخلی گنبد چهار ضلعی، ولی از بیرون هشت ضلعی است. در سال ۱۳۶۶ ق مقدار از کاشی‌های نفیس آن به سرقت رفت که این ماجرا باعث گردید در سال ۱۳۱۴ ش بقیه کاشی‌ها به موزه آستانه مقدسه قم انتقال یافت. گچ‌بری‌های عالی و محرابی زرین مربوط به قرن هشتم هجری از جلوه‌های جالب و زیبایی این بنا است (نامه قم، ش نهم، ۱۸۱؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ۱۷). بقعه شاهزاده حمزه از احفاد امام هفتم علیه السلام و متوفی در قرن چهارم هجری بنایی است مربوط به نیمه نخستین قرن دهم هجری که در میدان کهنه قم قرار دارد و شامل بقعه تاریخی، رواق مجلل، ایوان، کفش کن، حجرات و صحن‌ها است؛ گنبد آن از آثار قاجاریه است، اما به نظر می‌رسد اصل بنا از جلوه‌های معماری و کاشی‌کاری عصر صفویه باشد (تربت پاکان قم، مدرسی طباطبایی، ۸۹/۲؛ بناهای آرامگاهی، ۱۶۱).

در داخل قم امامزادگان دیگر هم وجود دارند: امامزاده شاه جعفر در خیابان شاه ابراهیم و از نوادگان امام کاظم علیه السلام، امامزاده سید معصوم در انتهای خیابان نیروگاه و از اولاد امام زین العابدین علیه السلام؛ شاهزاده عبدالله از نوادگان امام سجاد علیه السلام که در گذشته به آن شاه زید می‌گفتند: این امامزاده در قلعه صدری و بعد از امامزاده سید معصوم واقع است؛ شاه جعفر غریب در جاده کاشان و نزدیک قبرستان بقیع، از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام؛ بقعه شاه جمال از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام در ابتدای اتوبان اراک؛ و نیز شاه جمال معروف به جمال زینب و شاه جمال غریب از اولاد امام هفتم علیه السلام در مجاور قبرستان بقیع؛ امامزاده ناصرالدین در چهار راه بازار و روبروی درب شمالی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام، از نوادگان امام حسن مجتبیٰ علیه السلام؛ امامزاده سلطان محمد شریف و عزالدین یحیی در خیابان چهارمردان (انقلاب).

در بخش‌ها و روستاهای توابع استان قم نیز ده‌ها بنای زیارتی با جلوه‌های معماری دیده می‌شود، مراقد علمای شیعه، راویان حدیث، بازار قدیم، آب‌انبارها، مدارس علوم دینی، کاروانسراها، پل‌های قدیمی، محوطه‌های باستانی و تپه‌های

تاریخی، تکایا و حسینیه‌ها، خانه‌های قدیمی و جاذبه‌های طبیعی از دیگر آثار دیدنی قم می‌باشد که در این مقاله، مجال پرداختن به آنها نمی‌باشد.

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، هسته اولیه کتابخانه به وسیله آیت الله مرعشی نجفی در نجف اشرف شکل گرفت، ایشان نخست فهرستی از کتاب‌های ارزشمند خطی و چاپی نادر را که در کمتر کتابخانه‌ای یافت می‌شد تهیه کردند که در این راه مشکلات زیادی را متحمل شدند که حتی بر سه خرید یک نسخه خطی با نماینده کنسول انگلیس در عراق درگیر شده و شبی را در زندان سپری کردند. در سال ۱۳۴۱ ایشان به ایران آمدند و مجموعه‌های فراهم شده نیز به ایران انتقال یافت این کتابخانه اول در مدرسه مرعشیه در دو اتاق تأسیس شد سپس در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به طبقه سوم مدرسه مرعشیه کتابخانه جدید گشایش یافت و در سال ۱۳۹۰ قمری برابر با ۱۳۴۵ شمسی کلنگ آن در زمینی به مساحت سه هزار متر مربع روبروی مدرسه مرعشیه به زمین زده شد. و در پانزدهم شعبان ۱۳۵۳ خورشیدی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی با بیش از شانزده هزار جلد کتاب خطی و چاپی افتتاح گردید و در سال ۱۳۵۸ پانصد متر مربع دیگر از زمین‌های سمت غربی کتابخانه را خریداری کردند و به آن ضمیمه نمودند. به علت استقبال بی‌نظیر در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۴ امام خمینی (قدس سره) طی حکمی دولت وقت را موظف نمودند که سریعاً کتابخانه را گسترش دهند و ۲۴۰۰ متر دیگر بر وسعت کتابخانه افزوده شد. این کتابخانه یکی بزرگ‌ترین مراکز فرهنگی بین‌المللی در جهان است که برای تحقیق بخشیدن به اهداف والای بنیانگذار بزرگوار آن از مراکز و واحدها و بخش‌های مختلفی تشکیل شده است که زیر نظر مستقیم تولید و ریاست کتابخانه انجام وظیفه می‌نماید. (جمع‌آوری توسط سایت کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی. www.marashiliry.html).

صنایع دستی قم، فرش ابریشم دستباف قم از نفیس‌ترین صنایع دستی است که از نظر رنگ‌آمیزی و طرح و نقشه اصیل ایرانی و کیفیت آن در دنیا رتبه اول و در کشورهای اروپایی طرفداران بسیاری دارد. بانندگان فرش ابریشم در قم اکثراً زنان هستند.

سفال و سرامیک، این هنر دستی، با سابقه دیرینه خود همچنان در پی این است تا ریشه خود را در دل تاریخ این شهر محکم کند سفال قم در طرح‌های خاص

خود همچنان طرفداران زیادی در داخل و خارج از کشور دارد. **منبت کاری چوب**، نقوش و طرح‌های زیبایی است که بر روی انواع میز و صندلی و صنایع چوبی کنده کاری می‌گردد و این صنعت دستی در قم به دست استادکارانی بسیار ماهر و زبردست ساخته می‌شود و تهیه و صادرات این کالا اغلب به سفارش کشورهای آسیایی و اروپایی صورت می‌پذیرد. **کاشی کاری و معرق**، این هنر اسلامی بسیار زیبا که هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند کار استادانی است که در قم با دستان هنرمند خود فرهنگ اسلامی را به زیبایی در قالب خاک و گل خلق می‌کنند.

ویژگی‌های اقتصادی، با وجود محدودیت منابع آب و خاک‌های بیابانی در قم فعالیت‌های کشاورزی و باغداری رونق خوبی دارد، در اراضی زراعی این استان گندم، جو، پنبه، آفتابگردان، ذرت دانه‌ای، یونجه و سایر گیاهان علوفه‌ای، حبوبات، سبزیجات برگی و غده‌ای به دست می‌آید که سطح زیر کشت آنها به ۶۴۵۶۷ هکتار بالغ می‌گردد. منابع آب بخش کشاورزی غالباً چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، قنات‌ها و چشمه‌ها و مقداری هم از رودخانه‌های فصلی قم رود (اناربار) قره چای و رودخانه‌های محلی زواریان، کبار (وشنوه) فردو، کرمجگان، بیدهند و ابرجس تأمین می‌گردد. حدود سی هزار هکتار از اراضی استان قم به محصولات باغی اختصاص دارد و در باغ‌های این منطقه انواع انگور، انار، انجیر، زیتون، پسته، بادام، گردو، گلابی، به، سیب، گردو، آلو و نیز میوه‌های هسته‌داری چون آلبالو، گیلاس، هلو، زردآلو و گوجه سبز به دست می‌آید. مناطق عمده کشاورزی قم عبارتند از: دست جعفر آباد، دشت قم و حومه، دشت قم رود و دشت قنات. صنایع تبدیلی چون رب کیوی، شربت آلات و عرقیات، روغن پنبه دانه و جوانه ذرت، ترشیجات، کیک، کلوچه و بیسکویت، بسته‌بندی حبوبات و سبزی خشک کنی، خوراک دام و نشاسته سازی در قم رواج دارد که تعداد آنها به حدود ۶۰ واحد می‌رسد.

جنگل‌ها و مراتع قم با شرایط سخت این استان از قبیل کمبود خاک، خشکی هوا، شوری خاک، تغییرات زیاد دما و کمبود مواد آلی سازگاری دارند، پوشش گیاهی گز، بادام و پنبه یا پسته وحشی از این نوع جنگل‌ها می‌باشند. با آنکه تا پایان سال ۱۳۷۵، حدود ۱۵۰۰ هکتار بر فضای سبز استان افزوده شده ولی حتی برآورده نیاز یک چهارم جمعیت هم نمی‌باشد.

مراتع استان با وسعت یک میلیون و ۲۷۰ هزار هکتار در زمره مراتع نیمه بیابانی و استپی معتدل قرار دارد، بوته‌زارها حدود ۹۷٪ از سطح این مراتع را به خود اختصاص داده‌اند و بقیه بیشه‌زار و علف‌زارند، این پوشش گیاهی در حفظ خاک، تعادل محیط زیست، تولید علوفه، تولید محصولات خوراکی، دارویی و غذایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

با توجه به عدم تعرض مرزی، شرایط اقلیمی، نزدیکی به بازار مصرف فرآورده‌های دامی، گله‌داران بزرگی در استان قم به حالت ساکن و کوچ‌رو به وجود آمده‌اند به طوری که ۴۶ تا ۴۷٪ ارزش افزوده بخش کشاورزی به فعالیت‌های دامی مربوط می‌گردد. صنعت طیور نیز به دلیل برگشت سریع سرمایه، سیاست‌های حمایتی در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است، در قم زنبورداری و پرورش کرم ابریشم هم رواج دارد.

بیشترین فعالیت‌های بخش صنعت در قم مربوط به صنایع شیمیایی و سلولزی بوده و از نظر حجم اشتغال و سرمایه‌گذاری در قلمرو صنایع نساجی و پوشاک در رتبه اول قرار دارد. ۲۱۷ واحد صنعتی تحت پوشش اداره کل صنایع و حدود ۲۰ واحد با نظارت جهاد سازندگی مشغول فعالیت‌اند.

استان قم در زمینه صنایع دستی قدمت زیادی دارد و مهم‌ترین آنها سفال، سرامیک، و فرش دست‌بافت است. تولید سوهان و سرامیک از ویژگی‌های بارز این منطقه بوده و این دو کالا جزو سوغاتی‌های مهم آن می‌باشند. هفتاد کارگاه سفال، سرامیک و حکاکی بر روی سنگ و دو هزار کارگاه بافت قالی در نقاط گوناگون قم مشغول فعالیت می‌باشند.

ذخایر معدنی استان قم عبارتند از: منگنز، کائولن، گچ، آهک، نمک، سنگ‌های تزئینی و ساختمانی، باریت، سولفات سدیم و ذخایر نفتی (جغرافیای استان قم، ۳۹-۴۱؛ مجله گزارش، ش ۱۰۷، ص ۱۱-۱۲؛ جزوه کشاورزی قم در یک نگاه؛ قم از نظر اجتماعی، اقتصادی، ۲۳۱).

منابع: گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۱۵۴/۱ و ۱۶۲؛ بحارالانوار، ۲۱۷/۶۰؛ مُعْجَم البُلْدان، ج ۲۹۷/۱؛ گنجینه آثار قم، ۳۹۷/۱؛ خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، ۷۶/۱؛ فتوح البلدان، ۳۸۶ و ۴۰، ۴۳؛ تاریخ طبری، ۹۹۶؛ صورة الارض، ۳۰۴؛ الأعلاق النفیسة، ۱۶۳؛ المسالك و الممالک، ۲۲؛ عیون الاخبار الرضا، ۱۵۲/۲.

نتیجه‌گیری

شهر قم همان‌طور که در مقالات بالا دیده شد، دارای امکانات و ظرفیت‌های مهم و کارساز برای معلولان است. اکنون به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- قم وسط چند استان مهم قرار دارد و راه‌های مواصلاتی به استان‌های تهران، سمنان، اصفهان و مرکزی از قم می‌گذرد. از این‌رو قم را کلید رفت و آمد و دارای موقعیت سوق الجیشی دانسته و شمال به جنوب و شرق به غرب از طریق قم به هم وصل می‌شود.

این وضعیت موجب شد مشاغل متنوع در قم شکل بگیرد و بالقوه آمادگی برای شغل‌های مختلف است.

۲- قم نزدیک پایتخت است و همین ویژگی زمینه‌ساز مشاغل مختلف است.

۳- قم فقط کوهستانی یا فقط دشت نیست بلکه دارای دشت وسیع، کوه‌های بلند و کوهپایه‌های کم ارتفاع است.

هر یک از اینها زمینه‌ساز مشاغل است و می‌توان امور کشاورزی را در دشت اجرا کند، معادن را در کوه‌ها و جهانگردی را در کوهپایه‌ها انجام دهد.

۴- قم دارای تمدن پنج هزار ساله است و آثار سامانه‌ها تمدن و مدنی قدیمی در اینجا وجود دارد.

۵- وجود حرم حضرت معصومه سلام الله علیها موجب رشد و ترقی توریسم مذهبی از سراسر جهان شده است.

۶- مرکز تشیع و دارای نهادهای فرهنگی مذهبی و شیعی است.

۷- مرکز حوزه علمیه شیعه است.

۸- در تولید کتاب و چاپ و نشر کتاب مرکزیت دارد.

۹- دریاچه نمک خودش امکان و زمینه‌ای برای بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی است.

۱۰- معادن سنگ‌های ساختمانی، معادن سنگ آهک و سنگ گچ و آجرپزی دارد.

۱۱- قم دارای معادن سنگ‌های تزئینی و قیمتی مثل کوه عقیق است. معلولان اگر روی همین موضوع کار کنند می‌توانند به درآمد سرشار برسند

۱۲- قم دارای معادن سنگ نمک هم هست که صنعت مهمی در جهان محسوب می‌شود.

۱۳- آثار باستانی از قرن پنجم پیش از میلاد در قم برجای مانده است.

۱۴- امامزاده‌های فراوان و بقعه‌های مذهبی بسیار در قم وجود دارد که زمینه‌ساز درآمد و گسترش اشتغال است.

بالاخره قم از جهات مختلف جواهری است که هنوز کاملاً ابعاد آن شناخته شده نیست. معلولین برای اشتغال می‌توانند از امکانات و ظرفیت‌های این استان به خوبی استفاده کنند. در مقالاتی که آوردیم ویژگی‌های این منطقه کامل توضیح داده شده است.



دفتر فرهنگ معلولين
دار الثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center

اشتغال معلولان در استان قم

به كوشش
مريم قاسمي، مسعود باقري